



مجله علمی - تحقیقی پوهنتون تخار



سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴، شماره مسلسل (۳۶)

سال یازدهم، شماره اول بهار ۱۴۰۴ شماره مسلسل (۳۶)



Takhar University Academic and Research Journal

Volume 11, Issue 1, Spring 2025, Serial Number (36)

وزارت تحصیلات عالی
پوهنتون تخار
معاونیت تحقیقات و مجله علمی
آمریت مجله علمی

مجله علمی - تحقیقی پوهنتون تخار

سال یازدهم، شماره اول،
بهار ۱۴۰۴ هـ. ش / ۱۴۴۶ هـ. ق

حوزه فعالیت
علوم طبیعی و علوم اجتماعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون تخار
معاونیت تحقیقات و مجله علمی
آمریت مجله علمی

صاحب امتیاز: پوهنتون تخار

مدیر مسؤول: پوهاند دکتړ محمد صفر نوری

سرديبر بخش علوم اجتماعي: پوهاند مطيع الله حکيمی

سرديبر بخش علوم طبيعي: پوهنوال مير عظم الدين هاشمی

تعداد صفحات: ۲۱۳

تیراژ: ۸۰

قطع: وزیری ۲۴×۱۷

نمبر ثبت: RCTD – GNJR – 0022 - 23

ISSN: ۳۰۸۱ - ۱۰۹۰

سال آغاز فعالیت: ۱۳۹۴

ناشر: پوهنتون تخار

محل چاپ: ولایت تخار، شهر تالقان

صفحه انترنتی: Email: academicjournal@tu.edu.af

شماره تماس و واتساپ: ۰۷۹۸۰۰۵۸۸۹ - ۰۷۰۷۰۰۵۸۸۹

آدرس: ولایت تخار، شهر تالقان، پوهنتون تخار، آمریت مجله علمی

اعضای هیأت تحریر مجله علمی - تحقیقی

بخش علوم طبیعی

پوهنوال دکتر عبدالرحمن پژواک

پوهنوال دکتر عبدالجمیل نظری

پوهنوال عین الدین امانی

پوهنوال محمدحسن عابدی

پوهنوال عبدالباری اندیشمند

پوهندوی عبدالقدیر نبی زاده

پوهنمل سید شفیع الله عیدی

بخش علوم اجتماعی

پوهنوال احسان الله مشفق

پوهنوال رحیم الله پیمان

پوهنوال محمدقاسم آریا

پوهندوی عبداللطیف فرزام

پوهندوی نجیب الله فایز

پوهندوی عبدالفتاح مجیدی

پوهنمل عبداللطیف خالدیک

کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر برای پوهنتون تخار محفوظ است. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

صحت مطالب مقاله: مسئولیت صحت مطالب مقالات با نویسندگان بوده، اعضای هیئت تحریر در حد بازنگری، اصلاح و ویرایش مقالات را برحسب معیارهای پذیرفته شده به عهده دارد.

رهنمود نگارش و پذیرش مقاله‌ها در مجله علمی پوهنتون تخار

۱. مقاله مطابق معیارهای تحقیق تدوین شده و موضوع آن تازه بوده و تکراری نباشد؛
۲. مقاله باید حاصل تحقیق علمی نویسنده بوده و در نشریه‌های دیگر نشر نشده باشد؛
۳. مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله (طرح مسأله، پرسشها، اهداف، فرضیه، پیشینه و روش کار)، شرح موضوع تحقیق، نتیجه‌گیری، فهرست منابع، و ترجمه چکیده و عنوان مقاله به زبان انگلیسی باشد؛
۴. مقاله در فارمت (word) حروف چینی شده و به آدرس آمریت مجله علمی پوهنتون تخار به صورت رسمی فرستاده شود؛
۵. فاصله خطوط باید ۱,۱۵، فاصله پاراگرافها pt۴، حاشیه صفحه از بالا 3 سانتی متر و از راست، چپ و پایین ۲,۵ سانتی متر باشد؛
۶. مقاله‌های فارسی، پشتو و اوزبکی با قلم Bahij zar، عربی با قلم Traditional Arabic و انگلیسی با قلم TimesNew Roman نگاشته شوند؛

۱. اجزای مقاله

- الف) **عنوان مقاله:** به صورت گویا، رسا و بازتاب‌دهنده محتوای آن باشد؛
- ب) **چکیده مقاله:** شامل بیان مسأله، اهمیت و ضرورت تحقیق، هدف/اهداف، پرسش، روش کار، ابزار، محدوده و خلاصه یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق باشد؛
- ج) **واژه‌های کلیدی:** در انتهای هر چکیده (شامل ۵ تا ۷ واژه اختصاصی مربوط به موضوع بحث) آورده می‌شود.
- د) **مقدمه:** در مقدمه بیان مسأله، اهمیت و ضرورت تحقیق، پیشینه تحقیق (در این بخش، به ترتیب زمانی از نزدیک به دور، تحقیقات مشابه را آورده و یافته‌های آن را یادآوری کنید و در نهایت، تفاوت تحقیق خود با تحقیقات قبلی را به گونه مستدل بیان کنید)، هدف/اهداف، پرسش/پرسش‌ها، فرضیه/فرضیه‌ها بیان می‌گردد (اگر تحقیق کتابخانه‌ای باشد اختیاری و اگر میدانی باشد حتمی است)، روش تحقیق، نوع تحقیق، محدوده تحقیق، جامعه آماری و ابزار تحقیق، یافته‌های تحقیق و سودمندی تحقیق برای جامعه بیان می‌گردد. تمام قسمت‌های مقدمه، بدون عنوان جداگانه و در پاراگراف‌های جداگانه زیر عنوان مقدمه تنظیم می‌شود.

هـ) **پیکره اصلی مقاله:** مقاله دارایی مبانی نظری، بحث، استدلال، تحلیل و تقسیم‌بندی‌های محتوایی باشد.

و) **مناقشه:** نقد یافته‌های تحقیق و سنجش آن با تحقیقات پیشین و با دیدگاه‌ها و نظریات مختلف است. نتیجه‌گیری: باید در بردارنده یافته‌های منطقی و مفید برآمده از حاصل پژوهش حاضر باشد.

ز) **پیش‌نهاد/پیش‌نهاده‌ها:** با توجه به نوع تحقیق، برای محققان آینده یا مخاطبان تحقیق پیش‌نهاد تحقیق بعدی را می‌نماید (در برخی مقاله‌ها، می‌توان از آن صرف نظر کرد).

یادآوری: در تحقیق میدانی این بخش‌ها به ترتیب رعایت شوند: عنوان مقاله، چکیده، مقدمه، مواد و روش تحقیق، نتایج، مناقشه، نتیجه‌گیری و فهرست مآخذ.

ح) **فهرست مآخذ:** در پایان مقاله باید بر مبنای کارشیوه مجله به روش APA، آورده شود.

❖ **کتاب:** نام خانواده‌گی، نام نویسنده/نویسنده‌گان. (سال نشر). نام کتاب، نام مترجم، مصحح،

ویراستار و ... شماره چاپ، محل نشر ناشر. کتابی که مؤلف ندارد، نام مؤسسه مؤلف. (سال نشر). نام کتاب. شماره چاپ، محل نشر: ناشر.

❖ **مقاله:** نام خانواده‌گی، نام نویسنده/نویسنده‌گان. (سال نشر). عنوان مقاله، نام مجله یا مجموعه مقالات، محل نشر، سال نشر، شماره نشر، صفحات نشر.

❖ **پایگاه اینترنتی:** نام خانواده‌گی، نام نویسنده/نویسنده‌گان. آخرین تاریخ و زمان تجدید نظر در ویسایت اینترنتی، عنوان موضوع، تاریخ بازیابی و آدرس سایت اینترنتی.

مرجع تمام نقل قولها (مستقیم و غیر مستقیم) در درون متن باید به صورت زیر ترتیب شود:

نام خانواده‌گی نویسنده/نویسنده‌گان، سال نشر و شماره صفحه با رعایت کامه میان هر کدام و نوشتن ص. یا صص. پیش از شماره صفحه، در درون قوس کمانک () آورده شود:

❖ نقل قول مستقیم باید از ۵ سطر بیشتر نبوده و درون قوس ناخنک « » نگاشته شود و از هر دو طرف حاشیه صفحه به اندازه ۲ سانتی متر به درون صفحه و به صورت جدا از متن نوشته شود.

۱. **ترتیب نگارش اجزای مقاله:** به ترتیب عنوان به اندازه ۱۴ برجسته (Bold) نام نگارنده یا نگارنده‌گان ۱۱، رتبه علمی و نهاد تحصیلی مربوط در پاورقی به اندازه ۱۰، عنوان چکیده به اندازه ۱۳ بولد، متن چکیده در یک پاراگراف ۸ تا ۱۰ سطر به اندازه ۱۱، واژه‌های کلیدی به اندازه

۱۳. برجسته (Bold) (۵ تا ۷ واژه به اندازه ۱۲ به ترتیب حروف نخست واژه‌ها)، عنوان مقدمه و سایر عناوین به اندازه ۱۳ برجسته (Bold)، و متن مقاله به اندازه ۱۲ نگاشته شود.

۲. حجم مقاله: باید هشت تا پانزده صفحه با قطع وزیری با عرض ۱۷ و طول ۲۴ سانتی‌متر باشد.

۳. سرشناسه: عنوان، چکیده و نام نگارنده به زبان انگلیسی در صفحه جداگانه در آخر مقاله نگاشته شود.

۴. یک‌نواختی: تمام بخش‌های مقاله باید به یک شیوه نگارشی تدوین شده باشد؛

۵. هارد و سافت: با ذکر شماره تماس، نشانی برقی و مشخصات نویسنده، به آمریت مجله علمی تسلیم داده شود.

۶. پذیرش: مقاله پذیرفته شده بازگردانده نمی‌شود. اگر نویسنده بعد از پذیرش مقاله، آن را در جای دیگر به نشر بسپارد، مورد بازجویی و پیگرد قانونی قرار می‌گیرد.

یادآوری:

۱. مسؤولیت محتوای مقاله به عهده نویسنده بوده و آمریت مجله در زمینه مسؤولیتی ندارد.

۲. هیأت تحریر مجله در پذیرش و رد مقاله و نیز ویرایش آن بدون تغییر محتوا دست باز دارند.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

بخش اول: مقاله‌های علوم اجتماعی

- آیین شهریارى در کلیلہ و دمنہ / پوهنوال احسان‌الله مشفق و پوهندوى دکتر شرافت الله حقجو ۱
- کارنامه‌های علمی مطیع‌الله حکیمی در زبان‌شناسی / پوهنوال نورالله عاطف و پوهنیار امرالله محمدی ۱۷
- نگرش‌های سیاسی در شعر استاد خلیلی / پوهاند مطیع‌الله حکیمی و پوهنمل سیدعبدالله حبیب‌زاده ۳۸
- د پیر محمد کاروان په اشعارو کې د رومانویت څېړنه / پوهنمل آریانا حقپال ۵۹
- کنترول استراتیژی آموزشی / پوهنمل گلدسته سروری ۷۵
- تاثیر باورهای دینی بر سلوک کارکنان در محیط کار / پوهنمل حسیب‌الله سروری ۸۷
- نقش ادبیات در اعتلای فرهنگ / نامزدپوهنیار نقیب‌الله نقی ۱۰۷
- CODEX CUMANICUS / پوهنمل دکتر نجیب‌الله اکبری ۱۲۱

بخش دوم: مقاله‌های علوم طبیعی

- استفاده از هوش مصنوعی در تولید نباتات مزروعی / پوهاند دکتر محمدصفر نوری و پوهنوال محمداکبر انصاری ۱۴۹
- بررسی مقاومت خمشی اتصالات ولدنگی در گادرهای فولادی / پوهنوال دکتر عبدالرحمن پژواک ۱۶۵
- بررسی نقش توسعه کشت گلخانه‌یی در افزایش عواید دهاقین / پوهنیار نورمحمد کاکر و همکاران ۱۷۷

مقالات بخش علوم
اجتماعی

آیین شهریاری در کلیله و دمنه

پوهنوال احسان الله مشفق و پوهندوی دکنتر سید شرافت الله حقجو

اعضای کادر علمی دیپارتمنت دری، پوهنځی زبان و ادبیات، پوهنتون تخار

چکیده

کلیله و دمنه، از مهم‌ترین آثار ادبی‌ست که در تاریخ زبان فارسی دری نوشته شده است. دقت در پندها و اندرزهایی که در دل داستان‌های این کتاب نهفته است، ذهن خواننده آگاه را به سمت مهم‌ترین رویکردهای معطوف به اخلاق سیاسی و آیین شهریاری می‌کشانند و مهم‌ترین استراتژی‌های سیاسی و اجتماعی را به مخاطبان خود تعلیم می‌دهد. در این مقاله به برخی از شاخص‌های مرتبط به آیین شهریاری پرداخته شده و در مورد شماری از ویژه‌گی‌های شهریاران و حاکمان، همچون دادگری و عدالت‌ورزی، بردباری و خشونت‌پرهیزی، خطاپوشی و بخشش، ریزنی و مشورت در امور، رعیت‌پروری و شایسته‌سالاری و... که در کلیله و دمنه بازتاب یافته، سخن رفته است. اهمیت این پژوهش در این است که به سالکان طریق ادبیات فارسی گوش‌زد می‌کند که نباید با اتکا به نظریه "هنر برای هنر"، مأموریت خود را در کسب تلذذ هنری و پرورش ذوق عاطفی محدود سازند، بل که باید مسایل مرتبط به اندیشه سیاسی و مفاهیم متعلق به سرنوشت فردی و اجتماعی آدمیان را نیز در دل میراث ادبی ما جستجو کنند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که در میان آثار مشهور تاریخ و ادب فارسی، کلیله و دمنه از شمار مهم‌ترین آثاری‌ست که مسأله حاکمیت و شهریاری در آن با شگردهای مختلف مورد مذاقه قرار گرفته است. این پژوهش به روش کیفی و با رویکرد تحلیلی-توصیفی آماده گردیده و در تهیه آن، به آثار نویسندگان و پژوهش‌گرانی که در زمینه تبیین مفاهیم بازتاب یافته در متون کهن فارسی همت ورزیده اند، استناد گردیده است.

واژه‌های کلیدی: اخلاق سیاسی، ادبیات فارسی، اندیشه سیاسی، سیاست، شهریاری، کلیله و دمنه.

Monarchy Method in the Kalileh Wa Demneh

Associate professor Ehsanullah Mushfeq & assistant professor Dr. S. Sharafatullah Haqjo
Academic members of Department of Dari, Faculty of Language and Literature, Takhar University

Abstract

Kalilah wa Demnah” is one of the most important literary works written in the history of Persian language. The precision to the advice of this book draws the mind of the informed reader towards the most important approaches to political ethics and monarchy methods and teaches its audience the most important political and social strategies. This article discusses some of the indicators related to the monarchy method and discusses a number of characteristics of monarchy and dominators, such as justice, tolerance, forgiveness, consultation in matters, which are reflected in Kalilah and demneh. The importance of this research is that it reminds those who follow the path of Persian literature that they should not limit their mission to acquiring cultivating emotional taste by relying on the theory of “art for art”, but rather should also search for issues related to political thought and concepts related to the individual and social destiny of humans in the heart of our literary heritage. The results of this research show that among the famous works of Persian history and literature. Kalilah Wa Demnah is among the most the most important works in which the issue of sovereignty and monarchy has been examined in various ways. This research was prepared using a qualitative method and analytical – descriptive approach and its preparation the works of writers and researchers who have worked hard to explain the concepts reflected in ancient Persian texts were cited.

Keywords: Kalilah and Demnah, Monarchy, Persian literature, politics, political ethics, political thought.

مقدمه

سیاست و شهریارى از اهم مسایل مرتبط به زندۀ گى انسان‌ها در مقاطع مختلف تاریخ به حساب می‌رود. مباحث مرتبط به سیاست و شهریارى در سراسر میراث ادبى حوزهٔ زبانى ما با شگردهای گوناگونى بازتاب یافته و بخشی از محتوای آثار ادبى ما را به خود اختصاص داده است. در این میان اما، برخی از کتاب‌های دیگر وجود دارند که در پهلوى پرداختن به مفاهیم و مباحث دیگر، مرکزى‌ترین مباحث‌شان مرتبط به سیاست‌ورزى و شهریارى‌ست. کلیلۀ و دمنه از شمار چنین آثار به شمار می‌رود.

کلیلۀ و دمنه در پهلوى این که از دید ادبى، یکى از مهم‌ترین و زیباترین متن‌ها در کل تاریخ ادبیات ما شمرده می‌شود، به دلیل این که مفاهیم متنوع و مضامین برجستۀى را در خود جای داده است، از منظر محتوا نیز از ارزش و اهمیت والایى برخوردار می‌باشد و هر گروه و مجموعه، فراخور ذوق و سلیقهٔ خود از آن مستفید می‌گردد. هدف اصلی از انشاء این کتاب، پرداختن به رویکردهای سیاسى، حکمى و اخلاقى است (خطیبى، ۱۳۸۳، ص. ۴۸۱). این اثر ارزشمند، «در دورۀ ساسانى از اصل سانسکریت به پهلوى ترجمه شد؛ در قرن دوم هجرى از پهلوى به عربى برگردان گردید و در قرن ششم هجرى ابوالمعالی نصرالله منشى، آن را به نثرى مزین بازنویسى و تحریر کرد.» (رستگار فسایى، ۱۳۹۴، ص. ۳۶۲).

این مقاله در صدد توضیح و تبیین برخى از شاخص‌های شهریارى و حاکمیت مطلوب که در کلیلۀ و دمنه بازتاب یافته است، می‌باشد.

هدف اصلی پژوهش این است تا نشان دهد که مفاهیم و رویکردهای سیاسى و اجتماعى از جمله مواردی اند که بخشی از درون‌مایۀ متون تاریخی و ادبى ما را به خود اختصاص داده‌اند. در این مقاله سعی بر آن است تا به این پرسش که آیا مفاهیم شهریارى و سیاست مدن در متون ادبى ما، به ویژه در کلیلۀ و دمنه، بازتاب یافته است یا خیر؟ پاسخ ارائه گردد. این کتاب گنجینه‌ی ست‌گران‌بها و ارزش‌مند که با رویکردى مناسب به ارزش‌های مرتبط به آیین شهریارى پرداخته و مخاطبان را به ظرفیت‌های مهمى در زمینهٔ امور سیاسى و اجتماعى آگاه می‌سازد. از بهره‌های کانونى این پژوهش، تحریض و توجه به ضرورت استفادهٔ عملى از سفارش‌های انسانى مطرح‌شده در متون ادبى زبان فارسى، از جمله کلیلۀ و دمنه، است که به نحوى نگاه کاربردى به ادبیات را از نیازهای جوامع ما تلقى می‌کند.

پیشینه پژوهش

در تاریخ زبان و ادبیات فارسی، چندین اثر مستقل، هم چون نصیحةالملوک غزالی، سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک، قابوس‌نامه عنصرالمعالی کیکاووس و... با درون‌مایه سیاست و شهریارگری آفریده شده و تقریباً در تمام آثار ادبی که در قلمرو زبان فارسی و به زبان فارسی نوشته شده، مفاهیم مرتبط به حوزه سیاست و حاکمیت، با میزان‌ها و نسبت‌های متفاوتی بازتاب یافته است.

در مورد مفاهیم سیاسی و اجتماعی بازتاب‌یافته در متون ادبی فارسی، به ویژه در کلیله و دمنه، کارهای زیادی صورت گرفته و مقالات فراوانی نوشته شده است که اینک به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

شیخ لووند، فاطمه و ته‌مینه مستعلی زاده (۱۳۹۵) در مقاله‌ای زیر عنوان "بررسی اخلاق مدیریتی در کلیله و دمنه"، به تبیین پاره‌ای از مفاهیم مرتبط به اخلاق سیاسی و مدیریتی در این کتاب پرداخته و عناصری هم چون دیانت، عدالت، دوراندیشی، دانش و خردمندی را از شاخص‌های مهم اخلاق سیاسی و مدیریتی برشمرده است.

رحمانیان، زینب و ندا نبی زاده اردبیلی (۱۳۹۸) در نوشته‌ای معنون با عنوان "بررسی مقایسوی آراء خواجه نصیر و نصرالله منشی در باره تربیت اخلاقی" پس از پرداختن به مفهوم اخلاق و تربیت و تبیین جایگاه این دو مفهوم در متون اولیه دینی، ضمن توضیح و تشریح برخی از عناصر تربیتی و اخلاقی بازتاب‌یافته در کلیله و دمنه، آن‌ها را به مقایسه گرفته است.

آسمند جوقنانی، علی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای زیر عنوان "مظاهر انحطاط اخلاقی پادشاهان در شاهنامه فردوسی" به خصوصیات شهریاران در شاهنامه پرداخته و ویژگی‌هایی هم چون غرور و تکبر، استبداد رأی، خشم و خشونت‌ورزی، آزمندی و زیاده‌خواهی و... را از مصداق‌های بارز انحطاط اخلاقی پادشاهان تلقی نموده است.

کاوه پیش‌قدم و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهشی زیر عنوان "شاخص‌های کثورداری مطلوب در کلیله و دمنه" پس از توضیح و تشریح مفاهیم مرتبط به اندیشه سیاسی و حکومت‌داری، به برخی از ویژگی‌های مطلوب شهریارگری که از آن‌ها در کلیله و دمنه یاد شده، انگشت گذاشته و آن‌ها را با اتکا به منابع دست‌داشته، شرح و بسط داده‌اند.

حسنی باقری، مهدی و حامد حسین‌خانی (۱۴۰۱) در مقاله "مفهوم و مبانی خرد سیاسی در کلیله و دمنه"، مبانی خرد سیاسی را بر مبنای اندیشه‌های ایران‌شهری شرح و بسط داده و مفاهیم مرتبط به سیاست و خرد سیاسی را در کلیله و دمنه به تحلیل و تجزیه گرفته است.

مفهوم شهرداری و حاکمیت در کلبه و دمنه

کلبه و دمنه کتابی است که مفاهیم سترگ اخلاقی، اجتماعی و سیاسی را در خود جای داده است. شماری از حکایت‌های این کتاب، بیشتر از هر مفهوم و موضوع دیگر، به مسأله سیاست مدن و آیین شهرداری متمرکز است. رعایت موازین اخلاقی هم‌چون عدالت‌ورزی، رعیت‌پروری، ریزنی و مشورت در امور، بردباری و خشونت‌پرهیزی، شایسته‌سالاری، خطاپوشی و بخشش و... از شمار مفاهیم و ارزش‌هایی است که در این کتاب از آن‌ها به عنوان ویژه‌گی‌های مطلوب شهرداری و حاکمیت سخن رفته است.

کلبه و دمنه مطالب ارزنده و مهمی را در زمینه اخلاق، سیاست، جامعه و فرهنگ در خود جای داده است. مهم‌ترین مفاهیم مرتبط به سیاست مدن و آیین شهرداری که در این کتاب به آن‌ها به نحوی پرداخته شده، از این قرار اند:

دادگری و عدالت‌ورزی

عدالت مرکزی‌ترین مفهوم در میان مفاهیم سیاسی و اجتماعی است. در امر سیاست و شهرداری، هیچ مفهومی درشت‌تر و بااهمیت‌تر از مفهوم عدالت نیست. از ویژه‌گی‌های یک شهیار مسؤول این است که در امر اجرای عدالت، قاطع و مصمم باشد. از لازمه‌های اصلی اجرای عدالت، موجودیت قوانین عدالت‌بنیاد است. وجود قوانین عدالت‌بنیاد و تطبیق عادلانه آن، ضامن تأمین و تعمیم عدالت به شمار می‌رود. "عدالت مفهومی است که هم به قلمرو اخلاق و هم به قلمرو سیاست تعلق دارد و از جمله کانونی‌ترین مفاهیم تاریخ اندیشه و نظریه اجتماعی و سیاسی بوده است که هم در مکاتب فکری غرب و هم در سنت فکری ما سابقه دیرینه دارد" (نورایی و یاور، ۱۳۹۲، ص. ۱۰). این مفهوم در نظام اندیشگی اسلام نیز جایگاه ممتازی دارد و در موارد متعدد و سیاق‌های مختلف در قرآن کریم به آن تأکید شده است. تأکید قرآن کریم به دادگری و عدالت‌ورزی تا آن حد است که مخاطبان خود را حتا در تعامل با دشمنان نیز از بی‌توجهی به عدالت برحذر می‌دارد:

وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَانُ قَوْمٍ عَلَىٰ لَا تَعْدِلُوا؛ إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ. (قرآن کریم، المائدة: ۸).

ترجمه: البته نباید دشمنی یک گروه، شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که این کار به پرهیزگاری نزدیک‌تر است.

در تمام نظام‌های حکومتی، عدالت به عنوان یک اصل زرین و مورد پسند، پذیرفته شده است. اما این که افراد و نظام‌ها چه تعریفی از عدالت دارند و کدام نظام سیاسی در اجرای آن‌ها چه اندازه

توفیق دارد، بحث جداست. در سطح تیوری اما، هیچ حاکمیتی منکر ارزشمندی عدالت در امر حاکمیت نیست.

در میراث ادبی زبان فارسی، به ویژه در کتاب‌هایی که به امر سیاست و حاکمیت پرداخته‌اند نیز، توصیه به عدالت و دادگری و اجتناب از ظلم و ستم، در محور توجه نویسندگان بوده است. محوری‌ترین توصیه‌های سعدی در بوستان و گلستان، از غزالی در نصیحةالملوک، از خواجه نظام‌الملک در سیاست‌نامه، و از عنصرالمعالی کیکاووس در قابوس‌نامه به پادشاهان و حاکمان، تمسک به عدالت و احتراز از ستم‌گری می‌باشد. در کلیله و دمنه نیز این مسئله با ظرافت و سبک ویژه‌ای که این کتاب دارد، مورد تأکید قرار گرفته است. پرداختن به عدالت و دادگری و نشان‌دهی جلوه‌های مثبت آن در جامعه از صلب مفاهیم بازآمده در کلیله و دمنه به شمار می‌رود. بر مبنای حکایت‌های کلیله و دمنه، دادگری و تمسک به عدالت، یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که بقای حاکمیت را تضمین می‌کند:

"بقای ملک و استقامت دولت، بی حزم کامل و عدل شامل و رأی راست و شمشیر تیز ممکن نباشد" (ابوالمعالی، ۱۳۸۷، ص. ۲۳۶).

بر مبنای گزاره بالا، قاطعیت در امر تطبیق احکام و قوانین، رعایت عدالت در تمام شؤون شهریاری، سیاست‌گذاری دقیق که در آن عدالت اجتماعی و منافع ملی در نظر گرفته شده باشد و برخورداری از قدرت نظامی که در جای خود، هیبت و صلابت حاکمیت‌ها را به نمایش می‌گذارد، مواردی هستند که "بقای ملک" و "استقامت دولت" بدون رعایت آن‌ها ممکن نیست. در این میان اما، رعایت و تعمیم عدالت در جامعه که در کلیله و دمنه، از آن به "عدل شامل" تعبیر شده است، نسبت به بقیه موارد مهم‌تر و برجسته‌تر می‌نماید. سخن مشهوری از بزرگان روایت شده است که "الناس علی دین ملوکهم". یعنی این که مردم بر سیرت و آیین شهریاران خویش اند. شهریاران، الگوی زنده‌گی برای شهروندان اند. چنانی که شهریاران دادگر و عدالت‌پیشه، بذر عدالت‌ورزی را در جامعه می‌افشانند، حاکمان ستم‌گر و بی‌باک، افراد جامعه را در مسیر ستم‌گری و بی‌باکی قرار می‌دهند. "بحران و نابسامانی‌های شخصیتی و صفات ناپسندیده پادشاهان، هم‌چون بدمنشی، نابخردی، آزمندی، خشم، خودکامگی و... به جامعه منتقل می‌شود و ملک را دچار آشوب می‌کند و نظم و سامان جامعه را برهم می‌ریزد" (آسمند جوتقانی، ۱۳۹۹، ص. ۳). به همین دلیل است که عدالت‌ورزی و دادگری در هر جامعه و کشوری باید از حاکم و امیر آغاز گردد تا شهروندان در برابر عدالت تمکین کنند و از حاکم الگو بگیرند. اگر حاکمی پیوسته از عدالت و دادگری سخن گفت، اما در عمل،

مرتکب ستمگری و عدالت‌کشی شد، بدون هیچ تردیدی، مردم به احکام و سخنان وی وقعی نمی‌گذارند. حاکمیتی که از اعمال هیچ نوع فشار و ستم بر شهروندان خود دریغ نمی‌ورزد و در برابر، از مردم می‌خواهد که مطیع سیاست‌های وی باشند و نظم اجتماعی را رعایت کنند، یا نادان است یا مردم را نادان می‌انگارد. "رعایت عدالت در کشور باید از خود حاکم آغاز گردد تا دیگران آن را سرمشق کار خود قرار دهند. پادشاه یک کشور آن چه می‌گوید، اول خود به آن جامه عمل بپوشاند، بعد انتظار رعایت آن را از جانب دیگران داشته باشد. اگر پادشاه یک مملکت خود به رعایت این اصل بپردازد، پایه و بنیاد حکومت خود را استحکام بخشیده است." (پیشقدم و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۱۰).

"در کلیله و دمنه، پادشاه همه جا با صفت عدل شناخته می‌شود و رعیت زیر سایه عدل او می‌آرامند. چرا که آرامش عمومی در سایه نظام اجتماعی، مرهون عدالت است و بدون آن امکان‌پذیر نخواهد بود. در هر زمان و مکان، بی‌عدالتی و ظلم، منفور خاص و عام بوده و مورد ملامت و مؤاخذه قرار می‌گیرد." (شیخ لووند و مستعلی‌زاده، ۱۳۹۵، ص. ۵).

از آن جایی که رفع ظلم یکی از مظاهر عدالت است، بی‌تفاوتی در برابر ظلم و ستمی که بر مظلوم و افراد تحت ستم می‌رود، به نحوی عدالت‌کشی شمرده می‌شود. این نکته در کلیله و دمنه، در ضمن یک حکایت طولانی، از زبان یک فرد گنهگار و امیدوار به تأمین عدالت نقل می‌گردد:

"هر چند ملک را بنده ام، آخر مرا از عدل عالم آرای او نصیبی باید، که محروم گردانیدن من از آن جایز نباشد و در حیات و پس از وفات امید من از آن منقطع نگردد" (ابوالمعالی، ۱۳۸۷، صص. ۱۳۶-۱۳۵).

بردباری و خشونت‌پرهیزی

بردباری و خشونت‌پرهیزی از برترین ویژه‌گی‌هایی است که هر انسان به ویژه شهریاران و مسؤولین امور باید از آن برخوردار باشند. بردباری تاجی است که بر هر فرقی زینده است، اما بر فرق حاکمان و شهریاران، زیباتر و زیننده‌تر. خداوند بزرگ، قبای فاخر خشونت‌پرهیزی را لایق هر تنی نمی‌سازد؛ فقط بنده‌های نیک و برگزیده خداوند هستند که از این امتیاز بزرگ برخوردار می‌گردند. نرمش، بردباری و خشونت‌پرهیزی در ادبیات قرآنی، "رحمت الهی" توصیف شده است. قرآن‌کریم وقتی از بردباری و شکیبایی پیامبر "ص" صحبت می‌نماید، این صفت را "رحمت الهی" توصیف می‌کند. در منطق قرآن، آنانی که بردبار، نرم‌خوی و خوش‌زبان هستند، در ظل رحمت الهی قرار دارند. در قرآن کریم در مقام خطاب الهی به پیامبر اسلام آمده است:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَنتَ لَهُمْ ۖ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ (قرآن کریم، آل عمران: ۱۵۹).

ترجمه: به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [=مردم] نرم، بردبار (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند.

در گستره ادبیات فارسی دری، از بردباری و خشونت پرهیزی، تحسین و تمجید فراوان صورت گرفته و درشت خوئی و خشم ورزی مذموم تلقی شده است. به گونه مثال در بوستان سعدی، نرم خوئی و بردباری از مهم ترین ویژگی ها برای مسئولین امور و شهریاران برشمرده شده است:

خداوند فرمان و رأی و شکوه	ز غوغای مردم نگردد ستوه
سر پر غرور از تحمل تهی	حرامش بود تاج شاهنشهی
چو لشکر برون تاخت خشم از کمین	نه انصاف ماند نه تقوی نه دین

(سعدی، ۱۳۸۱، ص. ۳۶)

در کلیله و دمنه وقتی از بردباری، ثبات و وقار سخن به میان می آید، این ویژگی را در وجود شهریاران، "زینت درخشنده" و "حلیت تابنده" تعبیر می کند و خشونت پرهیزی را موجب پیش گیری از سقوط حکومت و باعث نجات مردم از هلاکت و تفرقه می داند:

"ثبات و وقار، پادشاهان را زیباتر حلیتی و تابان تر زینتی است؛ چه فرمان های ملوک در دما و فروج و املاک و اموال جهانیان روا باشد، و جواز احکام و نفاذ مثال های ایشان بر اطلاق بی حجاب؛ اگر اخلاق خود را به حلم و دیانت آراسته نگردانند به یک درشت خوئی جهانی خراب شود و خلقی آزرده و نفور گردند، و بسی جان ها و مال ها در معرض هلاک و تفرقه افتد" (ابوالمعالی، ۱۳۸۷، ص. ۳۴۸).

در تاریخ معاصر افغانستان، یکی از آسیب های بزرگی که پیوسته بر پیکر ملت ما وارد شده و موجبات عقب ماندگی کشور ما را فراهم نموده، حکومت های غیر مسئول و حاکمان غیر پاسخ گو به مردم بوده است. این طیف حکومت ها، که عمدتاً از راه های زور و تزویر به میدان می آیند، نابردباری، خشونت ورزی و بیگانگی با پدیده های مبارکی چون تساهل و مدارا از ویژگی های اصلی آنها می باشد. چنین حکومت هایی فقط به منافع زودگذر خود می اندیشند و تحمل شنیدن هیچ گونه صدای خلاف میل شان را ندارند. فقر، بیکاری، بیچاره گی، جهل سالاری، بی اعتنائی به افراد دانا و متخصص و به تبع آن فرار مغزها و استعدادها از کشور، طبیعی ترین پیامد حاکمیت هایی ست که از دل خشونت برمی خیزند و با مدارا و بردباری سر سازگاری ندارند.

بنا بر روایت کلیله و دمنه، سیطره خشم و خشونت بر پادشاه، دروازه‌های فتنه و فجور را بر روی ملک و سرزمین می‌گشاید. به تعبیری دیگر، خشم آگینی و خشونت‌مداری، نتیجه استیلای شیطان فتنه‌گر بر سرزمین وجود آدمی است که زمینه ارتکاب هر فسق و فجوری را مساعد می‌سازد:

"گاهی که خشم بر ملک مستولی شود، شیطان فتنان نیز مسلط گردد" (ابوالمعالی، ۱۳۸۷، ص. ۳۱۹).
"نصر الله منشی ... به لزوم بردباری و فروخوردن خشم تأکید می‌کند. وی نه تنها افراد را به فرو خوردن خشم دعوت می‌نماید، بل که دوستی با افراد زودخشم را نیز جایز نمی‌شمارد (رحمانیان و نبی‌زاده اردبیلی، ۱۳۹۸، ص. ۲۴).

بر مبنای تصریحات نصرالله منشی در کلیله و دمنه، خشونت‌پرهیزی و بردباری نسبت به دیگر ویژه‌گی‌های حاکم و شهریار، از اهمیت بالاتری برخوردار است. کلیله و دمنه به مخاطبان خود می‌آموزد که اگر شهریار از ویژه‌گی‌هایی چون سخاوت و شجاعت برخوردار باشد، ولی قبای حلم و بردباری را آرایه تنش نسازد، کارش به صلاح نخواهد رفت و آتش فتنه خشونت و نابردباری، خواه‌ناخواه، دامن ملکش را فرا خواهد گرفت:

"اگر پادشاهی به سخاوت جهان زرین کند یا به شجاعت ده مصاف بشکند، چون از حلم بی‌بهره بود، به یک عربده همه را باطل گرداند و تمامی لشکر و رعیت را نفرت دهد... و باز حلم بی‌ثبات هم از عیبی خالی نماند، که اگر بسیار مؤونتها تحمل کرده شود و بر اظهار آهستگی مبالغت نماید، چون عاقبت آن به هتک کشد، ضایع و بی‌ثمرت ماند. قال النبی "ص" لا یكون الحليم لعانا" (ابوالمعالی، ۱۳۸۷، ص. ۳۴۹).

و در مقابل، خشونت‌پرهیزی و اجتناب از درشت‌خویی، زمینه صلاح ملک و رعیت را فراهم خواهد کرد و دروازه‌های فتنه و فساد را برخواهد بست:

"و هر پادشاه را که همه ادوات ملک مجتمع باشد، چنان که نه در هنگام عفو و حلم متابعت هوا جایز شمرد و نه در وقت عقوبت و خشم مطاوعت شیطان روا بیند، و بنای اوامر و نواهی او بر بنیاد تأمل و مشاورت آرامیده باشد، ملک او از استیلای دشمنان مصون ماند و از تسلیم خصم مسلم" (ابوالمعالی، ۱۳۸۷، ص. ۳۴۹).

آن هم چگونه خشونت‌پرهیزی؟ خشونت‌پرهیزی بیرون از دایره هوا و خواهشات نفسانی و برخاسته از مشورت با مشاوران و خبرگان.

خطاپوشی و بخشش

احتراز و دوری از عیب‌جویی و عیب‌گویی نیز از شمار مهمترین ارزش‌های انسانی‌ست که در میراث ادبی و فرهنگی ما به گونه وسیع و گسترده بازتاب یافته است. از آشکارترین ارزش‌های انسانی که در سراسر میراث ادبی ما موج می‌زند، رشد روحیه خطاپوشی و اجتناب از عیب‌جویی و عیب‌گویی در وجود آدمی می‌باشد. بدیهی‌ست که این شاخصه ماندگار تربیتی و اخلاقی، از جمله مزایا و محاسن هر انسانی به شمار می‌رود؛ اما حضور این ویژه‌گی، در وجود شهریان، از ارزش‌مندی مضاعفی برخوردار می‌گردد.

یکی از مباحثی که در کتاب کلیله و دمنه آمده، به آن توجه صورت گرفته، ضرورت خطاپوشی و بخشش لغزش‌های دوستان و هم‌کاران است. این موضوع، عمدتاً در مبحث رابطه میان رعایا و شهریان به بررسی گرفته می‌شود. در حکایت‌های کلیله و دمنه، فضا به گونه‌ای شکل گرفته است که اگر رعیت خطایی کرد، در بخشش همیشه باز باشد. البته برخی از گناهانی که امنیت عمومی جامعه را دچار آسیب می‌سازد، در برابر آن باید به گونه‌ای رفتار صورت گیرد که از یکسو، از نظم عمومی حراست گردد و از جانب دیگر، به کسب رضایت شهروندان منتج شود (عزیزی، ۱۳۸۵، ص. ۱۰).

تمسک به خطاپوشی و بخشش نیز، نسبت به هر کس دیگری، سزاوار حاکمان و شهریان است: "ای پسر؛ خویشتن در حیرت و حسرت متفکر مگردان و از فضیلت عفو و احسان بی‌نصیب مباش. فإن العفو لا یزید الرجل الا عزا و التواضع إلا رفعة" و هیچ کس به تأمل و تثبیت از ملوک سزاوارتر نیست" (ابوالمعالی، ۱۳۸۷، ص. ۳۱۹).

بخشش و فروتنی از ویژه‌گی‌هایی‌ست که در وجود هر کسی زیباست. اما، اگر از قدرت‌مندان و گردن‌فرازان سر بزند، "سراسر هنر است" و حسن بیشتر دارد. سعدی گفته بود:

تواضع ز گردن‌فرازان نکوست گداگر تواضع کند، خوی اوست
(سعدی، ۱۳۸۱، ص. ۴۸)

نصرالله منشی نیز با توجه به حسن صدور این ویژه‌گی از شهریان و حاکمان، در ادامه حکایتی، این گونه می‌آورد:

"شیر گفت: چگونه عفو را مجال تواند بود در باب کسی که به قصد در حق من و اهل مملکت من معترف گشت؟ گفت: بقا باد ملک را؛ هر عفو که از کمال استیلا و بسطت و وفور استعلا و قدرت ارزانی باشد، سراسر هنر است، و بدین دقیقه که بر لفظ ملک رفت در آن تفاوتی صورت نبندد، خاصه که گناهکار آن را به توبت و انابت دریافت و به بندگی و طاعت پیش آن باز رفت، البته بیش

مجال انتقام نماند و هر آینه مستحق اغماض و تجاوز گردد. و علما گویند: طلب مخرج از بدکرداری بآبی معتبر است در احسان و نیکوکاری" (ابوالمعالی، ۱۳۸۷، ص. ۳۲۴).

در این حکایت، تأکید بر عفو و بخشش است؛ عفو و بخشش از جانب کسی که از استیلا، قدرت و استعلا لازم برخوردار است. اما عفو و بخشش در حق کسی که از گناه خود اظهار پشیمانی کرده باشد؛ نه در حق آنانی که نه تنها پس از ارتکاب گناه از کرده خود اظهار پشیمانی نمی‌کنند، بلکه با فراهم شدن فرصت، به تکرار مرتکب گناه می‌شوند. مواسات و گذشت با چنین آدم‌هایی که باعث افساد جامعه می‌شوند و پیوسته نظم اجتماع را مختل می‌سازند، نه تنها خوب و پسندیده نیست، بلکه به معنای ستمگری در حق مظلومان و ستمدیدگان است؛ زیرا حفظ نظم و انضباط در جامعه و کسب رضایت مردم از الزامات شهریاری و حکومت‌داری تلقی می‌گردد و یکی از مسائلی که شهریاران را در مسیر به دست آوردن این دو قرار می‌دهد، مجازات مجرمان متکرر و افراد بی‌باک و نظم‌گریز است. در بوستان سعدی می‌خوانیم:

ترحم بر پلنگ تیزدندان ستم‌گاری بود بر گوسپندان
(سعدی، ۱۳۸۱، ص. ۷۶)

رایزنی و مشورت در امور

یکی از مواردی که پیوسته در امر به پیروزی‌رسانیدن تصمیم‌های سیاسی و اجتماعی نقش محوری ایفا نموده است، رایزنی و مشوره با اطرافیان است. رایزنی و مشورت در امور، کلید موفقیت است. تصامیم خودسرانه و تک‌روانه عمدتاً به پیروزی منتهی نمی‌شود و اگر گاهی به پیروز و موفقیت منتهی شود، موجبات اقناع اطرافیان و مردم را فراهم نمی‌سازد. تصامیم برخاسته از مشوره عمدتاً به موفقیت می‌انجامد، حتی اگر به موفقیت هم نینجامد، حد اقل حس نارضایتی را در میان مردم و اطرافیان برنمی‌انگیزد.

"اول الحزم المشوره؛ و پوشیده نماند که مشاورت برانداختن رأی‌هاست و رأی راست به تکرار نظر و تحصین سرّ حاصل آید. ... و ایزد تعالی که پیغامبر را مشاورت فرمود نه برای آن بود تا رأی او را که به امداد الهام ایزدی و فیض الهی مؤید بود و تواتر رأی و اختلاف روح الامین علیه السلام بدان مقرون، مددی حاصل آید، لکن این حکم برای بیان منافع و تقریر فواید مشورت نازل گشت تا عالمیان بدین خصلت پسندیده متعلّی گردند" (عزیزی، ۱۳۸۵، ص. ۵).

از شمار شاخص‌های مرتبط به امر شهریاری و حاکمیت که در کلیله و دمنه به تکرار از آن سخن رفته است، رایزنی و مشورت با اطرافیان و ناصحان می‌باشد. رایزنی و مشورت در امور، در موارد

مختلف و متعدد در کلیله و دمنه، به عنوان یک ضرورت سیاسی و اجتماعی مطرح گردیده و توفیق در امور سیاسی و اجتماعی به آن مربوط دانسته شده است:

"و راه نیست ملوک را از مستشار معتمد و گنجور امین که خزانه اسرار، پیش وی بگشایند و گنج رازها را به امانت و مناصحت وی سپارند و از او در امضای عزایم معونت طلبند که پادشاه اگرچه از دستور خویش در اصابت رأی زیادت باشد و در همه ابواب بر وی مزیت و رجحان دارد و به اشارت او فواید بیند؛ چنان که نور چراغ به مادیت روغن و فروغ آتش به مدد هیزم" (ابوالعالی، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۹).

در کلیله و دمنه، در مورد مشوره با ناصحان و خردمندان تا آن حد تأکید صورت گرفته که افراد خودرأی و بی توجه به مشوره در امور را شریر و نادان خطاب نموده است:

"هر که بی اشارت ناصحان و مشاورت خردمندان در کارها شروع کند، در زمره شریران معدود گردد و به نادانی و جهالت منسوب شود" (ابوالعالی، ۱۳۸۷، ص. ۲۱۰).

و در نهایت، انتخاب وزیر و مشاور حکیم و خردمند از جانب پادشاه، مایه پیروزی در کارها، دلیل فتح و ظفر در کارزارها، شکست دشمنان و شرمساری بدخواهان تعبیر گردیده است:

"و مقرر است که سرمایه همه سعادت‌ها تقدیر آن سری است، اما بقا و نمای آن به خرد و حصافت پادشاه و به اخلاص و مناصحت وزیر متعلق باشد، که چون پادشاه حلیم و عالم باشد و رأی زن حکیم و خردمند داشت که به سداد و غنا و نفاذ و مضا مذکور باشد و به تجربت و ممارست و نیک‌بندگی و شفقت مشهور، در همه کارها مظفر و منصور شود و به هر جانب که روی نهد، فتح و نصرت و اقبال در قفای او می‌رود و همیشه گوش به آواز موکب او می‌دارند و دشمنان را مقهور و منهزم بدو می‌سپارند" (ابوالعالی، ۱۳۸۷، ص. ۳۵۰).

شایسته‌سالاری

از شاخص‌های مهمی که می‌توان با اتکا به آن، در مورد خوبی و زشتی شهریان و اولیای امور داوری کرد، این است که دیده شود چگونه شخصیت‌ها را در مناصب اجرایی می‌گمارند.

آیا مجریان امور، انسان‌های پاک و باتقوی هستند یا عناصر استفاده‌جو و آلوده به فساد؟

آیا مسئولین، در برخورد با رعیت، حسن معاشرت را رعایت می‌کنند؟

آیا در اجراءات و احیاناً در فیصله‌ها و اجرای احکام، جانب عدالت را رعایت می‌نمایند؟

هر حاکم و شهرداری که انسان‌های مودی، فاسد، بی‌تقوا و مردم‌آزار را به امور اجرایی مملکت

می‌گمارد، بر مبنای آموزه‌های کلیله و دمنه، در وظیفه خود دچار خبط و خطا شده است.

بر بنیاد سفارش‌های کلیلۀ و دمنه، مردم‌شناسی و به خدمت گماشتن هرکسی فراخور ظرفیت و توانایی‌هایش، از اهم وظایف شهریاران است. شرح و توضیح این مهم را در کلیلۀ و دمنه این گونه می‌خوانیم:

"عمده حزم پادشاهان شناختن اتباع است و هر یک را در محل و منزلت در اصطناع فرمودن و بر مقاله هنر و کفایت ایشان تربیت کردن. از حقوق رعیت بر ملک آن است که هر یک را به مقوله مروت و یک‌دلی و نصیحت به درجه‌ای رساند و به هوا در مراتب تقدیم و تأخیر نفرماید و کسانی را که در کارها غافل و از هنرها باطل باشند بر کافیان هنرمند و راهیان خردمند، ترجیح و تفصیل روا ندارد که دو کار از عزایم پادشاهان غریب نماید: حلیت سر بر پای بستن و پیرایه پای بر سر آویختن" (ابوالمعالی، ۱۳۸۷، ص. ۶۸).

بر بنیاد این سخن و بر مبنای تجارب ممتد بشری که از مؤیده دینی نیز برخوردار می‌باشد، هر کسی باید در موقعیتی به کار و مأموریت گماشته شود که توانایی انجام آن مسؤولیت را دارا باشد. استخدام و به کارگماشتن افراد ناتوان و غیر مسلکی و ترجیح دادن آن‌ها بر افراد متخصص و کارفهم، به هر عامل و علتی که باشد، هم از دیدگاه دینی و هم از منظر عرف حکومت‌داری، مردود و غیر قابل توجیه است. تمسک به چنین کارها که به گونه قطع، خلاف موازین عقلی و سفارشات دینی است، در تعبیرات کلیلۀ و دمنه، «حلیت سر بر پای بستن و پیرایه پای بر سر آویختن» گفته شده است.

از شاخص‌های دیگری که پادشاهان و شهریاران باید از آن برخوردار باشند، این است که بایستی توانایی‌ها و کارکردهای مثبت زیردستان مورد تحسین و قدردانی قرار گیرد. "پادشاه ... باید سوابق خدمتگاران نیکو پیش چشم دارد و مساعی و مآثر ایشان بر صحیفه دل بنگارد و آن را ضایع و بی‌ثمرت نگرداند" (ابوالمعالی، ۱۳۸۷، ص. ۳۲۰).

بر بنیاد آموزه‌های سیاسی و اخلاقی کلیلۀ و دمنه، یکی دیگر از موازین شهریارى این است که شهریاران نباید سخنان و گزارش‌های منفی و غرض‌آلود افراد ناشایسته و ناتوان را مبنا قرار داده و بر اساس چنین گزارش‌ها متخصصان و شخصیت‌های کاردان و مسلکی را مورد بی‌مهری قرار دهند. "پادشاه...، باید سخن بی‌هنران ناآزموده در بدگفت هنرمندان کافى نشنود، و عقل و رأی خویش را در همه معانی، حکمی عدل و ممیزی بحق شناسد" (ابوالمعالی، ۱۳۸۷، ص. ۳۲۰).

افراد حسود، بخیل و خیانت‌پیشه که از ناتوانی و بی‌لیاقتی خود رنج می‌برند و جز حسادت و خیانت، ویژه‌گی دیگری ندارند، حضور شخصیت‌های لایق و توانمند در یک دستگاه و نظام حکومت‌داری را برای خود هم‌چون خار چشم تلقی می‌کنند و در مجال سبوتاژ و بدنام‌سازی

سیماهای دارای تخصص و تعهد از هیچ نوع تلاش و سعایت دریغ نمی‌ورزند. شهriاران باید از دور و بر خود چنین اشخاص را برانند و نباید به افرادی با این چنین مواصفات، مجال مانور را فراهم سازند. کلیله و دمنه به شهriاران این گونه گوش زد می‌کند: "محاسدت اهل بغی پوشیده نیست، خاصه جایی که اغراض معتبر در میان آمد. و مرغ در اوج هوا و ماهی در قعر دریا و سباع در صحن دشت از قصد بدسگالان ایمن نتواند بود" (ابوالمعالی، ۱۳۸۷، ص. ۳۲۲).

مناقشه

در زمینه بازتاب موضوعات سیاسی و اجتماعی در کلیله و دمنه، به همت نویسندگان و پژوهشگران فارسی زبان، کارهای زیادی صورت گرفته است که به گوشه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

مقاله‌ای زیر عنوان "بررسی اخلاق مدیریتی در کلیله و دمنه"، اثر شیخ لو وند، فاطمه و تهیمینه مستعلی زاده (۱۳۹۵) به توضیح مفاهیم سترگی هم‌چون دیانت، عدالت، دوراندیشی، دانش و خردمندی پرداخته و عناصر یادشده را ذیل شاخص‌های مهم اخلاق سیاسی و مدیریتی برشمرده است.

مقاله "بررسی مقایسوی آراء خواجه نصیر و نصرالله منشی در باره تربیت اخلاقی" که به قلم رحمانیان، زینب و ندا نبی زاده اردبیلی (۱۳۹۸) نوشته شده، پس از توضیح و تشریح برخی از عناصر تربیتی و اخلاقی بازتاب‌یافته در کلیله و دمنه، آن‌ها را به مقایسه گرفته است.

در پژوهشی که زیر عنوان "شاخص‌های کشورداری مطلوب در کلیله و دمنه" به نشر رسیده است، کاوه پیش‌قدم و دیگران (۱۳۹۹) پس از توضیح و تشریح مفاهیم مرتبط به اندیشه سیاسی و حکومت‌داری، به برخی از ویژه‌گی‌های مطلوب شهriاری که از آن‌ها در کلیله و دمنه یاد شده، انگشت گذاشته و آن‌ها را با اتکا به منابع دست‌داشته، شرح و بسط داده‌اند.

حسنى باقرى، مهدى و حامد حسين خانى (۱۴۰۱) در مقاله "مفهوم و مبانی خرد سیاسی در کلیله و دمنه"، عنوان نوشته‌ای است که مبانی خرد سیاسی را بر مبنای اندیشه‌های ایران‌شهری شرح و بسط داده و مفاهیم مرتبط به سیاست و خرد سیاسی را در کلیله و دمنه به تحلیل و تجزیه گرفته است.

تفاوت این تحقیق با آثار قبلی در این است که در تقریباً تمام آثاری که پیش از این، توسط پژوهشگران و نویسندگان مختلف نوشته شده، به گونه کلی به مفهوم سیاست، حاکمیت، اندیشه سیاسی، مبانی خرد سیاسی و مفاهیمی از این دست پرداخته شده و آیین شهriاری و ویژه‌گی‌های حاکمیت مطلوب در کلیله و دمنه مشخصاً مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. در این مقاله، تلاش صورت گرفته تا در پهلوی پرداختن به مفهوم شهriاری و حاکمیت، شماری از ویژه‌گی‌های شهriاری

مطلوب به گونه نظام‌مند نشان‌دهی و بررسی گردد. به همین دلیل، این تحقیق در نوع خود نسبتاً تازه و قابل مکت است.

نتیجه‌گیری

ادبیات به عنوان یکی از زمینه‌های تجلی معارف انسانی، در پهلوی پرداختن به موضوعات فردی و عاطفی، رویکردهای جمعی و سیاسی را نیز از نظر دور نداشته و مباحث بسیار مهمی در این عرصه نیز، در آثار ادبی زبان فارسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. موضوعات مرتبط به اجتماع و سیاست، از جمله مسأله حاکمیت و شهریار، در سلك مفاهیم و مسائلی ست که نویسندگان ما، در طول تاریخ ادبیات فارسی، به آن اهتمام داشته‌اند. کلیله و دمنه به عنوان یکی از مشهورترین و مهم‌ترین آثار ادبی زبان فارسی، در این میدان از شمار مهم‌ترین کتاب‌هاست که رویکردهای سیاسی مرتبط به امر حاکمیت و شهریار، به زیباترین شیوه ممکن، در آن مطرح شده و در معرض دید و داوری واقع گردیده است. شاخص‌ها و رویکردهای مرتبط به حاکمیت و آیین شهریار که در این کتاب مطرح گردیده، عمدتاً دربرگیرنده ویژه‌گی‌هایی هم‌چون: عدالت‌ورزی، خطاپوشی، بخشش، خشونت‌پرهیزی، شایسته‌سالاری، رایزنی و... می‌باشد.

این پژوهش در پهلوی این که به نتایج مهمی از جمله ضرورت استفاده عملی از سفارش‌های انسانی مطرح‌شده در متون ادبی زبان فارسی دست یافته و نگاه کاربردی به ادبیات را نیاز جوامع ما تلقی می‌کند، با محدودیت‌هایی نیز دچار بوده است که نبود منابع معتبر در زمینه شرح و تحلیل متون ادبی، از شمار آن محدودیت‌ها به شما می‌رود. پیش‌نهاد می‌گردد که پژوهش‌گران عرصه ادبیات و تاریخ ما به بازخوانی، بازشناسی، تفهیم و تعمیم مفاهیم انسانی بازتاب‌یافته در میراث ادبی زبان فارسی بیش‌تر از پیش اهتمام و توجه فرمایند، تا باشد که از این طریق، به رشد فضایل اخلاقی و حکمی در جامعه خود ممد واقع گردند.

فهرست مآخذ

قرآن کریم.

آسمند جوفنانی، علی. (۱۳۹۹). «مظاهر انحطاط اخلاقی پادشاهان در شاهنامه فردوسی». پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال دوازدهم، شماره چهل و هشتم. زمستان ۱۳۹۹.

ابوالمعالی، نصرالله منشی. (۱۳۸۸). کلیله و دمنه. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی. تهران: ثالث.

خطیبی، حسین. (۱۳۸۶). فن‌نثر در ادب پارسی. تهران: زوار.

رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۹). *انواع نثر فارسی*. تهران: سمت.
رحمانیان، زینب و ندا نبی زاده اردبیلی. (۱۳۹۸). «بررسی مقایسه‌ای آراء خواجه نصیر و نصرالله منشی در باب تربیت اخلاقی». *پژوهش نامه ادبیات تعلیمی، سال یازدهم، شماره چهل و سوم*. پاییز ۱۳۹۸.

سعدی، مصلح الدین. (۱۳۸۱). *گلستان سعدی*، تهران: الهام.
شیخلو وند، فاطمه و تهمینه مستعلی زاده. (۱۳۹۵). «بررسی اخلاق مدیریتی در کلیله و دمنه». *پژوهش نامه ادبیات تعلیمی، سال هشتم، شماره سی و دوم*. زمستان ۱۳۹۵.
عزیزی، طاهره (۱۳۸۵). «گزیده‌ای از مباحث سیاسی در کلیله و دمنه». *فصل نامه علوم سیاسی، سال نهم شماره ۳۶، تابستان ۸۵*.
کاوه پیشقدم، محمد کاظم و دیگران. (۱۳۹۹). «شاخص‌های کشورداری مطلوب در کلیله و دمنه». *فصل نامه علمی زبان و ادبیات فارسی*. شماره سوم، زمستان ۱۳۹۹.
نورایی، الیاس و مجتبی یاور. (۱۳۹۲). «نسبت اخلاق و سیاست در اندیشه سعدی شیرازی». *پژوهش نامه ادبیات تعلیمی، سال پنجم، شماره هژدهم، تابستان ۱۳۹۲*.

بررسی کارنامه‌های علمی مطیع‌الله حکیمی در گستره زبان‌شناسی

پوهنوال نورالله عاطف^۱ و پوهنیار امرالله محمدی^۲

^۱عضو کادر علمی دیپارتمنت دری، پوهنځی زبان و ادبیات، پوهنتون تخار

^۲عضو کادر علمی دیپارتمنت دری، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون بلخ

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی کارنامه‌های علمی مطیع‌الله حکیمی در گستره زبان‌شناسی معاصر در افغانستان می‌پردازد. هدف این پژوهش، شناسایی کارنامه‌های علمی و جایگاه وی در قطار زبان‌شناسان معاصر افغانستان است. حکیمی یکی از استادان پوهنځی زبان و ادبیات پوهنتون تخار و از زبان‌شناسان معاصر افغانستان به شمار می‌رود که تأثیر قابل توجهی بر توسعه مطالعات زبان‌شناسی در این کشور دارد. مسأله مهم و اساسی تحقیق این است که او با بهره‌گیری از سرچشمه‌های دست اول انگلیسی، رویکرد علمی و دقیق را در تحلیل مسایل زبان‌شناسی و کتاب‌های درسی دانشگاهی کشور داشته است. او در آثارش که شامل هفت کتاب در زمینه زبان‌شناسی می‌شود، به بررسی جنبه‌های گوناگون زبان‌شناسی و دستور زبان فارسی دری پرداخته است. افزون بر این، رساله‌های تحقیقی و مقالات متعدد او در نشریات معتبر علمی ملی و بین‌المللی، موجب گسترش دانش زبان‌شناسی در کشور شده است. پژوهش‌های او عمدتاً بر تحلیل ساختار زبان، بررسی قواعد دستوری و کتاب‌های درسی زبان‌شناسی متمرکز بوده است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی آثار و تألیفات وی پرداخته و جایگاه موصوف را در گستره زبان‌شناسی معاصر کشور تبارز داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کارکردهای زبان‌شناسانه‌ای حکیمی نه تنها در آموزش زبان و تدوین منابع علمی مؤثر بوده، بلکه در تقویت زبان‌شناسی کشور نیز نقش مهمی داشته و راهکارهایی برای بهبود دانش زبان ارایه کرده است. یافته‌های پژوهش واضح ساخت که آثار او به‌عنوان یکی از بنیان‌های مستحکم زبان‌شناسی معاصر در افغانستان، نقش مهمی در تقویت هویت زبانی، تدوین منابع درسی و توسعه پژوهش‌های زبان‌شناسی ایفا کرده است.

واژه‌های کلیدی: آثار، افغانستان، تألیف، زبان‌شناسی معاصر، کتاب درسی.

Mutiullah Hakimi's Academic Contributions in the Field of Linguistics

Associate professor Noorullah Atef^۱ and lecturer Amrullah Mohammadi^۲

^۱ Academic member Department of Dari, Faculty of Language and Literature, Takhar University

^۲ Academic member Department of Dari, Faculty of Education, Balkh University

Abstract

The present study examines the academic contributions of Mutiullah Hakimi in the field of contemporary linguistics in Afghanistan. The research aims to identify his scholarly works and assess his position in Afghanistan's modern linguistic studies. Hakimi, a professor at Takhar University, is considered one of Afghanistan's prominent linguists, having made significant contributions to the development of linguistic studies in the country. The key issue in this research is that Hakimi, by utilizing primary English-language sources, has adopted a scientific and precise approach to analyzing linguistic issues and university textbooks. His works, including eight books on linguistics, explore various aspects of Persian-Dari grammar and linguistic studies. Additionally, his research papers and numerous articles published in reputable academic journals have contributed to the expansion of linguistic knowledge in Afghanistan. His research primarily focuses on language structure analysis, grammatical rules, and the evaluation of linguistic textbooks. This paper employs a descriptive-analytical method to examine his works and assess his status in Afghanistan's contemporary linguistic landscape. The findings indicate that his linguistic contributions have not only been effective in language education and the development of academic resources but have also played a crucial role in strengthening linguistic studies in Afghanistan. His work provides valuable strategies for enhancing linguistic knowledge. The research concludes that Hakimi's works serve as a solid foundation for contemporary linguistics in Afghanistan, significantly contributing to the preservation of linguistic identity, the development of academic textbooks, and the advancement of linguistic research.

Keywords: Afghanistan, works, authorship, contemporary linguistics, textbook

مقدمه

زبان‌شناسی به عنوان یکی از شاخه‌های مهم دانش‌های بشری، همواره نقش بی‌بدیلی در فهم و تحلیل ساختارهای زبانی جامعه ایفا کرده است. در این راستا، پژوهشگران و زبان‌شناسان برجسته با تلاش‌های علمی خود، مباحث پیچیده و متنوعی را در این حوزه گشوده‌اند که به گسترش این دانش کمک شایانی کرده است. در افغانستان، با وجود چالش‌ها و پیچیده‌گی‌های زبانی، پیشرفت‌های در عرصه زبان‌شناسی فارسی دری به‌ویژه در دهه‌های پسین صورت گرفته است. یکی از این شخصیت‌های تأثیرگذار در زبان‌شناسی معاصر افغانستان، استاد مطیع‌الله حکیمی است که آثار و تحقیقاتش، در زمینه زبان‌شناسی، در سطح پوهنتون‌های کشور اهمیت ویژه‌ای دارد. حکیمی با بهره‌گیری از منابع دست اول زبان‌شناسان انگلیسی، توانسته است تحلیل‌های ژرف و دقیقی را در زمینه‌های مختلف زبان‌شناسی ارائه دهد و نیز مباحث پیچیده زبانی را به‌گونه قابل فهم و علمی برای مخاطبان این حوزه تقدیم نماید. و همزمان از آثار زبان‌شناسان حوزه زبان فارسی نیز در آثار خود بهره برده است. این پژوهش‌گر ژرف‌بین و پرکار با بیش از هفت جلد کتاب، چند رساله و چند عنوان مقالات، تأثیر به‌سزایی در پیش‌رفت زبان‌شناسی افغانستان داشته و در زمینه آموزش زبان‌شناسی در پوهنتون‌های این کشور نیز نقشی انکارناپذیر ایفا کرده است.

یکی از ویژه‌گی‌های برجسته پژوهش‌های حکیمی، شیوه تحلیل و کاربرد او در بررسی ساختارهای زبانی است. او نه تنها بهترین تحلیل‌ها را از دیدگاه نظری ارائه کرده، بلکه از مثال‌های گفتاری افغانستان برای تبیین مفاهیم زبانی استفاده کرده است. این روش، مطالعات او را به منابع ارزشمند برای دانشجویان و پژوهشگران تبدیل نموده که می‌توانند با اتکا به این تحلیل‌ها، مسایل زبانی افغانستان را بهتر درک کنند.

مسأله پژوهش

زبان‌شناسی، دانشی است چندوجهی و پیچیده، با نظریات گوناگون که همواره چالش بزرگی برای پژوهشگران، استادان و دانشجویان در سراسر جهان بوده است. با این حال زبان‌شناسی در افغانستان، به عنوان یکی از حوزه‌های علمی بنیادی و اساسی رشته زبان و ادبیات فارسی دری، همیشه با چالش‌هایی همچون کمبود منابع پژوهشی، نبود مطالعات جامع در زمینه دستور زبان و ضعف در تدوین کتاب‌های درسی مواجه بوده است. در چنین شرایطی، نقش پژوهشگران و استادان پوهنتون در توسعه و غنای این حوزه بسیار حایز اهمیت است. یکی از این پژوهشگران، مطیع‌الله حکیمی است

که با تألیف چند کتاب و نگارش مقالات متعدد در زمینه زبان‌شناسی با بهره‌گیری از منابع دست اول و به‌روز انگلیسی، رویکرد علمی و دقیق را در تحلیل مسایل زبان‌شناسی پوهنتون‌های کشور بوجود آورده و سهم به‌سزایی در ارتقای این دانش داشته است. با وجود تأثیر گسترده آثار حکیمی، هنوز تحقیقی از جایگاه علمی و پژوهشی او در گستره زبان‌شناسی صورت نگرفته است. ضرورت بررسی این مسأله از آن‌جا ناشی می‌شود که شناخت و تحلیل کارکردهای علمی پژوهشگران، می‌تواند به تقویت مطالعات زبان‌شناسی و تدوین منابع علمی از جهت آموزش بهتر برای دانشجویان در کشور کمک کند. هدف پژوهش شناسایی کارنامه‌های علمی و جایگاه وی در زبان‌شناسی معاصر افغانستان است بنابراین، پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی تلاش دارد تا ضمن بررسی و تحلیل آثار حکیمی، میزان تأثیرگذاری آن را بر زبان‌شناسی افغانستان ارزیابی کند و به شناخت بهتر روند توسعه این حوزه در کشور یاری رساند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

یکی از چالش‌های اساسی در مطالعات زبان‌شناسی افغانستان، نبود پژوهش‌های علمی جامع و مستند بر سرچشمه‌ها و رویکردهای معتبر جهانی است. بسیاری از تحقیقات انجام‌شده و کتاب‌های درسی نوشته‌شده در این حوزه بر مبنای سرچشمه‌های داخلی محدود بوده و از یافته‌های جدید و نوین زبان‌شناسی غریبان در سال‌های پسین بهره نبرده‌اند. این مسأله باعث شده است که زبان‌شناسی در کشور کمتر با دگرگونی‌های علمی روز همگام باشد و در برخی زمینه‌ها کاستی‌های نظری و حتی ساختاری و ویراستاری برخی کتاب‌ها قابل ملاحظه بوده است. در این میان، حکیمی، یکی از معدود پژوهشگرانی در کشور است که در تألیفات خود از رویکردهای دست اول با دیدگاه‌های نوین غریبان بهره برده و یافته‌های زبان‌شناسی نوین را با مسایل زبانی افغانستان تطبیق داده است. این ویژگی آثار او را از دیگر پژوهش‌های موجود متمایز کرده و این آثار زمینه‌ساز رویکرد علمی‌تر و دقیق‌تر در مطالعات زبان‌شناسی کشور شده است.

این پژوهش از دو جنبه اهمیت بسزایی دارد؛ نخست، از بعد علمی، بررسی کارکردهای زبان-شناسانه‌ی حکیمی می‌تواند به توسعه دانش زبان‌شناسی در کشور کمک کرده و زمینه را برای پژوهش‌های جدید فراهم کند. دوم، از بعد کاربردی، تحلیل کارهای علمی وی می‌تواند به استادان زبان‌شناسی در تدوین برنامه‌های درسی و بهبود شیوه‌های آموزش زبان یاری رساند. بنابراین، انجام این پژوهش لازم و ضروری پنداشته می‌شود.

پرسش‌های پژوهش

الف) پرسش اصلی

۱. حکیمی کیست و چه کارکردهای در مطالعات زبان‌شناسی دارد؟

ب) پرسش‌های فرعی

۱. میزان و نوع استفاده او از سرچشمه‌های زبان‌شناسان غرب چگونه است؟

۲. آثار و پژوهش‌های وی در گستره زبان‌شناسی کدام‌ها اند؟

پیشینه تحقیق

تا هنوز پیرامون فعالیت‌های ادبی و کارکردهای زبان‌شناسانه استاد تحقیق صورت نگرفته است.

زیست‌نامه مطیع‌الله حکیمی

مطیع‌الله حکیمی استاد زبان و ادبیات فارسی دری پوهنتون تخار فرزند غلام نقشبند در ۱۸ جدی سال ۱۳۵۸ در یک خانواده روحانی و متدین در قریه قپان‌گر شهرستان فرخار ولایت تخار چشم به جهان گشود. آموزش‌های نخستین و متداول روز؛ یعنی خواندن، نوشتن، قرائت قرآن‌کریم و اساسات زبان عربی، تفسیر، حدیث و فقه اسلامی را نزد پدر خود فرا گرفت. دوره‌های ابتدایی، متوسطه و لیسه را در لیسه صمیمی شهید در شهر فرخار به پایان رسانیده و در سال ۱۳۷۷ خورشیدی با به‌دست آوردن نمرات اعلی از آن مکتب فارغ گردید.

حکیمی پس از روی کار آمدن اداره موقت، در زمستان سال ۱۳۸۰، بعد از سپری کردن امتحان کانکور به رشته زبان و ادبیات فارسی دری پوهنتون تخار راه یافت و پس از چهار سال دانش‌آموزی، در سال ۱۳۸۴ با نمرات کادری از این پوهنتون فارغ گردید.

نامبرده در زمستان سال ۱۳۸۳ در جریان دانشجویی، با یک گروه از دانشجویان ممتاز پوهنتون‌های کشور، در یک بورس سیاحتی به آلمان رفت و در آنجا افزون بر سیاحت و بازدید اماکن تاریخی، فرهنگی و پوهنتون‌ها، یک دوره دانش‌افزایی را نیز سپری کرد. همچنین با ۱۴ تن از استادان پوهنتون‌های کشور در یک بورس کوتاه‌مدت آموزش روش تحقیق و تدریس به ایالات متحده امریکا رفت و در پوهنتون پوردیو ایالت اندیانا، روش‌های نوین تدریس در پوهنتون و تحقیق علمی را فرا گرفت. این دوره آموزشی و تبادل افکار با استادان امریکایی در کاربرد روش‌های نوین

تدریس در زبان‌شناسی برای ایشان بسیار مفید تمام شد، طوری که استفاده از آن تجارب و روش‌ها تأثیر ژرفی در کار و فعالیت اکادمیک موصوف به جا گذاشت.

پس از فراغت، از سوی استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دری پیشنهاد تقرر در کادر علمی و همکاری تدریس به ایشان داده شد. پس از سپری نمودن امتحان کادری با رتبه نامزد پوهیالی در پوهنتون تخار تقرر حاصل نمود. در حال حاضر دارای درجه تحصیلی ماستری و دارای رتبه علمی پوهاند است. از مدت زده سال بدین سو در پوهنتون تخار به حیث عضو هیأت علمی، فعالیت دارد و تا کنون مضمون‌های گوناگون زبان‌شناسی را در این پوهنتون تدریس نموده و هفت کتاب درسی و مقاله‌ی علمی-تحقیقی در این بخش به نشر رسانیده است.

او به زبان‌های انگلیسی و عربی تسلط کامل داشته و در کارهای تدریسی و پژوهشی خود از سرچشمه‌ها و رویکردهای این دو زبان استفاده کرده است. او چندین سال با جریده تخارستان ارگان نشراتی ریاست اطلاعات و فرهنگ ولایت تخار همکاری داشته و مقاله‌های متنوع ادبی و اجتماعی از ایشان در این نشریه نیز به چاپ رسیده است. هم‌چنان، در پست‌های مختلف اداری دانشکده زبان و ادبیات کار کرده است. از ماه جدی سال ۱۳۹۶ تا ماه دلو ۱۴۰۱ به حیث آمر گروه فارسی دری و از ماه دلو ۱۴۰۱ تا ماه دلو ۱۴۰۳ به حیث رییس دانشکده ایفای وظیفه نموده است. نامبرده در زبان‌شناسی متأثر از آثار چامسکی و پیروان آن بوده و نیز از زبان‌شناسان فارسی دری گرایش به نظریات دبیر مقدم، کورش صفوی و روان شاد استاد یمین داشته است (حکیمی، ۱۴۰۳، مصاحبه).

آثار علمی چاپ شده

مبادی زبان‌شناسی^۱، کتاب درسی (۱۳۹۸)؛

مبادی زبان‌شناسی^۲، کتاب درسی (۱۳۹۸)؛

نحو زبان فارسی دری^۳، کتاب درسی (۱۳۹۸)؛

نحو زبان فارسی دری^۴، کتاب درسی (۱۳۹۸)؛

تاریخ زبان‌شناسی (یک نگاه کوتاه)، کتاب درسی (۱۳۹۸)؛

زبان‌شناسی تاریخی-مقایسی، کتاب درسی (۱۳۹۸)؛

درآمدی بر زبان‌شناسی عمومی، کتاب درسی (۱۳۹۹).

آثار علمی چاپ نشده

گونه‌های زبانی فارسی دری (رساله ترفیعی به رتبه علمی پوهنیار)؛

تحلیل ساختار جمله بر پایه‌ی نظریه‌ی زایا-گشتاری (پایان‌نامه‌ی ماستری)؛
تحول زبان (رساله‌ی ترفیعی به رتبه‌ی علمی پوهنمل)؛
تحلیل ساخت معنایی جمله (رساله‌ی ترفیعی به رتبه‌ی علمی پوهندوی)؛
درآمدی بر زبان‌شناسی (رساله‌ی ترفیعی به رتبه‌ی علمی پوهنوالی)؛
دستور زبان فارسی ۱ (صرف) کتاب درسی دانشگاهی (رساله‌ی ترفیعی به رتبه‌ی پوهاندی).

مقالات علمی-تحقیقی

سیمای عمر فاروق^(رض) در مثنوی مولانا (مقاله‌ی تحقیقی در مجله‌ی اکادمی علوم افغانستان)؛
دو رویکرد جدید در زبان‌شناسی (در مجله‌ی اکادمی علوم افغانستان)؛
حدود جابه‌جایی پسینه‌ی «را» در جمله‌ی هسته‌یی (مجله‌ی اکادمی علوم افغانستان)؛
ویژه‌گی‌های نثر فنی در «المعجم» (مجله‌ی علمی پوهنتون تخار)؛
جهت مجهول فعل در زبان فارسی (مجله‌ی علمی پوهنتون تخار)؛
جایگاه پی‌بست نکره «ی» در گروه توصیفی (مجله‌ی علمی پوهنتون تخار)؛
نقش گشتارها در توصیف ساختار جمله‌های زبان (مجله‌ی علمی پوهنتون تخار)؛
ویژه‌گی‌های دستور زبان از نگاه زبان‌شناسی نوین (مجله‌ی علمی پوهنتون تخار)؛
وجه فعل و کاربرد آن در زبان فارسی دری (مجله‌ی علمی پوهنتون تخار)؛
ویژه‌گی‌های سبکی شعر جمشید شعله (مجله‌ی علمی پوهنتون تخار)؛
امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی (مجله‌ی علمی پوهنتون تخار)؛
رسالت اخلاقی شاعر مسلمان (مجله‌ی علمی پوهنتون تخار)؛
اقبال منادی بیداری و خودآگاهی برای مسلمانان (مجله‌ی علمی پوهنتون تخار)؛
جایگاه زبان و ادبیات فارسی در فرهنگ و تمدن اسلامی (مجله‌ی علمی پوهنتون تخار)؛
تنوع زبانی و فرهنگی پامیرها و نقش آن در جلب توجه محققان و گردشگران بین‌المللی (کنفرانس
جاذبه‌های گردشگری افغانستان، پوهنتون بدخشان)؛
بلخ نگین فرهنگی خراسان و خاستگاه زبان فارسی دری؛ (کنفرانس ام‌البلاد پوهنتون بلخ)؛

In attributive phrases «-ی» The Position of indefinite enclitic

Essence of Grammar according to Modern Linguistic and Afghan
Linguist

Purposes and Techniques of Persian Language Learning by Nonnative speakers in Afghanistan: A case study of Takhar province

بررسی کارنامه‌های علمی زبان‌شناسانه حکیمی

استاد مطیع الله حکیمی از جمله استادان پوهنتون تخار و فرد پرتلاش و محقق در بخش زبان‌شناسی معاصر کشور همیشه برای بهبود تدریس و رشد زبان سعی نموده است. چون زبان‌شناسی مطالعه توانایی انسان در تولید و تفسیر زبان از طریق گفتار و نوشتار است و زبان‌شناس فردی است که ساختار و ترکیب زبان یا زبان‌ها را به صورت روشمند و دقیق بررسی و توصیف می‌کند (آلن، ۲۰۱۶، ص. ۱). این ویژه‌گی زبان‌شناسی در نوشته‌های حکیمی دیده می‌شود. هم‌چنان "هدف زبان‌شناسی مطالعه علمی زبان و توصیف دانش ناخودآگاه اهل زبان است" (فالک، ۱۳۷۲، ص. ۱۹)؛ بی‌تردید حکیمی به چنین هدف پی برده و آثار زیادی در بخش زبان‌شناسی به نشر رسانده است، که اینک به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت:

الف) آثار چاپ شده (کتاب‌های درسی)

۱. مبادی زبان‌شناسی

کتاب مبادی زبان‌شناسی یک منبع جامع برای آشنایی با اصول اولیه زبان‌شناسی است. این کتاب درسی دو جلد در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است. این دو اثر افزون بر مقدمه جمعاً حاوی چهارده فصل است که از فصل اول الی فصل هفتم آن در جلد اول و از فصل هفتم الی چهاردهم در جلد دوم آن نگاشته شده است. جلد اول با مقدمه آغاز شده و فصل اول چستی زبان انسان را به بررسی گرفته است. فصل دوم تاریخچه زبان‌شناسی، فصل سوم نظام نوشتاری، فصل چهارم آواشناسی و واج‌شناسی، فصل پنجم در مورد صرف، فصل ششم نحو زبان، فصل هفتم آن معناشناسی، فصل هشتم که آغاز کتاب مبادی زبان‌شناسی^۱ است پس از مقدمه کوتاه، کاربردشناسی مورد بحث قرار گرفته است، فصل نهم تحلیل گفتمان، فصل دهم در مورد نشانه‌شناسی زبان، فصل یازدهم در مورد تحول زبان، فصل دوازدهم در باره‌ی دسته‌بندی زبان‌ها، در فصل سیزدهم فراگیری زبان مادری و فصل چهاردهم در مورد یادگیری زبان دوم بحث شده است.

از ویژه‌گی‌های این کتاب درسی این است که منابع و اعتبار علمی دارد؛ یعنی کتاب مبادی زبان‌شناسی^۱ از ۴۰ منبع علمی و معتبر مختلف بهره برده است که ۱۲ مورد آن انگلیسی است (حکیمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۸۵). این نشان می‌دهد که نویسنده از منابع معتبر و به‌روز در حوزه زبان‌شناسی استفاده

کرده است. ترکیب منابع فارسی و انگلیسی باعث شده که کتاب هم برای مخاطبان عمومی و هم برای دانشجویان زبان‌شناسی مفید باشد. در کنار این ویژگی از ارزش علمی و کاربردی نیز برخوردار است. زیرا؛ این کتاب می‌تواند یک منبع آموزشی مفید برای دانشجویان زبان‌شناسی، ادبیات و آموزش زبان باشد. همچنین، برای پژوهشگرانی که به دنبال درک بنیادین مباحث زبان‌شناسی هستند، مفید خواهد بود.

بررسی کتاب مبادی زبان‌شناسی^(۲) نشان می‌دهد که ساختار کلی آن علمی و منسجم است و مباحث زبان‌شناسی را به صورت نسبتاً جامع پوشش داده است. با این حال، برخی نقاط قوت و ضعف در محتوا و نگارش آن دیده می‌شود که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد:

پرداختن به موضوعات کمتر مورد بحث در کتاب‌های درسی؛ از قبیل تحلیل گفتمان، که معمولاً در کتاب‌های درسی نویسنده‌گان دیگر مورد توجه قرار نگرفته، در این اثر گنجانده شده است. ارایه و توضیح مناسب و مثال‌های کاربردی زبان کشور از ویژگی‌های مثبت فصل کاربردشناسی است.

همچنان ساختار منظم در مباحث نشانه‌شناسی؛ یعنی این‌که تاریخچه، تعریف نشانه و دیدگاه زبان‌شناسان غربی نشان‌دهنده برخورد علمی با موضوع است. بحث دقیق درباره تحول و دگرگونی زبان با بررسی عوامل درونی و بیرونی تغییرات زبانی و فرآیندهای واجی همراه با مثال‌های روشن از زبان فارسی دری ارزش علمی این بخش را افزایش داده است.

بررسی زبان‌آموزی کودک و یادگیری زبان دوم، با ارایه دیدگاه‌های به‌روز درباره فراگیری زبان در کودکان و تفاوت آن با یادگیری زبان دوم، همراه با مثال‌های فارسی و انگلیسی، نشان‌دهنده رویکرد بین‌المللی کتاب و استفاده از نظریات معتبر در این بخش نشان‌دهنده استناد به منابع معتبر علمی و دانشگاهی است. از ویژگی‌های دیگر این اثر، استفاده از سرچشمه‌های نسبتاً متنوع؛ نویسنده با بهره‌گیری از ۳۹ منبع، از جمله رویکردهای انگلیسی و ترجمه‌های زبان‌شناسان غربی، نشان‌دهنده تلاش برای ارایه محتوای علمی است.

برخی ضعف‌ها نیز قابل ملاحظه است، مثلاً در فصل تحلیل گفتمان، به نظر می‌رسد قبل از ورود به بحث اصلی، ساختار محتوایی آن نیاز به تعریف دقیق‌تری داشته است. البته توضیح معیارهای متن، خوب انجام شده، اما ابتدا چارچوب گفتمان مشخص می‌شد، درک موضوع بهتر می‌گردید. زیرا؛ تحلیل گفتمان در بسیاری از کتاب‌های درسی پوهنتون کشور مورد توجه قرار نگرفته است، از این رو توضیحات و مثال‌ها لازم پنداشته می‌شود. برخی اشتباه تایپی-نگارشی دیده می‌شود (حکیمی، ۱۳۹۸، صص ۶ و ۴۷). در مجموع استفاده بیشتر از منابع دست‌اول، ارایه تعاریف دقیق‌تر در برخی مباحث،

و تنوع بیشتر در مثال‌ها در ویرایش‌های بعدی برطرف شوند، کتاب می‌تواند یکی از منابع مهم و بی‌نظیر برای آموزش زبان‌شناسی در پوهنتون‌ها باشد. ناگفته نباید گذاشت که در حال حاضر نیز کمتر کتاب درسی شبیه این کتاب پیدا می‌شود.

۲. نحو زبان فارسی دری

کتاب درسی نحو زبان فارسی دری در دو جلد، در سال ۱۳۹۸ توسط انتشارات گنج در شهر تالقان منتشر شده است. این اثر به بررسی نحو زبان فارسی دری از دیدگاه زبان‌شناسی نوین پرداخته و شامل ۱۴ فصل است که در دو جلد تقسیم شده است. هر جلد از این کتاب شامل هفت فصل است که موضوعات اصلی نحو زبان فارسی دری را بررسی می‌کند:

فصل اول؛ به بررسی ساختمان زبان و نحو زبان بر اساس نظریات جدید می‌پردازد. همچنین، مفاهیمی مانند توانش زبانی و کنش زبانی را مورد بحث قرار می‌دهد، که این بخش در بسیاری از کتاب‌های دیگر به این تفصیل بررسی نشده است. فصل دوم، واژه‌گان زبان و ساخت‌های گروهی را تحلیل کرده و کاستی‌های نظریه‌ی ساخت‌گرایان در این زمینه را مورد نقد قرار داده است. فصل سوم به بررسی انواع گروه‌های نحوی، از جمله هسته، وابسته و نقش‌های گروه پرداخته و آن‌ها را از دیدگاه زبان‌شناسی نوین تحلیل می‌کند. فصل چهارم، گروه اسمی را با ارایه‌ی مثال‌های متعدد و نمودارهای درختی تحلیل کرده که این روش در درس‌نامه‌های پیشین دیده نشده است. فصل پنجم، گروه فعلی را به‌طور جداگانه بررسی کرده است. فصل ششم، به تحلیل گروه‌های حرف اضافه پرداخته و آن‌ها را با نمودارهای درختی توضیح داده است. فصل هفتم مبحث جمله‌واره (فقره) را بررسی کرده و مثال‌های متعددی برای روشن شدن موضوع ارایه داده است (حکیمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۵۵).

این کتاب از ده منبع دست اول انگلیسی درباره‌ی نحو و زبان‌شناسی استفاده کرده و افزون بر آن، ۴ سرچشمه از زبان انگلیسی ترجمه شده و ۴۰ منبع معتبر زبان فارسی را به کار گرفته است. نویسنده از نظریه‌های زبان‌شناسی نوین، به‌ویژه دستور زایاگشتاری، بهره‌ی وافیه برده است. بررسی نحو زبان فارسی دری با استفاده از نظریه‌های جدید زبان‌شناسی، به‌ویژه نظریه‌ی دستور زایاگشتاری با رویکرد نوین از نقاط قوت و ویژگی خاص این اثر ارزشمند محسوب می‌شود. هم‌چنان استفاده از نمودارهای درختی، برای توضیح گروه‌های نحوی و ارایه‌ی مثال‌های متعدد، که درک مفاهیم را برای خواننده تسهیل می‌دارد، سابقه در پوهنتون‌های کشور ندارد. درکل می‌توان گفت که نویسنده با استفاده از رویکردهای نوین، مباحث نحو را به‌صورت جامع تحلیل کرده است. این کتاب برای پژوهش‌گران

زبان‌شناسی، دانشجویان مقاطع تحصیلات عالی و علاقه‌مندان به مباحث نحو زبان فارسی دری منبعی مفید محسوب می‌شود.

کتاب نحو زبان فارسی دری ۲، افزون بر پیشگفتار و دیباچه کوتاه، در فصل هشتم (که در واقع فصل اول این کتاب محسوب می‌شود) با شناخت جمله و ارکان آن آغاز شده است. در این بخش، هسته و وابسته‌های جمله به صورت کوتاه و جداگانه بررسی شده که در درس‌نامه‌های پوهنتون کشور کمتر دیده می‌شود. فصل نهم به بررسی رابطه‌های نحوی میان جمله‌ها پرداخته است، این بخش نیز در سایر درس‌نامه‌ها مطرح نشده است. اگر در این بخش از مثال‌های بیشتری درباره جمله‌های ناهم‌پایه و گسترده استفاده می‌کرد، برای دانشجویان مفیدتر واقع می‌شد. با این حال، کار استاد در این زمینه کم سابقه است. فصل دهم به گونه‌های جمله اختصاص دارد و هر یک از این گونه‌ها با ارایه مثال فارسی دری توضیح داده است. فصل یازدهم از گونه‌های جمله از دیدگاه معنا بحث کرده است. فصل دوازدهم به ژرف ساخت و گشتارها پرداخته است. این بخشی از کتاب کاملاً نوآورانه است، زیرا؛ استاد حکیمی با تسلط بر زبان انگلیسی، معادل‌های آن را با مثال‌های فارسی ارایه کرده است. ارایه مثال‌های فارسی برای گشتارها در کتاب‌های درسی پوهنتون کشور، بلکه در بسیاری از کتاب‌های دیگر کمتر دیده می‌شود، برای دانشجویان و پژوهشگران بسیار مفید بوده است. فصل سیزدهم به بررسی جمله‌های معلوم و مجهول اختصاص یافته و این موضوع را به طور مفصل تحلیل کرده است. فصل چهاردهم، که آخرین فصل کتاب است، از عناصر پنهان در ساخت جمله بحث کرده و نظریه‌های نوین زبان‌شناسی را در این زمینه گنجانیده است. در حقیقت، می‌توان گفت که این اثر استاد حکیمی در شناخت ساختار جمله زبان فارسی دری از دیدگاه زبان‌شناسی نوین، به‌ویژه در چارچوب دستور زایا-گشتاری، در محیط پوهنتون کشور کم‌نظیر، شاید هم بی‌نظیر باشد. در این کتاب از ۵۰ سرچشمه معتبر استفاده کرده است که از این میان، ۱۰ کتاب به زبان انگلیسی، سه اثر ترجمه شده، و باقی سرچشمه‌های معتبر فارسی دری اند(حکیمی، ۱۳۹۸، ص، ۱۵۳). باید یاد آور شد که وظیفه اصلی زبان‌شناس این است که آنچه را مردم در مورد زبان می‌دانند، توصیف کند(کوک و مارک، ۲۰۰۷، ص. ۱۲). استاد حکیمی در نحو زبان از این ویژگی زبان‌شناس کاملاً برخوردار است و جمله‌های زبان فارسی دری را به اصول زبان‌شناسی توصیف کرده است.

۳. تاریخ زبان‌شناسی (یک نگاه کوتاه)

این کتاب درسی دانشگاهی افزون بر مقدمه، حاوی چهارده فصل است. در فصل اول زبان‌شناسی در هند باستان، فصل دوم زبان‌شناسی آریایی، فصل سوم زبان‌شناسی اسلامی (مطالعه زبان عربی)،

فصل چهارم زبان‌شناسی در یونان باستان، فصل پنجم زبان‌شناسی روم باستان، فصل ششم زبان‌شناسی در قرون وسطی فصل هفتم نوزایی و افق‌های تازه در زبان‌شناسی، فصل هشتم قرن نوزدهم و زبان‌شناسی تاریخی-مقایسی، فصل نهم جنبش نودستوریان، فصل دهم زبان‌شناسی در قرن بیستم، فصل یازدهم در مورد مکتب‌های اروپایی پیرو سوسور، فصل دوازدهم در مورد زبان‌شناسی زایا-گشتاری، فصل سیزدهم زبان‌شناسی شناختی و فصل چهاردهم زبان‌شناسی و دستورنویسی در حوزه رواج زبان فارسی را مورد بررسی قرار داده است. این کتاب درسی دانشگاهی، تاریخ زبان‌شناسی را به‌طور گسترده از کهن تا معاصر پوشش می‌دهد و از نظر محتوایی، ساختار و رویکردها چنین ویژگی‌ها و اندکی کاستی‌ها در آن دیده می‌شود. نقاط قوت آن؛ این اثر از زبان‌شناسی باستان (هند، ایران، یونان، روم) تا مکاتب مدرن را دربر می‌گیرد، این جامعیت، آن را یک سرچشمه مفید برای دانشجویان تبدیل می‌کند. این اثر بر اساس ۳۱ سرچشمه نگاشته شده که شامل هفت سرچشمه انگلیسی، شش اثر ترجمه شده، و چهار کتاب عربی است (حکیمی، ۱۳۹۸، ص، ۱۵۳). این گسترده‌گی نشان از مطالعه بیشتر نویسنده دارد. دیگر از قوت این کتاب این است که از مثال‌های فارسی دری در بحث زبان‌شناسی زایا-گشتاری نیز بهتر ارایه داده شده است. پرداختن به نظریه‌های مهمی، مانند قانون گریم، آرای شلایخر، ساخت‌گرایی و نقش‌گرایی را مطرح کرده که برای دانشجویان زبان‌شناسی ضروری است.

برخی کاستی‌ها در بحث زبان‌شناسی هند باستان است، مثلاً از مثال‌های فارسی معادل کم‌تر دیده می‌شود. در فصل مربوط به مکتب پراگ نیز این مشکل دیده می‌شود. در فصل زبان‌شناسی آریایی‌ها، به تفسیر و ترجمه‌نویسی اشاره شده اما به الفبای اوستا و معادل آن پرداخته نشده است. همچنین در بخش‌هایی مانند زبان‌شناسی قرون وسطی، برخی مثال‌ها بدون ترجمه آورده شده‌اند که ممکن است برای دانشجویان مشکل‌ساز باشد. اگر استاد بزرگوار در ویرایش‌های آینده این کاستی‌ها را برطرف کند و برخی مفاهیم را با توضیحات عمیق‌تری همراه سازد، می‌تواند به یک از منبع بهتر از این تبدیل شود. به هر حال این کتاب یک منبع ارزشمند و جامع برای مطالعه‌ی تاریخ زبان‌شناسی برای دانشجویان و پژوهشگران کشور است، پیش از نشر این کتاب، بسیاری از پوهنتون‌ها کمبود این مواد درسی را احساس می‌کردند.

۴. زبان‌شناسی تاریخی-مقایسی

کتاب زبان‌شناسی تاریخی-مقایسی در سال ۱۳۹۸ توسط انتشارات گنج در شهر تالقان منتشر شده و به‌عنوان یک کتاب درسی دانشگاهی، اثر ارزشمند و کم‌نظیر محسوب می‌شود. این کتاب افزون بر

پیش‌سخن و دیباچه، شامل ۱۳ فصل است که مباحث مختلفی از زبان‌شناسی تاریخی-مقایسی را داشته است. فصل اول کتاب به معرفی شاخه‌های زبان‌شناسی پرداخته است. هرچند این بخش نگاه کلی به موضوع دارد، اما اگر شاخه‌های نوین زبان‌شناسی نیز به آن افزوده می‌شد، کتاب جامع‌تر می‌بود. با این حال، آرایه این مباحث به صورت ساده و عام‌فهم، ارزش آموزشی کتاب را افزایش داده است. فصل دوم تا فصل هشتم، به موضوع تحول و دگرگونی زبان اختصاص یافته است. این بحث، هرچند پیش‌تر در مبادی زبان نیز به صورت کوتاه مطرح شده؛ اما هم‌چنان از اهمیت بالایی برخوردار است. پیشنهاد می‌شود که استاد محترم در آینده کتابی درسی مستقل با عنوان «تاریخ تحول زبان فارسی» تألیف کند؛ زیرا شناخت و تسلط ایشان از زبان می‌تواند اثر جامع و ماندگار در این حوزه ایجاد کند. البته در این زمینه، کتاب تاریخچه تحول زبان فارسی دری از روان‌شاد استاد یمین در پوهنتون‌ها تدریس می‌شود. هرچند این اثر از دیدگاه زبان‌شناسی بی‌طرفانه و علمی نوشته شده، به-ویژه درباره خاستگاه زبان فارسی دری (یمین، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۵)؛ اما از نظر نگارش، دارای اغلاط املائی-تایپی متعددی است. به همین دلیل، برخی دانشجویان مانند شفیع بیریا (دانشجوی زبان و ادبیات فارسی دری پوهنتون بلخ) در صفحه اجتماعی خود به این موضوع مفصل اشاره کرده است (بیریا، ۱۴۰۲، صفحه اجتماعی فیسبوک).

فصل دهم به دسته‌بندی زبان‌ها پرداخته است. فصل یازدهم و دوازدهم خانواده زبانی هندواروپایی را بررسی کرده، کشف و یافته‌های نوین زبان‌شناسی را در این زمینه آرایه داده است. استفاده از جدول‌ها برای دسته‌بندی خانواده‌های زبانی، روش آموزشی مناسبی است که درک این مفاهیم را برای دانشجویان آسان‌تر می‌کند. فصل سیزدهم، به بررسی دیگر خانواده‌های زبانی پرداخته و همراه با جدول‌ها و تحلیل‌های زبان‌شناسانه، اطلاعات جامعی آرایه داده است. منابع و اعتبار علمی کتاب این است که از ۵۰ مأخذ معتبر استفاده کرده است که شامل؛ ۵ سرچشمه انگلیسی، ۹ اثر ترجمه شده و سایر رویکردهای معتبر و ارزشمند فارسی دری می‌باشد (حکیمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۶۱).

۵. درآمدی بر زبان‌شناسی عمومی

کتاب درآمدی بر زبان‌شناسی عمومی، اثر درسی دانشگاهی از استاد مطیع‌الله حکیمی، زبان‌شناس معاصر کشور است. این کتاب علاوه بر مقدمه، شامل هشت فصل است که در پایان هر فصل، چکیده، تمرین و فهرست منابع آرایه شده است.

در فصل اول به موضوعات اساسی زبان‌شناسی عمومی پرداخته که شامل اهداف آموزشی، مطالعه زبان، زبان‌شناسی نوین و تفاوت آن با زبان‌شناسی سنتی، مطالعه توانش زبانی، نظریه عمومی زبان، خاستگاه زبان‌شناسی عمومی و سایر مفاهیم مرتبط است. فصل دوم روش‌ها و نظریه‌های زبان‌شناسی را بررسی می‌کند. فصل سوم به بررسی نظام و ساختار درونی زبان اختصاص دارد و مباحثی چون نظام زبانی، زبان به عنوان یک نظام نشانه، واحدهای ساختار زبان، روابط همنشینی و جانشینی و جایگاه آن‌ها را مطرح می‌کند. فصل چهارم به ساختارهای معنایی و کاربردی زبان پرداخته و موضوعاتی مانند معناشناسی، ساخت معنایی زبان، کاربرد زبان در بافت‌های درون‌زبانی و برون‌زبانی و تحلیل معنای کاربردی را در بر می‌گیرد. فصل پنجم شامل منطق و روان‌شناسی زبان است. فصل ششم به جامعه‌شناسی زبان پرداخته شده است. فصل هفتم سبک‌شناسی زبان که در دیگر کتاب‌های درسی به آن اشاره نشده است. فصل هشتم به عوامل انکشاف زبان پرداخته است، این بخش نیز در بسیاری از درس‌نامه‌ها دیده نشده است (حکیمی، ۱۳۹۹، ص. ۴۴).

این کتاب یک رویکرد جامع برای دانشجویان زبان‌شناسی و علاقه‌مندان به مباحث عمومی زبان‌شناسی است. ساختار آن کاملاً آکادمیک بوده و به صورت منظم روش‌های تحقیق، نظریه‌های زبان‌شناسی و ابعاد مختلف زبان می‌پردازد. البته فهرست مطالب با صفحه‌های کتاب مطابقت ندارد که ویراستار فهرست مطالب آن را پیش از نشر کتاب ویرایش نکرده است. ویژه‌گی‌های مثبت این کتاب درسی از قبیل: ساختار منظم و آموزشی که هر فصل شامل اهداف آموزشی، خودآزمایی و فهرست سرچشمه‌ها است، که باعث می‌شود دانشجویان بتوانند به صورت منظم و بهتر مطالب را یاد بگیرند. هم‌چنان جامعیت مباحث، ترکیب نظریه و کاربرد مثال‌ها نشان‌دهنده تسلط نویسنده بر زبان‌شناسی است.

۶. دستور زبان فارسی^۹

کتاب دستور زبان فارسی اخیراً با هدف ارتقای علمی به رتبه علمی پوهاند تألیف شده است. این اثر ارزشمند، شامل ۹ فصل بوده و افزون بر مباحث صرفی، به واج‌شناسی زبان فارسی دري نیز پرداخته است. دکتر محمد صالح راسخ، استاد نویسنده سطور- یکی از استادان برجسته پوهنتون بلخ، در تقریظ خود چنین نوشته است: حکیمی با به‌کارگیری ابتکار و تجربه چندین ساله تدریس و بهره‌گیری از منابع نوین، اثری نگاشته است که دارای نثر روان، ساده و گیرا بوده و اصول و شیوه‌های نگارش کتاب درسی را به درستی رعایت کرده است (حکیمی، ۱۴۰۳، ص. ۱۷۹). هم‌چنان پوهاند سیدعلی محمد

اشراقی استاد پوهنتون کابل نیز در مورد جایگاه علمی این اثر اظهار داشته است که کتاب دستور استاد یمین در دو دهه اخیر بیست بار به چاپ رسیده، اما باوجود اغلاط املایی، نقص‌های تایپی، و عدم ورود مباحث جدید، همچنان در پوهنتون‌های کشور تدریس می‌شد. کسی جرئت نکرد که کتابی با مفردات جدید جایگزین آن کند، اما حکیمی، به‌عنوان استاد جوان و پرتلاش، پیش‌گام این حرکت شد (حکیمی، ۱۴۰۳، ص. ۸). از خوانش این کتاب چنین به نظر می‌آید که مباحث جدید زبان‌شناسی در حوزه صرف و واج‌شناسی ارزش آن را بلند برده است. همچنان نگارش روان و سلیس، مناسب برای دانشجویان و رعایت اصول علمی و شیوه‌های معیاری کتاب درسی، ویژگی خاص آن شمرده می‌شود. در مجموع این اثر درسی، نوآورانه در حوزه دستور زبان فارسی دری است که با بهره‌گیری از منابع جدید و تجربه تدریس مؤلف، به‌صورت علمی و قابل‌فهم تألیف شده است. با توجه به نظرات مثبت استادان برجسته، این کتاب می‌تواند منبعی ارزشمند برای دانشجویان و پژوهشگران زبان و ادبیات فارسی دری باشد. در این کتاب از ۸۶ سرچشمه معتبر علمی جهانی استفاده کرده است که ۹ منبع آن از زبان انگلیسی است که به تازه‌گی از سوی انتشارات سعید زیور چاپ یافته است.

ب) آثار چاپ نشده (کتاب‌های درسی)

۲. تحلیل ساختار جمله بر پایه‌ی نظریه‌ی زایا-گشتاری

تحلیل ساختار جمله بر پایه‌ی نظریه‌ی زایا-گشتاری، اثر تحقیقی (پایان‌نامه ماستری) استاد حکیمی، یکی از پژوهش‌های مهم در حوزه زبان‌شناسی است که به بررسی ساختار جمله از دیدگاه نظریه زایا-گشتاری می‌پردازد. این اثر، افزون بر پیش‌سخن و چکیده، شامل هفت بخش اصلی است که هر یک جنبه از این نظریه را تحلیل و تبیین می‌کند. بخش نخست به کلیات پژوهش اختصاص دارد. در بخش دوم، مبانی نظری زایا-گشتاری مورد بحث قرار گرفته و پیشینه این نظریه، اصول بنیادین و دیدگاه‌های کلیدی آن تشریح شده است. بخش سوم به ویژگی‌های ساختاری جمله می‌پردازد. در بخش چهارم، ژرف ساخت جمله و عناصر تشکیل‌دهنده آن تحلیل شده است. این بخش به بررسی ساختارهای زیرین جملات و روابط بین مؤلفه‌های آن اختصاص دارد. بخش پنجم به گشتارها پرداخته و نقش آن‌ها را در تغییر و تحول ساختار جمله بررسی کرده است. در بخش ششم، روساخت جمله و سازه‌های آن تحلیل شده و نشان داده است که چگونه تغییرات گشتاری به تولید روساخت نهایی جمله منجر می‌شوند. در نهایت، بخش پایانی به بررسی رابطه‌های نحوی و معنای جمله اختصاص دارد و نقش گشتارها در انتقال معنا و ارتباط میان واحدهای نحوی و مفهومی را بررسی می‌کند. این اثر تحقیقی که بیش از ۲۰۰ صفحه دارد، به‌عنوان یکی از پژوهش‌های ارزشمند در حوزه زبان‌شناسی،

نه تنها درک ژرف تری از ساختار جمله ارایه می دهد، بلکه می تواند به عنوان منبعی مفید برای پژوهشگران و علاقه مندان به حوزه نحو و نظریه های زبانی مورد استفاده قرار گیرد.

۳. تحلیل ساخت معنایی جمله

رساله تحقیقی «تحلیل ساخت معنایی جمله» برای ترفیع علمی به رتبه پوهندوی تدوین شده است. این رساله که در حوزه معناشناسی جمله قرار می گیرد، با رویکردی علمی و تحلیلی به بررسی ابعاد مختلف ساخت معنایی جمله پرداخته و جایگاه آن را در زبان شناسی مدرن تبیین می کند. پژوهنده پس از ارائه کلیات تحقیق، در نخست، ساخت معنایی جمله تحلیل شده و اصول بنیادین معناشناسی در سطح جمله را تشریح می کند. سپس به معناشناسی جمله اختصاص دارد که در آن، رویکردهای مختلف در تحلیل معنایی جملات بررسی و دسته بندی شده است. به دنبال آن پیوند ساخت معنایی جمله تحلیل شده و نشان داده می شود که چگونه ساخت معنایی با ساختار منطقی جمله ارتباط دارد. در بخش پایانی، روابط مفهومی جمله بررسی شده و ارتباط میان مفاهیمی مانند هم معنایی، تضاد معنایی، شمول معنایی و ایهام تبیین می شود. این رساله، که بیش از ۱۵۰ صفحه دارد، پژوهش ارزشمند در حوزه معناشناسی زبان محسوب می شود و می تواند به عنوان رویکرد مفید برای پژوهشگران و دانشجویان زبان شناسی، به ویژه در حوزه تحلیل معنایی جمله، مورد استفاده قرار گیرد.

۴. تحول زبان

رساله تحقیقی «تحول زبان»، که برای ترفیع به رتبه علمی پوهنملی تدوین شده، اثر دیگر از استاد حکیمی ست. این پژوهش به بررسی جنبه های گوناگون تحول زبان پرداخته و چگونگی تغییر و دگرگونی زبان را در گذر زمان تحلیل می کند. پس از ارائه کلیات تحقیق، در بخش های بعدی، موضوع تحول زبان به صورت جامع بررسی می شود. در بخش نخست، مفهوم تحول زبان مورد بحث قرار گرفته و دیدگاه های مختلف درباره چگونگی تغییرات زبانی ارایه شده است. بخش دوم به عوامل تحول زبان اختصاص دارد که در آن، تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، سیاسی و... بر تغییرات زبانی تحلیل شده است. هم چنان ویژه گی ها و بخش های تحول زبان نیز بررسی شده و جنبه های مختلف این تحول، از تغییرات آوایی و واژگانی گرفته تا دگرگونی های نحوی و معنایی، مورد مطالعه قرار گرفته است. بخش اخیر به تأثیر گویش واژه ها در مسیر تحول زبان پرداخته و نقش تنوع زبانی و وام گیری از زبان های دیگر در پویایی و تغییر زبان تبیین شده است. این رساله که بیش از ۱۰۰ صفحه دارد، یکی از پژوهش های ارزشمند در حوزه زبان شناسی تاریخی و دگرگونی زبانی به

شمار می‌رود و می‌تواند یک سرچشمه‌ی مفید برای دانشجویان و علاقه‌مندان به تحول زبان و عوامل مؤثر بر آن مورد استفاده قرار گیرد.

ج) مقالات علمی-تحقیقی

۱. حدود جابه‌جایی پسینه‌ی «را» در جمله‌ی هسته‌یی

در این تحقیق زبان‌شناس معاصر کشور در مورد پسینه‌ی «را» پرداخته است. چنین دریافت می‌شود که در جملات هسته‌ی (مشتق)، پسینه «را» زمانی پس از مفعول مستقیم قرار می‌گیرد که بخشی از فقره هسته باشد و توسط فقره وابسته وصف شود. این ساختار با شَمّ زبانی گویشوران فارسی سازگار است و فهم جمله را آسان می‌کند؛ اما استفاده از پسینه «را» پس از فقره وابسته که در میان برخی گویندگان رسانه‌ها رایج است، نادرستی است و فهم جمله را دشوار می‌سازد (حکیمی، ۱۳۹۵، ص. ۶). از این رو برای پژوهشگران، دانشجویان و استادان مطالعه این مقاله خیلی مهم تلقی می‌شود.

۲. جهت فعل مجهول در زبان فارسی

این تحقیق نشان می‌دهد که جهت فعل و فرایند مجهول‌سازی از عناصر مهم در ساختار جمله‌های فارسی دری هستند و در موقعیت‌های مختلف زبانی نقش ویژه دارند. فعل متعدی در زبان فارسی دری دو جهت دارد، یک جهت معلوم و جهت دیگر مجهول. روساخت مجهول در اثر به کار بستن گشتار مجهول به دست می‌آید (حکیمی، ۱۳۹۶، ص. ۱۳). خواندن این تحقیق برای دانشجویان و پژوهشگران زبان خیلی مفید واقع می‌شود.

۳. نقش قواعد گشتاری در توصیف ساختار جمله

محقق در این پژوهش نشان داده است که در دستور گشتاری، هر جمله دو ساخت دارد؛ ژرف ساخت که درونی و انتزاعی است و روابط معنایی عناصر جمله را نشان می‌دهد، و روساخت که صورت عینی و خارجی جمله است و پس از پردازش ذهن به گفتار یا نوشتار تبدیل می‌شود. ژرف ساخت با به کارگیری دگرگونی‌هایی به روساخت تبدیل می‌شود. این دگرگونی‌ها که به گشتارها معروف‌اند، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. گشتارهای عام که در همه زبان‌ها وجود دارند (حذف، جابه‌جایی، تبدیل، افزایش، تلفیق).

۲. گشتارهای خاص هر زبان مانند پرسش، نفی، عاطفه، مجهول، وجه و نمود در زبان فارسی.

گشتارها نقش مهمی در کشف روابط نحوی و معنایی میان اجزای جمله و جملات مختلف دارند (حکیمی، ۱۳۹۷، ص. ۵). این مقاله به بررسی گشتارهای کاربردی در زبان فارسی و نقش آن‌ها در توصیف ساختار جمله‌های این زبان پرداخته است که برای دانشجویان و پژوهشگران زبان‌شناسی

خیلی مهم تلقی می‌شود، زیرا که دستور زایا-گشتاری از جمله رویکردهای نوین و جهانی در زبان‌شناسی است.

۴. تنوع زبانی و فرهنگی پامیرها

نویسنده در این پژوهش به بررسی تنوع زبانی و فرهنگی در بدخشان و پامیرها پرداخته و چنین دریافته است: این منطقه، با وجود مساحت کوچک، از متنوع‌ترین نواحی زبانی و فرهنگی جهان است. زبان‌های پامیری مانند شغنایی، روشانی، خوفی، برتنگی، اشکاشمی، سنگلچی، زیبای، واخی، منجی و یزغلامی در کنار فارسی دری، اوزبکی و قرغیزی در این ناحیه رایج‌اند. کوهستانی بودن منطقه و کاهش تعاملات محلی عامل اصلی این گوناگونی است. مردم بدخشان همچنین دارای فرهنگ و ادبیات غنی شامل ادبیات شفاهی، هنرها، صنایع دستی و آداب و رسوم هستند. با وجود برخی پژوهش‌ها، این تنوع زبانی و فرهنگی همچنان ناشناخته مانده و نیازمند تحقیقات بیشتر است (حکیمی، ۱۴۰۲، ص. ۸).

۵. بلخ نگین فرهنگی خراسان و خاستگاه زبان فارسی دری

در این پژوهش استاد بزرگوار همراه با یکی از نگارنده سطور (محمدی) درباره بلخ و خاستگاه زبان فارسی دری پرداخته و حقایق را از کتاب‌های گذشته‌گان، استادان و فرهنگی‌یان بلخ جمع‌آوری کرده‌اند و حوزه تمدنی بلخ کهن را نگین خراسان و خاستگاه زبان فارسی دری دانسته‌اند. شایان یادآوری است که از یادآوری همه مقالات استاد بزرگوار در این جستار کوتاه خود داری شده است و تنها به چند پژوهش آن اشاره کوتاه گردید.

نتیجه‌گیری

در پایان پژوهش به این نتیجه رسیدیم که کارکردها و فعالیت‌های پوهاند مطیع‌الله حکیمی استاد زبان و ادبیات فارسی دری پوهنتون تخار در گستره زبان‌شناسی معاصر کشور نشان می‌دهد که او یکی از پژوهشگران برجسته در این حوزه بوده و آثار او تأثیر قابل توجهی بر مطالعات زبان‌شناسی پوهنتون‌های کشور برای استادان و دانشجویان داشته است. کتاب‌های درسی او که بیش از هفت کتاب؛ از نگاه ساختار و محتوا خیلی ارزنده قابل استفاده به همگان است، ویژه‌گی خاص این کتاب‌ها استفاده از رویکردها و سرچشمه‌های دست اول انگلیسی و دیدگاه‌های نوین زبان‌شناسی است، این ویژه‌گی کتاب‌های او را ممتاز ساخته است. رساله‌های تحقیقی آن نیز برای پژوهشگران و دانشجویان مفید تمام می‌شود اما تاکنون به دست نشر نرسیده است.

مقالات تحقیقی حکیمی نیز به بررسی موضوعاتی همچون ریشه و تحول زبان فارسی دری، ساختار نحوی و صرفی و مسایل زبان‌شناسی نوین پرداخته است. درکل آثار او نه تنها از نظر کمی قابل توجه اند، بلکه از نظر کیفی نیز نشان‌دهنده تسلط عمیق وی بر مباحث زبان‌شناسی و روش‌های علمی و تحلیل زبان است. از سوی دیگر یکی از برانده‌گی او، تسلط داشتن به زبان‌های انگلیسی و عربی می‌باشد. از این‌رو پژوهش‌های او به درک بهتر تحول و پویایی زبان‌شناسی در سطح کشور یاری رسانده است.

ضمن ارزش‌یابی که در بدنه مقاله به عمل آمد، به جرأت می‌توان اذعان کرد که آنچه در نوشته خوب می‌باید رعایت شود، از قبیل آوردن عبارات و آوردن جمله‌های ساده و روان، تناسب ربط معانی مورد بحث، دوری از مقدمه‌چینی‌های بی‌جا و بی‌مورد، رعایت فصل و وصل ترکیب‌ها، رعایت نکات دستوری، آوردن ارکان جمله و اجزای آن در جاهای مناسب، رعایت قواعد و اصول نگارشی از جانب نویسنده رعایت شده است و توسط استادان بزرگ نیز تقریظ و ستایش گردیده است. بنابراین، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حکیمی نه تنها در حوزه زبان‌شناسی نظری فعالیت داشته، بلکه در زمینه زبان‌شناسی کاربردی و تطبیقی به‌ویژه در آوردن مثال‌های فارسی دری سهم مهمی داشته است، این کار وی در سطح کشور کم‌نظیر است. دریافت‌های پژوهش روشن ساخت که کارکرد زبان‌شناسی او به‌عنوان یکی از بنیان‌های مستحکم زبان‌شناسی معاصر در افغانستان، نقش مهمی در تقویت هویت زبانی، تدوین منابع درسی و توسعه پژوهش‌های زبان‌شناسی ایفا کرده است. بناءً تأثیر او بر گستره دانش زبان‌شناسی در فضای اکادمیک کشور انکار ناپذیر است. بدین ترتیب کارنامه‌های استاد مطیع‌الله حکیمی در گستره زبان‌شناسی برای علاقه‌مندان، پژوهشگران و دانشجویان کشور سرچشمه‌های مفید و سودمندی است.

فهرست مآخذ

- بیریا، محمدشفیع. (۱۴۰۲). صفحه‌ی اجتماعی فیسبوک، ۱۴۰۲/۴/۱۲.
- حکیمی، مطیع‌الله. (۱۳۹۸ و). تاریخ زبان‌شناسی (یک نگاه کوتاه). تالقان: گنج.
- حکیمی، مطیع‌الله. (۱۳۹۸ هـ). زبان‌شناسی تاریخی-مقایسی. تالقان: گنج.
- حکیمی، مطیع‌الله. (۱۳۹۵). «حدود جابه‌جایی پیسنده‌ی را در جمله‌ی هسته‌یی». مجله‌ی اکادمی علوم افغانستان.
- حکیمی، مطیع‌الله. (۱۳۹۶). «جهت مجهول فعل در زبان فارسی». مجله‌ی علمی پوهنتون تخار. س ۳، ش ۲، صص ۱۳-۲۹.

حکیمی، مطیع الله. (۱۳۹۶). «جایگاه پی‌بست نکره «ی» در گروه توصیفی» مجله علمی پوهنتون تخار. س ۳، ش ۳، صص ۱۳-۲۹.

حکیمی، مطیع الله. (۱۳۹۷). «نقش قواعد گشتاری در توصیف ساختاری جمله». مجله علمی پوهنتون تخار. س ۴، ش ۴، صص ۵۱-۶۴.

حکیمی، مطیع الله. (۱۳۹۸/الف). مبادی زبان‌شناسی^(۱). تالقان: گنج.

حکیمی، مطیع الله. (۱۳۹۸/ب). مبادی زبان‌شناسی^(۲). تالقان: گنج.

حکیمی، مطیع الله. (۱۳۹۸/ج). نحو زبان فارسی دری^(۳). تالقان: گنج.

حکیمی، مطیع الله. (۱۳۹۹). درآمدی بر زبان‌شناسی عمومی. تالقان: گنج.

حکیمی، مطیع الله. (۱۴۰۱). امکانات واژه‌سازی علمی و فنی برای زبان فارسی. مجله علمی پوهنتون تخار. س ۸، ش ۱، صص ۳۹-۵۴.

حکیمی، مطیع الله. (۱۴۰۲). «تنوع زبانی و فرهنگی پامیرها و نقش آن در جلب توجه محققان گردشگران بین‌المللی». کنفرانس ملی پوهنتون بدخشان.

حکیمی، مطیع الله و محمدی امرالله. (۱۴۰۳). «بلخ نگین فرهنگی خراسان و خاستگاه زبان فارسی دری». کنفرانس ملی ام‌البلاد بلخ. پوهنتون بلخ.

حکیمی، مطیع الله. (۱۴۰۳). گفتگوی تلفونی با حکیمی. دلو ۱۴۰۳.

فالک، جولیا اس. (1372). زبان‌شناسی و زبان. برگردان خسرو غلام‌علی‌زاده. چاپ دوم. تهران: قدس رضوی.

یمین، محمد حسین. (۱۳۹۱). تاریخچه‌ی زبان پارسی دری «واقعیت‌ها». چاپ سوم. کابل: سعید.

Allan, Keith. (2016). *The Routledge handbook of linguistics*. NY: Routledge.

نگرش‌های سیاسی در شعر استاد خلیل‌الله خلیلی

پوهاند مطیع‌الله حکیمی و پوهنمل سیدعبدالله حبیب‌زاده
اعضای کادر علمی دیپارتمنت دری، پوهنځی زبان و ادبیات، پوهنتون تخار

چکیده

استاد خلیل‌الله خلیلی شاعری است که در شعر او اندیشه‌های سیاسی مرتبط به سرنوشت مردم، کشور، بشریت و جهان معاصرش بازتاب وسیع یافته است. هدف این مقاله بررسی و شرح دیدگاه‌های سیاسی او نسبت به رویدادهای دورهٔ زنده‌گی او در افغانستان و جهان است. هدف این تحقیق روشن ساختن اندیشه‌ها و مفاهیم سیاسی بازتاب‌یافته در شعر خلیلی است که برای مخاطبان شعر او در دوران زنده‌گی و پس از مرگ او اهمیت دارد. این تحقیق می‌کوشد تا ابعاد اندیشهٔ سیاسی و سیاست‌محور او را روشن ساخته و وسعت اندیشگان سیاسی او را به تصویر بکشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تنفر از سیاست‌های فریب‌کارانهٔ حکام، دروغ‌ها و لاف‌های میان‌تهی رهبران، سوگ‌مندی از تفرقهٔ امت اسلامی، دعوت مسلمانان به بیداری و اتحاد، نکوهش تجاوز و اشغال شوروی در افغانستان، تشویق به ایستاده‌گی و پایداری و ستایش مقاومت‌گران، بزرگ‌داشت آزادی، حریت و اختیار انتخاب و پیشرفت در زنده‌گی سیاسی، صلح‌خواهی و نکوهش جنگ و نزاع، عمده‌ترین نگرش‌های سیاسی بازتاب‌یافته در شعر خلیلی را تشکیل می‌دهند.

تحقیق حاضر با بهره‌جویی از آثار و پژوهش‌های گذشتهٔ اندیش‌مندان و محققان که در محور شناخت خلیلی، و نقد اندیشه و شعر او انجام داده‌اند، به بحث گرفته می‌شود. پژوهش با رویکرد تحلیلی - توصیفی انجام شده است. اثر مورد مطالعه و تحلیل، دیوان اشعار خلیل‌الله خلیلی (۱۳۸۵) است.

واژه‌های کلیدی: آزادی، اندیشه، بیداری، پایداری، سیاست، شعر، صلح.

Political Observations in Khalilullah Kalili's Poetry

Professor Matiullah Hakimi and Senior teaching assistant Sayed Abdullah Habibzadah
Academic members Department of Dari, Faculty of Language and Literature, Takhar
University

Abstract

Kalulullah Khalili is the poet that political thoughts related to destiny of the people, the country, humanity and contemporary world, have been reflected in his poetry. The aim of this paper is to examine and describe his political views about events of his life period in Afghanistan and the world. The research purposes to clarify political thoughts and concepts which are reflected in Khalili's poetry that matter for audience of his poetry in the period of his life and after his death. The research contrives to illustrate different aspects of his political thought and politics-oriented mentality and depict the horizons of his political speculation. The results of the research show that abhorrence from sly politics of dominants, hollow inventions and boasts of leaders, dejection from disharmony of Islamic nation, invitation of Muslims to awareness and unity, blaming aggression and invasion of Soviet union in Afghanistan, encouraging Afghan people to resistance and opposition, admiration of resistors and fighter against invaders, commemoration of freedom, independence and the right of selection and progress in political life, adulation of peace and blame of war and fray, are the major political observations which are reflected in Khalili's poetry.

The present research is done using the past works and papers of scholars which are written about the criticism of thought and poetry of Khalili. The research has been conducted in analytical-descriptive approach. The literary work that has been studied and analyzed is the collection of Khalilullah Khaili's poetry (2006).

Keywords: Awareness, freedom, peace, politics, poetry, resistance, thought.

مقدمه

خلیل‌الله خلیلی نام‌دارترین شاعر معاصر افغانستان است که در قالب‌های مختلف شعر فارسی، شعر سروده و مضامین و اندیشه‌های متنوع دینی، اجتماعی، تعلیمی، اخلاقی، فرهنگی و عاطفی خویش را در آن‌ها ریخته است. در شعر آیینی و میهنی و پایداری جایگاه خاصی نزد مردم مسلمان افغانستان دارد. خلیل‌الله خلیلی شاعر متدین، مسلمان، انسان‌گرا و مردم‌دوست بود که دردها، آرزوها و خواسته‌های گوناگون انسانی و اجتماعی در شعر او بازتاب روشن یافته است. در شعر او مضامین گوناگون دینی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و عاطفی را می‌توان سراغ گرفت. اندیشه‌ها و باورهای دینی و اخلاص و اعتقاد ویژه او به اسلام در اشعار آیینی‌اش تجلی دارد. این پژوهش به بررسی نگرش‌های سیاسی بازتاب‌یافته در شعر او می‌پردازد.

آثار و تحقیق‌های پیشین پژوهش مربوط به این را می‌توان در دو بخش مطالعه کرد؛ یکی آثاری که برخی مفاهیم سیاسی و نیز رسالت اجتماعی و سیاسی شعر و شاعر را مطالعه می‌کند، و دیگر، آثاری که از نگرش‌های سیاسی در شعر خلیل‌الله خلیلی بحث کرده‌اند. در برخی از این آثار مفاهیم سیاسی و مربوط به سرزمین ما بازتاب یافته‌اند که از جمله می‌توان به مقاله‌های «آزادی در شعر قهار عاصی» اثر اسحاق طغیانی و محمد ظاهر فایز (۱۳۹۷)، و «سیر تطور مفهوم آزادی و اختیار در اندیشه غرب و اسلام» اثر محمد شریفانی (۱۳۹۸)، اشاره کرد. در پیوند به نگرش‌های سیاسی خلیلی که به بیداری امت اسلامی و نیز آگاهی و ایستادگی مردم افغانستان در برابر دشمنان اسلام سرزمین‌شان تعلق می‌گیرد، می‌توان به مقاله‌های رضا چهرقانی و اسماعیل شفق «خلیل‌الله خلیلی؛ شاعر بیداری و پایداری» (۱۳۹۳) اشاره کرد. «شعر پایداری افغانستان» اثر ناصر نیکوبخت و رضا چهرقانی (۱۳۸۹)، «آزادی در شعر معاصر ایران و افغانستان» اثر فرناز نقی‌زاده و علی اصغر حلبی (۱۳۹۶)، «روایت تعهد ادبی در شعر مقاومت افغانستان» اثر آریا فانی (۱۳۹۲)، اشاره کرد که در آن‌ها جنبه‌هایی از اندیشه سیاسی استاد خلیلی بررسی شده است. همچنان محمد کاظم کاظمی در مقدمه دیوان خلیلی (۱۳۸۵) که به کوشش او به چاپ رسیده است، به برخی از جنبه‌های سیاسی شعر او اشاره‌های کوتاهی کرده است. اما تحقیق حاضر تمرکز بر بررسی نگرش‌های سیاسی در شعر خلیلی دارد، و به طور اختصاصی این موضوع را به پژوهش می‌گیرد.

جدا از آن در تحقیقات و مطالعات مربوط به شعر و ادبیات معاصر افغانستان، ادبیات مقاومت در افغانستان، و نقد آثار و افکار خلیلی، در کنار بحث از اندیشه‌های دینی و میهنی او، به صورت گذرا و

فشرده، به برخ مسایل عمده سیاسی شعر او اشاره‌هایی شده است؛ اما در هیچ‌یک از تحقیقات مذکور به شرح مفاهیم سیاسی در شعر خلیلی به گونه مشخص نپرداخته است.

هدف این تحقیق بیان اندیشه‌ها و مفاهیم سیاسی بازتاب‌یافته در شعر خلیلی است که برای او و هم‌میهنانش در عصر زنده‌گی شاعر اهمیت داشته است.

یکی از پرسش‌های عمده که خواننده امروزی و علاقه‌مند شعر خلیلی، می‌پرسد این است که، دیدگاه خلیلی نسبت به رویدادهای سیاسی جهان و کشورش چی بود؟ کدام موضوع‌ها و مسایل سیاسی در شعر او بازتاب یافته‌اند؟

در این پژوهش با بهره‌جویی از آثار و تحقیقات پیشین که ادبیات‌شناسان و پژوهشگران معاصر در مطالعه و بررسی محتوای شعر خلیلی، و تحلیل مضامین و اندیشه‌های نهفته بازتاب‌یافته در شعر او نگاشته‌اند، نگرش‌ها و دیدگاه‌های سیاسی او بررسی می‌شود. این تحقیق به روش کیفی، با مرور آثار پیشین و رویکرد تحلیلی-توصیفی اجرا می‌شود. دیوان اشعار خلیل‌الله خلیلی که به کوشش محمد کاظم کاظمی جمع‌آوری و تدوین شده و در سال ۱۳۸۵ از سوی انتشارات عرفان در تهران به چاپ رسیده است، و نیز کتاب‌ها، رساله‌ها و مقاله‌هایی که به نحوی اندیشه‌های سیاسی در شعر معاصر فارسی به صورت عام، و اندیشه‌ها و مفاهیم اجتماعی، سیاسی و میهنی و دینی در شعر خلیلی را به صورت خاص مورد بحث قرار داده‌اند، در قلمرو پژوهش قرار می‌گیرند. دیوان خلیلی منبع اصلی و مرکزی تحقیق را تشکیل می‌دهد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نگرش‌های سیاسی عمده در شعر خلیلی را اظهار تنفر از سیاست‌های فریبکارانه، دروغ‌ها و لاف‌های میان‌تهی، دعوت مسلمانان به بیداری و اتحاد، نکوهش تجاوز و اشغال شوروی در افغانستان، تشویق به ایستادگی و پایداری و ستایش مقاومت‌گران، بزرگ‌داشت آزادی، حریت و اختیار انتخاب و پیشرفت در زنده‌گی سیاسی، صلح‌خواهی و نکوهش جنگ و نزاع، تشکیل می‌دهد. از خلال پژوهش می‌توان به این نتیجه دست یافت، که خلیلی (۱۲۸۶ - ۱۳۶۶ ه.ش)، در کنار اندیشه‌ها و افکار میهنی و اجتماعی دیگرش به ارزش‌های بلند سیاسی در جامعه از جمله بیداری، آزادی و سربلندی عام مسلمانان و مردم افغانستان توجه خاص داشت.

نگرش سیاسی خلیل‌الله خلیلی

در نگرش سیاسی او آزادی، صلح، همزیستی مسالمت‌آمیز و احترام به رأی و نظر مردم در تصمیم‌گیری‌های بزرگ کشور و جامعه، مورد تأکید قرار گرفته و از استبداد، تک‌روی، خودخواهی و

دیکتاتوری نکوهش به عمل آمده است. با وجود آن‌که خلیلی مدت زیادی از عمر خود را در فعالیت سیاسی سپری کرد، به سیاست‌های مبتنی بر تزویر و فریب و سیاست‌گران حيله‌گر روی خوش نشان نمی‌دهد و می‌گوید که عمل‌کرد آنان خلاف باورها و رفتارهای شایسته انسانی است. این شاعر چهارده سال اخیر عمرش را در کنار مجاهدان افغانستان گذراند و با شعر و خامه‌اش از ارزش‌های اسلامی و میهنی دفاع کرد. به خوبی درک کرده بود که خارجی‌ها به ویژه اتحاد جماهیر شوروی برای نابودی افغانستان کمر بسته‌اند و توقع آبادی و توسعه کشور از آن‌ها عمل بیهوده و ساده‌انگاری است.

خلیلی شاعر آزادی‌خواه است و همیشه در برابر خارجی‌ها و اشغالگران قرار داشته است. او از کسانی که در راه عزت و آزادی کشور جان‌های شیرین خود را نثار کردند به احترام فراوان یادآوری می‌کند و فعالیت‌های‌شان را شایسته ستایش می‌داند. این شاعر باور دارد که قدرت‌های بزرگ دنیا از مسائلی مانند حقوق بشر استفاده ابزاری می‌کنند و نباید آن را پذیرفت. وی با اشاره به موازنه قوا در زمان جنگ سرد و شعارهایی که از طرف این دو قدرت مطرح می‌شد می‌گوید که این شعارهای صلح‌خواهانه و شعارهای مانند آبادی، آزادی و... صرف لاف و بیهوده‌اند. به باور خلیلی دستاورد قدرت‌های بزرگ دنیا، جز ویرانی و کشتار چیزی دیگری نبوده است.

خلیلی در اشعارش مسلمانان را به اتحاد و پایداری دعوت می‌کند و از این‌که می‌بیند مسلمانان به جان هم افتاده‌اند سخت ناراحت است. وی بر اتحاد و اتفاق مردم کشورش تأکید می‌کند و به افراد جدایی‌طلب و آن‌هایی که در میان مردم افغانستان تفاوت می‌گذارد دعای بد می‌کند.

در زیر به بررسی جنبه‌های برجسته از اندیشه‌های سیاسی استاد خلیلی پرداخته می‌شود.

انتقاد از سیاست‌های فریبنده

خلیلی رباعی را که یکی از قالب‌های شعر غنایی و عمدتاً عاشقانه است، در خدمت اندیشه‌های سیاسی خویش قرار داده و بر سیاست‌های مکاران و بازرگانان خون‌بشر به سختی خرده می‌گیرد:

کشتند بشر را که سیاست این است	کردند جهان تبه که حکمت این است
در کسوت خیرخواهی نوع بشر	زادند چه فتنه‌ها، مهارت این است

(خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۳۶۵)

او بر سیاست‌های نادرست و مکارانه بازرگانان سیاست، خرده می‌گیرد و انزجار خود را از آن آشکار می‌سازد. سیاست ناروا و منفعت‌طلبانه را مار زهرناک می‌داند که مؤمن نباید از سوراخ آن بیشتر از یک بار گزیده شود.

بر تجربه‌های واژگونش

نفرین به سیاست و فسونش

این‌ها همه معرض زوال‌اند	بازیچه سیر ماه و سال‌اند
فرمود پیمبر الهی	آن رازشناس صبحگاهی
مؤمن نبود کسی که مارش	در یک بن غار زد دو بارش
این مار سیاه آدمی‌خوار	صد بار مرا گزیده، صد بار
	(خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۵۸)

انتقاد از سازمان ملل

ناکارایی این سازمان که زورگویان جهان و قدرت‌های استکباری از آن به عنوان افزار توجیه اعمال خویش بهره‌جویی می‌کنند، در شعر خلیلی به روشنی تمام در جای جای از دیوان او مشهود است. چنان که در رثای شهر قندهار و درد مردم افغانستان از کشتارهای بی‌رحمانه روس‌ها و کمونیست‌ها خون‌خوار، و بی‌تأثیر بودن سازمان ملل در زمینه مهار کردن این گونه تجاوز و کشتار، می‌گوید:

فریبی بود پیمان ملل، بستند و شکستند	از این پس کن تماشا تا دروغی صد چنان بینی
به بنگاه ملل روشنگر مکر و ریا باشد	صف اندر صف علم‌هایی که چون رنگین کمان بینی
نگر بر قندهار نازنین ما که با چشمت	عروس شرق را در پنجه اهریمنان بینی
فضا از آه مظلومان چو ابر قیرگون یابی	زمین از خون محرومان همه لاله‌ستان بینی
	(خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۲۳۳)

انتقاد از شعارهای دروغین سردمداران غرب

خلیلی باور دارد که قدرت‌های بزرگ دنیا از مسائلی مانند حقوق بشر استفاده ابزاری می‌کنند و نباید آن را پذیرفت. وی با اشاره به موازنه قوا در زمان جنگ سرد و شعارهایی که از طرف این دو قدرت مطرح می‌شد می‌گوید که این شعارهای صلح‌خواهانه و شعارهای مانند آبادی، آزادی و . . . صرف لاف و بیهوده‌اند. به باور خلیلی دستاورد قدرت‌های بزرگ دنیا جز ویرانی و کشتار چیزی دیگری نبوده است:

گویند خلع اسلحه، اما نموده‌اند	معمور شهرها، به نگاهی خراب‌ها
لافتد از کرامت انسان و گشته‌اند	جمعی به زیر آتش و جمعی در آب‌ها
شمشیر تیز این دو سه کشورستان، دریغ	یک روز کس ندید نهان در قراب‌ها
یک‌دم جدا ندید کس از جنگ و کشمکش	آن شاخ‌هایی که برشده سوی سحاب‌ها
ای ساده مردمی که توقع نموده‌اند	رقص کبوتران حرم از عقاب‌ها
سرها به خاک خفت که تا چند بلهوس	گلگون کنند ساغر عیش از شراب‌ها

ای بس فقیر زار که شد کشته رایگان هر حصول مقصد عالی جناب‌ها
بس نوجوان ساده که در جنگ این و آن جان عزیز داده به زیر رکاب‌ها
فرهنگ فتنه‌زای جهان می‌برد کنون ما را کشاکشان به دیار سراب‌ها
(خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۹۳)

خلیلی شاعر آزادی‌خواه است و همیشه در برابر خارجی‌ها و اشغال‌گران قرار داشته است. او از کسانی که در راه عزت و آزادی کشور جان‌های شیرین خود را نثار کردند به احترام فراوان یادآوری می‌کند و فعالیت‌های‌شان را شایسته ستایش می‌داند.

در یادداشتی بر اثر خویش «اشک‌ها و خون‌ها» می‌گوید:

«این نامه، پیام نفرین بر آدم‌کشان جهان است، نفرین بر دشمن آزادی و سربلندی مردم گیتی است. گریه بر مرگ داد و داوری؛ گریه بر مرگ آشتی و زیست باهمی است؛ غریو زنجیر هزاران زندانی بی‌گناه است هنگام شکنجه جان داده‌اند. پیام ستم‌زدگانی است که آب‌های شان را با زهر آغشته‌اند، زنان‌شان را از پستان آویخته و کودکان‌شان را با تیر آتشین سوراخ سوراخ کرده‌اند. این نامه پیام نفرین به آن کاخ پرشکوه است که به گزاف نامش را بنگاه یگانگی مردم جهان نامیده‌اند و بی‌گمان بازی‌گاه زورمندان و جای آزمودن نیروی فریب‌کاران است. این ناله سوزناک، روشن‌گر دودلی و دورویی فرمان‌دهان گروه‌های خدانشناس است که گوهر خدایی را از دست داده و دست زیر لاشه نشسته می‌بینند بی‌خدایان کیش آسمانی‌شان را چگونه بازبچه هوس‌های ناپاک‌شان گردانیده‌اند» (خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۷۹۸).

در غزلی می‌گوید:

شرف هستی ما گوهر آزادی بود جان ودل در ره آن گوهر یک‌دانه کنم
دل من مأمن من، عشق وطن خانه من نیستم مرغ که در هر چمنی لانه کنم
(خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۲۸۸)

نکوهش رهبران تباهی

خلیلی رهبران جهان غرب به‌خصوص امریکاییان جنایت‌کار را فریب‌کارانی می‌داند که هرگز برای تأمین صلح تلاشی نمی‌ورزند، و اگر در جایی برای مدتی آتش‌بس اعلان می‌کنند، آن را فرصتی برای تجدید نیرو و حمله و حشیانه دیگر می‌شمارند و به همین منظور پیشنهاد صلح موقت را در میان

می‌گذارند. چنان که در جنگ فلسطین این روزها چنین می‌کنند. در بیت‌های زیر از صلح موقتی که آمریکا به احترام جشن میلاد مسیح، تأمین کرده است، انتقاد می‌کند و آن را به فرصت دندان‌تیز کردن گرگ تشبیه می‌کند:

انبیاء رهبران حق بودند	بهر تأمین صلح جنگیدند
رهبران زمانه _____، بین	صلح را بهر جنگ بگزیدند
گر دو روزی به احترام مسیح	آتش جنگ را خموشیدند،
همچو گرگی که می‌رود به کمین	زین عمل خیر خویش سنجیدند
تا نمایند چنگ و دندان تیز	حیله صلح را تراشیدند
	(خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۳۲۶)

آتشی از جنگ افروزند هر دم در جهان	این سیاست‌پیشگان شوم با افکار خویش
پیش ما از آشتی لافند، اما در کمین	گرم‌تر سازند هر دم عرصه پیکار خویش
	(همان، ص. ۱۵۴)

بزرگ‌داشت آزادی

آزادی از لحاظ فلسفی و حقوقی بر داشتن اراده و اختیار دلالت دارد که به آن «آزادی تکوینی» گفته می‌شود و از لحاظ اخلاقی به حق انتخاب در تصمیم‌گیری و امور زنده‌گی اجتماعی دلالت می‌کند که از آن به «آزادی معنوی» تعبیر می‌شود (شریفانی، ۱۳۹۸، ص. ۶۳).

از نگاه اسلام آزادی یک ارزش متعالی و اصیل است، اما حدود آن با درنظرداشت ارزش‌های بلند انسانی دیگر از قبیل عدالت، احترام، حقوق انسان، اخلاق، شریعت، قانون، امنیت و کرامت تعیین می‌گردد. حدود سه‌گانه زیر مرزهای آزادی را مشخص می‌سازد:

۱. تعرض نکردن به کرامت انسانی؛

۲. رعایت اصول و ارزش‌های اجتماعی پذیرفته شده؛

۳. رعایت حقوق الهی (سنچولی، ۱۳۹۱، ص. ۸۱).

در گستره شعر و ادب فارسی از قدیم‌ترین دوره‌های پیدایش آن، در اساطیر کهن، داستان‌ها، قصه‌ها و حکایات در حماسه، عرفان و اندرزا مطرح بوده است. در شاهنامه فردوسی از آزادی عقیده، میهن و سرزمین، در اشعار حبسیه خاقانی و مسعود سعد رهایی از زندان و در سروده‌های عارفان آزادی از قید و بند نفس و شهوت و رهایی از غل و زنجیر هوا و هوس، سخن رفته است (طلغانی و فایز ۱۳۹۷، ص. ۱۵۹).

در شعر شاعران معاصر فارسی در ایران و افغانستان و با اوج گرفتن مبارزات مشروطه‌خواهی، به گونه‌های متفاوتی آزادی بازتاب یافته است. در افغانستان شاعران فارسی‌زبان و آزادی‌خواه با تأثیرپذیری از اندیشه‌های سید جمال‌الدین افغانی مفاهیمی چون آزادی وطن اسلامی از استعمار غرب و ایستاده‌گی برای از میان برداشتن قید و بندهای اشغال‌گران تجلی گسترده دارد.

در نظام اندیشگانی خلیلی همان مفهومی از آزادی جای دارد که در نظام اخلاقی و اعتقادی اسلام مطرح است. از این نگاه آزادی به مفهوم رهایی و نجات از قید و بندهای شیطان، خواهش‌های نفسانی، شهوت‌های مهلک و رذایل اخلاقی است که والاترین ارزش معنوی دارد. این گونه آزادی است که از نظر خلیلی با ایمان پیوند ناگسستنی یافته و عزم مسلمان را به دژ تسخیرناپذیر در برابر دسیسه‌ها و وسوسه‌های نفس و شیطان تبدیل می‌کند:

خلیلی در مثنوی «شب‌های آوارگی» و در داستان «کاکه و شیطان» ایمان و آزادی را نظام‌دهنده کار و ابزار معنوی پیروزی مؤمن در مبارزه با نفس و شیطان و مکر و دسیسه دشمن می‌داند:

کار مؤمن زین دو می‌یابد نظام	زین دو گوهر یافت آن والا مقام
اول ایمان گوهر بنیادی‌اش	آن دگر تاج سرش آزادی‌اش
با خدا از قلب ایمان داشتن	خصلت آزادمردان داشتن
(خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۷۴۲)	

این جا آزادی به مفهوم رهایی از قید و بند شهوات و خواسته‌های نفسانی است که قرین ایمان و باور قلبی به کار رفته است.

او ایمان را جوهر اصلی ملت مسلمان افغانستان دانسته قرآن را رهنما و رهبر آنان معرفی می‌کند:

جوهر این ملت ایمان است و بس	رهبرش خورشید قرآن است و بس
(همان، ص. ۷۱۱)	

در منظومه «اشک‌ها و خون‌ها» و در مثنوی «مبارک‌باد آوارگان» از سه عنصر اساسی که خداوند متعال به انسان به عنوان جانشین خویش در زمین بخشیده است یاد می‌کند که در زنده‌گی نوع بشر ارزش بس والا دارند. این جا هم ایمان و آزادی قرین هم ذکر شده‌اند:

چون خدا آدم خاکی به خلافت بگزید	وز گلستان بهشتش به یکی دانه کشید
شاد فرمود دلش را به سه تشریف جدید	عشق و آزادی و ایمان به تبارش بخشید
عشق و آزادی و ایمان شرف انسان است	مرگ در راه شرف‌شان جوان‌مردان است
وای از آن قوم که محروم ایمان باشد	دل بی عشق نهان‌خانه شیطان باشد

نیست مؤمن که به آیین غلامان باشد حریت جوهر شمشیر مسلمان باشد
بنده غیر شدن خصلت انسانی نیست سر نهادن به در غیر مسلمانی نیست
(خلیلی، ۱۹۸۵، ص. ۱۹۰)

آزادی در مفهوم زدودن حد و مرزهای اخلاقی پا زدن به اصول و مبانی شرع در رفتار و کردار انسانی، و گسیختن لگام نفس و هوس، آزادی نه بلکه رو نهادن به زنده‌گی حیوانی و بی‌بندوباری است، مقام والای انسان را از عرش به فرش می‌کشد، و او را همنشین جانوران و چارپایان می‌سازد. خلیلی آزادی را با دین همسر و هم‌رکاب می‌داند و هر دو را نه تنها متافی یک‌دیگر بلکه حامی و تقویت‌کننده همدیگر تلقی می‌کند. در بیت‌های زیرین می‌گوید:

دین و آزادی است در ذرات خون ما نهان ما و این پیمان ما، تا جان شود از تن برون
گر غلامی طوق الماس است، بند بندگی است بشکنش در زیر پا چون کردی از گردن برون
(خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۲۹۸)

در رباعی «دل مؤمن» به مفهوم آزادی که همان سربلندی و ذلت‌ستیزی است چنین اشاره می‌کند:

دل مؤمن به ذلت آشنا نیست به داغ ناامیدی مبتلا نیست
نمی‌ترسد ز طوفان حوادث که داند ناخدایش جز خدا نیست
(همان، ص. ۳۹۳)

مؤمن با امید زنده‌گی می‌کند و در سینه او نور امید همواره می‌درخشد و مرغزار اندیشه‌اش هیچ‌گاه با خزان یأس و نومیدی آشنا نیست. و این همه از مقتضای آزادی عقل و اندیشه اوست.

سینه مؤمن امید آرد به بار نوبهار وی نوید آرد به بار
غنچه وی را بهار دیگر است آهوش از مرغزار دیگر است
لاله‌اش را داغ دل از یاس نیست خار صحرایش زیون داس نیست
(همان، ص. ۷۲۳)

آزادی را گوهر والای انسانی در زنده‌گی می‌داند که انسان‌های وارسته و بلندهمت هیچ‌گاه و در بدل هیچ خواسته مادی این گوهر شریف را عوض نمی‌کنند. همان‌گونه آزادی را قرین ایمان و ایمان می‌داند، بردگی را ره‌آورد الحاد و بی‌دینی تلقی می‌کند. بردگی آن اشتباه و غفلتی است که گوهر ملکوتی ایمان را از کف انسان می‌رباید، و غل و زنجیر بر دست و پای عقل می‌بندد و ارادهایی است که عشق را به کام نیستی فرو می‌بلعد:

زنده‌گی نبود همین سعی و معاش	از برای لقمه نانی تلاش
آدمی این شکل گوش و چشم نیست	کارگاهی بهر لطف و خشم نیست
گوهر وی آن قدر نبود زبون	تا کند سر، پیش هر دونی نگون
برکشد الحاد عصرش در کنار	صبح فیضش را نماید شام تار
پرزّه بی‌جان ماشینش کند	بنده آن، برده اینش کند
دزد از وی گوهر افلاکی‌اش	دانه ریزد همچو مرغ خاکی‌اش
بندها بر دست و بر پایش نهاد	پرده‌ها بر چشم بینایش نهاد
عقل را زنجیر بر گردن کند	مهر را در کلک اهریمن کند
آدمیت را کند از در برون	سازد از بنیاد کاخش را نگون
عشق را ماند به تابوت عدم	تا دگر نامش نیاید در قلم

(همان، ص. ۷۲۳)

در یک چهارپاره می‌گوید زنده‌گی در پرتو آزادی زیباست:

طبیعت هر چه باشد نغز و زیبا	چو آزادی نباشد، سخت زشت است
جهان در پرتو آزادی و مهر	اگر زشت است اگر زیبا، بهشت است

(همان، ص. ۴۱۰)

زنده‌گی را در پرتو آزادی معنادار و ارزشمند می‌داند و بردگی را مایه شرم و ننگ می‌داند:	
زنده‌گی در بردگی شرمندگی است	معنی آزاد بودن زنده‌گی است
سر که خم گردد به پای دیگران	بر تن مردان بود بار گران
بنده حق در جهان آزاده است	مست وی فارغ ز جام و باده است

(خلیلی، ۱۹۸۵، ص. ۱۱۹)

نوعی از بردگی را بردگی و بندگی نفس و مادیات، به‌خصوص افتادن در بند تجملات و زنده‌گی ماشینی معاصر می‌داند که در جای خود پست فطرتی و دونی است. تأکید می‌کند که انسان خود مقام والایی دارد که ترازوی عصر و تنظیم امور جهان و برگرداندن ارزش‌های معنوی به زنده‌گی مردم وظیفه اوست.

وای بر انسان که چه ننگین شده	آله و آلوده ماشین شده
آدمی و بنده ماشین دریغ	صدر نشین وین همه پایین دریغ
رفت کجا منزلت و سر و ریش	نور خدایی دل پیغمبریش
برد که؟ از پیشگه طاق او	مشعل رخشنده اخلاق او
چیست کنون سرد و سیه آهنی	گمشده در سیرت اهریمنی
همچو درختی شده بی برگ و بار	کش نبود بار به جز مشت خار
گلبن انسان شده خاراآفرین	گلشن آن (چوبه دار) آفرین
ای که ترا داد خدای بزرگ	دولت والا و مقام سترگ
مانده به دست تو ترازوی عصر	تا تو کنی سنجش، نیروی عصر
تا تو بسنجی و عیارش کنی	گاه تجاوز تو مهارش کنی

(خلیلی، ۱۹۸۵، صص. ۱۱۶-۱۱۷)

در شعر خلیلی آزادی به مفهوم رهایی از حاکمیت و تسلط بیگانه و به دست آوردن استقلال سیاسی کشور، و سربلند زیستن در کشور خویش بدون وابستگی به اجانب، به کارفته است. چنانکه در ابیات زیر می بینیم، خلیلی آن را گهر والا و ارزشمند و تحفه الهی برای بشر می داند که زورگویان متجاوز مثل رهبران کرملین و شوروی اشغالگر آن را از ملت ها می گیرند:

خدای داد بشر را یکی خجسته گهر	که کرده اند به آزادی اش ملل تعبیر
خدای کرد عنایت یکی گهر به جهان	که کرده اند به آزادی بشر تفسیر
بین که این گهر پاک را چگونه شکست	کلاه دار کرملین به کوبه تزویر
چه داغ عار بود بر جبین آن دولت	که گوهر بشری را چنین کند تحقیر
لوای فخر بلند است از دو احمد شاه	سپاه دار جوان و جهانستان کبیر

(خلیلی، ۱۳۸۵، صص. ۱۴۴-۱۴۵)

دوران زنده گی خلیلی و آغاز شاعری او فاصله زیادی با زمان گرفتن استقلال افغانستان از استعمار انگلیس نداشت. از همین رو در سال روزهای جشن استقلال اشعاری به مناسبت بزرگداشت سالروز آزادی وطن سروده است. چنانکه در ترکیب بند «آزادی وطن» که در سال ۱۳۰۹ هـ ش در هرات سروده شده، می گوید:

^۱ . احمد شاه ابدالی بنیانگذار سلسله ابدالی و احمدشاه مسعود رهبر مشهور دوره جهاد بر ضد متجاوزان روس.

پیام دورهٔ آزادگی افغان گفت نوید مقدم عید سرور ایشان گفت
بداد مزده و هنگامهٔ شهیدان گفت به من ز حالت آن کوکب درخشان گفت
که این ستارهٔ رخشنده بر کنار افق
به رنگ شعلهٔ آتش که کرده است تتق
ستاره نیست، همان برید آزادی است برای تهنیت روز عید آزادی است
بی بشارت و بهر نوید آزادی است به یادگار روان شهیدان آزادی است
نشان بیرق در خون کشیده می‌باشد
ز پیشگاه شهیدان رسیده می‌باشد
(خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۴۷۸)

به مناسبت شانزدهمین سالروز استرداد استقلال افغانستان و در مثنوی «جشن استقلال» خطاب به محمد ظاهر پادشاه آن روز، روز آزادی را تبریک می‌گوید، از پادشاه جوان می‌خواهد استقلال را پاس داشته و از آن برای انجام فعالیت‌های ترقی جویانه بهره جوید و در آخر برای شگوفایی سرزمینش به خدا دعاء می‌کند که آن را رشک دنیا و گلشن آسیا بگرداند:

وطن را گرچه سالار شهیدان امام قوم، نادرشاه افغان
ز چنگ اجنبی آزاد فرمود خلاص از دست استبداد فرمود
ولی امروز بخت ما جوان است که چون تو شهریاری کامران است
تعالی الله که باز امروز این خاک شده از جشن آزادی فرح‌ناک
بگو تبریک استقلال ملت به آن سرچشمهٔ آمال ملت
خداوندا! به حق شاه یثرب به حق کشتگان راه یثرب
وطن را غیرت دنیا بگردان بهار گلشن ایشیا بگردان
(خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۵۴۶)

خلیلی جشن آزادی وطن را به شاه تبریک گفته و آزادی و استقلال را مایهٔ مباهات، سربلندی، نام‌وری و آبروی مردم کشور می‌داند:

الا ای چشم ملت روشن از تو خس و خاشاک کشور گلشن از تو
تعالی الله که باز امروز این خاک شده از جشن آزادی فرح‌ناک
شهید راه استقلال، امروز چو مرغان می‌گشاید بال، امروز

بگو تبریک استقلال ملت

به آن سرچشمه آمال ملت

(همان، ص. ۵۴۵)

هنگامی که افغانستان در اشغال ارتش سرخ شوروی قرار داشت و در خانه ماری دختر خلیلی پسری به نام قادر خلیل تولد می‌شود، خلیلی در سروده به مناسبت تولد او، آرزو می‌برد که اگر او زنده‌گی را بدرود هم گوید، بعد از مرگ و برگور او نواسه‌اش خبر خوش آزادی میهن را برساند و از شگوفایی و آبادی و سربلندی مردم سخن گوید:

صالح پسرم آن‌که پس از مرگ بگویند	بر گورم از آزادی میهن خبری داد
از خاک وطن جای گل و سنبل و نسرين	بر تربت این سوخته دل خار تری داد

(خلیلی، ۱۹۸۵، ص. ۱۴۸)

در مورد سازمان ملل و شعارهای تأمین آزادی و استقلال برای ملت‌ها می‌گوید که این همه ادعاهای سردمداران این سازمان میان‌تهی و بدور از واقعیت است. این سازمان شعار صلح و آزادی برای همه را سر می‌دهد، اما در واقع به هیچ یک از ارزش‌های انسانی پابند و متعهد نیست. و در برابر ظلم و وحشی‌گری قدرت‌های بزرگ بر ملت‌های ضعیف این سازمان ناتوان است و کاری کرده نمی‌تواند:

ظاهر آن مظهر عنوان صلح	حامی آزادی و پیمان صلح
بر در آن نقش به ارقام زر	«خانه تأمین حقوق بشر»
حامی پیمان شکنان گشت حیف	مدفن آمال جهان گشت حیف
اصل مساوات، دروغی دگر	قصه بی‌فر و فروغی دگر
اصل مساوات اگر هست راست	پس سخن از غربی و شرقی چراست؟
گردو تن از غرب به زندان شود،	در همه جا معرکه بنیان شود
لیک اگر قدرت غارتگران	شرق کند یک سره چون خاک دان
بلع کند کشور آباد را	برده کند ملت آزاد را
مجلس اقوام نجند ز جا	بر نشود از لب یک تن، صدا
معنی منشور ملل قدرت است	هر که ضعیف است، به صد ذلت است

(خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۶۳۲)

آزادی رأی و انتخاب

خلیلی با وجود آن‌که در فضای بسته و محیط پراختناق دوران پادشاهی ظاهر شاه زنده‌گی می‌کرد که در آن خبری از آزادی‌های مدنی و حقوق شهروندی برای مردم نبود، اما در همان حال به عنوان یک شاعر روشن‌بین و روشن‌گر، ندای آزادی رأی و دیدگاه و حق بیان افکار مردم و مشورت جمعی را برای صلاح‌اندیشی کشور، سر می‌داد، چنان‌که با استدلال منطقی و معقول، فواید نظرخواهی و مشورت و زیان‌های استبداد رأی و فردمحوری را در مثنوی «استبداد عقل» بیان می‌دارد:

عقل کامل کنون به عالم نیست	در بسا رازها که محرم نیست
فرد، محفوظ از زلل نبود	عقل آن نیز بی خلل نبود
عقل کامل، عقول ملت‌هاست	که کفیل همه سیاست‌هاست
مشورت چیست؟ اشتراک عقول	غور در کارگاه رد و قبول
دولتی را قوام بیشتراست	که در آن رأی قوم معتبر است
فکر یک شخص، رأی مردم نیست	هر صدایی، صدای مردم نیست
فکر یک شخص هر قدر نیکوست	تابع مد و جذر حالت اوست
الغرض فکر فرد نیست سلیقم	معرض لغزش است و انده و بیم
لذت و رنج و عزت و تحقیر	هر یکی را در آن بود تأثیر
فکر یک تن قرین امراض است	لعبت گونه‌گونه اغراض است

(همان، ص. ۶۶۹)

خلیلی رأی قوم را قوام دولت و نیروی افراد ملت را رکن برپادارندهٔ کاخ شکوه و عظمت آن می‌داند، دولتی را که به ملت و آرای قوم ارج نمی‌گذارد، بی‌اساس و انجام کارش را نابودی می‌داند:

دولت از نیروی ملت شد پدید	وای از آن دولت که ملت را ندید
هیچ دولت را نیابی پایدار	گر نباشد پایه‌هایش استوار

مایهٔ نضج‌گیری و پختگی ملت را وحدت و یک‌پارچگی رأی و بینش قوم و مردم می‌داند:

چيست پایهٔ وحدت آرای قوم؟	تکیه بر امروز و بر فردای قوم
قوم اگر گفتم، مرادم ملت است	ملت از گویم، اساسش وحدت است

(همان، ص. ۷۱۰)

این دیدگاه برخاسته از این طرز فکر است که رجوع به آرای مردم به اصلاح حکومت می‌انجامد، و مردم با انتخاب و رأی خود حکومت را انتخاب می‌کنند و در سیاست‌گذاری‌ها و تعیین نوع عملکرد دولت مشارکت می‌کنند (نقی‌زاده و حلبی، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۳).

صلح‌خواهی

خلیلی از شعارها و حرف‌های صلح که در مجالس جهانی و نشست‌های سازمان‌ها بزرگ بین‌المللی و از سوی نمایندگان کشورها قدرت‌مند جهان، با ادعای تأمین آرامش و امنیت برای بشریت، سر داده می‌شود، اما در واقع هیچ کدام از آنان قصد برقراری صلح در جهان و رهانیدن بشر از مهلکه جنگ و کشتارهای وحشت‌بار را ندارند، به سختی انتقاد می‌کند و همه شعارهای میان‌تهی آنان را به باد تمسخر می‌گیرد:

هنگامه صلح ملل تمهید جنگ است و جدل این ابرهای قیرگون آبستن اشک است و خون از این دو نیروی سیه گیتی شده چون رزمگه آن یک نموده راه گم، کج کرده عقرب‌وار دم این گرز مار گرسنه وان شرزه شیر یک تنه زین مصلحان کینه‌جو آهن‌دل و آینه‌رو	دارد نهفته در بغل این صلح‌ها پیکارها تا خود چه می‌بارد کنون زین فتنه‌ها در کارها گردد جهان آخر تبه در چنگ این گفتارها وین یک به کف بمب اتم حلقه زده چون مارها این زهرها اندر بنه وان مرگ‌ها در بارها چیزی نمی‌خیزد نکو غیر از همان تکرارها (خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۹۴)
--	---

صلح را جز از مردان حق و نیک‌طینت توقع داشتن کار بیهوده است:

صلح می‌باشد سلاح رادمردان بزرگ از دهان توپ جستن راز اصلاح بشر، صلح‌جویان جهان از حق حمایت می‌کنند سازمان اتحاد صلح گیتی را کنون	از زبunan صلح‌جویی قصه‌ای ناباور است دفع بیماری طلب‌کردن ز کام اژدر است کشور حق بی‌نیاز از رنج تیغ و لشکر است جشن اجلال از ورود سال و ماه دیگر است (خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۳)
--	--

در قصیده «وطن و دره زیبای مری»، با یادآوری از همین لاف و دعوای صلح و حقوق بشر می‌نالد که سازمان ملل متحد و نهادهای حقوق بشر، حقوق زن و حقوق کودک سر می‌دهند، اما با وجود

نگرش‌های سیاسی در شعر استاد خلیل‌الله خلیلی / ۵۳

همه ظلم، کشتار و وحشتی که ارتش سرخ کمونیزم در افغانستان روا داشته است، کسی از سردمداران این کشورها و سازمان‌ها، برای جلوگیری و ممانعت آن حرفی نمی‌زند و کاری نمی‌کند:

در عصر ما که نوع بشر لاف می‌زند از صلح و دوستی و وفا و برادری
یک سرزمین به خون شده تر لیک کس نخواند حرف برادری و پیام برادری
(خلیلی، ۱۹۸۵، ص. ۱۹۴)

خلیلی سردمداران قدرت‌های بزرگ جهانی و سازمان‌های بین‌المللی را که برای صلح شعار می‌دهند، در ظاهر برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند، تبلیغات رسانه‌ای راه می‌اندازند، دروغ‌باف و نیرنگ‌باز معرفی می‌کند که در جامه گوسفندی خوی درندگی و چنگال‌های جنگ و خون‌ریزی را پنهان داشته‌اند. او در رباعی «جنگ آشتی» می‌سراید:

این کینه‌وران باز به نیرنگ دیگر دارند سر فتنه به آهنگ دگر
فریاد که این شعبده‌بازان هر روز خواهند به نام آشتی جنگ دگر
(خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۳۷۶۹)

در جای دیگر می‌گوید:

لفظ را این‌جاست معنایی دگر اسم را باشد مسمایی دگر
صلح اگرگویند، جنگ آید برون شیشه‌گر خوانند، سنگ آید برون
هست این‌جا معنای همزیستی کینه و قتل و هلاک و نیستی
(همان، ص. ۷۷۹)

تشویق به پایداری

واژه «پایداری» در زبان فارسی به معنای ایستادگی و پافشاری به کار رفته است (معین، ۱۳۹۲، ذیل واژه). پایداری معادل واژه عربی «مقاومت» است که در فارسی نیز استعمال می‌شود و به معنای ایستادگی، برابری و مقابله، نیز به معناهای پافشاری و استقامت به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۸۸، ذیل واژه).

اصطلاح «ادب المقاومة» از نیمه قرن بیستم به بعد در ادب‌پژوهی کاربرد یافت. پیش از آن اصطلاح‌های «ادب المعركة»، «ادب الحرب»، «ادب النضال» به کار می‌رفت (مجیدی، ۱۳۹۱، ص. ۴۱۳). مقاومت همیشه و همه جا به مفهوم روی آوردن به جنگ نیست. جنگ واژه‌ای است که به ذهن و خاطر انسان تنفر و بی‌زاری و زشتی و آثار تباہ‌کن و ویران‌گر را تداعی می‌کند. اما گاهی انگیزه آن

دفاع از عقیده، باور، وطن، ناموس، مال و جان است (فرمی‌باف و همکاران، ۱۳۹۹، صص. ۱۶۸-۱۶۹). در دورهٔ جهاد مردم افغانستان بر ضد تهاجم و اشغال شوروی جریانی از شعر فارسی دری به منظور مقاومت فرهنگی بر ضد تهاجم نظامی شوروی و جلوگیری ترویج اندیشه‌های کمونیستی شکل گرفت که به آن شعر مقاومت یا پایداری می‌گویند. رسالت شعر پایداری این است که اراده‌ها را برای در هم شکستن استعمار برانگیزد، آتشفشانی برپا کند که از شحم بدن میلیون‌ها انسان آزادمنش مایه و انرژی می‌گیرد و زبانه‌های خشم‌گینش نمی‌تواند تنها برای تأیید مقولهٔ هنر برای هنر شعله کشد، بلکه برای آفرینش انقلاب و وفق دادن روحیهٔ مردم با آن است (آرزو، ۱۳۷۵، ص. ۱۲۰). شعر خلیل الله خلیلی در دورهٔ جهاد و مبارزهٔ مردم افغانستان بر ضد اشغال و تجاوز شوروی و تهییج و تشجیع مردم مسلمان به مقاومت و پایداری در برابر آن، جایگاه ویژه‌ای دارد (خلیق، ۱۴۰۱، ص. ۷۲). شعر پایداری افغانستان در حوزهٔ بیرون از کشور، بیشتر از هر نقطهٔ دیگر جهان در پاکستان، رشد قابل توجهی داشت. در حوزهٔ شعر پایداری در پاکستان از آغاز اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی در ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۶، خلیلی شاعری بود که گوی سبقت را از همه ربوده و در کنار شعر و سروده‌های او مجال ظهور و رشد برای دیگران محدود و دشوار شده بود، زیرا از لحاظ ادبیت و فنون شعر و شاعری در میان مهاجران کسی به مهارت و هنرمندی او هم‌پایه نبود (نیکوبخت و چهرقانی، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۹).

خلیلی شعر دوران جهاد و مقاومت خویش را سخن اشک و خون می‌نامد که از حال عروس افتاده به خون، اشک یتیم بر سر جسد مادر، نالهٔ بیوه‌زن شوهرمرده، و پدر ازدست‌داده دختر را با آه و درد حکایت می‌کند. از مخاطب می‌خواهد که از او شعر شاد، سخن از زلف سمن‌بوی و تیر مژگان توقع نکند:

روح سوز و جان‌گداز و سرکش است	نالهٔ من جرقه‌های آتش است
بانگ بر هم خوردن زنجیرهاست	نالهٔ من تابش شمشیرهاست
تشنه‌ام تشنه ولی جویم سراب	اخگرم اخگر که افتادم در آب
غنچه‌ام از صرصر غم چاک چاک	گوهر اشکم فتاده روی خاک
شام تاریک است و ره ناآشنا	رهروم از کاروان ماندم جدا
بی‌وطن را فرو بستن سزاست	شعر شیوا خواستن از من خطاست
آن فروزان مجرمم افسرده است	بر لب من شعر شیوا مرده است

بهر من جز داغ مضمون دگر	نیست در دیباچه شام و سحر
می‌شود اشک سیه‌روزان رقم	تا کند جنبش در انگشتم قلم
تا کنم حرفی رقم گلگون شود	تا سخن سر می‌نمایم خون شود
نالهِ و فریاد بسمل گشته است	شعر من خونابه دل گشته است
نیش خنجر اختر شب زنده‌دار	می‌زند هر شب به چشم اشک‌بار
جای گل خونابه چشم یتیم	هر سحر آرد ز کوی من نسیم
می‌زند با نیزه چشم را به خواب	صبح‌گاهان نیزه‌دار آفتاب
از عروس تر به خون بی‌کفن	ماه با من شام‌ها گوید سخن
از قدیمی رازداران من است	مرغ شب از غم‌گساران من است
می‌شود در نوحه‌خوانی تر صدا	بلبل این باغ با این بی‌نوا

(خلیلی، ۱۹۸۵، ص. ۱۱۹)

دعوت به وحدت امت اسلامی

خلیلی که پیرو اندیشه اتحاد و همبستگی جهان اسلام بود، مسلمانان را ملت یگانه و ملت توحید (یکتاپرستی) می‌خواند که در گذشته به جهان درس اتحاد و همگرایی دادند، اما امروزه متفرق و جدا جدا گشته و به جان هم افتیده‌اند.

و ز فیض بهار یک چمن جلوه‌گرد	این ملت توحید که از یک شجرند
چون مرغ قفس در شکن یک‌دیگرند	دادند به خلق، درس یک‌رنگی و خود

(خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۳۷۲)

او در یادبود صدمین سال‌روز ولادت سید جمال الدین پیش‌گام جنبش بیداری اسلامی، از وضع و حال جهان اسلام و پارچه پارچه بودن آن چنین شکوه سر می‌دهد:

مشرق و مغرب به هم آویخته	پیکر اسلام ز هم ریخته
عضو ز عضو شده بی‌جا ز هم	وحدت اسلام مجزا ز هم
جای‌گزین گشته بلای نفاق	در بدل وحدت مهر و وفاق
ترک جدا، کشور ایران جدا	هند جدا گشته و افغان جدا

(خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۵۴۴)

از اختلاف مسلمانان و امت اسلامی پیام شکوه به پامبر خدا (ص) می‌فرستد:

از اختلاف امت مرحومه قصه‌ها
دیو نفاق، خانه امت خراب کرد
ناموس دین به گوشه میدان فتاده است
ناسور گشته زخم مریضان از اختلاف

در پیشگاه قافله‌سالار ما برید
این دیو را بکش که به دیوان رسیده است
هنگام جان سپاری مردان رسیده است
هان، ای طبیب! فرصت درمان رسیده است

(همان، ص. ۶۹۹)

هنگام شکوه از ظلم و ستم لشکر کفری روس در افغانستان، مسلمانان جهان را به یاری می‌طلبید و از بی‌پروایی و بی‌احساسی آنان، و روابط ناجوان‌مردانه برخ کشورهای اسلامی با شوروی به سختی انتقاد می‌کند:

ای مسلمانان خدا را همتی!
غیرت و ناموس قرآنی چه شد؟
از که نالم؟ اول از میر حرم
ترک با ما داشت عهد اتحاد
شد پس از ایام مردان رشید
وای از آن دولت که خود را آشکار
ملتی با روس سرگرم جهاد،
این نشان رنگ‌بازی با خداست

اینک آمد سیل آتش، وحدتی!
ای مسلمانان! مسلمانی چه شد؟
از رفیقان عرب یا از عجم
آن محبت‌ها چه سان رفتش ز یاد؟
در میان مصر و ما سردی پدید
نزد ملت مؤمن آرد در شمار
او به وی در خفیه بندد اتحاد
دوری از زیر لوای مصطفاست

(خلیلی، ۱۳۸۵، ص. ۶۹۷)

نتیجه‌گیری

خلیلی زنده‌گی پرفراز و فرود فردی و اجتماعی را پشت سر گذاشته و شاهد رویدادهای گوناگون سیاسی جهان و سرزمین خویش بود. او از رنج و درد امت اسلامی، مظالم کفار بر ملت‌های مسلمان رنج می‌برد و در دوران حیات سیاسی خود فرمان‌روایی نظام شاهی در افغانستان را تجربه کرد، و بعدها شاهد رشد اندیشه‌های کمونیستی و الحادی، کودتای خلق و پرچم، به قدرت رسیدن کمونیستان و سرانجام از همه دردناک‌تر لشکرکشی قشون سرخ شوروی به افغانستان و اشغال آن بود که منجر به قتل، کشتار گسترده، ویرانی وطن، آوارگی هموطنان و صدها فاجعه دیگر در این سرزمین شد که همه ناشی از قساوت، بی‌رحمی و وحشی‌گری روس‌ها بود.

رویدادهای اجتماعی و فردی حوادثی مهمی بودند که بر اندیشه، جهان‌بینی و نگرش‌های سیاسی و فرهنگی او تأثیرگذار بودند و سرچشمه‌های درون‌مایه شعر او از تصورات ذهنی به‌جامانده از این حوادث آب می‌خورند، چنان‌که رد و نشان‌های فراوان از این تأثرات ذهنی شاعر در سراسر دیوان اشعار او دیده می‌شود.

از نگاه سیاسی مضامین مربوط به سرنوشت کشور، مردم و هم‌وطنانش در محور توجه او و اشعارش قرار دارند. ستایش آزادی و صلح، نکوهش جنگ، ویرانی، تجاوز و حق‌تلفی در دیوان او تجلی گسترده یافته است. آزادی را هم به مفهوم رهایی از قید و بند نفس و هوا سیطره شیطان و شهوت دانسته و آن را قرین ایمان و دین به کار برده و هم به مفهوم رهایی از سیطره کفار و بیگانگان. آزادی رأی و انتخاب، نظر دادن در امور سیاسی و اداری کشور را نیاز کشور در عصر حاضر می‌داند و از استبداد رأی و تک‌روی در حکمروایی انتقاد می‌کند. صلح را نیاز زنده‌گی بشر و جهان می‌داند، و از جنگ‌افروزی که شعار صلح سر می‌دهند، اما نیت جنگ دارند، به شدت بیزاری می‌جوید.

تبلیغ و آگاهی‌دهی مردم مسلمان از اندیشه وحدت میان مسلمانان و دعوت به اتحاد جهان اسلام که از آن به عنوان اندیشه انترناسیونالیسم اسلامی تعبیر می‌شود. خلیلی با آن‌که شاعر وطن‌دوست بود و اشعار زیادی در عشق به میهن و ملت خویش سروده است، اندیشه یگانگی و همبستگی سرزمین‌های اسلامی و ملت‌های مسلمان در شعر او بازتاب وسیع یافته است.

خلیلی در دهه‌های پسین از تاریخ معاصر کشورش، در میان مردم مسلمان و مجاهد افغانستان به وطن‌دوستی و پایداری و دشمن‌ستیزی شهرت یافت. زیرا او تنها شاعری توانایی بود که بیشتر از هر شاعر و نویسنده دیگری در بازتاب مظالم و ستم‌های دشمنان اسلام در حق مردم مسلمان افغانستان سخن گفته و وضع اسف‌بار این سرزمین را به جهان بیان داشت.

فهرست مآخذ

- آرزو، عبدالغفور. (۱۳۷۵). *نقد خلیلی*. مشهد: ترانه.
- خلیق، صالح محمد. (۱۴۰۱). *جستارهای زبانی و ادبی*. مزار شریف: انجمن نویسندگان بلخ.
- خلیلی، خلیل الله. (۱۹۸۵ م). *اشک‌ها و خون‌ها*. اسلام آباد. رأی زنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- خلیلی، خلیل الله. (۱۳۸۵). *دیوان خلیل‌الله خلیلی*. به کوشش محمدکاظم کاظمی. تهران: عرفان.
- دشتی، علی. (۱۳۸۶). *نقشی از حافظ*. تهران: اساطیر.

- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*. تهران: دانشگاه.
- سنچولی، زینب. (۱۳۹۱). مفهوم آزادی انسان از نظر اسلام و قرآن. کتاب چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی آزادی.
- شریفیان، مهدی و چهارقانی پرچلوبی، رضا. (۱۳۹۱). «تاریخ و جغرافیا در شعر پایداری افغانستان»، مجله تاریخ ادبیات، شماره ۶۸/۳.
- طغیانی، اسحاق و محمد ظاهر فایز. (۱۳۹۷). *تبلور آزادی در اشعار قهار عاصی*. نشریه ادبیات پایداری. س ۱۰، ش ۱۹، صص ۱۵۸-۱۷۷.
- فرمی‌باف، سید حسین، ابوالقاسم عاصی و کمال خواجه‌پور. (۱۳۹۹). ادبیات مقاومت از منظر قرآن و روایات. س ۲۸، ش ۱۱۲، پاییز ۱۳۹۹، صص ۱۶۷-۱۹۹.
- مجیدی، حسن. (۱۳۹۱). ادبیات مقاومت و فلسفه پیدایش مقاومت در کشورهای اسلامی تحت اشغال؛ فلسطین و عراق به عنوان نمونه. *نشریه ادبیات پایداری*. س ۳، ش ۶، صص ۴۱۱-۴۲۷.
- معین، محمد. (۱۳۹۲). *فرهنگ فارسی*. چاپ هفتم. تهران: امیر کبیر.
- نقی‌زاده، فرناز و علی اصغر حلبی. (۱۳۹۶). آزادی در شعر معاصر ایران و افغانستان (مطالعه موردی؛ ملک الشعرا بهار و خلیل الله خلیلی). *مجله پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*. ش ۱، بهار ۱۳۹۶، صص ۱۳۹-۱۵۸.
- نیکوبخت، ناصر و رضا چهارقانی. (۱۳۸۹). شعر پایداری افغانستان از کودتای مارکسیستی تا جمهوری اسلامی. *نشریه ادبیات پایداری*. س ۱، ش ۲، بهار ۱۳۸۹، صص ۳۴۱-۳۶۸.

د پير محمد کاروان په اشعارو کې د رومانوټ څېړنه

پوهنمل آريانا حقپال

عضو کادر علمی ديپارتمنت پښتو، پوهنځی زبان و ادبيات، پوهنتون کابل

لنډيز

پير محمد کاروان د پښتو معاصرې شاعرۍ يو پياوړی او نوښتگر شاعر دی، چې د رومانوټ ځانگړتياوې په خپلو اشعارو کې په واضح ډول انځوروي. شاعري يې د احساساتو، فرديت، او طبيعت د ښکلا په لټه کې ده، چې د رومانوټ بنسټيز عناصر تشکيلوي. کاروان د دردېدلې روح او د ژوند د عاطفي تجربو ژور انځورگر دی، چې د خپلو اشعارو له لارې د انساني احساساتو او ټولنيز شعور پر وده ټينگار کوي.

دلته د کاروان شاعري د رومانوټ د ادبي مکتب له نظره تحليلوو، د ده د اشعارو فکري او هنري ابعاد روښانه کوو او د رومانوټ د مهمو ځانگړنو په اړه تفصيل وړاندې کوو. د پير محمد کاروان شعرونه يوازې د فردي احساساتو استازيتوب نه کوي، بلکې د ټولنې غمونو او خوشحاليو ته هم انعکاس ورکوي، چې دا د پښتو معاصر ادب په رومانوټ کې ځانگړی ځای لري.

د دې څېړنې موخه دا ده، چې کاروان څه ډول د احساساتو، خيال، فرديت، طبيعت او ذهني آزادۍ مفاهيم په خپلو اشعارو کې په نوښتگر ډول څرگندوي او په دې توگه د رومانوټ د مکتب د پيروانو لپاره يوه نوې او غښتلې سرچينه کېدای شي، همدارنگه نور ادبپوهان د دې څېړنې په مرسته کولی شي د کاروان په شاعرۍ کې د رومانوټ د اصل پر اساس د نورو شاعرانو رومانوټي اړخ هم وڅېړي.

کلیدي کلمې: آزادۍ، احساسات، پښتو ادب، ټولنيز شعور، رومانوټ، طبيعت او فرديت.

A Study of Romanticism in the Poetry of Pir Muhammad

Karwan

Senior teaching assistant Ariana Haqpal

Academic member of Department of Pashto, Faculty of Languages and Literature, Kabul University

Abstract

Pir Mohammad Karwan is a prominent and innovative poet of contemporary Pashto poetry, distinctly embodying the characteristics of Romanticism in his works. His poetry is a profound exploration of emotions, individuality, and the beauty of nature key elements that define the Romantic literary movement. Karwan serves as a vivid portrayer of the anguished soul and the deep emotional experiences of life, emphasizing the development of human emotions and social consciousness through his verses.

This study analyzes Karwan's poetry through the lens of Romanticism, shedding light on both the intellectual and artistic dimensions of his works while providing an in-depth discussion of the fundamental traits of Romantic literature. His poetry does not merely reflect personal emotions; it also resonates with the joys, sorrows, and aspirations for change within society, securing a distinctive and valuable position for itself in the Romantic landscape of contemporary Pashto literature.

The objective of this research is to examine how Karwan innovatively expresses themes of emotion, imagination, individuality, nature, and intellectual freedom in his poetry, thereby offering a fresh and robust source of inspiration for followers of the Romantic school. Furthermore, this study aims to assist literary scholars in identifying Romantic elements in Karwan's works and exploring similar traits in the poetry of other Pashto poets.

Keywords: Emotion, Freedom, Pashto literature, Romanticism
Nature and Individuality, Social Consciousness

سريزه

پښتو شاعري د ښکلا، احساس او ژور فکر يوه لويه نړۍ ده، چې د مختلفو مکتبونو اغېزې په کې محسوسېدای شي (سائيل، ١٩٩٤، مخ ٣٤). د رومانويت مکتب چې د احساساتو، فرديت، طبيعت او آزاد فکر بيان ته ځانگړې توجه لري (ويکيپېډيا) د پښتو معاصرې شاعرۍ پر ځينو شاعرانو يې ژور تاثير کړی. پير محمد کاروان چې د پښتو ادب يو وتلی شاعر دی، د خپلو اشعارو له لارې د رومانويت ځانگړنې په ښکاره توگه منعکسوي. د هغه شاعري د عشق، دروني آزادۍ، او انساني احساساتو ژوره انځورگرې کوي، چې د رومانويت له ارزښتونو سره ډېر نږدې تړاو لري.

په دې څېړنه کې د پير محمد کاروان شاعري د رومانويت د ادبي مکتب له نظره تحليل شوې، د هغه د اشعارو د فکري او هنري ابعاد څېړنه به وشي او د رومانويت د مهمو ځانگړنو انعکاس به په کې وارزول شي.

د مسألې بيان

پير محمد کاروان د پښتو معاصرې شاعرۍ يو له هغو شاعرانو څخه دی، چې د رومانويت ځانگړنې په خپلو اشعارو کې په ښکاره ډول منعکسوي او دا په حقيقت د رومانويت اساسي اصل دی. کاروان د خپلو احساساتو له لارې خپلې ټولنيزې او فردي تجربې نندارې ته وړاندې کوي. په دې مقاله کې د ده شاعري د رومانويت د ادبي مکتب له نظره تحليل کېږي، ترڅو د کاروان د اشعارو فکري او هنري ابعاد روښانه شي.

څېړنيزې پوښتنې

1. د پير محمد کاروان په شاعرۍ کې د رومانويت اصلي ځانگړنې کومې دي؟
2. د کاروان شاعري د پښتو ادب په رومانويت کې څه ارزښت لري؟
3. د خپلو اشعارو له لارې د رومانويت کوم فکري او هنري عناصر بيانوي؟
4. د کاروان په شاعرۍ کې يې طبيعت، احساسات، خيال، فرديت، ازادي تصور او انځور شوي؟

د څېړنې موخه

د دې څېړنې اساسي موخه دا ده، چې د پير محمد کاروان په شاعرۍ کې د رومانويت ځانگړنې تحليل شي. دا مقاله به دا وڅېړي چې کاروان څنگه د احساساتو، خيال، فرديت، طبيعت او ذهني آزادۍ مفاهيم په خپلو اشعارو کې انعکاسوي. همداراز دا څېړنه به د کاروان د اشعارو له مخې دا هم روښانه کړي، چې رومانويت د پښتو ادب پر معاصر پرمختگ څه اغېز کړی.

د څېړنې مېتود

1. کتابتوني.
2. مېتود يې توصيفي - تحليلي دی.

د پير محمد کاروان پېژندنه

زوکړه

غزلبول، غزلبال او نوبتگر شاعر او ليکوال پير محمد کاروان د نور محمد خان په کورنۍ کې په ١٣٣٨ لمريز کال د خوست ولايت د تنيو د نريزې په کلي کې نړۍ ته سترگې پرانيولې، د ماشومتوب ځاپوړي او د ماشومتوب بېلابېل پړاونه يې په همدې ځای کې ترسره کړي.

زده کړې

کاروان لومړی ځل تر هغه چينار لاندې درس او ښوونې ته کېناست، چې د ده زړه ورسره پيوند دی او دی ورسره ولې ولې وغځېد او ده ته بې اندازې ډېر گران دی، ان دا چې د ده په شعرونو کې راشين شوی دی، دا خو لا پر ځای پرېږده ان په خپل يوه هنري اثر يې د چينار نوم اېښی دی.

نورې زده کړې يعنې له اووم ټولگي نه تر لسم ټولگي پورې يې د خوست په غرغښت عالي لېسه کې او پاتې نورې زده کړې يې د خوست په ميخانيکي لېسه کې بشپړې کړلې او په ١٣٥٦ لمريز کال له نوموړې لېسې څخه بريالی فارغ شو (پنهان، ١٣٨١، مخ. ١).

د کاروان اثار

الف - چاپ اثار

- له ماښامه تر ماښامه (شعري ټولگه) ١٣٧١ لمريز کال.
- چنار خبرې کوي (شعري ټولگه) ١٣٧٦ لمريز کال.
- د ښاپېرۍ ورغوى (شعري ټولگه) ١٣٧٩ لمريز کال.
- يو زرغون د نغمو سيند (شعري ټولگه) ١٣٨٧ لمريز کال.
- له نرگسه تر نرگسه (د لنډو کيسو ټولگه) ١٣٧٤ لمريز کال.
- غره ته روان سپرې (لنډو کيسو ټولگه) ١٣٨٣ لمريز کال.
- زرزري وزرې (شعري ټولگه) ١٣٩٤ لمريز کال. (اغېز، ١٣٩٤، مخ. ٥)

ب - نا چاپ اثار:

- مورې مورې تېرى يم: نظمونه دي چې د مور لپاره ليکل شوي دي.
- د ادبي نثرونو او شعرونو د کره کتنې په اړه يې يو کتاب برابر کړی ده.
- د پښتو ډرامې يوه ټولگه يې هم چمتو کړې ده.

د لنډو کيسو درېمه ټولګه يې هم برابره کړې ده. (اغېز، ۱۳۹۴، مخ ۵)

د پير محمد کاروان شعرونه په ځانګړې توګه د رومانويت د پراخې اغېزې څرګندوی دي. د کاروان اشعار د دې مکتب د هنر او فکر څرګندونه کوي. رومانويت يو هنري او فکري جريان دی، چې ۱۹ پېړۍ کې په اروپا کې رامنځته شو (جالبي، ۱۹۷۷، مخ ۳۰۷). دا مکتب د احساساتو، فرديت، طبيعت او ذهني ازادۍ پر اهميت ټينګار کوي (قري، ۲۰۱۲، مخ ۳۴). رومانيت په خپل اصل کې د معقولو حدودو څخه زيات احساساتي او د دردمند زړونو په ژبه باندې تکیه کوي. دې جريان د ژوند د رښتينو تجربو او د لوړو احساساتو د انځورلو لپاره د هنر په وسيله يوه نوې لاره پرانيستله. (کنول، ۲۰۱۸، مخ ۸۹)

کاروان د رومانويت د ځانګړنو پراخه انعکاس دی. هغه د خپلې ژبې او اشعارو له لارې د خپلو احساساتو، ستاينو او غمونو سره همغږي څرګندوي. په دې توګه کاروان خپل اشعار له داسې احساساتو څخه ډک کړي، چې د انسانيت په ژبه د ډېر ژور فکر او په زړه پورې احساساتو استازيتوب کوي. همدارنګه په شعرونو کې يې اندېښنې، رنځونوالی او همدردی څرګنده ده، چې دا ټول د رومانويت له اصلي ارزښتونو سره سمون خوري. (سالک، ۱۴۰۳، مخ ۲).

کاروان له خپلو احساساتو سره نږدې اړيکه لري، همدارنګه د طبيعت او ژوند د احساساتو په هکله ژور فکر کوي. په دې لړ کې يې تر ډېره په خپلو اشعارو کې د طبيعت د ښکلا، له يار سره د اړيکو او غمونو په اړه خبرې کوي. او د رومانويت د يوې اصلي ځانګړنې په توګه، چې په ژوند کې حقيقتاً نه تر سترګو کېږي انځور کړي او په خپله شاعرۍ کې ټينګار پرې کوي «هغه د خپلو اشعارو له لارې د مينې، وجدان او فردي ازادۍ د عناصرو پر ارزښت ټينګار کوي».

د کاروان شعرونه په رومانويت کې ټولنيز او فردي انقلابي فکر هم څرګندوي. هغه د يوه شاعر په توګه نه يوازې خپلې شخصي تجربې بيانوي، بلکې د ټولنې د ارزښتونو او قوانينو پر وړاندې هم خپل احساسات څرګندوي. په دې توګه، د کاروان شاعري د رومانويت په چوکاټ کې د ټولنيز تړاو، فرديت او د نړۍ د بدلون په اړه ژور فکر څرګندوي (مومند، ۱۴۰۴، مخ ۷۸).

د کاروان په اشعارو کې رومانويت

اوس راځو د کاروان په اشعارو کې رومانويت په ډاګه کوو، بېتونه را اخلو او په ترتيب سره يې سپړو، ترڅو د رومانويت اصلي توکي په ډاګه او روښانه شي:

بېلگه:

يو ځل كه د خپلې خوښې اوسنې باندې چو شم
خدایرو په ډانگونو كه ترې پاڅوئ بد نام
(كاروان، ١٣٧٩، مخ ١٧)

د كاروان په دې بيت كې د رومانويت ځانگړنې په ښكاره توگه څرگندېږي. شاعر پاسني بيت كې د خپل ارمان او داخلي جذبو د آزادۍ غوښتنه كوي. "د خپلې خوښې اوسنې باندې چو شم" څخه يې موخه د خپل ځان په اړه آزادي غوښتل دي او له "خدایرو په ډانگونو كې ترې پاڅوئ بد نام" مسرې څخه يې موخه د ازادۍ د ترلاسه كولو لپاره د ټولنې د قضاوت او بدننامۍ پر وړاندې بې پروايي ده، چې دا د رومانويت يو اساسي اصل دی، يعنې د فردي ازادۍ او د ټولنيزو موانعو د مخالفت سره سمون خوري. كاروان د خپل زړه په خوښه ژوند كول غواړي، پرته له دې چې د ټولنې يا چاپيريال فشارونه پرې اغېز وكړي، چې دا د رومانيت يوه مهمه ځانگړنه ده.

بېلگه:

چې تېر كړی دې پرون د لري وار دی
مستانه را درومه نن د بري وار دی
(كاروان، ١٣٧٩، مخ ١٧٢)

شاعر په دې بيت كې د رومانويت يو بنسټيز عنصر وړاندې كوي، چې هغه شخصي احساساتو او فرد داخلي نړۍ ته ډېر اهميت ورکوي. په دې مسره كې "چې تېر كړی دې پرون د لري وار دی" د تېرو وختونو يادونه كوي او ممكن د غم او ستړيا سره تړاو ولري. خو په "مستانه را درومه نن د بري وار دی" مسره كې د روانې خوشحالي او بريا په لټه كې دی. دا د رومانويت په فلسفه كې هغه ارزښتونه بيانوي، چې د فرد احساساتو، ارمانونو او د ځان شخصي خوشحالي لپاره لومړيتوب ورکوي.

بېلگه:

سين ته دې گوزار كړم كه ويالې ته دې گوزار كړم
گوره چې ځان څنگه له تېري گل نه څار كړم
(كاروان، ١٣٧٩، مخ ١١٧)

دلته د رومانويت ځانگړتياوې په ښكاره را څرگندېږي. په دې مسره "سين ته دې گوزار كړم" كې ويالې ته دې گوزار كړم" كې يو داخلي ټكر او ژور خپگان څرگندوي. دا د يوه انسان د احساساتو د ابهام او د ژوند د ټاكلو د پېچلتيا نښه ده. دلته شاعر د ژوند په جريان كې د ټكر او مغشوشيا پر وړاندې خپل بې وسه حالت ښيي او د تېري گل په ډول ژوند ته د بې بنسټه څيز په نظر گوري. په دويمه مسره كې "گوره چې ځان څنگه له تېري گل نه څار كړم" د خپل درد، نه پوره كېدونكې غوښتنې او د خپل

د پيرمحمد کاروان په اشعارو کې د رومانيت څېړنه / ٦٥

احساساتي حالت څخه د خلاصون هڅه کوي. دلته د رومانويت هغه ځانگړې بڼه څرگندېږي چې فرد د خپل زړه داخلي حالاتو او احساساتو ته ځانگړې توجه ورکوي او د خپل پېچلي ژوند د ابهام پر وړاندې خپله مبارزه بيانوي. بېلگه:

راته وايي له مالري زه د ياريم
خلکو دومره پر دې خپل زړه باندې باريم
(کاروان، ١٣٧٦، مخ ٢٦٧)

په پاسني بيت کې د رومانويت ځانگړتيا بيا په دې کې ده، چې شاعر د خپلې عاطفې او احساساتو د ښکاره کولو لپاره د خپل احساساتي وضعيت په اړه خبرې کوي. په دې مسره کې "راته وايي له مالري زه د ياريم" د ده اړيکې يوه غميزه وړاندې کوي، چې د فاصلو او ځنډونو باوجود هم د زړه د اړيکو ژورې معناوې څرگندوي. په دې کې د لرېوالي باوجود د مينې ځواک د ذهن او روح ژورو سيمو ته رسېږي.

همداراز، "خلکو دومره پر دې خپل زړه باندې باريم" د هغو دردوونکي احساساتو ښکارندويي کوي، چې خلک پرې بار شوي دي. دا ټول د رومانويت تر اغېز لاندې بيان شوي دي او د شاعر ټول احساسات د داخلي مبارزې او له عاطفي ستونزو سره تړلي وي. بېلگه:

شعر خپله مست اوښ دی خپل څښتن ته نه دی رام
يو سمندر شور دی ذره نه لري ارام
(کاروان، ١٣٧٩، مخ ١٧٠)

دلته هم د رومانويت يوه ځانگړې بڼه راڅرگندېږي، چې شاعر خپل احساسات او وضعيت د يوې ځواکمنې تجربې پر اساس تشرېح کوي. لکه په لومړۍ مسره کې چې وايي: "شعر خپله مست اوښ دی" له دې څخه يې مطلب دا دی، چې شاعر په يوه ځانگړي حالت کې دی، چې د هغه احساسات او فکرونه بې کنټروله او په يوه مستۍ کې روان دي. او بيا وايي چې "يو سمندر شور دی" مطلب يې داخلي نارامي ده او سکون نه لري. بېلگه:

زه دې اوښکې اوښکې لکه شبنم شم
گله وځانده چې ستا سره همدم شم
(کاروان، ١٣٧١، مخ ٤٨)

دلته رومانویت د شاعر د احساساتو، ارمانونو او د داخلي نړۍ بیان دی. په دې بیت کې شاعر خپلې ژورې او حساسې هیلې څرگندوي، چې د اوبښکو لکه شبنم په څېر نرم او پاکوونکي احساسات د غمونو او ارزښتونو سره تړلي دي. دا د رومانویت یوه اساسي ځانګړنه ده، چې شاعري د فرد داخلي نړۍ ته اهمیت ورکوي او په هغې کې د طبیعت یا نورو تخيلی عناصرو سره تړاو پیدا کوي. شاعر غواړي له دې ژور احساس سره یوه نوې او پاکه اړیکه جوړ کړي، لکه څنګه چې هغه په "ګله وځانده" کې وایي، چې د دې تازه او معصومي اړیکې د خوښۍ او ازادۍ طرف ته اشاره ده. بېلګه:

ما وې که لاړې، ته خو بیا راغلې

د عشق جبریل په حرا راغلې

(کاروان، ١٣٧٦، مخ ١٠١)

په دې کې رومانویت د شاعر د عشق احساساتو او له هغه سره تړلو روحی تجربو ته اشاره کوي. دلته د "عشق جبریل" د یوه سپېڅلي او لوړ وجود په توګه پېژندل شوی، چې د خپل عشق د پیغام رسولو لپاره د حرا غار ته راغلی دی. دا تصور د رومانوي نظریې سره تړلی دی، چې عشق نه یوازې یو انساني احساس دی؛ بلکې له روحانیت، سمو او بې حده پاکۍ څخه برخمن دی. شاعر په دې بیت کې د خپل عشق معصومیت او عظمت ته درناوی کوي او د دې حالت په اړه یې په تخيلی بڼه ژور فکر څرګندوي. بېلګه:

زګېروي دې اورم په زړه رنځور یې

په وینو سرو یې، خوسته منصور یې

(کاروان، ١٣٩٤، مخ ٢٠٥)

دلته رومانویت د شاعر د احساساتي او دردېدونکي حالت څرګندوي. شاعر د خپل زړه په رنځ، چې په تېزابو کې ډوب دی، د درد او غم وضعیت ښودنه کوي. "زګېروي" کلمه د ده ژورو احساساتو ته اشاره کوي، چې په رومانوي ډول د معشوق د لاسرسي نشتون یا موخې ته نه رسېدل رانښيي. "خوسته منصور" له مذهبي مفهوم سره هم تړاو لري، چې د محبت او وفادارۍ د پادشاه په توګه وړاندې کېږي. دا د رومانویت مکتب هغه ځانګړتیاوې لري چې له احساساتي دردو څخه د ځان بېلتون او د معشوق سره یو غیر حتمي اړیکه څرګندوي.

بېلگه:

شپې شوې ډېرې اوږدې ورك سبا راولئ
بار د نـور قافلې د رنـا راولئ
(كاروان، ١٣٧٩، مخ ١١٤)

دلته شاعر د اوږدې شپې او د معشوق څخه د جلاوالي درد څرگندوي. خو د راتلونکي د رڼا او امید په لټه کې دی، چې د "نور قافلې" تصور د خوشحالي او د نوي پیل سمبول دی. رومانويت دلته له طبیعت سره د شاعر د ژورې اړیکې او د احساساتو خالص بیان ته اشاره کوي.

بېلگه:

تېشه مې لاس کې ده په کاینو کې صنم لټوم
په ورك جنت پسې هر گوټ د جهنم لټوم
(كاروان، ١٣٧٦، مخ ٢٥٢)

دلته بیا شاعر د خپلو احساساتو په شدت کې ډوب دی او د خپل محبوب یا صنم په لټه کې دی، که څه هم هغه دې لټون ته د جنت او جهنم ترمنځ فرق نه ورکوي. دلته له رومانويت سره د انساني احساساتو شدت او د روح لټون د یوه لوړ او بشپړ حالت ته رسېدل دي. شاعر د خپلې داخلي جگړې او هڅو په اړه خبرې کوي، چې موخې یې یوازې یو احساساتي او معنوي لذت دی.

بېلگه:

ستا د مخ دا سپین سبا به کله پکې ووينم؟
څومره دې اوږده د تورو زلفو ماښامونه دي
(كاروان، ١٣٩٨، مخ ١٤٧)

شاعر د خپل محبوب د ښکلا او د هغې د نه شتون له کبله د وخت تېرېدنې درد او احساساتي خالیگاه ښيي. د "سپین سبا" سره د "تورو زلفو" تور ماښام او د هغې د بې وزلۍ پراخې شپې پرتله کول، د رومانويت د احساساتو له مخې د یوه مین د اوږده انتظار او ارمان څرگندونه کوي. شاعر د راتلونکي ورځې د امید او د خپلو احساساتو د څرگندولو لپاره یوه تازه ماحول رامنځته کوي.

بېلگه:

له ترڅو مو زړونه ډک دي
بس خوږه سـنـدره راوړه
(كاروان، ١٣٩٨، مخ ٢٠)

دلته شاعر د ژوند د سختیو او ناخوالو د زغم او زحمتونو ښودنه کوي. هغه وايي چې د زړونو زړه مملو او له غمونو ډک دی، خو بیا هم په تمه دی چې د خوشۍ او سکون لپاره یوه خوږه سندره واورې. دغه بیان او احساساتي حالت د رومانویت له مفهوم سره تړاو لري، چې د خوشبختۍ، مینې او سکون لپاره یوه امید لرونکې فضا جوړېږي.

بېلگه:

په وینه هم زما په سترگو کې یې
د سهار خوب مې یې تعبیر مې ته یې
(کاروان، ١٣٧٩، مخ ٨٢)

شاعر د سهار وختي خوب او حقیقت ترمنځ یوه بېله نړۍ تجربه کوي. هغه د وینو سترگو له لارې په خپلو احساساتو کې د ژوند لذت او د ورځې په راتګ کې د نوې انرژۍ پیل څرګندوي.

رومانویت په دې کې د فردي احساساتو او داخلي تجربو پر تمرکز باندې تکیه کوي، چې له طبیعت سره تړاو لري. دا طبیعي نړۍ د انسان د ذهني او روحاني حالت پر وړاندې یو ژور غبرګون ښیي.

بېلگه:

په غوغا وي سمندر وي، غلی غلی ارام کړې
د شبنم یوه زرینه، دُر دانه مې درنه جوړه
(کاروان، ١٣٩٤، مخ ٣٦٣)

د شاعر په دې بیت کې د طبیعت دویم بعد تشریح کوي، د سمندر د غوغا په داسې ډول بیانوي، چې یوازې ارامي راوړي. دغه تضاد د ذهن د ګډوډۍ او د سولې ترمنځ یو غبرګون دی.

رومانویت د دې احساساتو په څرګندولو کې ځواک لري، ځکه چې شاعر د خپلو داخلي تجربو پر اساس د طبیعت سوله‌یز اړخ ته داسې اشاره کوي، چې انسان خپل ذاتي ویاړ او فردیت په احساساتي توګه تجربه کوي.

بېلگه:

وخانده او وخانده خزانده راته وخانده
ستا له ژوبل ژوبل پانې پانې گل نه څار شمه
(کاروان، ١٣٧١، مخ ٥٨)

په پاسني بیت کې د رومانویت څرګندونه دا ده، چې شاعر د خپلې داخلي نړۍ او احساساتو سره اړیکه جوړوي. شاعر په دې بیت کې د طبیعت د بدلونونو سره خپلې اساسي تجربې شریکوي. هغه

د پيرمحمد کاروان په اشعارو کې د رومانيت څېړنه / ٦٩

خزانې ته د خونديتوب او د گلونو ژوبلولو ته شخصي تجربه په سترگه گوري. د رومانويت په مکتب کې فرديت او احساسات تر اوسه د خپل پخواني تعريف پر اساس ولاړ دي، پر همدې اساس شاعران د طبيعت او خپلو داخلي احساساتو «غم، هيجان او ازادۍ» لا ډېر اهميت ورکوي. بېلگه:

لېږ لېږ اوښکې راوړه د تاک پانې پانې وچې
اواره ملگر په څه شوې؟ د لغمان ممانې وچې
(کاروان، ١٣٧٦، مخ ١٨٣)

شاعر دلته د ژوند د ستونزو او غمونو عکاسي کوي. د زړه داغ داغ کېدل د ژورو احساساتو او د شخصي تجربو پر بنسټ د رومانويت يوه لازمي ځانگړتيا ده. دغه داغونه د فردي دردونو او خوږو ته اشاره کوي، چې د شاعر د احساساتو او د هغې د ژوند د سختو ټکان دی. طبيعت يا د ژوند د دښتې غاټول په دغه تشرېح کې د هغه د داخلي کړاوونو انعکاس دی، چې د فردي ازادۍ او خپلو احساساتو سره اړيکه لري. بېلگه:

بُت جوړوم بُت ماتوم ياره دا هنر لرم
زه د زړه په کور کې له خليل سره آذر لرم
(کاروان، ١٣٧٩، مخ ١٧٧)

شاعر دلته خپل هنر او خلاقيت څرگندوي، چې د فردي ازادۍ او خپل ځان پوهونې ښودنه کوي. "بُت جوړوم بُت ماتوم" د هغه د ځواک او ازادۍ نښه ده. د ياد بېت په دويمه مسره کې د هغه روحاني او احساساتي نړۍ ته اشاره کوي، چې په خيالونو او هنر کې يې ډوب دی. بېلگه:

زه چې ماشوم وم افسانې مې خوښې
چې تُرابان به گل اندامه يووړه
(کاروان، ١٣٧٩، مخ ٨٤)

شاعر پخپل دې بيت کې د خپلو ماشومانو خوښو او هيلو په اړه خبرې کوي. هغه وايي کله چې ماشوم وم د افسانو له لارې مې تصوراتو ته ځير وم، چې تُرابان پکې د ښه ژوند څېښتن شول. دا هغه وخت دی کله چې ذهن په حقيقت نه، بلکې د خوښو او افسانو سره تړلی و. رومانويت دلته په دې کې دا دی چې شاعر د خپلو احساساتو او هيلو پر اساس د يوې روښانه او ښايسته نړۍ په اړه خبرې کوي. هغه طبيعت، ښکلا او د فرد خپل احساسات او ارمانونه مطرح کوي، چې دا د رومانويت فلسفې يوه برخه ده. بېلگه:

خیر دی که وخت راته په دښتو کې اغـزي کړي
کله درځم هغه کاروان یمه بدل خو نه یم
(کاروان، ۱۳۷۱، مخ ۴۷)

دلته د وخت او تقدیر په وړاندې خپل ثابت موقف څرگندوي. که څه هم چې وخت کولای شي د ژوند په لاره کې ستونزې او سختۍ رامنځته کړي، خو شاعر د خپل وجود او ارادې پر بدلون ټینګار کوي. هغه غواړي ووايي چې د ژوند په دښته کې که څه هم مشکلات او اغزي د ده د لارې پر مسیر واقع هم شي، خو هغه خپل اراده نه بدلوي او په خپلې لاره دوام ورکوي. دلته رومانویت د فردي ارادې او بې پروایۍ د څرګندیدو له لارې ښکاري. شاعر په دې بیت کې د خپلو احساساتو او باورونو د ازادۍ ثابتوالي او فردي تجربو د ارزښت درک کوي، چې د رومانویت د فلسفې سره تړاو لري. بېلګه:

درې واړه پر ما ګران دي اول یار زما د کلي
چنار زما د کلي او کوکنار زما د کلي
(کاروان، ۱۳۷۹، مخ ۱۸)

شاعر دلته د خپل کلي او خپلو یادګارونو خبره کوي. هغه په داسې یوه نړۍ کې ژوند کوي چې د ښکلا او طبیعت عنصرونه لکه، چنار او کوکنار د هغه د کلي په زړه کې ځای لري. دا خبرې د طبیعت او انساني اړیکو ترمنځ ژور پیوستون ته اشاره کوي، چې په رومانویت کې ډېر مهم دي. د رومانیت فلسفه د فردیت او طبیعت سره ځانګړې اړیکې ته اهمیت ورکوي او شاعر هم د دې اړیکو له لارې خپل ارمان او احساسات څرګندوي. د کلي ښکلا او د هغه د طبیعي شتمنیو سره د شاعر تړاو د هغه د آزادۍ او فردي تجربې ښکارندويي کوي. بېلګه:

سپین د ستورو مېخ مې د شپې پر تابوت بیا وهي
سپین کفن سهار لرم، زېږی شهید د لمر لرم
(کاروان، ۱۳۷۹، مخ ۱۷۸)

په پورتنی بیت کې شاعر د ژوند د عذاب او مړینې پر موضوع ژورې خبرې کوي. هغه د شپې پر مهال د ستورو په مېخ لکه د مرګ د نښې په توګه تشبیه کوي، چې د ژوند پای ته نږدې والی ښيي. د "سپین کفن" یادونه بیا د مرګ نښې څرګندوي او "زېږی شهید د لمر" د ژوند د یو بې وسه حالت او د بریا نه شتون ته اشاره کوي.

د پيرمحمد کاروان په اشعارو کې د رومانيت څېړنه / ۷۱

په دې بيت کې رومانويت د شاعر د احساساتو له لارې څرگندېږي. هغه په دې گمان دی، چې نړۍ د هغه د فردي ارمانونو او نظرياتو سره اړيکه لري. د طبيعت او مرگ سره د شاعر تړاو د هغه د فردي تجربې او د انسانانو د وړتياو لپاره د آزادۍ د غوښتنې څرگندونه کوي.

بېلگه:

په سپوږمۍ کې مې اوبه ليدلې وې
نه نه ما په خوب کې ته لېدلې وې
(کاروان، ۱۳۹۴، مخ ۴۵۵)

شاعر په دې بيت کې خپل ارمانونه او احساسات څرگندوي، چې په خوب کې يې يو محبوب او يا هغه څوک چې ورسره ځانگړې اړيکه لري، ليدلی. د سپوږمۍ په يادونې سره شاعر هغه احساسات او يادونه توصيفوي چې د طبيعت ښکلا ته تسکين ورکوي، لکه په خوب کې د هغې موجوديت احساسول.

دلته رومانويت د فردي احساساتو، خيالونو او هيلو تمرکز دی. شاعر په خپل خيال کې د محبوب تصوير جوړوي، چې د سپوږمۍ په شان دی. دا د فردي نړۍ او احساساتو د بيان يوه بېلگه ده، چې د رومانويت د آزادۍ او خيالونو پر اهميت ټينگار کوي.

بېلگه:

شپه به په نن سبا کې ښکلې سبا وزېږوي
لکه شيدې د شپې له تيو سپدې وبهېدې
(کاروان، ۱۳۷۱، مخ ۱۳۷)

دلته د وخت د بدلون او راتلونکي روښانه حالاتو ته اشاره کېږي. شپه، چې معمولاً د تيارو او ستونزو نښه ده د سبا په راتگ سره ښکلې کېږي او روښانه کېږي. د شيدو په شکل کې چې د شپې له تيارو سپينې ته تبديليږي شاعر د نوې ورځې او روښانتيا د راتگ هيلې څرگندوي. دلته رومانويت د طبيعت په ښکلا، فردي هيلو او خيالونو کې څرگند دی. د شپې او سبا ترمنځ تر سره کېدونکې بدلون د آزادې ارادې او طبيعت سره د ارتباط څرگندونه کوي. شاعر د خپلو هيلو او احساساتو له لارې يوه خوشينه راتلونکې ترسيموي.

بېلگه:

مار چې د لستونې وي نه خپل او نه پردی غواړو
کار يې چې ستم وي نه شرقی او نه غربی غواړو
(کاروان، ۱۳۷۱، مخ ۳۱)

دلته شاعر د ظلم او بې انصافی پر ضد خپل نظر څرگندوي. هغه وايي چې هغه څه چې انسانان یې غواړي هغه له ظلم څخه ازادي او د هر ډول توپیر نه درلودل دي. دی د ظلم پر وړاندې د یوالي او انصاف غوښتنه کوي او دا څرگندوي چې ظلم باید په کوم ځانګړي ځای یا قوم پورې محدود نه شي، بلکې باید په هر ځای او هره سیمه کې د ظلم مخنیوی وشي.

دلته رومانویت د انسانیت او ازادۍ پر اهمیت ټینګار کوي. شاعر د فردیت او ټولنیز انصاف غوښتنه کوي او د هغو احساساتو ته ځای ورکوي چې انسانان په ټولو کلتورونو کې باید د ژوند د ښه والي لپاره د ظلم پر ضد پورته کړي. بېلګه:

د نښتر څڼو کې د شپې زرینې رومنځې وهي
سپوږمۍ په پور واخلي له ستورو د رڼا لاسونه
(کاروان، ۱۳۹۴، مخ ۱۸۱)

د شاعر د وروستي بیت د سپړنې سم دلته شاعر په دې بیت کې د سولې او آرامۍ غوښتنه کوي، چې د جګړې له وحشتونو څخه خلاص شي. د "مجنون" یادونه د جنون او جګړې بدیل ته اشاره کوي، چې د امن او ارامښت غوښتنه کوي.

په دویمه مسره کې د جلا وطنۍ درد او له خلکو سره د مرستې لپاره اړتیا څرګندوي. دلته رومانویت د انسانانو فردیت، د طبیعت اړیکې او د ازادۍ اصولو ته اشاره کوي. شاعر د جګړې پر ضد خپل غم او د سولې اړتیا په موثره ډول څرګندوي، چې د ټولنې د هوساینې لپاره یو قوی پیغام دی. دا بیت د شاعر د عاطفي او فکري ژوروالي نښه ده او د سولې په لور د یوې ارمانې نړۍ جوړولو هڅه کوي.

پایله

د پیر محمد کاروان شاعري د رومانویت د بنسټیزو اصولو یوه روښانه بېلګه ده. د هغه اشعار د احساساتو، طبیعت، فردیت او ازادۍ یو قوي انعکاس دی، چې د پښتو معاصر ادب له جریانونو سره یې ځانګړی تړاو رامنځته کړی. کاروان د خپلو اشعارو له لارې د رومانویت هنري ځانګړتیاوې د پښتو ادب له کلاسیکو او عصري ارزښتونو سره یوځای کړي دي.

سربېره پر دې، د کاروان شاعري د رومانویت د احساساتي شدت او د ټولنیز واقعیت د انعکاس ترمنځ یو اتلول ساتي. که څه هم د هغه اشعار د فردي احساساتو پر بیان متمرکز دي، خو دا احساسات د ټولنیزو ارزښتونو او بدلونونو سره تړلي ښکاري. د هغه د شعرونو منځپانګه یوازې د شاعر شخصي تجربې نه بیانوي، بلکې د ټولنې د عامو افرادو د احساساتو، خوښیو، او غمونو استازیتوب هم کوي. له

د پير محمد کاروان په اشعارو کې د رومانيت څېړنه / ۷۳

همدې امله د پير محمد کاروان شاعري د پښتو معاصر ادب د رومانويت يوه مهمه برخه گڼل کېږي، چې د پښتو ادبي تاريخ د پراختيا او پرمختگ لپاره ځانگړی ارزښت لري. همدارنگه د کاروان په اشعارو کې د رومانويت د څرکونو په برخه کې به دا څېړنې نورو څېړونکو ته لاره هواره کړي او د پښتو ادب د معاصرو شاعرانو په برخه کې به د رومانويت د مکتب د پيروان يو نوی ماخذ وي.

ماخذونه

- اغېز، عبید الله. (۱۳۹۴). *کاروان او چنار*. پېښور: دانش.
- پنهان، فضل محمود. (۱۳۸۱). *ادبي ارمغان*. کوپټه: هېواد.
- جالبي، جميل. (۱۹۷۷). *گویتي، کلاسیکیت اور رومانویت، مشموله ارسطو سی*. دهلی: پیتم پوره.
- حسن، محمد. (۱۹۹۹). *اردو ادب مین رومانوی تحریک، مشموله کلاسیکیت اور رومانویت*. انډیا: رایتیر گلپ.
- سالک، مصطفی. (۱۴۰۳). *رومانویت او غني خان*. پکتیکا: گیتواز مهالنی.
- سائیل، خواجه محمد. (۱۹۹۴). *رومانویت او عبدالحمید بابا*. پېښور: بوک ایجنسي.
- کاروان، پير محمد. (۱۳۷۱). *له ماښامه تر ماښامه (شعري ټولگه)*. پېښور: دانش.
- کاروان، پير محمد. (۱۳۷۶). *چنار خبرې کوي (شعري ټولگه)*. پېښور: دانش.
- کاروان، پير محمد. (۱۳۷۹). *د ښاپېری ورغوی (شعري ټولگه)*. پېښور: دانش.
- کاروان، پير محمد. (۱۳۹۴). *زرزري وزرې (شعري ټولگه)*. پېښور: دانش.
- کاروان، پير محمد. (۱۳۹۸). *په خدای انسان خوږ دی (شعري ټولگه)*. چاپ: افغانستان.
- کنول، محمد انور. (۲۰۱۸). *اقبال اور رومانویت*. پنجاب: شمع پبلیکېشن.
- مومند، اسحاق. (۱۴۰۴). *پښتو ادب او رومانویت*. پېښور: کتاب کور.
- محمد، ولي او قرني، محمد اویس. (۲۰۱۲). *رومانویت اور کلاسیک تقابل اور تجزیه*. پېشاور: یونیورسیتی کالج.

کنترول استراتیژی آموزشی

پوهنمل گلدسته سروری

عضو کادر علمی دیپارتمنت روانشناسی و علوم مسلکی، پوهنخی تعلیم و تربیه، پوهنتون تخار

چکیده

هدف از کنترول راهبردی این است که استراتیژی به گونه درست تدوین، اجرا و ارزشیابی شده است. مدیریت با بررسی‌های درونی و بیرونی در مدل SWOT استراتیژی‌های سازمان را به طور واقعی باتوجه به امکانات درونی و فرصت‌های بیرونی تنظیم و آینده سازمان را با اطمینان پیش‌بینی می‌کند. کنترول استراتیژی آموزشی یکی از ابزارهای کلیدی در مدیریت نظام‌های آموزشی است که به مدیران و سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا برنامه‌های آموزشی را به طور مستمر ارزیابی نموده و اصلاح کنند. این مقاله با بررسی نظریه‌های مختلف کنترول استراتیژی آموزشی، ابزارهای ارزیابی، چالش‌ها و راهکارهای پیشنهادی، سعی دارد تصویری جامع از این مفهوم ارائه دهد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که کنترول استراتیژی نه تنها بر بهبود کیفیت آموزش تأثیرگذار است بلکه می‌تواند به کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری و ارتقای عملکرد نظام‌های آموزشی نیز کمک کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ایجاد هماهنگی میان استراتیژی‌ها و اهداف آموزشی می‌تواند تأثیر مثبتی بر کیفیت و اثربخشی نظام آموزشی داشته باشد. یافته‌ها هم‌چنان نشان می‌دهد که برای رسیدن به اهداف جدید، استراتیژی‌های مختلف وجود دارند که هر یک از آن‌ها نقاط قوت و ضعف خود را دارند. برنامه‌ریز باید استراتیژی‌های جدید ممکن را بشناسد و به ارزیابی آن‌ها پردازد. روش کار طوری است که برنامه‌ریز با به‌کارگرفتن یک معیار مانند میزان عملی بودن، مفید بودن، قدرت مشکلات، هم راستایی با خط‌مشی‌ها، تطبیق با امکانات و منابع سازمان می‌تواند به ارزیابی استراتیژی پردازد و استراتیژی جدید را بر این اساس انتخاب کند. روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌یی-مروری بوده، مواد و ابزار کار مشتمل بر کتاب‌ها و ژورنال‌ها می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش، استراتیژی، ارزیابی، سازمان، کنترول و هدف.

Controlling Educational Strategy

Senior Teaching Assistant Guldasta Sarwari

Academic member of Department of Psychology and Professional Sciences, Faculty of Education and Training, Takhar University

Abstract

The purpose of strategic control is to ensure that a strategy is properly formulated, implemented, and evaluated. Management, through internal and external assessments within the SWOT model, aligns the organization's strategies realistically, considering internal capabilities and external opportunities, and predicts the organization's future with confidence. Educational strategic control is one of the key tools in the management of Educational systems, assisting managers and policymakers in continuously evaluating and improving educational programs. This article aims to provide a comprehensive understanding of this concept by reviewing various theories of educational strategic control, evaluation tools, challenges, and proposed solutions. The findings indicate that strategic control not only influences the improvement of educational quality but also contributes to cost reduction, increased productivity, and enhanced performance of educational systems. Results show that aligning strategies with educational goals can have a positive impact on the quality and effectiveness of the educational system.

The findings further reveal that achieving new objectives involves various strategies, each with its strengths and weaknesses. A planner must identify possible new strategies and evaluate them. The process is such that the planner can assess strategies using criteria such as feasibility, usefulness, problem-solving capacity, alignment with policies, and compatibility with the organization's resources and capabilities, and select a new strategy accordingly. Library research method is used in this article and the writer try to use from different new books and journal to complete this article.

Keywords: Learning, Evaluation, Strategy, Organization, Control, Goal.

مقدمه

سازمان‌های آموزشی در روند شکل‌گیری و حرکت به سمت اهداف تعیین شده همواره با موانع گوناگونی روبرو می‌شود که این موانع هر یک در حد توان خود به انحراف‌کشاندن سازمان‌های آموزشی به سمت مسیرهای پیش‌بینی‌نشده و گاه متوقف‌نمودن آن فعال‌اند. پذیرش این واقعیت آشکار می‌سازد که ضرورت دارد یک میکانیزم کنترل مبتنی بر استانداردهای خاص و مشخص تضمین‌کننده و حافظ بقای اهداف سازمان باشد (رضائیان، ۱۳۸۵، ص. ۲۶۱). بنابراین، کنترل استراتژیک در یک سازمان نقش خیلی مهم را ایفاء می‌نماید. کنترل دقیق استراتژی‌های آموزشی می‌تواند به شناسایی نقاط ضعف و قوت سیستم‌های آموزشی کمک‌کند و مسیر پیشرفت را هموار سازد.

اهمیت کنترل استراتژی در این است که معیارها را تعریف، عملکردها را سنجش، انحرافات را تشخیص و اقدامات اصلاحی را روی دست می‌گیرد. یعنی گاه‌گاهی استراتژی‌ها را مورد ارزیابی و بازنگری قرار می‌دهد.

مسأله اساسی که مدیران امروز به آن روبرو هستند این است که از یک‌سو سازمان‌های آموزشی باید دارای انعطاف‌پذیری، نوآوری و خلاقیت باشد و از کارکنان بخواهد که نوآوری کنند. و از سوی دیگر می‌خواهد به شیوه‌های اثربخش بر کارکنان اعمال کنترل نماید. هم‌چنین روی ارزیابی نقاط قوت، نقاط ضعف، ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدها بحث کند؛ ضمناً پیرامون مزایا و محدودیت‌های استراتژی نیز بپردازد.

این‌که کنترل استراتژیک در آموزش به مجموعه‌ای از فرآیندها و اقدامات مدیریتی اشاره دارد که هدف آن پایش، ارزیابی و بهبود مستمر برنامه‌های آموزشی است. با پیشرفت تکنالوژی و تغییرات سریع در نیازهای یادگیری، کنترل استراتژی بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است.

اهمیت کنترل استراتژی آموزشی در این است که در دنیای امروز، رقابت جهانی میان کشورها در حوزه توسعه انسانی و اقتصادی تا حد زیادی به کیفیت آموزش وابسته است. کنترل پروسه ارزیابی عملکرد فردی و سازمانی است، مدیریت خوب مستلزم کنترل مؤثر است (علاقه‌بند، ۱۳۹۳، ص. ۹۹).

هدف از تحریر این مقاله ارتقای کیفیت آموزش، افزایش بهره‌وری استادان، شاگردان و ایجاد انعطاف‌پذیری در برنامه‌های آموزشی می‌باشد.

سوال اساسی این است که کنترل استراتژی آموزشی می‌تواند باعث بلند رفتن کیفیت آموزش، ایجاد انعطاف‌پذیری در برنامه‌های آموزشی یا باعث افزایش بهره‌وری استادان و شاگردان شود؟

مسئله که وجود کنترل استراتژی آموزشی را ضروری می‌سازد این است که مدیران امروزی در پیش‌بینی‌ها و برنامه‌های عملیاتی در سازمان‌های آموزشی همواره با درصدی خطا توأم اند برای رفع این خطاها و اصلاح عملیات کنترل استراتژی آموزشی مهم است که به موجب آن معلوم می‌شود اقدامات و فعالیت‌های سازمان‌های آموزشی تا چه اندازه در جهت هدف‌ها و مطابق موازین پیش‌بینی شده است. محیط متغیر و دگرگون سازمان‌های آموزشی دلیل دیگر بر ضرورت کنترل است. سازمان‌های آموزشی برای بقای خود باید از تغییرات محیطی آگاه شود و هماهنگی‌های لازم را با آن‌ها به عمل آورد و کنترل وسیله این آگاهی است. حصول اطمینان از کیفیت، کمیت و خدماتی که در سازمان‌های آموزشی طی برنامه‌های وسیع و پیچیده عرضه می‌شوند جز از طریق یک سیستم مؤثر کنترل عملی نیست. و این‌ها همه شواهدی بر لزوم و ضرورت کنترل در سازمان‌های آموزشی امروزی اند (الوانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۸).

تحریر این مقاله به سیاست‌گذاران، مدیران آموزشی و محققین در شناسایی و حل مشکلات سیستم‌های آموزشی کمک می‌کند.

اهمیت مسئله در این است که کنترل استراتژی آموزشی در هر نظام آموزشی یک امر مهم و حیاتی تلقی می‌شود. بنابراین، کنترل استراتژی آموزشی می‌تواند کیفیت آموزش، شناخت نقاط قوت و ضعف سیستم‌های آموزشی را بهبود بخشیده، تأثیر مثبتی بر کیفیت و اثربخشی نظام آموزشی داشته باشد.

تعاریف کنترل

کنترل مانند تنظیم پلان برای اشخاص مختلف مفاهیم مختلف دارد. اما منظور اصلی و کلی از کارهای مربوط کنترل حصول اطمینان از تطبیق نتایج فعالیت‌ها نسبت به هدف‌های مطلوب اداره می‌باشد (ستانکزی، ۱۳۹۱، ص. ۹۰). مدیران تا زمانی که از طریق کنترل فعالیت‌های انجام شده را ارزیابی و با استندردهای مورد انتظار مقایسه نکنند واقعاً نمی‌دانند مطابق برنامه عمل شده است یا خیر (فیضی، ۱۳۹۳، ص. ۳۵۰). کنترل عبارت از مقایسه و ارزیابی اجراءات یا عملکرد کارکنان با فعالیت‌های استندرد و از قبل تعیین شده می‌باشد تا واضح و مشخص بسازد که آیا اجراءات به اساس پلان‌های از قبل تعیین شده پیش می‌رود یا خیر (رحمانی، ۱۳۹۶، ص. ۴۵).

کنترل استراتژی آموزشی

کنترل استراتژی آموزشی به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که در راستای هدایت فرایندهای آموزشی برای تحقق اهداف استراتژیک سازمان‌ها انجام می‌شود. این کنترل شامل نظارت بر برنامه‌های آموزشی، ارزیابی اثربخشی روش‌ها، ابزارهای آموزشی و اعمال تغییرات لازم برای بهبود

عملکرد است. برنامه‌های راهبردی (استراتژیک) دارای چهارچوب زمانی نسبتاً طولانی و قلمرو وسیع است؛ ناظر به فعالیت‌های تمام واحدهای سازمانی و شامل تعیین اهداف سازمانی است (علاقه‌بند، ۱۳۹۳، ص. ۵۰). برنامه‌های راهبردی ابزارهای برای حصول هدف‌های راهبردی به شمار می‌آیند. در این برنامه‌ها هدف‌ها، خطوط کلی فعالیت‌ها، مأموریت‌های سازمان در درازمدت تعیین، اولویت‌ها مشخص، اقدامات اصلی و کلیدی که برای نیل به هدف‌های سازمانی ضروری‌اند معین می‌شوند (فیضی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۷). برنامه‌ریزی اساسی دوراندیشی سازمان‌یافته‌ای است که مراحل زیر را دربر دارد:

الف) تعیین مأموریت‌ها و هدف‌های دوربرد؛

ب) تفکیک مأموریت‌ها به هدف‌های کمی و کیفی کوتاه‌مدت که این عمل را در اصطلاح هدف‌گذاری می‌نامند؛

ج) تعیین خط‌مشی‌ها یا سیاست‌ها؛

د) طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی اجرایی (تاکتیکی) (رضائیان، ۱۳۸۵، ص. ۹۴).

مأموریت

مأموریت در لغت به معنای دورنما، منظر، تصویر، افق، آرمان و آینده متصور، مطلوب و ممکن است.

مأموریت بیان آینده واقع‌گرا، تحقق‌پذیر و جذاب است.

مأموریت تصویری مطلوب و قابل دست‌یابی از آینده است که برای تحقق آن به انسجام، وحدت، انگیزه، شوق، همت، اراده مدیران جمعی و کوشش همه‌جانبه نیاز است (حسن بیگی، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۸).

مأموریت: تعریف مأموریت یا هدف بنیادی سازمان کاری است نیازمند زمان و مشکل که شامل ابعاد وسیع است و به طور تلویحی هدف‌ها و راهبردها را دربر می‌گیرد (رابینسون، ۱۳۸۸، ص. ۳۴). رسالت عبارت است از فلسفه وجودی یا نقشی که یک مجموعه (سازمان یا جامعه) بر عهده گرفته تا خدمتی ارایه دهد و نیازهای جامعه را برآورده سازد.

ارزش‌ها: ارزش‌های سازمانی آن‌دسته از ارزش‌های هستند که هدایت‌گر رفتار، کردار و اندیشه‌های کارکنان و مدیران سازمان بوده بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند (حسن بیگی، ۱۳۹۰، ص. ۲۰۵).

هدف‌ها: هدف نتیجه یا پایانی است که کوشش‌ها را به سمت خود هدایت می‌کند در این تعریف نتیجه یک پایان یک واقعیت است که کوشش‌ها برای کسب آن به کار گرفته می‌شود (حسن بیگی، ۱۳۹۰، ص. ۲۲۱).

ماهیت و اهداف استراتژی‌ها

اگرچه استراتژی، تنظیم رفتار سازمان افراد در تعامل با محیط است و فرد سازمان باید از رفتارهای متنوعی در ارتباط با محیط‌های فعالیتی خود استفاده کند، با وجود آن استراتژی به فرایند تعیین مقاصد، هدف‌های اساسی سازمان، پذیرش جریان اقدامات و تخصیص منابع ضروری برای دستیابی به هدف‌های ریز سازمان می‌پردازد. مهم‌ترین هدف‌های قابل حصول اولویت‌بندی هدف‌های مذکور، سیاست‌های بسیار ضروری برای هدایت منابع و تنظیم عملیات، توالی برنامه‌ها و عملیات اساسی و راهکارهای دستیابی به اهداف می‌باشد (حمیدی‌زاده، ۱۳۸۸، ص. ۴).

انتخاب هدف‌های بلندمدت و راهبرد اصلی

الگوی مدیریت راهبردی توالی انتخاب هدف‌های بلندمدت و راهبرد را مطرح می‌کند. در حقیقت انتخاب راهبردی، انتخاب هم‌زمان هدف‌های بلندمدت و راهبرد اصلی است. زمانی که طراحان راهبردی فرصت‌ها را مطالعه می‌کنند، کوشش می‌کنند تعیین نمایند که کدام یک از آن‌ها با احتمال بیشتری ما را به هدف‌های بلندمدت می‌رسانند آن‌ها تقریباً هم‌زمان با این بررسی‌ها تلاش می‌کنند راهبرد اصلی و در دسترس را نیز پیش‌بینی کنند این راهبرد می‌تواند از فرصت‌های مورد نظر بهره‌برداری کند و ما را به هدف‌های مان برساند. نقش انتخاب راهبردی در دسترس از سوی سازمان تعیین شده است این انتخاب‌ها از سه فرصت تعاملی ناشی شده‌اند که برای هر کدام از این فرصت‌ها می‌توان راهبردی متفاوت را برگزید، به عنوان مثال توسعه افقی و توسعه بازار راه برای رسیدن به هدف‌های بلندمدت است. در یک موقعیت واقعی تصمیم انتخاب راهبردی به علت فرصت‌های تعاملی گوناگون قابل دسترسی بودن هدف‌ها، انتخاب‌های راهبرد اصلی امیدوارکننده و معیارهای ارزیابی پیچیده می‌گردد (حسینی، ۱۳۸۸، ص. ۲۰۸-۲۱۰).

پیایی سازی هدف‌ها و انتخاب راهبرد

انتخاب هدف‌های بلندمدت و راهبردهای اصلی نیازمند تصمیم‌های هم‌زمان است نه متوالی، اگرچه این امر واقعیت دارد که هدف‌ها باید معلوم باشند تا جهت و پیشرفت سازمان به وسیله نیروهای تصادفی تعیین نگردند. در عین حال این امر هم واقعیت دارد که هدف‌ها فقط در صورتی ارزشمنداند که راهبردها بتوانند اجرا شوند و هدف‌ها واقعیت پیدا کنند. در حقیقت هدف‌های بلندمدت و راهبردهای اصلی وابستگی درونی و متقابل با یکدیگر دارند. رسیدن به هدف‌ها اتخاذ می‌گردند یا رفع محدودیت‌ها مورد نظر است. در جواب باید گفت که خود محدودیت‌ها فی‌نفسه هدف اند نه یک

خواست و نمی‌توان آن‌ها را با توجه به عوامل دیگری نظیر اولویت‌های سازمان یا شرایط بازار کار و عملکرد سود سازمان به دست آورد (حسینی، ۱۳۸۸، صص. ۲۰۸-۲۱۰).

ماهیت ارزیابی استراتژی

پروژه‌های مدیریت استراتژیک به تصمیماتی منجر می‌شود که نتایجی مهم و بلندمدت به‌بار خواهد آمد. تصمیمات نادرست استراتژیک می‌تواند ضربه‌های شدید و خساره‌های جبران‌ناپذیری وارد کند و سازمان‌های آموزشی را با درد سرهای زیادی روبرو سازد و در موارد وضع به گونه‌ای در می‌آید که سازمان نمی‌تواند مسیر رفته را باز گردد یا روند امور را تغییر دهد. بنابراین، بیشتر استراتژیست‌ها در این مورد اتفاق نظر دارند که از نظر سلامت و ادامه حیات سازمان‌های آموزشی ارزیابی استراتژی اهمیت زیادی دارد. ارزیابی به هنگام می‌تواند مدیریت را از وجود مسائل و مشکلاتی که دامن‌گیر سازمان‌های آموزشی خواهد شد آگاه سازد، تا شاید پیش از این که وضع وخیم شود اقدامات اصلاحی به عمل آید (دیوید، ۱۳۹۴، ص. ۵۴۲).

روش SWOT در برنامه‌ریزی استراتژیک محیطی درونی و بیرونی

مودل SWOT شامل بررسی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات است و عنوان آن از حروف ابتدایی این چهار جزء گرفته شده است (الوانی، ۱۳۹۵، ص. ۶۱).

تعاریف نقاط قوت و ضعف

قوت: قوت عاملی به قوت تلقی می‌شود که مزیت رقابتی یا مهارت برای سازمان ایجاد کند. نقاط قوت، مواردی هستند که سازمان در صورت انجام‌دادن یا داشتن آن‌ها امتیاز مثبت و توانایی زیادی دارد. نقاط قوت به کلیه عوامل داخلی که تسهیلات بیشتری را در اجرای راهبرد مورد نظر فراهم نماید نقاط قوت گفته می‌شود.

نقاط ضعف: مجموعه محدودیت‌ها و تنگناهای داخلی سیستم است که موجب تأثیر منفی در وصول به اهداف یا عدم تحقق آن‌ها می‌شود. نقاط ضعف، عوامل و شرایط محیط داخلی که رفع نکردن آن‌ها در فرایند جلوگیری از تهدید در محیط خارجی مانع ایجاد می‌کند.

ارزیابی قوت‌ها و ضعف‌ها

برای ارزیابی منابع و ظرفیت‌های سازمان ضرورت است که تمام فعالیت‌های مختلف مؤسسات در نظر گرفته شود و نقش آن‌ها در ایجاد مزیت و اجرای راهبرد درک شود. راهبرد سازمان باید براساس اصولی تدوین شود که بهتر از رقیبان ظاهر شود. یا بر پایه ظرفیت‌ها یا منابعی که سازمان دارد به‌نحوی توسعه داده شود که در آینده موجب ایجاد مزیت رقابتی شود. لازم است به تنگناهای سازمانی توجه

شود اما نباید محدودیت مطلقی را بر راهبرد حاکم نماییم موفقیت بلندمدت سازمان غالباً در گرو رشد و توانایی‌های جدید است (حسن بیگی، ۱۳۹۰، ص. ۲۹۸).

تعریف فرصت و تهدید

فرصت: فرصت‌ها کلیه عوامل، عناصر، پدیده‌ها و شرایط بیرون از سیستم هستند که به کمک آن‌ها می‌توان اهداف را محقق ساخت؛ ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌ها را کاهش داد و تهدیدات را کنترل کرد یا با آن‌ها مقابله کرد. فرصت‌ها، موقعیت‌های مهم و مطلوب در محیط سازمان هستند.

تهدیدها: موقعیت‌های نامطلوب اما مهم در محیط سازمان هستند که موانعی اساسی برای موقعیت جاری یا آینده مورد نظر سازمان ایجاد می‌کنند (حسن بیگی، ۱۳۹۰، ص. ۳۰۹).

در این مدل دونوع بررسی صورت می‌گیرد یکی بررسی درونی که دربرگیرنده قوت‌ها و ضعف‌های داخلی سازمان است و امکان یک ارزیابی دقیق از منابع و محدودیت‌های سازمان را برای مدیریت فراهم می‌کند. بررسی درونی باید با واقع‌بینی انجام گیرد. بدین معنی که در برابر قوت‌ها باید اغراق نشود و ضعف‌های سازمان نادیده گرفته نشوند. در چنین شرایطی مدیریت می‌تواند امکانات و محدودیت‌های سازمان را به درستی شناسایی و برنامه‌ریزی صحیح را تنظیم و اجرا کند. از سوی دیگر کل‌نگری برنامه‌ریزی استراتژیک ایجاب می‌کند که به محیط بیرونی سازمان نیز توجه شود. از این رو، مدیریت پس از بررسی درونی به ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدات محیط بیرونی می‌پردازد. بررسی بیرونی مواردی چون شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و موقعیت رقبا را برای مدیریت مشخص می‌سازد. هنر مدیریت استراتژیک در آن است که بتواند بهترین ترکیب را که حاصل این بررسی‌ها است برای برنامه‌ریزی بدست آورد (الوانی، ۱۳۹۵، ص. ۶۵).

ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدها

برای ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدات محیط خارجی الگوهای مختلفی وجود دارد که در زیر به این الگوها می‌پردازیم.

تجزیه و تحلیل رقابت: مدل پنج‌نیروی مایکل پورتر: این الگو در باره تجزیه و تحلیل وضع رقابتی است. باتوجه به اهمیت این مدل بسیاری از سازمان‌ها برای تدوین راهبردها و شناخت فرصت‌ها و تهدیدات محیط خارجی از این الگو استفاده می‌کنند. براساس این مدل، می‌توان گفت که هر عامل یا نیرویی که قوی باشد یک تهدید برای سازمان به شمار می‌رود. زیرا؛ احتمالاً موجب کاهش سود می‌شود. در مقابل هر عامل یا نیرویی که ضعیف باشد یک فرصت تلقی می‌شود. چرا که به سازمان فرصت می‌دهد تا سود بیشتری کسب کند و سازمان ضمن این‌که باید با دقت مکان را که در آن فعالیت می‌کند بررسی نماید هم‌چنین باید اهمیت و نقش هریک از این نیروها را ارزیابی کند.

تجزیه و تحلیل صنعت ماتریس ارزیابی خارجی: طراحان راهبرد با استفاده از ماتریس ارزیابی عوامل خارجی می‌توانند عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، قانونی و عوامل تکنولوژیکی را مورد ارزیابی قرار دهند. برای تهیه ماتریس ارزیابی عوامل خارجی باید پنج مرحله طی شود:

الف) پس از بررسی محیط خارجی باید عوامل شناخته شده فهرست شود.

ب) باید به این عوامل وزن یا ضریب داده شود (این ضریب‌ها از صفر تا یک هستند و جمع ضرایب یک است).

پ) به هریک از عواملی که موجب موفقیت می‌شود رتبه یک تا چهار داده شود. عدد چهار به معنی این است که واکنش بسیار عالی بوده است، عدد سه یعنی واکنش از حد متوسط بالاتر و عدد دو یعنی واکنش در حد متوسط و عدد یک بدین معنی است که واکنش ضعیف است. رتبه‌ها در محدوده سازمان و ضریب‌ها باتوجه به صنعت تعیین می‌شود.

ت) ضریب هر عامل باید در رتبه مربوط ضرب شود تا نمره نهایی بدست آید.

ث) مجموع نمره‌های متغیرها باید احصایه شود تا بتوان مجموع نمره‌های سازمان را تعیین کرد. در ماتریس ارزیابی عوامل خارجی صرف‌نظر از تعداد عواملی که موجب فرصت یا تهدید سازمان می‌شوند، هیچ‌گاه مجموعه نمره‌های نهایی برای سازمان به بیش از چهار و هیچ‌گاه این جمع به کمتر از یک نمی‌رسد. میانگین این حجم ۲/۵ می‌شود اگر این عدد به چهار برسد بدین معنی است که سازمان در برابر عوامل تهدید بسیار واکنش نشان می‌دهد. عدد یک بیانگر این است که سازمان نتوانسته است از فرصت‌ها بهره‌برداری نماید یا از تهدیدات دوری کند (حسن‌یگی، ۱۳۹۰، ص. ۳۱۰).

مزایا و محدودیت‌های برنامه‌ریزی استراتژیک: یکی از مزایای برنامه‌ریزی جامع یا استراتژیک هادی بودن آن است. این نوع برنامه‌ریزی جهت و مسیر فعالیت‌ها و عملیات سازمان را مشخص می‌سازد و به عنوان راهنمای سازمان عمل می‌کند. برنامه‌ریزی جامع در تصمیم‌گیری نقش راهنما را دارد و کار تجزیه، تحلیل و ارزیابی را ساده می‌سازد. برنامه‌ریزی جامع مخاطرات تصمیم‌گیری را کاهش می‌دهد و توفیق اقدامات مبتنی بر استراتژی‌های مصوب را تضمین می‌کند. از محدودیت‌های برنامه‌ریزی جامع می‌توانیم به هزینه‌های انجام آن اشاره کنیم. به علت نیاز به هزینه‌های نسبتاً بالا برای برنامه‌ریزی جامع اغلب سازمان‌های کوچک امکان استفاده از آن را پیدا نمی‌کنند. از نظر زمانی نیز این نوع برنامه‌ریزی احتیاج به زمان طولانی دارد. از نظر تخصصی نیز برنامه‌ریزی جامع به نیروی انسانی متخصص و حائز شرایط که در دسترس همه سازمان‌ها نیست نیاز دارد (الوانی، ۱۳۹۵، ص. ۶۵).

روش‌ها و فنون ارزیابی محیط خارجی

۱. **گردآوری اطلاعات:** از منابع مختلف از طریق سمینار، تصاویر، سند، مجلات تخصصی، شرکت‌های مشاوره، انترنت و به صورت شفاهی و کتبی.

۲. **جاسوسی:** جمع‌آوری اطلاعات محرمانه و حیاتی سازمان‌ها مانند روش ساخت، تصمیمات استراتژیک درخصوص قیمت‌گذاری و... از روش‌های غیر مجاز می‌باشد. امروزه سازمان‌های زیادی تحت این فعالیت مشغول هستند که با اخذ مبالغی این اطلاعات را برای شما جمع‌آوری می‌کنند.

۳. **پیش‌بینی:** به مجموعه‌های از روش‌های علمی گفته می‌شود که در مورد برخی حوادث و رویدادهای آینده پیش‌بینی‌های عالمانه بکنیم. از دیرباز دانشمندان مدیریت و علوم مقداری و کمی برای ایجاد تکنیک‌های مختلف پیش‌بینی در یک جهت‌گیری کلی، این‌که بتوانند پدیده‌های اقتصادی را با دقت‌های بیشتری پیش‌بینی کنند وارد شدند. به‌طور کلی ممکن است این‌کوشش‌ها و تکنیک‌ها را به دو گروه تکنیک‌های کمی پیش‌بینی که روش قدیمی‌تری هستند و تکنیک‌های کیفی که جدیدتر هستند تقسیم‌بندی کرد. در بعضی از متون نوع سومی تحت عنوان اکانومتریک یا اقتصادسنجی را هم قائل می‌شوند. به هر حال از هر یک از این روش‌های ممکن‌که استفاده کنیم حرف‌های عالمانه‌ای در مورد روند پدیده‌ها و اطلاعات در مورد آینده بدست می‌آوریم.

تحلیل محیط خارجی: بعد از ارزیابی محیط خارجی نوبت به تحلیل محیط خارجی سازمان می‌رسد که در زیر تعریف شده است:

شامل تصمیم‌هایی است که برای نشان‌دادن عکس‌العمل، پیش‌بینی یا صرف‌نظر نمودن نسبت به نشانه‌های محیطی توسط مدیران استراتژیست سازمان اتخاذ می‌شود.

به عبارت دیگر وقتی نشانه‌ها ارزیابی شدند مدیران می‌توانند سه اقدام انجام دهند:

عکس‌العمل انجام دهند.

پیش‌بینی‌کنند یعنی به شکلی آن را در آینده ببینند.

از آن‌ها صرف‌نظر کنند.

نشانه‌های محیطی همان عوامل، نشانه‌ها و سیگنال‌های است که از محیط توسط حسگرها و

سنسورها به مدیران ارشد و استراتژیست‌های سازمان می‌رسد (نامدرازاده‌گانس، ۱۳۹۸، ص ۲۱).

مناقشه

از آنجایی که هر سازمان جهت تحقق اهداف مشخص بوجود می‌آید و رفتار افراد در آن تابع موازین و مقرراتی است اعمال کنترل و نظارت بر آن ضروری است. به‌ویژه در سازمان‌های آموزشی که اهداف متعددی در آن دنبال می‌شود و پیچیده‌گی در آموزش و تدریس در آن بیش از هر سازمان

دیگری به چشم می‌خورد (بهرامی، ۱۳۹۶، ص. ۸۷). در حل این تضاد تشخیص این نکته مهم است که کنترل زیاده از حد به سازمان و کارکنان آن صدمه می‌زند. کنترل که اعضای سازمان را در کاغذبازی غرق می‌کند یا بسیاری از رفتارها را محدود می‌سازد ممکن است انگیزه کارکردن را در افراد از بین برده خلاقیت را تضعیف کند و در نهایت به بازده و عملکرد سازمانی صدمه بزند (علاقه‌بند، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۳). به عبارت دیگر، باید مدیران را در زمینه نظارتی و هدایت معلمان آموزش داد. تحقیقات نشان می‌دهد که مدیران در این زمینه به آموزش و کسب دانش نیاز دارند (بهرامی، ۱۳۹۶، ص. ۸۸). کنترل مؤثر دارای اهمیت است. زیرا؛ مدیرانی که اختیارات خود را تفویض می‌کنند چون خود نهایتاً مسئول تصمیم‌های هستند که زیردستان می‌گیرند به ساز و کار بازخورد نیازمندند (شریعتمداری، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۳).

بنابراین، از مطالعات و بررسی‌های دیدگاه‌های دانشمندان پیرامون کنترل استراتژی آموزشی و مطالعات خودی می‌توان چنین تحلیل و نتیجه‌گیری نمود که استراتژی آموزشی مدیران آموزشی و محققان را در شناسایی و حل مشکلات سیستم‌های آموزشی کمک می‌کند که اجرای موفقانه استراتژی‌های آموزشی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، مدیریت منابع و ابزارهای نظارتی کارآمد است.

نتیجه‌گیری

از کنترل و ارزیابی استراتژی آموزشی چنین نتیجه می‌گیریم که اگر عوامل داخلی و خارجی سازمان تغییر کنند حتی استراتژی‌های که به بهترین شکل ممکن تدوین و اجرا شده باشند منسوخ می‌گردند. بنابراین، لازم است استراتژیست‌ها به صورت منظم اجرای استراتژی را بررسی، ارزیابی و کنترل کنند. ارزیابی موفقیت‌آمیز استراتژی‌ها بر پایه این واقعیت قرار دارد که نتیجه عملیات در زمان مقرر و به صورت مناسب ارایه گردد. ارزیابی استراتژی کار خیلی حساس، پیچیده و مهم است. زیرا؛ سازمان با محیط پویا روبه‌رو است. در این محیط اغلب عوامل اصلی محیط داخلی و خارجی به سرعت و به شدت تغییر می‌کنند.

هم‌چنین پیرامون فرصت‌ها، چالش‌ها و محیط درونی سازمان نقاط قوت، نقاط ضعف و ارزیابی آن‌ها اشاره شده است. اجرای موفق کنترل استراتژی آموزشی نیازمند تدوین مدل‌های کارآمد، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و افزایش مشارکت ذی‌نفعان است. اگرچه چالش‌های مانند مقاومت در برابر تغییر و کمبود منابع وجود دارد، اما با اتخاذ راهکارهای مناسب می‌توان بر این مشکلات غلبه کرد و نظام آموزشی را به سمت پویایی و بهبود مستمر سوق داد. کنترل استراتژی آموزشی به عنوان یک ابزار حیاتی برای بهبود کیفیت و اثربخشی آموزش نقش مهمی دارد.

فهرست مآخذ

- الوانی، مهدی. (۱۳۹۵). مدیریت عمومی. چاپ پنجاه و سوم، تهران: نی.
- بهرامی، محبوب الله. (۱۳۹۶). نگرشی بر مدیریت آموزشی. چاپ اول، کابل: افغانستان.
- حسن بیگی، ابراهیم. (۱۳۹۰). مدیریت راهبردی. چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها
- حمیدی‌زاده، محمد رضا. (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی استراتژیک. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها
- حمیدی‌زاده، محمد رضا. (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی استراتژیک و بلندمدت. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها
- دیوید، فردآر. (۱۳۹۴). مدیریت استراتژیک. ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، چاپ یازدهم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رحمانی، عبداللطیف. ناصری، حشمت الله. (۱۳۹۶). مدیریت منابع بشری. چاپ اول، کابل: سعید.
- راینسون، ریچارد. (۱۳۸۸). مدیریت راهبردی. ترجمه سیدمحمد حسینی، چاپ چهارم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- رضائیان، علی. (۱۳۸۵). اصول مدیریت. چاپ هجدهم، تهران: سمت.
- ستانکزی، ناصر. (۱۳۹۱). سازمان و مدیریت علمی. کابل: سعید.
- شریعتمداری، مهدی. (۱۳۹۵). اصول و مبانی مدیریت (مدیریت عمومی). چاپ پنجم، تهران: کوهسار.
- علاقه‌بند، علی. (۱۳۹۳). مقدمات مدیریت آموزشی. چاپ سوم، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- فیضی، طاهره. (۱۳۸۸). مبانی سازمان و مدیریت. چاپ پانزدهم، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- فیضی، طاهره. (۱۳۹۳). مبانی سازمان و مدیریت. چاپ بیست و یکم، تهران: پیام‌نور.
- نامدارزاده‌گان، مهدی. (۱۹۹۸). مدیریت استراتژیک (راهبردی در فناوری اطلاعات).

تأثیر باورهای دینی بر سلوک کارکنان در محیط کار

پوهنیار حسیب الله سروری

عضو کادر علمی دیپارتمنت ثقافت اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون تخار

چکیده

این مقاله به بررسی تأثیر باورهای دینی بر رفتار و عملکرد کارکنان در محیط کار می پردازد. اهمیت این بررسی از آنجا نشأت می گیرد که باورهای دینی، با ایجاد احساس هدفمند، معنا و آرامش روحی، بهبود انگیزه، اخلاق کاریدمانند (صداقت، امانتداری و اخلاص) و عملکرد کارکنان را دارند و می توانند به شکل گیری یک محیط کاری سالم و پویا کمک کنند. به طور خاص، تأکید آموزه های دینی مانند اسلام بر همدلی، گذشت و پذیرش تفاوت ها می تواند در بهبود روابط کاری و مدیریت تعارضات، نقش کلیدی ایفا کند و همچنین تعهد، وفاداری و مدیریت اضطراب کارکنان را تقویت نماید.

مقاله حاضر با هدف تحلیل دقیق چگونگی تأثیر باورهای دینی بر مؤلفه هایی چون انگیزه و هدفمندی، اخلاق کاری، مدیریت اضطراب، روابط بین فردی و تعهد کاری، با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی و با اتکا بر منابع کتابخانه ای تدوین شده است.

یافته های تحقیق نشان می دهد که باورهای دینی می توانند به کارکنان در انجام وظایف باکیفیت بالاتر از طریق تقویت انگیزه درونی و اخلاق حرفه ای کمک کنند. همچنین، این باورها نقش مؤثری در کاهش اضطراب، بهبود تعاملات بین فردی و افزایش تعهد سازمانی دارند.

واژه های کلیدی: اخلاق کاری، باورهای دینی، روابط بین فردی، سلوک کارکنان، محیط کار، مدیریت اضطراب.

The Impact of Religious Beliefs on Employee Conduct in the Workplace

Lecturer: Hasibullah Sarwari

Academic member of Department of Islamic Culture, Faculty of Sharia, Takhar University

Abstract

This paper investigates the impact of religious beliefs on employee behavior and performance in the workplace. The significance of this study stems from the notion that religious beliefs, by fostering a sense of purpose, meaning, and spiritual tranquility, can enhance employee motivation, work ethics (such as honesty, trustworthiness, and sincerity), and performance, thereby contributing to the formation of a healthy and dynamic work environment. Specifically, the emphasis of religious teachings, such as Islam, on empathy, forgiveness, and acceptance of differences can play a crucial role in improving work relationships and conflict management, as well as strengthening employee commitment, loyalty, and management of anxiety. The present study, employing an analytical-descriptive methodology and relying on library resources, aims to meticulously analyze how religious beliefs influence components such as motivation and purposefulness, work ethics, anxiety management, interpersonal relationships, and work commitment. The findings reveal that religious beliefs can assist employees in achieving higher quality task performance by strengthening intrinsic motivation and professional ethics. Furthermore, these beliefs are instrumental in reducing anxiety, improving interpersonal interactions, and increasing organizational commitment.

Keywords: Work Ethics, Religious Beliefs, Interpersonal Relationships, Employee Conduct, Workplace, Anxiety Management.

مقدمه

الحمد لله ربّ العلمین والصلاة والسلام علی رسوله الکریم. و بعد، باورهای دینی نقش بسزایی در زنده‌گی فردی و اجتماعی انسان‌ها ایفا می‌کنند و تأثیر آنها بر رفتار و عملکرد کارکنان در محیط‌کار، مسأله حائز اهمیت است که نیازمند بررسی دقیق و علمی است. این باورها با ایجاد احساس مسؤولیت، معنا و آرامش روحی می‌توانند انگیزه و عملکرد کاری را بهبود بخشند. ارزش‌های اخلاقی ادیان از قبیل صداقت، امانتداری، اخلاص و احترام به دیگران در محیط‌کار مؤثر هستند. همچنین، ادیان با تأکید بر همدلی، گذشت و پذیرش تفاوت‌ها به بهبود روابط کاری و مدیریت تعارضات کمک می‌کنند. افراد با باورهای دینی قوی معمولاً تعهد و وفاداری بیشتری به محیط‌کاری خود دارند. با این حال، باورهای افراطی یا تعصبات مذهبی ممکن است اثرات منفی مانند تبعیض و عدم پذیرش تنوع ایجاد کنند. مدیران باید فضایی ایجاد کنند که احترام به باورهای دینی مختلف را تقویت کرده و از اثرات مثبت آنها بهره‌مند شوند، در عین حال از افراط‌گرایی جلوگیری کنند.

اهمیت این موضوع از آنجا نشأت می‌گیرد که باورهای دینی نقش بسیار مهمی در زنده‌گی فردی و اجتماعی انسان‌ها ایفا می‌کنند و تأثیر آنها بر رفتار و عملکرد افراد در محیط‌کار، موضوعی حائز اهمیت است که نیازمند بررسی دقیق و علمی است.

ضرورت تحقیق با توجه به افزایش تنوع فرهنگی و مذهبی در محیط‌های کاری، شناخت تأثیر باورهای دینی بر رفتار کارکنان می‌تواند به ایجاد محیط‌های کاری سالم، پویا و بهره‌ور کمک کند. همچنین، این تحقیق می‌تواند به کارکنان در درک بهتر نقش باورهای دینی خود در محیط کار و چگونگی استفاده از آنها در جهت بهبود عملکرد و روابط خود نیز کمک کند.

هدف کلی این تحقیق، بررسی و تبیین تأثیر باورهای دینی بر سلوک کارکنان در محیط کار است. در ضمن آن دارای اهداف فرعی نیز می‌باشد که در لابلای تحقیق واضح خواهد شد. فرضیه تحقیق این است که: باورهای دینی تأثیر مثبت و معناداری بر سلوک کارکنان در محیط کار دارند.

این تحقیق سؤالات اصلی و فرعی زیر را در بر می‌گیرد:

- سؤال اصلی: باورهای دینی چگونه بر سلوک کارکنان در محیط‌کار تأثیر می‌گذارند؟
- سؤالات فرعی:
 - آیا باورهای دینی بر انگیزه و عملکرد کارکنان تأثیر دارند؟

- آیا باورهای دینی بر اخلاق کاری کارکنان تأثیر دارند؟
- آیا باورهای دینی بر مدیریت اضطراب کارکنان تأثیر دارند؟
- آیا باورهای دینی بر روابط بین فردی کارکنان تأثیر دارند؟
- آیا باورهای دینی بر تعهد و وفاداری کارکنان تأثیر دارند؟

این تحقیق با روش تحلیلی توصیفی، و با استفاده از منابع کتابخانه و با مراجعه به کتب، مقالات، و سایت‌های انترنتی معتبر علمی انجام یافته است، اطلاعات جمع‌آوری شده مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و نتایج آن در قالب این مقاله ارائه شده است. در ادامه این مقاله، به بررسی دقیق تأثیر باورهای دینی بر سلوک کارکنان در محیط کار خواهیم پرداخت.

تحقیقات قبلی در این زمینه انجام شده است که تأثیر باورهای دینی بر رفتار و عملکرد کارکنان در محیط کار، رضایت شغلی، بهبود عملکرد سازمان‌ها را دربر می‌گیرد، اعم از تحقیقات داخلی و خارجی. به عنوان مثال:

✓ محمد، نور حیاتی و همکاران (۲۰۱۸)، از کشور مالزی تحقیقی تحت عنوان "تأثیر ارزش‌های اسلامی بر عملکرد کارکنان در سازمان‌های مالزیایی" انجام دادند که تنها بر مالزی متمرکز بود و قابلیت تعمیم به سایر کشورها را بررسی نکرد.

✓ الحسن، طارق و همکاران (۲۰۱۶)، از کشور اردن تحقیقی تحت عنوان "تأثیر اخلاقیات کار اسلامی بر عملکرد کارکنان در بانک‌های اسلامی اردنی" انجام دادند که تنها بر بخش بانکداری متمرکز بود.

✓ عبدالله، عثمان و همکاران (۲۰۱۳)، از کشور مالزی تحقیقی تحت عنوان "تأثیر ارزش‌های اسلامی بر التزام سازمانی بین کارکنان بخش عمومی مالزی" انجام دادند که تنها بر کارکنان دولتی متمرکز بود.

✓ نصر، سید حسین (۲۰۰۹)، کتابی تحت عنوان "اخلاقیات کار اسلامی و تأثیر آن بر رفتار سازمانی" نگاشت که در آن بیشتر بر جنبه‌های نظری متمرکز بود تا شواهد تجربی.

✓ علی، عباسجی و الکاظمی. (۲۰۰۷)، از کویت تحقیقی تحت عنوان "اخلاقیات کار اسلامی در کویت" انجام دادند که فقط کشور کویت را در نظر گرفت.

تأثیر باورهای دینی بر سلوک کارکنان در محیط کار / ۹۱

✓ رحمان، ناصر محمد و همکاران (۲۰۰۶)، از پاکستان تحقیقی تحت عنوان "رابطه بین اخلاقیات کار اسلامی و التزام سازمانی: مطالعه‌ای در پاکستان" انجام دادند که تنها بر تعهد سازمانی در پاکستان متمرکز بود.

✓ یوسف، دارویش عبدالرحمن (۲۰۰۰)، از امارات متحده عربی تحقیقی تحت عنوان "اخلاقیات کار اسلامی به عنوان واسطه‌ای برای رابطه بین دینداری و نگرش‌های شغلی" انجام داد که بیشتر بر نگرش‌های شغلی متمرکز بود تا عملکرد واقعی.

✓ عبدالرزاق، محمد و همکاران (۱۳۹۸)، ایران (سیستان و بلوچستان) تحقیقی تحت عنوان "بررسی تأثیر اخلاق کار اسلامی بر عملکرد کارکنان با نقش میانجی رضایت شغلی" انجام دادند که فقط رضایت شغلی را هدف گرفت.

✓ شیرخانی، محمد علی و رحیمی، محسن (۱۳۹۶)، ایران تحقیقی تحت عنوان "تأثیر ارزش‌های اسلامی بر رفتار شهروندی سازمانی کارکنان پوهنتون" انجام دادند که به مورد خاصی پرداختند.

✓ رستگار، عباسعلی و همکاران (۱۳۹۵)، ایران تحقیقی تحت عنوان "تأثیر اخلاق کار اسلامی بر رفتار شهروندی سازمانی و تعهد سازمانی" انجام دادند که راجع به یک بخش یعنی تعهد سازمانی بود.

به همین ترتیب، تحقیقات مشابهی وجود دارد که اکثراً بخش خاصی از محیط کار و بخش‌های سازمانی را در بر می‌گیرد.

نتایج تحقیقات پیشین

مروری بر آثار گذشته نشان می‌دهد که تحقیقاتی که تاکنون انجام شده‌اند، در بسیاری از موارد جنبه‌های خاص و محدود در نظر گرفته‌اند. این تحقیق می‌تواند با تمرکز بر تأثیر کلی باورهای دینی بر رفتار کارکنان در محیط کار بدون محدودیت جغرافیایی، صنعتی یا دینی، و با در نظر گرفتن اثرات مثبت و منفی، شکاف‌های موجود را پر کند. همچنین، قابل ذکر است که اکثر موارد فوق‌الذکر به جز موارد اندکی به زبان‌های غیر ملی نگاشته شده‌اند.

تأثیر باورهای دینی بر سلوک کارکنان در محیط کار

ایجاد انگیزه و هدف

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های باورهای دینی، ایجاد احساس هدف و معنا در زنده‌گی افراد است. ادیان معمولاً به پیروان خود آموزش می‌دهند که زنده‌گی آنها هدف و معنایی فراتر از امور روزمره

دارد. این امر می‌تواند در افراد انگیزه و اشتیاق بیشتری برای کار و تلاش ایجاد کند، زیرا آنها کار خود را نه تنها به عنوان یک وظیفه روزمره، بلکه به عنوان بخشی از یک هدف والاتر و معنادارتر می‌بینند. از نظر اسلام، کار و کوشش با نیت خالصانه به منظور جلب رضایت الله متعال، عبادت تلقی می‌شود. متون اسلامی (قرآن کریم و احادیث نبوی) بر اهمیت کار، تلاش برای تأمین روزی حلال، مسئولیت‌پذیری و نیت صادقانه تأکید فراوان دارند. این آموزه‌ها می‌توانند در محیط‌کار به عنوان عاملی انگیزشی عمل کرده و افراد را به افزایش تلاش و انجام وظایف با کیفیت بالاتر ترغیب نمایند. برای بررسی این موضوع که باورهای دینی چگونه می‌توانند در محیط‌کار انگیزه ایجاد کنند، می‌توان به نصوص اسلامی اشاره کرد که بر اهمیت کار، تلاش، و نیت خالصانه در انجام وظایف تأکید دارند. این نصوص نشان می‌دهند که ایمان و باورهای دینی می‌توانند به عنوان یک نیروی محرک قوی در ایجاد انگیزه فردی و جمعی عمل کنند.

چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتَرْدُّونَ اِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [التوبة: ۱۰۵]

ترجمه: و بگو: عمل کنید، پس بزودی الله، و پیامبرش و مؤمنان اعمال شما را خواهند دید، و به زودی به سوی (الله) دانای پنهان و آشکار، باز گردانده می‌شوید، پس شما را به آنچه انجام می‌دادید؛ آگاه می‌کند.

این آیه تأکید می‌کند که انسان باید در انجام کارهای خود کوشا بوده و بداند که اعمال او تحت نظارت الله متعال، پیامبر ﷺ و مؤمنان قرار دارد. این آگاهی از نظارت الهی سبب می‌شود که انسان با انگیزه و تلاش بیشتر وظایف خود را به درستی انجام دهد.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى (بخاری، ۱۹۹۳ م، ج ۱، ص ۳ حدیث: ۱)

ترجمه: به راستی که اعمال به نیت‌ها بستگی دارند و هر کس همان چیزی را به دست می‌آورد که نیت کرده است.

این حدیث بیانگر این است که اگر فردی نیت خالصانه‌ای برای رضای الله متعال در فعالیت‌های خود داشته باشد، حتی کارهای روزمره‌اش مانند تلاش برای کسب روزی حلال به عبادت تبدیل می‌شود. این اعتقاد می‌تواند محرک قوی برای انجام وظایف با کیفیت بالا باشد.

همچنان پیامبر ﷺ می‌فرماید: مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلٍ يَدِهِ، وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلٍ يَدِهِ (بخاری ۱۹۹۳ م ج ۲، ص ۷۳۰ حدیث: ۱۹۶۶).

ترجمه: هرگز کسی غذای بهتر از غذای دست رنجش، نخورده است. و همانا داوود علیه السلام؛ پیامبر الله متعال همیشه از دست رنج خود، غذا می خورد.

این حدیث بر اهمیت کار و تلاش برای کسب روزی حلال تأکید می کند. وقتی فرد بداند که کار او از نظر دین ارزشمند است و به پیامبران الهی اقتدا می کند، انگیزه بیشتری برای تلاش و پیشرفت در محیط کار پیدا می کند.

به همین گونه در متون دینی اسلامی شواهد فراوانی در تأیید این مطلب وجود دارد که باورهای دینی می توانند در افراد احساس هدف، معنا و انگیزه ایجاد کنند که این امر بر عملکرد آنها در محیط کار نیز تأثیرگذار خواهد بود.

اخلاق کاری

اکثر ادیان سماوی بر ارزش های اخلاقی چون صداقت، امانتداری، اخلاص، احترام به دیگران و رعایت قوانین تأکید می کنند. این ارزش ها در محیط کار نیز بسیار مهم و کاربردی خواهد بود. کارکنانی که از باورهای دینی قوی برخوردارند، معمولاً به این ارزش ها پایبندتر هستند و این امر می تواند به ایجاد یک فرهنگ اداری و محیط کار سالم و اخلاقی کمک کند.

اسلام به عنوان یک دین جامع و کامل، اصولی را برای اخلاق کاری و رفتار در محیط کار ارائه داده است که پیروی از آن ها باعث تقویت اخلاق حرفه ای و بهبود عملکرد در محیط کار می شود. باورهای دینی، از جمله ایمان به الله متعال، تقوا، و نیت خالصانه، نقش مهمی در شکل گیری اخلاق کاری دارند. در اینجا به طور نمونه به نصوص دینی از قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ اشاره می شود که نشان می دهد چگونه باورهای دینی می توانند اخلاق کاری را تقویت کنند.

الله متعال متعال می فرماید: ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ [التوبة: ۱۰۵]

ترجمه: و بگو: (آنچه می خواهید) انجام دهید، پس الله متعال اعمال شما را می بیند، و همچنین پیامبرش و مؤمنان اعمال شما را می بینند.

این آیه شریفه به طور مستقیم بر اهمیت اخلاق کاری و انجام اعمال صالح تأکید می کند. چرا که می فرماید کارهای شما توسط الله متعال، پیامبر و مؤمنان دیده و ارزیابی خواهد شد. این امر انسان را ترغیب می کند که در کارهایش متعهد، امین و صادق باشد و آنها را با اخلاص و از روی نیت پاک انجام دهد. زیرا کارهایش زیر نظر و مشاهده است.

همچنان الله متعال در مورد مکلفیت فرد در حد توانش می فرماید: ﴿لَا يَكْلَفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا

وُسْعَهَا﴾ [البقره آیه: ۲۸۶]

ترجمه: الله متعال هیچ کس را جز به اندازه توانش مکلف نمی‌کند.

این آیه کریمه در رابطه با اخلاق کاری بر این نکته تأکید دارد که انسان باید متناسب با توان و ظرفیت خود کار کند و از قبول مسؤولیت‌های فراتر از حد توانش پرهیز نماید. یکی از ارکان اخلاق کاری این است که فرد توانایی‌های خود را بشناسد و بر اساس آن کار انجام دهد تا کارآیی لازم را داشته باشد.

همچنان از انس بن مالک نقل شده که پیامبر ﷺ فرمودند: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ إِذَا عَمَلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يَتَّقَنَهُ. (بیهقی ۲۰۰۰م/۱۴۲۱هـ ق ج ۴، ص. ۳۳۵).

ترجمه: همانا الله متعال دوست دارد هنگامی که یکی از شما کاری را انجام می‌دهد، آن را به بهترین شکل و با دقت انجام دهد.

این حدیث بر اهمیت دقت، و اتقان کار تأکید می‌کند که از ارکان اخلاق کاری محسوب می‌شود. احمد بن محمد مغربی، مشهور به ابن عجبیه یکی از مفسرین قرآن کریم در ذیل آیه: ﴿وَيَلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ﴾ (وای به حال کاهندگان (از حقوق مردم) می‌نویسد: «التطفيف يكون في الأعمال والأحوال، كما يكون في الأموال، فالتطفيف في الأعمال عدم إتقانها شرعاً، ولذلك قال ابن مسعود وسلمان رضي الله عنهما: الصلاة مكيال، فمن فوّءَ ُ وُفِّي له، ومن طَفَّفَ فقد علمتم ما قال الله في المطففين. هـ. فكل من لم يتقن عمله فعلاً وحضوراً فهو مطفف» (ابن عجبیه ۱۴۱۹هـ ش، ج ۷، ص. ۲۶۱).

ترجمه: کم‌فروشی و تطفیف تنها منحصر به امور مالی نیست، بلکه در اعمال و احوال نیز جاری می‌شود. تطفیف در اعمال به معنای عدم انجام صحیح آن‌ها از منظر شرعی است. به همین دلیل است که ابن مسعود و سلمان (رضی الله عنهما) فرموده‌اند: نماز همچون پیمان‌های است؛ هر کس آن را کامل و تمام ادا کند، [پاداش] کامل دریافت می‌کند و هر کس در آن کم‌فروشی کند، همان سرنوشتی را خواهد داشت که الله متعال درباره کم‌فروشان بیان فرموده است. بنابراین، هر کس که عمل خود را از نظر کیفیت اجرا و حضور قلب به طور کامل انجام ندهد، در حقیقت مرتکب تطفیف شده است.

از توضیح فوق دانسته می‌شود که باورهای دینی و ایمانی می‌تواند به فرد (کارمند) ایجاد انگیزه کند، تا در امور کاری خویش توجه بیشتر مبذول داشته و سعی ورزد که کار وی از لحاظ کمیت و کیفیت دچار کاستی نگردد، همچنان پای‌بند به وقت خواهد ماند و سر وقت به کار حاضر خواهد شد، تا در نزد الله و بندگان او محکوم قرار نگیرد.

تأثیر باورهای دینی بر سلوک کارکنان در محیط کار / ۹۵

همچنان در حدیث صحیحی از رسول اکرم ﷺ نقل گردیده است: إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ. (مسلم ۱۳۸۸ هـ ش ج ۳، ص ۱۵۴۶).

ترجمه: همانا الله متعال احسان (نیکوکاری) را بر هر چیزی واجب کرده است. این حدیث بر اهمیت احسان و نیکوکاری در تمام امور از جمله کار تأکید می‌کند. احسان در کار به معنای انجام کار با بهترین شکل ممکن، با صداقت و اخلاق نیک است. اسلام به کارگران و کارکنان توصیه می‌کند که وظایف خود را به بهترین شکل و با کامل‌ترین کیفیت انجام دهند. در اسلام به این تعهد و کیفیت در کار «احسان» گفته می‌شود (نور الإسلام وظلمات الکفر فی ضوء الکتاب والسنة ص. ۸).

اگر کارگر یا کارمند وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، مسؤولیتش را ادا کرده است. در مقابل، کارفرما موظف است که به او بیش از توانش تکلیف نکند و دستمزد او را کامل و بدون کم‌وکاست در وقت معین بپردازد. الله متعال ما را از کم‌فروشی و ضایع کردن حق دیگران نهی کرده و به وفای به عهد و قراردادهای دستور داده است، چنان‌که در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ﴾ [الشعراء: ۱۸۳].

ترجمه: و چیزهای مردم را کم ندهید (حق آن‌ها را ضایع نکنید) (اشقر، ۱۹۹۴م، ص ۳۰۶).

اختصاص زمان به کار

در باورهای دینی بر اهمیت انضباط و مسؤولیت‌پذیری در محیط‌کار تأکید صورت گرفته است. کارمند موظف است زمان کاری خود را صرف انجام وظایف محوله کند و از هدر دادن آن خودداری نماید. این دیدگاه، مبتنی به توافق کارگر و کارفرما است که در آن، زمان کار به عنوان یک کالا تلقی می‌شود که کارمند آن را به کارفرما می‌فروشد شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد در اثر خویش تحت عنوان «کیف یؤدی الموظف الأمانة» نگاشته است: هر کارمند و کارگر باید زمان کاری خود را صرف وظایف محوله کند و نباید وقت خود را برای منافع شخصی یا امور غیرمرتبط هدر دهد، زیرا این زمان متعلق به کارفرماست که در قبال آن حقوق پرداخت می‌شود. شیخ معمر بن علی بغدادی (متوفی ۵۰۷ هجری) در موعظه‌ای خطاب به نظام‌الملک بیان کرد که مسئولان به دلیل تعهدشان به مردم و وظایفشان، در تصرف به زمان خود مختار نیستند. وی تأکید کرد که کسی که منصبی بر عهده دارد، زمان خود را فروخته و بهای آن را دریافت کرده است، بنابراین نمی‌تواند بر اساس اختیار خود در آن تصرف کند، حتی در امور مستحب مانند نماز نافله یا اعتکاف. او همچنین گفت: "قبرت را آباد کن همانطور که قصرت را آباد کردی." این نکته یادآور مسؤولیت سنگین وظایف محوله می‌باشد.

چنانچه الله متعال در قرآن کریم کم فروشان را که حقوق خود را کامل می گیرند ولی در حقوق دیگران کم کاری می کنند، نکوهش کرده و فرموده است: ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ﴾ [المطففين: ۴-۱].

ترجمه: وای بر کم فروشان! آنانیکه وقت پیمانه گرفتن (برای خود) حق را کامل می گیرند، ولی هنگام پیمانه دادن یا وزن کردن (برای دیگران) کم می گذارند. آیا آنها گمان نمی کنند که (قیامت) فرا می رسد و برانگیخته خواهند شد؟ (العباد، ۲۰۰۴م، ص ۱۲).

بنابراین، همان طور که هر فرد خواهان دریافت کامل حقوق خود است، باید نسبت به انجام وظایف و صرف وقت کاری برای مصلحت کار، کوشا باشد و در آن کم کاری نکند. این امر هم وظیفه ای اخلاقی و هم دینی است.

مدیریت اضطراب

اضطراب و تنش های روانی از جمله عوامل مهم آسیب زا در جامعه امروزی اند. این عوامل باعث می شوند افراد از بسیاری از امکانات زنده گی محروم شده و اختلالات روانی مختلفی را تجربه کنند. اضطراب واکنش فرد به تحریکات درونی یا بیرونی است و بیشتر در افرادی مشاهده می شود که با فشارها و موقعیت های خطرناک اجتماعی مواجه هستند. محیط کار امروزی اغلب با فشارها و اضطراب های زیادی همراه است. باورهای دینی می توانند به افراد کمک کنند تا با این فشارها و اضطراب ها بهتر کنار بیایند. آموزه های دینی معمولاً برای مدیریت اضطراب، آرامش روحی و روانی و پذیرش شرایط دشوار ارائه می دهند، دین اسلام با الهام از سیره پیشوایان و آموزه های وحیانی، راهبردهایی برای کاهش اضطراب و تأمین آرامش افراد ارائه کرده است.

در ذیل به برخی مواردی از لحاظ دینی اشاره می گردد که در کل به کاهش اضطراب و اضطراب روانی از جمله در محیط کار کمک می کند، مثل ایمان به الله، یاد الله، دعا و امیدواری.

ایمان به الله و یاد الله

قرآن کریم یاد الله را راه درمان تمام نگرانی ها و اضطراب ها معرفی می کند و می فرماید: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ [الرعد: ۲۸] یعنی دل ها تنها با یاد الله آرامش می یابند. یکی از بارزترین مصادیق یاد الله، نماز است. الله متعال در قرآن کریم فلسفه نماز را یاد خود بیان کرده و می فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه: ۱۴)؛ یعنی نماز را برای یاد من به پا دار.

دل انسان فقط با یاد الله آرام می‌گیرد. یاد الله غربت و اضطراب زنده‌گی را به روشنی و صفا مبدل می‌سازد و خلوت با پروردگار و عبادت او، سرچشمه آرامش است. یاد الله به عمق دل انسان نفوذ کرده و همچون آغوش مادر برای کودک، آرامش‌بخش است. این یاد، چراغی است که از آغاز تا پایان زنده‌گی به انسان گرما و نشاط می‌بخشد و او را از گم کردن مسیر بزرگراه زنده‌گی باز می‌دارد.

پس می‌توان گفت یکی از عوامل مهم آرامش روان و سلامت روح، ایمان به الله و یاد الله است که می‌تواند در هر مسیر پر خم و پیچی و هر محیط پر از اضطراب و استرس‌زا از جمله محیط کار شخص را کمک کند و در نتیجه عمل کرد او را در محیط کار بهبود بخشد اما اگر این ارتباط قطع شود، نگرانی، دلواپسی و بیماری‌های روانی اجتناب‌ناپذیر خواهند بود و در نتیجه یک انسان روان آشفته هیچ‌گاه نمی‌تواند فعالیت‌های منظم و منسجم از خود تبارز دهد.

صبر، توکل و امیدواری

صبر به عنوان یکی از اصول مهم مقابله با اضطراب و نگرانی، انسان را نیرومند، قابل اعتماد و خوداتکا می‌سازد. حضرت علی علیه السلام صبر را به عنوان یکی از ارکان اصلی ایمان معرفی کرده و آن را همچون سر برای بدن توصیف نموده‌اند، چنانچه وی می‌فرماید: الصبر من الإیمان بمنزلة الرأس من الجسد، فإذا ذهب الصبر ذهب الإیمان (ابن ابی شیبۀ ۲۰۱۵م ج ۱۷، ص ۵۸) ترجمه: صبر نسبت به ایمان به مثابه سر برای جسد است، پس هرگاه صبر از بین برود ایمان نیز از بین می‌رود.

قرآن کریم نیز به اهمیت صبر پرداخته و بیان می‌کند که انسان‌های بردبار پاداشی بی‌حساب خواهند داشت: ﴿إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [الزمر: ۱۰]

ترجمه: جز این نیست که صابران، پاداش خود را بی‌شمار و تمام دریافت می‌دارند.

پیامبر صلی الله علیه و آله در زنده‌گی خود با تحمل سختی‌ها و مصیبت‌ها از این اصل مهم الهی استفاده می‌کردند. در آیات متعددی از قرآن کریم به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده شده است که در برابر مسائل مختلف صبر و بردباری داشته باشند: ﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ﴾ [الأحقاف: ۳۵] ترجمه: پس (ای پیامبر) صبر کن، همچنانکه پیامبران اولو العزم صبر کردند.

یکی از مهم‌ترین آثار صبر و بردباری تأمین آرامش و سلامت جسم و روح است، زیرا این نعمت انسان را از اقدامات عجولانه و نامعقول باز می‌دارد و او را به تعقل و تأمل سوق می‌دهد. یکی از عوامل اضطراب و نگرانی، انجام کارهای مهم و سرنوشت‌ساز است که تأثیر زیادی بر سلامت روان

دارد. توکل به الله متعال جرئت اقدام به کار را به انسان می‌بخشد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: ﴿فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ [آل عمران: ۱۵۹].

ترجمه: وقتی بر انجام کاری تصمیم گرفتی، بر الله توکل کن زیرا الله متعال توکل کنندگان را دوست دارد.

توکل اعتماد قلبی به الله متعال است در همه امور. شایسته است که انسان در همه امور بر الله متعال توکل کند تا خواسته‌هایش بدون هیچ اضطراب و تشویش خاطر تأمین شود.

اگر انسان به ربوبیت پروردگارش اذعان دارد و معتقد است که مجموعه جهان هستی زیر حاکمیت الله متعال قرار دارد و تنها معبود شایسته پرستش، الله متعال است، هرگز به دنبال معبود دیگری نمی‌رود و از کسی جز الله متعال کمک نمی‌طلبد، بلکه همواره به الله اعتماد و فقط از او درخواست کمک می‌کند.

مطالعات نشان می‌دهند که افرادی که از باورهای دینی قوی‌تری برخوردارند، معمولاً سطوح پایین‌تری از استرس و اضطراب را تجربه می‌کنند، این امر می‌تواند به بهبود سلامت روان و عملکرد آنها در محیط کار کمک کند (Ai ۲۰۰۳ صص ۴۷-۲۹).

امیدواری به الله متعال

قرآن کریم اشاره دارد که نشانه بارز امید به الله متعال، انجام عمل شایسته است. فردی که با شکست‌های متعدد مواجه می‌شود و تلاشش موفقیت ندارد، دچار اضطراب و ناامیدی می‌شود. چنانچه الله متعال در قرآن کریم به شدت از ناامیدی نهی کرده و امید به رحمت الهی را توصیه می‌کند. الله متعال می‌فرماید: ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ [الکھف: ۱۱۰]

ترجمه: پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کار شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نسازد.

بناء انسان امیدوار در تاریکی‌های زنده‌گی به سوی روشنایی حرکت می‌کند و هرگز خود را در بن‌بست نمی‌بیند. از دست دادن امید به بهبودی و اصلاح کارها موجب نگرانی و اضطراب در هر حالت از جمله در محیط کار می‌شود.

روابط نیک فردی در محیط کار

آموزه‌های دینی معمولاً بر ارزش‌هایی مانند همدلی، گذشت، پذیرش تفاوت‌ها و احترام به دیگران تأکید می‌کنند. این ارزش‌ها در محیط کاری که افراد با پیشینه‌های مختلف در آن همکاری می‌کنند، بسیار مهم هستند. طوری که الله متعال می‌فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۚ﴾ [المائدة: ۲].

ترجمه: و بر نیکی و پرهیزگاری با یکدیگر تعاون کنید. این آیه مؤمنان را به همکاری و تعاون بر اساس نیکی و تقوا فرامی‌خواند که شامل روابط نیک در محیط کاری نیز می‌شود.

همچنان می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ [النحل: ۹۰].

ترجمه: الله متعال به عدالت و احسان امر می‌کند. داشتن رفتار منصفانه و نیکو با دیگران از جمله همکاران، از اوامر الهی است.

همچنان پیامبر ﷺ ارشاد می‌فرماید: لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يَحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يَحِبُّ لِنَفْسِهِ (بخاری ۱۹۹۳م ج ۱، ص ۱۴، حدیث: ۱۳)

ترجمه: هیچکدام از شما مؤمن نیست تا برای برادرش آنچه را برای خود می‌پسندد، بپسندد.

این ارشادات ارزشمند دینی بر اهمیت اخلاق نیک، نیکو رفتاری و محبت در روابط با دیگران تأکید می‌کند که همگی برای برقراری روابط سالم انسانی در محیط کار ضروری است. این ارشادات نشان می‌دهد که یکی از راهکارهای مهم در بهبود روابط، داشتن اخلاق نیکو و رفتار خوب با دیگران است.

بنابراین، اسلام بر اهمیت روابط نیک فردی در تمام عرصه‌ها از جمله محیط کار تأکید کرده و آن را موجب تعاون، احترام متقابل و دستیابی به اهداف مشترک می‌داند.

با تأکیدات فراوان اسلام و ائمه و دانشمندان بزرگ بر این مسئله، می‌توان دریافت که داشتن روابط انسانی مبتنی بر احترام، اخلاق و محبت متقابل چه اهمیت بالایی در آموزه‌های اسلامی دارد.

تعهد و وفاداری

باورهای دینی همچنین می‌توانند بر میزان تعهد و وفاداری کارکنان به اداره مربوطه تأثیرگذار باشند. آموزه‌های دینی معمولاً بر اهمیت وفاداری، پایبندی به تعهدات و اختصاص دادن کامل وقت کار به نفع اداره و خدمت به جامعه تأکید می‌کنند. این ارزش‌ها می‌توانند در افراد احساس تعهد و وفاداری بیشتری نسبت به سازمانی که در آن کار می‌کنند، ایجاد کند.

در مورد موضوع تعهد و وفاداری می‌توان با شواهد متعددی از منابع اسلام استدلال کرد:

الله متعال متعال در مورد تعهد و وفاداری می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ [المائدة: ۱]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌ها وفا کنید.

به همین گونه رسول اکرم ﷺ در مورد تعهد و وفای به عهد می‌فرماید: الْمُسْلِمُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ (بخاری، ۱۹۹۳م، ج ۲، ص ۷۹۴).

ترجمه: مسلمانان به شروط و تعهدات خود پایبند هستند.

امام غزالی در احیاء علوم الدین صداقت و تعهد را این گونه از ابو سعید خزار نقل می‌کند: «رأيت في المنام كأن ملكين نزلا من السماء فقالا لي ما الصدق قلت الوفاء بالعهد فقالا لي صدقت وعرجا إلى السماء (غزالی، ۱۴۳۱هـ ق ج ۴، ص ۳۹۰).

ترجمه: من در خواب دیدم که دو فرشته از آسمان فرود آمدند و از من پرسیدند که راستی چیست؟ گفتم وفای به عهد، برایم گفتند که راست گفتی، سپس به طرف آسمان‌ها عروج کردند.

دکتر محمد بن احمد صالح تحت عنوان «الوصايا العشر كما جاءت في سورة الأنعام» می‌نویسد: لأن الإسلام يهدف إلى إيجاد جيل يدرك رسالته في هذه الحياة، إدراكا واعيا صحيحا مستنيرا، ويؤدي هذه الرسالة بقوة وأمانة، يدرك أن الله تعالى عليه حقوقا فيؤديها بإتقان وإخلاص، ويدرك أن لنفسه عليه حقوقا فيتعهدا بالتهذيب والمحاسبة والتقويم، ويدرك أن لمجتمعه عليه حقوقا، فيؤدي هذه الحقوق عن رضا وطوعية واختيار، بأمانة وكفاية ونشاط واستقامة (د. محمد (ب ت ج ۴۴ ص ۳۱۴).

ترجمه: زیرا اسلام به دنبال تربیت نسلی است که رسالت خود را در این زنده‌گی به شکلی آگاهانه، درست و روشن درک کند و این رسالت را با قدرت و امانت‌داری انجام دهد. نسلی که به حقوق الله متعال بر خود آگاه باشد و آن‌ها را با دقت و اخلاص ادا کند؛ به حقوق خود بر خویش آگاه باشد و با تهذیب، محاسبه و اصلاح، به آن‌ها رسیدگی نماید؛ و به حقوق جامعه بر خود واقف باشد و این حقوق را با رضایت، اختیار، امانت‌داری، شایستگی، نشاط و استقامت ادا کند.

این نصوص و شواهد نشان می‌دهند که در اسلام: وفای به عهد و تعهد کاری یک اصل مهم اخلاقی است، کار به عنوان امانت تلقی می‌شود، مسئولیت‌پذیری در کار جزئی از ایمان محسوب می‌شود، خدمت صادقانه به جامعه از طریق کار یک ارزش دینی است.

نتایج و یافته‌ها

بر اساس تحلیل و توصیف محتوای مقاله حاضر، یافته‌های اصلی تحقیق را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

افزایش انگیزه و هدفمندی: باورهای دینی، با ایجاد احساس معنا و هدف فراتر از امور روزمره، انگیزه درونی کارکنان را تقویت می‌کند. آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه تلقی کار با نیت خالصانه به عنوان عبادت، در این زمینه نقش برجسته‌ای دارند و کارکنان را به انجام وظایف با کیفیت بالاتر و تلاش بیشتر ترغیب می‌نمایند.

تقویت اخلاق کاری: باورهای دینی، مروج ارزش‌های اخلاقی بنیادین مانند صداقت، امانتداری، اخلاص، احترام متقابل و رعایت قوانین هستند. پایبندی کارکنان متدین به این اصول، منجر به شکل‌گیری فرهنگ سازمانی سالم و اخلاقی می‌شود. تأکید اسلام بر "اتقان" (انجام کار به بهترین شکل) و مسئولیت‌پذیری در برابر خداوند، نمونه‌ای از این تأثیر است.

مدیریت اضطراب و ارتقای سلامت روان: آموزه‌های دینی از طریق مفاهیمی چون ایمان به خدا، ذکر، دعا، صبر، توکل و امیدواری، به کارکنان در مواجهه با فشارها و اضطراب‌های محیط کار کمک می‌کند. این باورها به عنوان سپری روانی عمل کرده و به کاهش استرس و افزایش آرامش روحی و در نتیجه بهبود عملکرد منجر می‌شوند.

بهبود روابط بین فردی: تأکید ادیان، و به‌طور خاص اسلام، بر همدلی، گذشت، پذیرش تفاوت‌ها و احترام به دیگران، نقش کلیدی در بهبود تعاملات کاری، مدیریت تعارضات و ایجاد محیطی مبتنی بر همکاری و تفاهم دارد.

افزایش تعهد و وفاداری سازمانی: باورهای دینی، با تأکید بر اهمیت وفای به عهد، مسئولیت‌پذیری و اختصاص کامل وقت کاری به امور محوله، حس تعهد و وفاداری کارکنان را نسبت به سازمان و اهداف آن تقویت می‌کنند.

تأثیر مثبت و معنادار کلی: به‌طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهند که باورهای دینی تأثیر مثبت و معناداری بر سلوک کارکنان در محیط کار دارند و می‌توانند به عنوان یک عامل مهم در بهبود عملکرد فردی و سازمانی و ایجاد محیط کاری سالم و پویا عمل کنند.

مناقشه

یافته‌های این تحقیق که نشانگر تأثیر مثبت و معنادار باورهای دینی بر سلوک کارکنان در محیط کار است، با نتایج بسیاری از تحقیقات پیشین هم‌گون می‌باشد. همانطور که در بخش پیشینه تحقیق ذکر شد، مطالعاتی نظیر محمد و همکاران (۲۰۱۸)، الحسن و همکاران (۲۰۱۶)، عبدالله و همکاران (۲۰۱۳)، عبدالرزاق و همکاران (۱۳۹۸)، شیرخانی و رحیمی (۱۳۹۶) و رستگار و همکاران (۱۳۹۵) همگی به نحوی به تأثیرات مثبت ارزش‌ها و اخلاقیات اسلامی بر عملکرد کارکنان، التزام سازمانی، رفتار شهروندی سازمانی و رضایت شغلی اشاره کرده‌اند.

با این حال، مقاله حاضر تلاش دارد تا با ارائه یک دیدگاه جامع‌تر، شکاف‌های موجود در تحقیقات قبلی را پر کند. بسیاری از مطالعات پیشین، همانطور که اشاره شد، دارای محدودیت‌های جغرافیایی (مانند تمرکز بر مالزی، اردن، کویت، پاکستان یا مناطق خاصی از ایران)، محدودیت‌های بخشی (مانند تمرکز بر بانکداری اسلامی، بخش عمومی یا دانشگاه‌ها) یا تمرکز بر جنبه‌های خاصی از عملکرد یا رفتار سازمانی (مانند رضایت شغلی، تعهد سازمانی، یا رفتار شهروندی سازمانی) بوده‌اند. برای مثال، تحقیق محمد و همکاران (۲۰۱۸) صرفاً بر سازمان‌های مالزیایی متمرکز بود و تحقیق الحسن و همکاران (۲۰۱۶) به بخش بانکداری اسلامی اردن محدود می‌شد. همچنین، برخی تحقیقات مانند کتاب نصر (۲۰۰۹) بیشتر جنبه نظری داشته‌اند.

مقاله حاضر، با اتخاذ روش تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای گسترده (شامل قرآن کریم، احادیث و آثار علمای اسلامی)، سعی در تبیین تأثیر "کلی" باورهای دینی بر "سلوک" کارکنان دارد که مفهومی گسترده‌تر از صرف عملکرد یا تعهد است و مؤلفه‌هایی چون انگیزه، اخلاق کاری، مدیریت اضطراب و روابط بین فردی را به‌طور همزمان پوشش می‌دهد. این رویکرد، به درک عمیق‌تری از مکانیزم‌های تأثیرگذاری باورهای دینی بر تمامی جنبه‌های رفتاری کارکنان در محیط کار کمک می‌کند، بدون آنکه خود را به یک حوزه جغرافیایی یا صنعتی خاص محدود نماید.

اگرچه این مقاله عمدتاً بر آموزه‌های اسلامی تمرکز دارد، اما چارچوب کلی آن قابلیت تعمیم به سایر باورهای دینی که ارزش‌های مشابهی را ترویج می‌کنند، داراست. تأکید بر هدفمندی، صداقت، امانتداری، همدلی و کاهش اضطراب از طریق ایمان، مفاهیمی هستند که در بسیاری از ادیان مشترک‌اند.

یکی از نقاط قوت این مقاله، تلاش برای ارائه شواهد مستقیم از متون دینی (آیات و روایات) برای پشتیبانی از هر یک از مؤلفه‌های مورد بررسی است که به غنای تحلیلی آن افزوده است.

در نهایت، این تحقیق با ارائه یک چارچوب منسجم از تأثیرات چندگانه باورهای دینی، بر اهمیت درک و احترام به این باورها در محیط کار تأکید می‌ورزد و به مدیران و کارکنان در جهت بهره‌گیری از جنبه‌های مثبت آن برای بهبود فضای کاری و عملکرد سازمانی، رهنمودهای ارزشمندی ارائه می‌دهد.

نتیجه‌گیری

از لابلای این تحقیق موارد زیر استنتاج می‌گردد؛

باورهای دینی می‌توانند نقش مهمی در بهبود انگیزه، اخلاق کاری، مدیریت اضطراب، روابط بین فردی و تعهد کاری کارکنان ایفا کنند. ارزش‌های اخلاقی که در ادیان مختلف تأکید شده‌اند، مانند صداقت، امانتداری، سخت‌کوشی، احترام به دیگران و همدلی، می‌توانند به ایجاد محیط‌کاری سالم و پویا کمک کنند. این ارزش‌ها نه تنها عملکرد فردی کارکنان را بهبود می‌بخشند، بلکه به تقویت روابط کاری و کاهش تعارضات در محیط‌کار نیز مؤثر خواهد بود.

از سوی دیگر، باورهای دینی قوی می‌توانند به کارکنان کمک کنند تا با ایجاد احساس هدفمندی و معنا در زنده‌گی، انگیزه بیشتری برای انجام وظایف خود داشته باشند. این امر به ویژه در دین اسلام، که کار را به عنوان عبادت تلقی می‌کند، مشهود است. آموزه‌های دینی مانند اهمیت نیت خالصانه، تلاش برای کسب روزی حلال و انجام کار با کیفیت بالا، می‌توانند به عنوان عوامل انگیزشی قوی در محیط‌کار عمل کنند.

همچنین، باورهای دینی می‌توانند به کارکنان در مدیریت اضطراب کمک کنند. ایمان به الله، یاد الله، صبر، توکل و امیدواری از جمله عواملی هستند که می‌توانند به افراد در مواجهه با فشارهای کاری کمک کرده و سلامت روانی آن‌ها را بهبود بخشند. این عوامل نه تنها باعث کاهش اضطراب می‌شوند، بلکه می‌توانند عملکرد کارکنان را نیز ارتقا دهند. در زمینه روابط بین فردی، باورهای دینی با تأکید بر ارزش‌هایی مانند همدلی، گذشت و احترام به تفاوت‌ها، می‌توانند به بهبود روابط کاری و ایجاد محیطی هماهنگ و همکارانه کمک کنند. این ارزش‌ها به ویژه در محیط‌های کاری که تنوع فرهنگی و مذهبی وجود دارد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند.

در نهایت، این تحقیق نشان می‌دهد که باورهای دینی می‌توانند به عنوان یک عامل مثبت در بهبود عملکرد کارکنان و ایجاد محیط‌کاری سالم و پویا عمل کنند. مدیران می‌توانند با درک بهتر تأثیر این

باورها و ایجاد فضایی که در آن ارزش‌های دینی مورد احترام قرار گیرند، از مزایای آن بهره‌مند شوند. این امر نه تنها به بهبود عملکرد محیط‌کاری کمک می‌کند، بلکه به ارتقای سلامت روانی و رضایت شغلی کارکنان نیز منجر می‌شود.

پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آینده به بررسی دقیق‌تر تأثیر باورهای دینی در محیط‌های کاری مختلف و در فرهنگ‌های گوناگون بپردازند تا درک جامع‌تری از این موضوع به دست آید. همچنین، آموزش مدیران در زمینه مدیریت تنوع مذهبی و استفاده از ارزش‌های دینی برای بهبود محیط‌کار می‌تواند به عنوان یک راهکار مؤثر در نظر گرفته شود.

پیشنهاها

1. بررسی عمیق‌تر تأثیر آموزه‌های اسلامی: تحقیق گسترده در مورد چگونگی تأثیر آموزه‌های کلیدی اسلام (مانند امانت‌داری، مسئولیت‌پذیری، عدالت، احسان و اتقان در کار) بر سلوک، انگیزه و تعهد کاری کارمندان در ادارات و موسسات مختلف افغانستان.
2. تدوین رهنمودهای کاری مبتنی بر شریعت: تهیه و ترویج رهنمودهای عملی و کاربردی مبتنی بر فقه و اخلاق اسلامی برای محیط‌های کاری، به منظور بهبود روابط بین کارمندان، حل منازعات به شیوه اسلامی و افزایش بهره‌وری.
3. شناسایی و تقویت ارزش‌های اسلامی مشترک: تحقیق برای شناسایی و برجسته‌سازی ارزش‌های اخلاقی مشترک در مذاهب اسلامی رایج در کشور که می‌تواند به عنوان مبنایی برای وحدت و همبستگی بیشتر در محیط کار و کاهش تنش‌های احتمالی مورد استفاده قرار گیرد.
4. مطالعه نقش نهادهای دینی در ترویج اخلاق کار: بررسی نقش علما، مساجد و سایر نهادهای دینی در آموزش و ترویج فرهنگ کار اسلامی، مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری در بین افراد جامعه و به‌خصوص کارمندان.
5. ایجاد سازوکارهای تشویقی اسلامی: بررسی و پیشنهاد راهکارهایی برای ایجاد شیوه‌های تشویق و قدردانی در محیط کار که با ارزش‌های اسلامی (مانند قدردانی از کار نیک، تشویق به تعاون و پرهیز از ریا) هم‌خوانی داشته باشد و باعث افزایش انگیزه مثبت در کارمندان گردد.

فهرست مأخذ

قرآن کریم.

ابن عجبیه، ابوالعباس احمد. (۱۴۱۹هـ.ق). *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*. قاهره: دارالکتب العلمیة.

ابن أبی شیبہ، ابوبکر. (۲۰۱۵م). *المصنف*. ریاض: دار کنوز إشبیلیا للنشر والتوزیع.

غزالی، محمد ابوحامد. (۱۴۳۱هـ.ق). *إحياء علوم الدین*. بیروت: دارالمعرفة.

بخاری، محمد ابن اسماعیل. (۱۹۹۳م). *صحیح البخاری*. دمشق: دار ابن کثیر، دارالیمامة.

بیهقی، ابوبکر. (۲۰۰۰م/۱۴۲۱هـ.ق). *شعب الإيمان*. بیروت: دارالکتب العلمیة.

العباد، عبدالمحسن. (۲۰۰۴م). *کیف يؤدي الموظف الأمانة*. مصر: دارالحديث.

اشقر عمر سلیمان. (۱۹۹۴). *نحو ثقافة إسلامية أصيلة*. عمان: دارالنفاثس للنشر والتوزیع.

مجموعه از مولفین. ((ب ت)). *مجلة البحوث الإسلامية*. ریاض: المكتبة الشاملة.

قشیری، مسلم بن الحجاج. (۱۳۸۸ هـ ش). *صحیح مسلم*. قاهره: مطبعة عیسی البابي الحلبي وشركاه.

L., Peterson, C & .Huang Ai. (2003). The effect of religious-spiritual coping on positive attitudes of adult Muslim refugees from Kosovo and Bosnia. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 29-47

نقش ادبیات در اعتلای فرهنگ

نامزد پوهنیار نقیب‌الله نقی¹ و پوهندوی دکتر طارق ذاکر²

¹عضو کادر علمی دیپارتمنت دری، پوهنځی زبان و ادبیات، پوهنتون تخار

²عضو کادر علمی دیپارتمنت دری، پوهنځی زبان و ادبیات، پوهنتون ننگرهار

چکیده

فرهنگ و ادبیات مقوله‌های اند که مرتبط با یکدیگر بوده و مکمل هم محسوب می‌شوند. هرگاه سخنی از فرهنگ به زبان آوریم، ناگزیر هستیم برای فهم بهتر مخاطب یا برای تعریف روشن فرهنگ، از ادبیات نیز سخن بگوییم. هدف این تحقیق یافتن حدود و میزان این وابستگی و نقش ادبیات در بارورسازی فرهنگ و اعتلای برخی عناصر آن می‌باشد. هم‌چنان نتایج به‌دست آمده از این تحقیق، این را برمی‌تابد که فرهنگ دربردارنده اندیشه، افکار، رسوم، خصلت‌ها، گرایش‌ها، احساسات، عواطف، هنر و در کل سبک یا راه و روش افراد یک جامعه است که در قالب اصول و ارزش‌های متعالی آن جامعه ظاهر می‌گردد. در پهلوی آن ادبیات به‌عنوان یک زبان برتر نه‌تنها بهترین بازگوکننده و انتقال‌دهنده مفاهیم ذکرشده به نسل‌های آینده است، بلکه هم‌چون روح پر اعتلاء در کالبد فرهنگ و عناصر فرهنگی دیده شده و به‌عنوان درخشان‌ترین جلوه، آن را پویایی و ارزش می‌بخشد. غنای ادبیات به‌عنوان جوهره و ماهیت اصلی فرهنگ یک جامعه به‌هیچ‌غنا بخش عناصر مختلف شکل‌دهنده فرهنگ آن جامعه محسوب می‌گردد، پس یافتن این وابستگی‌های متقابل و همبستگی‌های موجود میان رشد و انحطاط عناصر ادبی و فرهنگی، نیاز به واکاوی فراوان دارد که نگارنده‌گان برخی وجوه و روابط آن را دریافته و معرفی نموده است. این تحقیق به روش کیفی با استفاده از مرور آثار انجام شده و شرح موضوع با بهره‌جویی از رویکرد تحلیلی-توصیفی صورت گرفته است. هم‌چنان ما سعی کردیم تا برداشت خود از منابع معتبر را پیرامون موضوع شرح دهیم.

واژه‌های کلیدی: ادبیات، اعتلای فرهنگ، فرهنگ، نقش ادبیات، وابستگی.

The Role of Literature in the Advancement of Culture

Naqibullah Naqi¹ and Associate Professor Dr. Tariq Zakir²

¹ Academic Member Department of Dari, Faculty of Language and Literature, Takhar University

²Academic Member Department of Dari, Faculty of Language and Literature, Nangarhar University

Abstract

Culture and literature are interrelated and complementary concepts. Whenever we speak of culture, we are inevitably compelled to refer to literature as well either to better convey our message to the audience or to clearly define culture. The aim of this study is to explore the extent and nature of this interdependence, and to examine literature's role in enriching culture and elevating certain of its elements. The findings of this research suggest that culture encompasses thoughts, ideas, customs, characteristics, tendencies, emotions, feelings, arts, and overall the lifestyle or manner of a society, all of which manifest in the form of the society's noble values and principles. Alongside this, literature as a superior form of language not only serves as the most effective medium for expressing and transmitting these concepts to future generations, but also acts as an exalted spirit within the body of culture and its elements, granting it vitality and value as its most brilliant manifestation. The richness of literature, as the core and essence of a society's culture, is considered a source of enrichment for the various elements that shape that culture. Therefore, uncovering the mutual dependence and the interwoven connections between the growth and decline of literary and cultural elements requires thorough investigation. In this study, the author has identified and introduced some aspects of these interrelations. This qualitative research has been conducted through a review of existing literature, and the topic has been explored using a descriptive-analytical approach. The author has aimed to present interpretations based on reputable sources related to the subject.

Keywords: Advancement of Cultu, Culture, Literature, Dependency, Role of Literature.

مقدمه

جامعه بدون ادبیات یا جامعه که در آن ادبیات به گوشه و کنار زنده‌گی اجتماعی و خصوصی آدمی رانده شود و به کیش انزوای طلب بدل گردد، جامعه است محکوم به توحش معنوی که حتا آزادی خود را به خطر انداخته است. ادبیات یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین فعالیت‌های ذهن است، فعالیتی که برای شکل‌گیری فرهنگ پویا و جامعه مدرن، بی‌بدیل می‌باشد.

اهمیت موضوع از این قرار است که هیچ چیز بهتر از ادبیات برای ما نمی‌آموزاند که تفاوت‌های قومی و فرهنگی را نشان غنای میراث آدمی بشماریم و این تفاوت‌ها را که تجلی قدرت و آفرینش چند وجهی آدمی است، بزرگ بدانیم. مطالعه ادبیات خوب و غنای نه تنها خواننده را در معرفت‌شناسی جهان خویش کمک می‌کند، بلکه خورشید آن به‌عنوان یک طلوع نوربخش زوایای تاریک جامعه انسانی را تحت شعاع خویش قرار داده و در نهایت باعث شکل‌گیری یک جامعه مرفه، با فرهنگ پویا و ارزش‌های بلند انسانی می‌گردد. در حوزه ادبی ما یا بیرون از آن، پیرامون چیستی و ماهیت ادبیات، کارکرد ادبیات، اهمیت ادبیات، نقش ادبیات در تکامل جامعه و سمت‌بخشیدن آن به سوی تعالی و معنویات از جانب قلم‌به‌دستان زیادی در پژوهش‌های مرتبط با نقد ادبی، نظریات ادبی و ... تحقیقات زیادی صورت گرفته است که عده آن به زبان فارسی و عده‌ی هم از زبان‌های دیگر به زبان فارسی ترجمه شده که ما از آن مقاله‌ها در نوشتن این تحقیق سود بردیم. همچنان پیرامون معرفی فرهنگ، عناصر فرهنگی، وجوه مشترک فرهنگ بشری و تمایزات آن نیز آثاری به زبان فارسی یا هم ترجمه از زبان‌های دیگر در دست‌رس است که نگارنده‌گان از آنها نیز سود جسته‌اند، ولی پیرامون نقش ادبیات در اعتلای فرهنگ تلاش فراوان نمودیم، تا درگام نخست کتب یا هم مقالات نشرشده از نویسندگان و فرهنگی‌یان حوزه ادبی فارسی را در موضوع نقش ادبیات در اعتلای فرهنگ به‌دست بیاوریم تا باشد آن‌ها را چراغ مسیر خویش قرار داده و حق این موضوع را در روشنی آن آثار به‌درستی ادا نماییم؛ اما با تلاش‌های فراوان به چشم نگارنده‌گان نخورد. ولی، پیرامون ادبیات، فرهنگ و رابطه آن‌ها با یکدیگر تحقیقات فراوانی صورت گرفته است و نگارنده‌گان از برخی منابع مذکور در این تحقیق سود برده است و نام عده آن‌ها را جهت توجه محققین بعدی این‌جا بیان خواهیم کرد: هدف ادبیات، ۱۳۵۴، ماکسیم گورکی، نظریات ادبی، ۱۳۹۸، محمد صالح راسخ، جامعه، فرهنگ، ادبیات، ۱۳۷۶، از لوسین گلدمن، نظریه‌های ادبیات و نقد، ۱۳۸۸، از برنا موران، نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی، ۱۳۷۵، از محمود روح الامینی، بررسی جامعه‌شناسی فرهنگی ایران، ۱۳۸۶، از منوچهر محسنی، مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ۱۳۸۱، از نویسنده دنی کوش، فرهنگ

فردی و فرهنگ جمعی، ۱۳۸۹، از لویی دولو و... تحقیق کنونی تحت عنوان نقش ادبیات در اعتلای فرهنگ یک تحقیق جدید محسوب می‌گردد. ادامه این نوع تحقیقات در عرصه سیاست‌گذاری‌های فرهنگی به ما کمک می‌کند تا از یک طرف به تقویت پایه‌های عناصر فرهنگی در کشور خویش بپردازیم و از طرف دیگر در روشنی آن سیاست‌های درست فرهنگی را در آینده برای تقویت فرهنگ ملی مان احیا نماییم. به باور نگارنده‌گان یک جامعه تا زمانی که به غنامندی در عرصه ادبیات نرسد، به هیچ وجه نمی‌تواند به غنامندی فرهنگی دست یابد. پس جامعه که بی‌بهره از عناصر فرهنگی و ارزش‌های معنوی باشد بدون تردید در تظلم و توحش بسر خواهد برد.

هدف این تحقیق آشنایی علاقه‌مندان به مقوله‌های فرهنگ و ادبیات و نقش آن‌ها در تکامل یکدیگر و شکل‌دهی یک جامعه، با معنویت‌های فرهنگی و عواطف و احساسات انسانی می‌باشد. نتیجه این‌که جهان بدون ادبیات، جهان بی‌تمدن، بی‌بهره از حساسیت و ناپخته در سخن‌گفتن، غریزی و خالی از عشق و فرهنگ پر بار می‌باشد؛ و جامعه بی‌بهره از ادبیات در واقع هم‌چون جامعه کر و لال است که به سبب زبان ناپخته و ابتدایی خویش دچار زبان‌پریشی بوده و محدودیت فکر و تخیل را با فقر فرهنگی در انتظار خواهد داشت. هم‌چنان می‌توان گفت که فرهنگ و ادبیات در اکثر اهداف و رسالت‌های خویش به‌مثابه ویژگی‌های مشترک و یکسان هستند که هیچ حدودمرزی، آن‌ها را از هم جدا کرده نمی‌تواند و در واقع ادبیات به عنوان یک عنصر فرهنگی هم‌چون روح پراعتلا در پیکر فرهنگ وجود داشته و به آن کمال می‌بخشد. به‌گونه که شکوه فرهنگی یک جامعه را نمی‌توان بدون شکوه ادبیات آن جامعه به ارزیابی گرفت. ما سخن‌گفتن درست، پرمغز و زیرکانه را از ادبیات می‌آموزیم. انسان به ادبیات پناه می‌برد تا از ناخرسندی‌ها و ناکاملی‌ها بیرون گردد. ادبیات جدا از آنکه نیاز ما را به تداوم بخشیدن به زبان و فرهنگ برآورده می‌سازد، کارکرد بس مهم‌تری در پیشرفت انسان دارد و آن اینکه در اغلب موارد به ما یادآوری می‌کند که زیاد غرق دنیا و مادیات آن نباشیم و این در واقع به شکل‌گیری معنویت‌های فرهنگی می‌انجامد و نیز به ما می‌آموزد که دنیا را می‌توان بهبود بخشید و آن را به دنیای تخیل و زبان ما شبیه‌تر کرد. پس با توجه به آنچه در فوق تذکر رفت، در این مقاله تلاش شده تا با استفاده از منابع معتبر در کنار مرور کوتاه بر ادبیات و فرهنگ به وابستگی و همبستگی که میان آن‌ها وجود دارد و به‌خصوص به نقش ادبیات در اعتلای فرهنگ در یک جامعه فرهنگی پرداخته شود و اهمیت ادبیات را در پدیدآوری یک فرهنگ غنی و پر بار یک جامعه به بررسی بگیریم.

ادبیات

زبان و ادبیات جلوه‌گاه اندیشه، آرمان، فرهنگ و تجارب روحيات يك جامعه است. ادبیات سخن منظوم و یا منثوری است که مقصود از آن بیان عواطف و احساسات گوینده یا نویسنده باشد. یا به عبارت دیگر ادبیات مجموع نوشته‌ها از گونه‌های حماسه، نمایشنامه، رمان، داستان، غزل و نظایر این‌هاست. ریشهٔ زبانی ادبیات را می‌شود برگرفته از ادب دانست. ادبیات جمع کلمهٔ ادبیه و در فرهنگ معین کلمهٔ ادبیه به‌عنوان مفرد ادبیات آمده است و آن را دانش‌های متعلق به ادب، علوم ادبی و آثار ادبی دانسته است (معین، ۱۳۵۷، ص. ۱۸۷). حسن عمید در لغت‌نامه خویش ادب و ادبیات را چنین تعریف می‌کند: ادب به معنی «دانش، فرهنگ، معرفت، روش پسندیده، خوی خوش، آداب جمع».

علم ادب: علمی که با تسلط بر آن شخص می‌تواند درست شعر بگوید و خوب چیز بنویسد و سخن درست و نادرست را بشناسد.

ادبیات: علمی که مربوط به ادب باشد، آنچه در باره علوم و مسائل ادبی گفتگو کند، آنچه مربوط به علم ادب باشد (عمید، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۱). برزین‌مهر واژهٔ ادب را با واژه‌های دب، دبیر، دبیرستان در زبان فارسی و ادیپوس در زبان یونان یا هم هذب در زبان عربی هم‌ریشه دانسته که از این واژه‌ها مشتق گردیده است.

معنای لغوی ادب: فرهنگ، دانش، حسن معاشرت، کار پسندیده، اخلاق حسنه، فضیلت مردمی، خصایل حمیده و بزم‌آرایی با سخن می‌باشد و در اصطلاح ادب نام دانشی است که قدما آن را شامل علوم: لغت، صرف، نحو، معانی، بدیع، بیان، عروض، قافیه، قوانین خط قوانین قرائت و غیره دانسته‌اند (برزین‌مهر، ۱۳۸۲، صص. ۵-۶). سعدی نیز ادب را کار پسندیده و اخلاق حسنه می‌داند: لقمان را گفتند: ادب از کی آموختی؟ گفت: از بی‌ادبان، هرچه از ایشان در نظرم ناپسند آمد از فعل آن پرهیز کردم (سعدی، ۱۳۸۹، ص. ۸۲). حافظ ادب را دریکی از غزلیاتش به معنی ادبیات و علوم ادبی به‌کاربرده است:

حافظا علم و ادب ورز که در مجلس شاه هر که را نیست ادب لایق صحبت نبود

(حافظ، ۱۳۸۰، ص. ۱۰۶)

ادبیات در واقع بخش از زبان است که در آدمی موجب انفعال می‌شود. یا به عبارت دیگر ادبیات سخن و سخنانی است که به تعبیر قدما سبب انقباض و انبساط خاطر می‌گردد و احساسات ادب‌آفرین را به دیگران منتقل می‌کند. در این جا مراد از انفعال شادی و غم، ترس، مهر و کین، ترحم و غیره می‌باشد. یکی از عوامل انفعال آدمی زیبایی است؛ بنابراین در بعضی کتب ادبیات را سخن زیبا

نامیده‌اند (راسخ، ۱۳۹۴، ص. ۳۹). ماکسیم گورکی ادبیات را نردبانی برای معراج به آسمان و سمت خدا دانسته چنین می‌گوید: «هدف ادبیات این است که به انسان کمک کند تا خود را بشناسد و ایمان به خودش را تقویت کند، میل به حقیقت و مبارزه با پستی‌ها را در وجود مردم توسعه دهد، بتواند صفات نیک را در آن‌ها بیابد، در روح آن‌ها عفت، غرور و شهامت را بیدار کرده با آن‌ها کاری کند تا مردم نجیب، بهروز و قوی شده و بتوانند حیات خود را باروح مقدس زیبایی ملهم سازند.» (گورکی، ۱۳۵۴، ص. ۱۲). قویم در کتاب تاریخ ادبیات دری از دوره‌های باستانی تا پایان قرن چهارم هجری ادبیات را چنین تعریف نموده است: «ادبیات ماحصل تلاش هنری انسان در جهت تبیین و تشریح چگونگی آرزوها، احساس‌ها نیازمندی‌های انسان و نتیجه ادراک مخیلاته او در رابطه به عوالم محسوس و نامحسوس است. این تلاش که در مفهوم سازنده‌گی مندمج می‌تواند بود، محصول زنده‌گی اجتماعی است و بدان سبب ارزش بسزایی دارد» (قویم، ۱۳۹۴، ص. ۵). ادبیات را به تعریف دیگر مجموعه آثار هنری و ادبی یک ملت، کشور، زبان و یا یک دوره دانسته‌اند. یا به قول رومان یاکوبسن ادبیات زبان متداول را دگرگون نموده قوت می‌بخشد و به گونه نظام‌یافته آن را از گفتار روزمره منحرف می‌سازد. یا ادبیات را می‌توان نوشته تخیلی به معنای داستان یا نوشته که حقیقی نیست، تعریف کرد (ایگلتن، ۱۳۸۰، ص. ۳).

با وجود همه تعاریفات که در فوق ذکر شد، ادبیات مانند سایر اصطلاحات ادب‌شناسی و زبان‌شناسی تعریف واحد و دقیقی ندارد و می‌توان تعاریف متعددی از آن برحسب ذوق و سلیقه محققان این فن عرضه کرد؛ چون ادبیات همانند دیگر مفاهیم تجربی دارای بافت آزاد است. هرگاه یک مفهوم قابل تغییر و اصلاح باشد به آن مفهوم دارای بافت آزاد می‌گویند؛ لذا از چیزیکه نمی‌تواند ثابت باشد به سختی می‌شود تعریف کرد. چون با تغییر شرایط، تعریف نیز دچار دگرگونی می‌گردد (برنا موران، ۱۳۸۸، ص. ۳۵۶). پس از عصر رنسانس در اروپا تعاریفات که از ادبیات به دست می‌آید مستقیماً به جهان‌بینی ارائه‌کنندگان آن مربوط بوده و برحسب احساسات، تفکرات اجتماعی، سیاسی و مذهبی و حتی فلسفی صاحب‌نظران مطرح شده است. یکی از تعریف‌های رایج در فرهنگ‌های اروپایی از ادبیات این است: «ادبیات مجموعه آثار مکتوب یک ملت یا مملکت یا یک دوره یا یک زبان است.» (راسخ، ۱۳۹۴، ص. ۳۸).

فرهنگ

فرهنگ عبارت از یک مفهوم گسترده و متنوع است که در جریان تحول و تکامل فکری، تاریخی و اجتماعی در جامعه بشری پدید آمده و تمام ارزش‌های اجتماعی چون: دانش‌ها، باورها، قوانین،

اخلاق، آداب، رسوم، هنر، ادبیات، فلسفه و عادات بشری را در برمی‌گیرد. به گونه‌ای که تمام رفتارهای قابل قبول در یک جامعه را هنجارهای فرهنگی تعیین نموده و به عنوان راهنما در جهت چگونگی رفتار، طریق پوشیدن لباس، شیوه صحبت کردن، انجام برخی کارها در مواقع خاص و غیره موارد عمل می‌کند. (روح‌الامینی، ۱۳۷۵، ص. ۱۰). واژه فرهنگ از دوره فارسی میانه وارد زبان ما می‌شود و پیش از آن کلمه‌ای که به معنای فرهنگ باشد در این زبان وجود نداشت. در این دوره در متن‌های پهلوی ساسانی، متن‌های سغدی، مانوی و حتی ختنی کلمه فرهنگ را می‌توان بازشناخت. در متن‌های پارسی میانه، همانند «خسرو و ریدگ»، «خویشکاری ریدگان» و «کارنامه اردشیر بابکان» کلمه فرهنگ به کار رفته است؛ هم‌چنین در شاهنامه فردوسی، آثار سعدی و متن‌های دور بعد نیز بارها به این واژه بر می‌خوریم. در آثار این دوران، فرهنگ علاوه بر دانش شامل هنرهایی چون: نقاشی، موسیقی، سوارکاری و تیراندازی هم می‌شد. در گذشته اعتقاد فارسی‌زبانان بر این بود که بدون فرهنگ آدمی نمی‌تواند قدمی مثبت در زنده‌گی بردارد. از همین رو است که فردوسی فرهنگ را برتر از گوهر و نژاد می‌داند. در فرهنگ فارسی معین واژه فرهنگ مرکب از دو واژه «فر» و «هنگ» به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت و آداب و رسوم تعریف شده است. کلمه فرهنگ در پهلوی ساسانی به صورت «فره هنگ» آمده است که از دو جزء «فره» به معنای پیش و فرا؛ و «هنگ» به معنای کشیدن و راندن، ساخته شده است. در نتیجه «فرهنگ» به معنای پیش کشیدن و فرا کشیدن است. به همین سبب است که فارسی‌زبانان فرهنگ را سبب پیشرفت می‌دانند. علی‌اکبر دهخدا نیز واژه فرهنگ را از پیشوند فر و هنگ که از ریشه اوستایی تنگ (کشیدن) است به معنی دانش، ادب و تعلیم و تربیت می‌داند (دهخدا، ۱۳۷۲).

واژه فرهنگ نزد اروپاییان پیشینه طولانی دارد. آن‌ها فرهنگ را از دیدگاه‌های گوناگون، از جمله دیدگاه اجتماعی، دینی و حتی اقتصادی بررسی کرده‌اند و دریافته‌اند که فرهنگ بر تمام اجزای زنده‌گی آدمی تأثیرگذار است. در سال ۱۹۵۲ آلفرد کلوبرو کلاید مروری انتقادی بر مفاهیم و تعاریف فرهنگ اظهار کردند که فرهنگ در اغلب موارد به سه برداشت عمده می‌انجامد:

۱. برترین فضیلت در هنرهای زیبا و امور انسانی که هم‌چنین به فرهنگ عالی شهرت دارد.
۲. الگوی یک پارچه از دانش، عقاید و رفتار بشری که به گنجایش فکری و یادگیری اجتماعی نمادین بستگی دارد.
۳. مجموعه گرایش‌ها، ارزش‌ها، اهداف و اعمال مشترک که یک‌نهاد، سازمان و گروه را مشخص و تعریف می‌کند. ادوارد تیلور فرهنگ را مجموعه پیچیده از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین،

اخلاقیات، عادات و هرچه که فرد به عنوان عضوی از جامعه خویش فرا می گیرد تعریف می کند (دنی کوش، ۱۳۸۱، ص. ۲۷).

هنگامی که مفهوم فرهنگ برای نخستین بار در سده های هجدهم و نوزدهم میلادی در اروپا به کار گرفته شد، بر فرآیند کشت و زرع یا ترویج در کشاورزی و باغبانی دلالت داشت. در آغاز سده نوزدهم میلادی این مفهوم بر بهبود یا پالایش و تهذیب نفس در افراد (به ویژه حین آموزش) استوار بود و سپس بر تأمین آرزوهای ملی یا ایده آل ها دلالت نمود. ادوارد تیلور در سال ۱۸۷۱ فرهنگ را با تمدن مقایسه کرد و آندورا کلیتی درهم تنیده دانست که شامل: دین، هنر، اخلاق و هرگونه توانایی است که آدمی می تواند به دست آورد (دولو، ۱۳۸۹، ص. ۳۰).

در سده بیستم میلادی «فرهنگ» به عنوان یک مفهوم محوری و کلیدی در انسان شناسی به کار رفت که همه پدیده های انسانی را در برمی گرفت و صرفاً نتیجه امور ژنتیک به حساب نمی آمد. اصطلاح «فرهنگ» در انسان شناسی آمریکایی دارای دو معنی بود:

۱. ظرفیت و گنجایش تکامل یافته بشر برای دسته بندی و بیان تجربیات به واسطه نمادها و کنش پندار مآبانه و نوآورانه.

۲. راه های مشخص که مردم به اساس آن در نقاط مختلف جهان زیسته و تجربیات خود را به شیوه های گوناگون بیان می کنند و به شکلی خلاقانه دست به کنش می زنند. پس از جنگ جهانی دوم این اصطلاح با معانی مختلف از اهمیت بیشتری در دیگر رشته ها و حوزه های علمی مثل جامعه شناسی، مطالعات فرهنگی، روان شناسی سازمانی و علوم مدیریتی برخوردار شد (دنی کوش، ۱۳۸۱، صص. ۳۵-۳۰).

نقش ادبیات در اعتلای فرهنگ

با روی کار آمدن و شکل گیری جوامع انسانی، زنده گی بر مبنای چارچوب ها و قوانین نهاده شده که رسیدگی به امور اجتماعی را آسان و نظام مند ساخت. چارچوب های که به رفتارها و اختیارات انسان حدود و مرز بخشیده و زنده گی را به اساس قانون شکل داد. به مرور زمان این چارچوب ها، مفاهیم گسترده تر پیدا کرده و در زمینه های مختلف از آن تعریف های متفاوت صورت گرفته که روی هم رفته امروز از آن به نام فرهنگ یاد می شود. طبق گفته های اندیشمندان، تعریف واحد و یکسان از این مقوله ناممکن است و از هر زاویه یی که به آن دیده شود، برداشت و تعریف تازه به دست می آید. تا اکنون تعریف های گوناگون از فرهنگ صورت گرفته است، ولی تعریف نسبتاً جامع تر از ادوارد تیلور در سال ۱۸۷۱ میلادی است که به باور او: «فرهنگ مجموعه پیچیده است از دانش ها، باورها، هنرها،

قوانین، اخلاقیات، عادات و هر آنچه فرد به عنوان عضوی از جامعه خویش فرا می‌گیرد» (محسنی، ۱۳۸۷، ص. ۲۳). پس با این تعریف کنش‌ها و واکنش‌های فردی، اجتماعی، باورها، ارزش‌ها، ادبیات، هنر، سنت‌ها و... مجموع ارزش‌های اند که فرهنگ جامعه را تشکیل می‌دهند. فرهنگ هر جامعه تنیده در مجموعه رفتارها و باورهای افراد جامعه است که به گونه‌های مختلف در قالب گفتار، برخوردها و کنش‌های اجتماعی بازتاب می‌یابد. فرهنگ هر جامعه آیینۀ تمام‌نمای تاریخ و تمدن آن جامعه است. از همین رو جوامع مدرن که امروز به درک کامل از ارزش‌های فرهنگی رسیده‌اند، برای رشد غنامندی آن هزینه‌های هنگفت را به مصرف می‌رسانند.

ادبیات جوهره و ماهیت وجود فرهنگ یک جامعه است. اگر فرهنگ را گلشن زیبا و با طراوت پنداریم، ادبیات نقش آب را دارد که آن را می‌پروراند و به شگوفایی می‌رساند. نقش ادبیات در فرهنگ نقش هسته‌یی و اساسی است. ادبیات هم چون روح پراعتلاء در کالبد فرهنگ وجود داشته و برای آن پویایی و ارزش می‌بخشد. پس بی‌اساس نیست که شکوه تاریخی و فرهنگی ملت‌ها را با نگرش به ادبیات آن‌ها مورد ارزیابی قرار دهیم. غنامندی در ادبیات یک جامعه به معنای غنامندی در عناصر مختلف شکل‌دهنده فرهنگ آن جامعه است. بین رشد ادبیات و فرهنگ وابستگی متقابل و همبستگی کامل وجود داشته، هم چنان که میان رشد زبان و فرهنگ همبستگی و وابستگی وجود دارد. در علوم اجتماعی زبان نیز به عنوان یک نهاد اجتماعی در مجموعه فرهنگ جامعه قرار دارد؛ و این وسیله و ابزار فرهنگی مانند دیگر نهادهای اجتماعی و عناصر فرهنگی بنا بر نیاز جامعه به وجود آمده و همراه نهاد دیگر در جامعه شکل می‌گیرد و با دگرگونی آن‌ها دگرگون می‌شود؛ به عبارت دیگر در علوم اجتماعی انحطاط، تکامل و دگرگونی زبان جدا از تحول و دگرگونی فرهنگ، قوم و جامعه نبوده بلکه تکامل یا دگرگونی در یک زبان تکامل اجتماعی و فرهنگی را نیز به دنبال دارد (روح‌الامینی، ۱۳۷۵، ص. ۹۳). پس با توجه بر این می‌شود گفت هر جای که زبان و ادبیات از پویایی به یک ارزش بالقوه تبدیل شود، فرهنگ نیز ایستا می‌گردد و همبستگی این ارزش‌ها همانند سایه و تصویر است. در کنار این آثار ادبی نیز در قلمرو زنده‌گی انسان به عنوان تبلور اندیشه‌های فردی و اجتماعی در اعتلای فرهنگی جامعه تأثیر بسزای دارد که نمی‌توان از آن چشم بست. در واقع همین آثار ادبی است که منابع مؤثر فرهنگ پربار یک جامعه و تجلی عالی‌ترین سطح فرهنگ آن جامعه می‌باشند.

جلوه درخشان دیگر فرهنگ، ادبیات عرفانی است. در ادبیات عرفان چشم‌انداز از حیات دنیوی و اخروی وجود دارد که در آن زمین و آسمان، دنیا و آخرت، مادیت و معنویت باهم آشتی می‌کنند و پلی می‌شود میان سازش عناصر که تشکیل‌دهنده کلیت به نام فرهنگ می‌باشد، یعنی ادبیات را

می‌شود پیوندگر خوبی‌ها و نقطه ثقل برای ارزش‌های فرهنگی خواند. اندیشه و ذهنیت یک پیکره بودن نوع بشر، برتری خرد و دانایی، برابری و برادری، توازن میان جسم و جان، قناعت خوشنودی، استغنائی نفس همه و همه تجلی خویش را از دریچه ادبیات و عرفان در فرهنگ یافته‌اند. همین‌گونه ادبیات عامه را می‌شود جلوه‌گاه درخشان دیگر فرهنگ یک جامعه دانست. فولکلور به‌مثابه بخشی از فرهنگ مردم، یکی از ژرف‌ترین، پرمعنی‌ترین و غنایمندترین پدیده‌های هنری و دانشی است. روی همین اصل پژوهشگران و دانشمندان در شناخت عناصر مختلف فرهنگ یک جامعه به فولکلور آن ملت‌ها اهمیت و ارج زیاد قائل‌اند. بدون تردید در آفرینش عناصر فرهنگی توده‌های مردم نقش اساسی داشته و مردم نه‌فقط آن نیروی است که ارزش‌های مادی را می‌آفرینند، بلکه یگانه سرچشمه لایزال ارزش‌های معنوی و فرهنگی نیز می‌باشند (راسخ، ۱۴۰۰، صص. ۳۹-۴۰). فرهنگ عامه از جمله موضوعات و مباحث مهم در تاریخ هر کشور و جوامع پربار و فرهنگی آن‌ها است که مهم‌ترین جلوه آن در ادبیات عامه می‌باشد. ادبیات عامه در واقع ادبیات که با شناخت آن می‌توان تعاملات اجتماعی و فرهنگی مردم، نوع پوشش، آواها و نواهای ملی، سبک زنده‌گی، اعتقادات، باورها و... هر دوره را به‌خوبی شناخت. ادبیات عامه شامل: لالایی‌ها، قصه‌ها، ترانه‌ها، مثل‌ها، چیستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها و بخشی از اساطیر ملی، مذهبی و میهنی می‌شود که هریک آن‌ها به‌مثابه عناصر مهم در تشکیل ساختار فرهنگ در جامعه بشری بوده و در هر عصر رایج می‌باشند که هرکدام دارای ویژه‌گی و خصوصیات خاص خویش می‌باشد که می‌شود آن‌ها را گل‌های رنگارنگ گلشن فرهنگ دانست که به آن زیبایی و قدرت جذب بیشتر را می‌بخشد. در فولکلور عقاید انسان‌دوستی، عدالت‌پروری، وفاداری، دوستی و برادری، علاقه به کار، دلاوری و غیره افاده شده است که این‌ها برای تربیت جامعه با روحیه عالی انسانی و رشد عناصر فرهنگی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد (بنوال، ۱۳۹۳، ص. ۸). خلاصه این‌که ادبیات در انجام رسالت خود در قلمرو فرهنگ و دانش‌های گوناگون گنجینه ارزشمندی از رویدادها، ارزش‌ها، آداب، رسوم، پیشینه تاریخی و تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه محسوب می‌گردد. ادبیات با رسالت معنوی و ارزش‌مدارانه که بدوش دارد همیشه در پی آوردن صلح و آشتی بوده با ایجاد پیوندهای عاطفی، ملی، همدلی و هم‌زبانی به اعتلاء و استغنائی ارزش‌های فرهنگی و انسانی در یک جامعه می‌پردازد. ادبیات را می‌شود شکوه‌مندترین و پرافتخارترین عنصر فرهنگ در یک جامعه دانست که غنای آن باعث غنای فرهنگی در یک جامعه می‌گردد. همین اکنون ما اگر مروری به گذشته فرهنگی سرزمین خویش داشته باشیم و بخواهیم تا نقاط برجسته فرهنگی خویش را با افتخار

یادآور شویم، ناگزیر دست به دامن ادبیات خویش شده و از آن به صفت بلندترین نماد فرهنگ پربار خویش یاد می‌نماییم. چون پس از اسلام بیشتر هنرها از قبیل: موسیقی، نقاشی، پیکره‌سازی از دید شریعت نادرست دانسته می‌شد. اینجا بود که هنرمندان حوزه فرهنگی ما عطش هنری خویش را از چشمه‌سار ادبیات سیرآب کرده و تمام مهارت، استعداد، ذوق و قابلیت‌های ذهنی خویش را نسبت به فرهنگ و مهارت‌های فرهنگی در ادبیات قرار می‌دادند. خلاصه این‌که نقش ادبیات در تکمیل و استغناء فرهنگ سرزمین ما نه تنها خلای موجود سایر هنرها را پر ساخت، بلکه جولانگاهی شد برای بیان و ابراز بسیاری از آراء و اندیشه‌ها که مبنای یک ساختار محکم فرهنگی را برای سالیان متمادی متضمن می‌شد.

نتیجه‌گیری

نتیجه این تحقیق که در آن به تعریف ادبیات، چستی ادبیات، معنای واژه فرهنگ در لغت‌نامه‌ها، ارائه تعریف جامع از مقوله فرهنگ، بررسی پیشینه فرهنگ در زبان و ادبیات فارسی دری به صورت بسیار خلاصه، مرور کوتاه به پیشینه فرهنگ در ادبیات اروپا، رابطه فرهنگ با ادبیات؛ نقش ادبیات در اعتلاء و استغناء فرهنگ پرداخته شده است، این بود تا روشن گردد میان رشد ادبیات و فرهنگ رابطه ناگسستنی و بنیادین وجود داشته که از هیچ باد و بارانی گزند نخواهد یافت. چون هر جای که ادبیات از پویایی به یک ارزش بالقوه تبدیل شود، فرهنگ نیز ایستا می‌گردد. ادبیات در کنار عناصر دیگر فرهنگ، خودش بخش از آن بوده و دربردارنده درخشان‌ترین نمای فرهنگی یک ملت می‌باشد. ادبیات به عنوان عنصر اساسی و پویای فرهنگ؛ گفته‌ها و نوشته‌های ظریف و زیبا می‌باشد که باهدف نشان دادن رهنمودها و ارشاداتی در راه سعادت جامعه و آسایش نسل فعلی و پیشرفت آینده عمل می‌کند. پژوهش‌ها و آثار مهم ادبی جهان نشان می‌دهد که فرهنگ و ادبیات با همه تلقی‌ات گوناگونی که دارند یکدیگر را تحت تأثیر قرار داده و تقویت می‌نمایند. واژه ادبیات از ریشه ادب که با واژه‌های دب، دبیر، دبیرستان در فارسی و ادیپوس در زبان یونانی هم‌ریشه بوده بخش از زبان است که در آدمی موجب انفعال می‌شود. مفهوم واژه ادب نزد قدما شامل ادب نفس و ادب درس می‌گردید که ادب در مفهوم نخست: اخلاق حمیده، سخا، ایثار، شکیبایی و نوع دوستی را در بردارد؛ اما ادب در معنای ثانی عبارت از شناخت نظم و نثر را گویند. ادبیات هنر کلامی است که زنده‌گی هیچ ملتی با فرهنگ آن جدا از آن نیست و ادبیات نزد اشخاص و ملل مختلف به عنوان چاشنی زنده‌گی مطرح بوده و مردم از دیرزمان با آن زیسته و انس داشته‌اند. دامنه ادبیات گسترده و شاخ برگ‌های آن به

حدی است که هر قوم و ملتی و هر شخصی را با فرهنگ‌های مختلفی که دارند، به‌نوعی دربر می‌گیرد. نگاه به فرهنگ مکتوب ملت‌ها از قبیل: شعرها، سرودها، دیوان اشعار، امثال و حکم، ضرب‌المثل‌ها، داستان‌ها و افسانه‌ها، نقاشی‌ها، خوش‌نویسی‌ها، خطاطی‌ها و هنرهای گوناگون که به کلام و سخن نوشته‌شده مربوط می‌شود گسترده‌گی دامنه ادبیات را نشان می‌دهد. نقش ادبیات در فرهنگ نقش هسته‌یی و اساسی است. ادبیات هم‌چون روح پراعتلاء در کالبد فرهنگ وجود داشته و برای آن پویایی و ارزش می‌بخشد. پس بی‌اساس نیست که شکوه تاریخی و فرهنگی ملت‌ها را با نگرش به ادبیات آن‌ها مورد ارزیابی قرار دهیم. ملت‌ها زمانی می‌توانند یک فرهنگ غنامند و پربار داشته باشند که ادبیات آن‌ها به استغنا و پرباری رسیده باشد. پس روی همین ملحوظ ملت‌های آگاه و دارای فرهنگ پرشاخ و برگ همواره در کنار توجه به پیشرفت‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و اجتماعی‌شان با غنامندی ادبیات خویش در پی اعتلای فرهنگ خود نیز بوده‌اند. ادبیات عرفانی درخشان‌ترین جلوه دیگر فرهنگ است. چون اندیشه‌ها و ذهنیت یک‌پیکره‌بودن نوع بشر، برتری خرد و دانایی، برابری و برادری، توازن میان جسم و جان، قناعت خوشنودی، استغنای نفس همه و همه تجلی خویش را از دریچه عرفان و ادبیات عرفانی در فرهنگ یافته و این آموزه‌ها به ما یادآوری می‌کند که زیاد غرق دنیا و مادیات آن نباشیم که در واقع به شکل‌گیری معنویت‌های فرهنگی می‌انجامد. همین‌گونه ادبیات عامه؛ در ادبیات عامه عقاید انسان‌دوستی، عدالت‌پروری، وفاداری، دوستی و برادری، علاقه به کار، دلاوری و غیره افاده شده است که این‌ها برای تربیت جامعه با روحیه عالی انسانی و رشد عناصر فرهنگی از اهمیت خاصی برخوردار هست. خلاصه این‌که ادبیات به‌عنوان درخشان‌ترین جلوه فرهنگ حیثیت جوهره و ماهیت وجود فرهنگ را در یک جامعه دارا بوده که ادبیات را می‌شود پیوندگر خوبی‌ها و نقطه ثقل برای همه ارزش‌های فرهنگی خواند. ما اگر بخواهیم نقاط برجسته فرهنگ یک جامعه را با افتخار یادآور شویم، ناگزیر دست به دامن ادبیات شده و از آن به صفت بلندترین نماد فرهنگ پربار آن جامعه یادآور شویم. پس باتوجه به این امر مهم، نگارنده‌گان عطف توجه پژوهشگران حوزه فرهنگ و ادبیات را در این زمینه خواهان است. تا اینکه ما توانسته باشیم از یک طرف به حوزه ادبیات و فرهنگ سرزمین خویش خدمتی انجام دهیم و از جانب دیگر با نشان دادن نقش ادبیات در شگوفایی فرهنگ و عناصر فرهنگی مسیر درست اعتلا بخشی فرهنگ و غنامندسازی آن را به کسانی که با ما در این ارزش‌ها و معنویات شریک اند، به معرفی بگیریم.

فهرست مآخذ

- اینگلتون، تری. (۱۳۸۰). پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی. ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- برزین مهر، عبدالغنی. (۱۳۸۲). کلیات مسائل ادبی. پشاور: کتابخانه دانش.
- بنووال، محمد افضل. (۱۳۹۳). فولکلور شناسی، کابل: سعید.
- حافظ، خواجه شمس‌الدین. (۱۳۸۰). دیوان، به اهتمام محمد قزوینی-قاسم غنی، مشهد: راهیان سبز.
- دنی‌کوش. (۱۳۸۱). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، مترجم فریدون وحید، تهران: سروش.
- دولو، لوئی. (۱۳۸۹). فرهنگ فردی و فرهنگ جمعی، ترجمه عباس باقری، تهران: فرزانه روز.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۲). لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- راسخ، محمد صالح. (۱۴۰۰). بحث‌های درباره ادبیات شفاهی دری، بلخ: ثقافت.
- راسخ، محمد صالح. (۱۳۹۸). نظریات ادبی، مزار شریف: ثقافت.
- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۷۵). نموده‌ای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی، تهران: آگاه.
- سعدی، مشرف‌الدین مصلح. (۱۳۸۹). گلستان سعدی، تحقیق ویرایش علی حاجی تقی، تهران: ارمغان طوبی.
- عمید، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ عمید، ج. اول، تهران: سپهر.
- قویم، عبدالقیوم. (۱۳۹۴). تاریخ ادبیات دری از دوره‌های باستان تا پایان قرن چهارم هجری، کابل: سعید.
- گورکی، ماکسیم. (۱۳۵۴). هدف ادبیات، ترجمه م. ه. شفیع‌ها، تهران: ارژنگ.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۸۶). بررسی جامعه‌شناسی فرهنگی ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- معین، محمد. (۱۳۵۷). فرهنگ فارسی، جلد ۱، تهران: امیرکبیر.
- موران، برنا. (۱۳۸۸). نظریه‌های ادبیات و نقد. برگردان ناصر دوران، تهران: نگاه.

CODEX CUMANICUS

Senior teaching assistant **Dr. Najibullah Akbari**

Kabil Üniversite, Yabancı Diller Fakültesi, Türk Dili Bölümü akademik üyesi

ÖZ

Türk lehçeleri araştırmaları açısından son derece önemli bir kaynak olan Codex Cumanicus, 14. YÜZYILDa İtalyan ve Alman misyoner rahipleri tarafından hazırlanmış, Karadeniz'in kuzeyinde yaşamakta olan çeşitli Türk boyları ile birlikte farklı dillerde konuşan bazı milletlerin ortak anlaşma ve ticaret dili olan Kıpçak (Kuman) Türkçesinin bir sözlüğünü ve Hristiyanlığa ait dinî metinleri ihtiva Eden mühim bir eserdir. Codex Cumanicus'un Kıpçak Türkçesine ait kelime hazinesi ile Kıpçak grubuna giren bazı çağdaş Türk lehçeleri arasındaki benzerlik ve paralellikler konusunda çeşitli araştırmalar yapılmıştır. Bu makalede Codex Cumanicus'un Genel Özellikleri, Eserin Kime Ait Olduğu, Yazarları Hakkında Genel Görüşleri, Eserin Yazılış Amacı, Eserin Yazıldığı Yer, Yazılış Tarihi, İtalyan Bölümü, Alman Bölümü, Bölümler Arasındaki Bazı Farklılıklar, Bazı Dil Özellikleri ve İmla-Alfabe Meselesi, Eserin Yazıldığı Alfabe, Codex Cumanicus'un Dilinin Türk Lehçeleriyle İlişkisi, İmla Özellikleri, Ünlüler, Dil Uyumu Bozukluğu, Ünsüzler, Ağız Özellikleri, Eserin Sözcük Varlığı ve Codex Cumanicus Bilmeceleleri üzerinde durulmuştur.

Anahtar Kelimeler: Codex Cumanicus, Kıpçak Türkçesi, Codex Cumanicus'un Genel Özellikleri

CODEX CUMANICUS

Senior teaching assistant Dr. Najibullah Akbari

Academic member of Turkish Department, Faculty of Foreign Languages, Kabul University

Abstract

Codex Cumanicus, a highly important source for the study of Turkic dialects, was prepared in the 14th century by Italian and German missionary priests. It contains a dictionary of the Kipchak (Cuman) Turkish language, which served as a common language for various Turkic tribes living in the northern Black Sea region and some nations speaking different languages, as well as religious texts related to Christianity. Various studies have been conducted regarding the vocabulary of the Kipchak Turkish in Codex Cumanicus and the similarities and parallels with some contemporary Turkic dialects belonging to the Kipchak group. This article discusses the general characteristics of Codex Cumanicus, its authorship, general opinions about the authors, the purpose of the work, the place of writing, the date of writing, the Italian section, the German section, some differences between the sections, certain linguistic features and the issue of spelling-alphabet, the alphabet used in the work, the relationship of the language of Codex Cumanicus with Turkic dialects, spelling features, vowels, issues of language harmony, consonants, dialectal features, the vocabulary of the work, and the riddles of Codex Cumanicus.

Keywords: Codex Cumanicus, General Characteristics of Codex Cumanicus, Kipchak Turkish,

GİRİŞ

Aslı Doğu Köktürklerine dayanan, bir süre Kimeklerin içinde bulunan, 10. yüzyılın ilk yarısında Kimeklerden ayrılıp müstakil bir boy haline gelen ve bu süreç içinde başka Türk boylarınca da takviye edilen Kıpçaklar (Ercilasun, 2005, s. 361) hakkında yapılan incelemeler Kıpçak göçlerinin geniş bir alana yayılması ve bu münasebetle başka milletlerle çeşitli coğrafyalar ve alanlarda temas kurmaları bu Türk boyuna Batı dünyası tarafından değişik adlar verilmesine sebep olmuştur. “Adlarının mana ve menşei ile kavmi takipleri uzun yıllardan beri münakaşa edilmekte olan Kumanlar, kaynaklarda başka isimler altında zikredilmişlerdir. Bu bakımdan bozkırlı Türk toplulukları arasında istisna teşkil ederler. Onlara Bizanslılar ve Latinliler “**Kumanos, Kumanoi**”, Ruslar “**Polovest**”, Almanlar ve diğer batılı milletler “**Fablen, Falones, Valoni, Valwen, Pallidi**”, Ermeniler “**Khartes**” Macarlar “**Kun**”, İslamlar “**Kıpçak**” demişlerdir. Ruslar, Almanlar, diğer batılılar ve Ermeniler tarafından verilen isimler arasında renk (sarı, sarımsı, açık sarı, saman sarısı) ifade eder.” (Kafesoğlu, 2003, s. 185).

Adlarının ilk defa geçtiği Rus kroniğinde aynı cinsten oldukları belirtilen Kumanlar, anlaşıldığına göre buralarda daha ziyade dış görünüşleri tanıtılmak istenmiştir. Gerçekten doğulu ve batılı kaynaklar Kumanların kumral saçlı, sarışın olduklarında bir fikir birliği halindedir (Kurat, 1972, s. 71).

Yukarıda Kumanlar için zikredilen isimlerden **Kun** ve **Kuman** adlarının manası da tartışılmıştır. Macar Türkoloğu G. Nemeth 1940 yılında yazdığı “Die Volksnamen quman und qun “Kuman ve Kun Halk Adları” başlıklı yazısında Kuman ve Kun kelimelerinin Türkçe sıfat olan Ku<*kub¹ (sarı, renksiz, uçuk renkli) kelimesinden hareket ederek etimolojilerini yapmıştır. Nemeth’e göre “Kuman” kelimesi Kumanların kendi Türk isimleridir, bu ad onlara herhangi bir yabancı millet tarafından verilmemiştir (Çağatay, 1944a, s. 760).

¹ Bu kelimeye DLT’de kuba (قبا) biçiminde rastlamaktayız. “kuba” at rengi ve donu kumral (konural) ile sarı arasında olan at. (Atalay, 2006, s. 372). Bu kelimenin Tarihi metinlerdeki farklı biçimleri için ayrıca bkz. (Paçacıoğlu, 2006: 368). Etimolojisi için: (Clauson, 1972 (EDPT): 581).

Nemeth'in bu etimolojisini O. Pritsak dolayı yönden desteklerler: “*Kub>kuman etimolojisinde Menges’e göre +n eki problemidir. Bu ek nadir rastlanan isim çekim eki +an / +en olabilir.” (Pritsak, 1995: 156-157). Adı geçen yazısında Pritsak; Nemeth’e göre Kun ve Kuman kelimelerinin aynı anlamda ve aynı kökten çıktığı görüşü için bu iki kelimeyi Kuman (<kuba, solgun, soluk) kun (<*ku solgun, soluk, bozkır/ çöl (halkı)) manasında kabul edilebileceğini düşünülebilir.” (Pritsak, 1995, s. 157).

Kıpçak Adı

İslam kaynaklarında geçen ve yaygınlaşan bir addır. Tarihi Türk metinlerden Orhun Yazıtlarında rastlayamadığımız Kıpçak kelimesine eski Uygur devrinde rastlamaktayız. A. Caferoğlu Eski Uygur Türkçesi Sözlüğü’nde bu kelimeye yer vermiştir: “Kıpçak: ‘Antroponim’” (Caferoğlu, 1993: 116). Bu kelime ilk defa Şine-Usu (Bayan Çor~Moyun Çor) bitiginde geçmektedir. S. Klyashtorny bu bitigde geçen Türk Kıpçak adının çeviride ayrı yazılması gerektiğini savunur: “Fin bilim adamı G. Ramstedt 1909’da Moğolistan’a yaptığı seyahat sırasında Selenge Nehrinin güneyindeki Mogan Şine-Usu Çanağında runik yazılı bir kitabe bulmuş, bu yadigarı ilk keşfeden kişi olarak da “Şine-Usu Kitabesi” veya bir başka yerde “Selenge Kayası” adını vermişti... Kitabenin kuzey tarafında yer alan yarı bozuk satırı Ramstedt şu şekilde okumuştı: “Türk-Kıpçaklar (üzerimizde) elli yıl hakimiyet kurdukları zaman...” Gerçekten de Türkler 671-742 yılları arasında Uygurların başını çektikleri Tokuz Oğuzları hâkimiyet altına almışlardı...Her ne kadar Ramstedt’in ibarenin Türk-Kıpçaklar şeklinde bitişik okunması yolundaki teklifi gramer açısından doğru kabul edilebilirse de genel kabul göreceğini sanmam. Kitabeler iki etnonim tek şekilde yazılarak birleştirilmesini veya özdeşleştirilmesini teklif etmezler...” dedikten sonra kendince doğru kabul ettiği görüşünü vurgular: “Binaenaleyh runik metinlerde fasılasız yazılan etnonimlerin müstakil isimler olarak “Türkler” ve “Kıpçaklar” şeklinde okunması icap ettiği görüşünü kabullenmek gerekir.” (Klyashtorny, 2004: 127-128).

Kıpçak adı hakkında Karahanlı Türkçesi dönemi içinde ayrı veriler bulunmaktadır. DLT’te Kıpçak/ Kıwçak biçiminde müştaklarıyla bulduğumuz bu kelime için şu anlamlar verilmiştir.

Kıpçak “Türklerden bir bölük” (Atalay, 2006, s. 844).

Kıfçaq “Kaşgar yakınında bir yer adı (Atalay, 2006, s. 844).

Kıfçaqladı “ol anı kıfçaqladı” “O, onu Kıpçak boyundan saydı, onlara nispet etti” (Atalay, 2006, s. 312).

Kıwçaqlandı “er kıwçaqladı” “adam Kıpçak kılığına girdi ve Kıpçak huyu ile huylandı” (Atalay, 2006, s. 324).

Kutadgu Bilig’de şu beyitle kowı Kıwçak/ Kıwçak kowı şeklinde terkiple kullanılmıştır:

“Yalawaç yawuz bolsa kıwçaq kowı

Siziksız tüker anda bekler suwı” (Arat, 1999b, s. 277).

“Bu kıwçaq kowı dünya kiçki ajun

Neçe beg karıttı karımaz özün” (Arat, 1999b, s. 512)

Sevan Nişanyan, kowı kelimesini kof ile ilişkilendirir: “kof (Türkçe) kowı ‘içi boş, çürük’ <Türkçe *kopığ. Nihai kök *kop- olup b>w etkisiyle bazı türevlerde sesli yuvarlaklaşması görülür. –wığ hecesi dissimilation yoluyla -wık veya w>f biçimini almıştır. Kowuk> kof.” (Nişanyan, 2007, s. 265).

R.R. Arat ise KB İndeksinde Kıwçak için “kof, boş, şansız, yabancı” (Arat, 1979, s. 252) kowı ise “içi boş, kof” kaydını geçer. (Arat, 1979a, s. 252).

Yine ‘kowı’ kelimesinin Kıpçak kowı, kowı Kıpçak biçiminde kullanılması Kıpçak için farklı anlam da düşündürebilir.

DLT’te “Kıfçaklan-, Kıfçakla-” gibi kullanımlar başka boylar içinde geçerlidir. Mesela: Karlukla-“Karluk boyundan saymak, Karluk boyuna nispet etmek (Atalay, 2006, s. 272). Türkle-“Türklerden say-“ (Atalay, 2006, s. 674).

Kof: sf. kuruyarak veya çürüyerek içi boşalmış olan. Mec. Boş, değersiz... (Türkçe Sözlük, TDK, 2005, s. 1194).

DLT’te geçen bu gibi kullanımlar Kıpçaklar için bir olumsuz bakışı göstermez. Ancak KB’de geçen ibarelerde Kıwçak kelimesi için “şanssız, yabancı” gibi bir kullanımın da olduğunu görüyoruz. (Arat, 1979a, s. 252).

Kıpçak kelimesi Codex Cumanicus'ta sadece memleket ismi olarak geçer (Gabain, 1988b, s. 68).

Yine Kıpçak kelimesi için “kıpır+da -mak” yani Kıp+çak ‘hareketli, yerinde durmaz gibi anlamlar da verilmiştir. (Kafesoğlu, 2003, s. 186).

Kuman (Kıpçak) Tarihi

Kumanlar hakkında yapılan tarihi araştırmalar çerçevesinde bu kavim hakkında farklı bir etnik yapıda oldukları sonucuna genel olarak varılmıştır. Özellikle J. Marquart¹'in eseriyle başlayan bazı araştırmalarda Kumanların etnik yapısıyla ilgili belli başlı görüşler ortaya konulmuştur: “... Marquart'ın büyük eseriyle başlayarak bu sorunu inceleyen araştırmaların sonuçları da çeşitli ülkelerden çıkıp gelmiş, step bölgesine yayılarak türlü adlar altında görülen bu kavim birliğinin çeşitli etnik unsurlardan ibaret olduğunu açıkça göstermektedir. Çoğunluğu Türk asıllı olan unsurlardan başka Türkleşmiş Moğol ve İran asıllı zümreleri içme aldığı şüphesizdir. Bu Türk boylarına bakılırsa onların erken çağlarda teşkilatlandırılmış birliklerin sonuçları oldukları anlaşılabılır.” (Golden, 1996b: 49). Fakat Marquart'ın çalışmasının eksik olduğu düşünülmektedir. Kıpçakların menşesine dair ilk geniş araştırmayı yapmış olan Marquart'ın Kumanları Uzak Doğu'da Amur nehri dolaylarında yaşadığını ileri sürdüğü “**Murga**” adlı bir Moğol kavminin “**Kun**” kabilesine bağlanması iddiası onun kaynaktaki kelimeleri örneğin ‘fırka’ sözünü kavmin adı sayarak “**Murga**” okuması dolayısıyla kabul görmemiştir. (Kafesoğlu, 2003, s. 168-169 Gökbel, 2000: 32).

İsimleri tarihi yönden Uygur dönemine kadar giden Kıpçaklar (Kumanlar) özellikle 11. yüzyılın sonlarından başlayarak 13. yüzyılın başlarına kadar Şarkî Avrupa tarihinde mühim rol oynamış olan bir Türk kavimidir (Kurat, 1937a: 183).

Eldeki tarihi verilere göre Bozkır Kıpçaklarının yerlerinden ayrılmasının sebebi olarak Çin'in kuzeyinde kurulan Kıtay devleti gösterilmektedir. Kıtaylar kuvvetlenmeleri neticesinde Kıpçakları batıya doğru itmiştir (Kurat, 1972b: 72).

¹Marquart, J. (1914). Über das Volkstum der Komanen. Berlin.

10 yüzyılda Oğuzlarla Kimekler arasında yaşayan Kıpçakların Oğuzlarla çatışmaları Dede Korkut boylarına da yansımıştır (Ercilasun, 2005, s. 361).

Araştırmanın Önemi:

Codex Cumanicus; Türklerin kültürü ve dillerinin tarihi bakımından son derece değerli bir eserdir. Hem zengin kelime hazinesiyle Türkçenin sözvarlığına büyük katkı sağlamaktadır hem de tarihî Türk lehçelerine ait pek çok eserde bilhassa Arap alfabesinden kaynaklanan fonetikle alakalı birçok sorunun çözümünde yardımcı olacak verileri barındırmaktadır.

Bu Araştırmada Cevap Aranacak Sorular:

1. Eserin yazılış amacı nedir?
2. Eserin yazıldığı yer neresidir?
3. Eserin yazılış tarihi belli mi?
4. Eserin bölümleri arasındaki farklılıklar nelerdir?
5. Eserin Çağdaş Türk Lehçeleri açısından önemi nedir?
6. Eser ilgili bulgular nelerdir?

Araştırmanın Amacı:

Bu araştırmada; Codex Cumanicus'un Genel Özellikleri, Eserin Kime Ait Olduğu, Yazarları Hakkında Genel Görüşler, Eserin Yazılış Amacı, Eserin Yazıldığı Yer, Yazılış Tarihi, İtalyan Bölümü, Alman Bölümü, Bölümler Arasındaki Bazı Farklılıklar, Bazı Dil Özellikleri ve İmla-Alfabe Meselesi, Eserin Yazıldığı Alfabe, Codex Cumanicus'un Dilinin Türk Lehçeleriyle İlişkisi, İmla Özellikleri, Ünlüler, Dil Uyumu Bozukluğu, Ünsüzler, Ağız Özellikleri, Eserin Sözvarlığı ve Codex Cumanicus'un Bilmeceleleri ilgili bilgileri detaylı bir şekilde ortaya koymaktır.

Araştırmanın Ön Koşulu:

Araştırma geçmişi ve araştırma konusuyla ilgili kaynakların toplamı demektir. Bu kaynaklar bilimsel kitaplar, makaleler ve tezler gibi kaynaklardır. Bu bilimsel kaynaklar, araştırmacılara konunun ana sorunlarına veya araştırma konusu ile ilgili sorulan sorulara ve bu sorunlarla ilgili bulgulara, teorilere ve gelişmelere genel bir bakış sağlar. Biz de bu araştırmada konu ile ilgili tüm birincil kaynaklara ulaştık ve bu kaynaklar ışığında, konu ile ilgili tespit ettiğimiz bulguları ve gelişmeleri ortaya koymaya çalıştık.

Araştırma Yönetimi:

Bu araştırmada; Kütüphane araştırma yöntemi kullanılmıştır. Bu yönetme göre; Kütüphanelerde yer alan bilimsel kitaplar, makaleler ve tezler gibi mevcut kaynaklardan toplamının bilgileri detaylı bir şekilde incelenir ve bu kaynaklardan edinilen bilgiler ışığında yazılmak istenen yazı yazılır. Dolayısıyla biz de bu araştırmada Codex Cumanicus ilgili gerekli kaynakları çeşitli kütüphanelerden toplayarak Codex Cumanicus hakkındaki bütün bilgileri en detaylı bir şekilde ortaya koymaya çalıştık.

Codex Cumanicus'un Genel Özellikleri

Karadeniz'in kuzeyindeki Kıpçak (Kuman) Türklerinden İtalyan ve Almanlar tarafından 14. yüzyılda derlenmiş iki bölümlük bir eserdir (Ercilasun, 2005, s. 386). Kıpçak Türk şivesinin şimdiye kadar belki de yegâne derli toplu bir yadigarıdır (Caferoğlu, 1974, s. 161). Bilim çevrelerinde Codex Cumanicus adıyla tanınan bu yazma eserde Kuman Türklerinin dili üzerinde toplu bilgi verilmiştir (Eren, 1998, s. 23).

Eserin Kime Ait Olduğu Meselesi

Gabain eser hakkında girişte kısaca şu bilgiyi verir: “830 yılında Evangelist (İncil yazar) Marcus'un iskeleti üzerine inşa edilmiş Venedik Katedrali kütüphanesinde çok değerli Codex Cumanicus adlı kitap vardı. Şair ve kitap toplama meraklısı Petrarca, Antorius Von Finale adlı birisinden almış ve 1362 yılında diğer kitaplarla beraber Venedik Cumhuriyetine hediye etmiştir.” (Gabain, 1988b, s. 67).

Eserin kime ait olduğu hakkında Saadet Çağatay şöyle bir bilgi verir: “Petrark hakkında araştırma yapanlar Codex Cumanicus'un vaktiyle Petrark'a ait olduğunu, kenarlarına yazılan yazıların şairin eliyle yazıldığı kanaatini reddediyorlar.” demiş ve Rasovskij'nin “Codex Cumanicus'un menşei meselesi” (Sem. Kond. III, Praga, 1929) yazısını dipnotta göstermiştir (Çağatay, 1944a, s. 760).

Genel görüşle eserin bir zamanlar Petrarca¹ ta bulunduğu kabul edilir. Hasan Eren'in de belirttiği gibi bugün Venedik' te San Marca Katedrali

¹ Petrarca: “20 Temmuz 1304'te Arezzo'da dünyaya gelir. İtalyan şair ve yazardır. Petrarca dönemin seçkin hocalarından Conventuale de Prato'dan dil bilgisi dersleri alır. 1340'ta Paris Üniversitesi hem Roma Senatosu Petrarca'ya şairlik tacını önerir. 18 Temmuz 1374'te Arquà'daki evinde ölür.” Erişim: 25 Mayıs 2015, <http://tr.wikipedia.org/wiki/petrarca/>

kitaplığında saklanan bu yazma bilim çevrelerinde ara sıra Petrarca Kodeksi diye anılır. (Eren, 1998: 23); (Karamanlıoğlu, 1963, s. 179). Eserin kütüphane kayıt numarası da Cod. Marc. Lat. DXLIX 'dır (Safran, 1993: 28).

Bu kısa bilgilerden sonra eserin genel özellikleri hakkında ortaya konulan bazı görüşlere kısaca yer vermek daha doğru olacaktır.

Yazarları Hakkında Genel Görüş

Codex Cumanicus anonim bir eserdir. İtalyan tüccarlar ve Fransiskan tarikatına mensup Alman Rahipler tarafından yazılmış olduğu tahmin edilmektedir (Karamanlıoğlu, 1963, s. 179).

Fransiskan: "...zengin bir tüccarın oğlu olmasına karşın bütün servetini ve genel olarak serveti rededen ve tam yoksulluğu savunan Francis'in kurduğu düzendir (Küçük, 2003, s. 154).

Aziz Fransesco: "İtalyan tarikat kurucusu 1209 başlarında din havarisi olarak çevresine topladığı müritleriyle Roma'ya giderek Papa İnnocentrus III'ten Fransisken tarikatını kurma izni aldı". Erişim: 20 Mayıs 2015, <http://www.5n1k.org/assisli-aziz-Francesco>.

Eserin Yazılış Amacı

Eserin yazılış amacı çok tartışmalı olup bu konu hakkında çeşitli görüşler ortaya atılmıştır. A. Caferoğlu Codex'in yazılış amacı konusunda şöyle bir görüş sunmuştur: "Muhtevaca Codex Cumanicus bir taraftan yabancılara Kıpçak Türkçesini öğretmeye, diğer taraftan da Kıpçaklar arasında kendi ana dilleriyle Hristiyanlığı yaymaya mahsus pratik bir eser olarak hazırlanmıştır. Türkçe lügatların ve bazen gramer hususiyetle kaidelerinin zapt edilişi birinci şıkkı, hristiyan dinine ait metinlerin Kıpçakçaya tercümesi ikinci görüşü teyit etmektedir. Yoksa Hristiyan misyonerlerinin veyahut herhangi bir yabacının duaları, vaazları ve saireleri Kıpçakçaya tercüme etmelerine imkan yoktur." (Caferoğlu, 1974a, s. 176).

Fuad Köprülü'ye göre bu eser misyoner Fransiskan rahiplerinin Kıpçaklara Hristiyanlığı yaymak amacıyla yazılmıştır. "Daha Moğol istilasından evvel Hristiyanlık tesirlerine maruz kalmış olan "Kıpçak-Kumanlar" arasında Moğol istilasından sonra da "Fransisken" rahipleri tarafından "Katolik" propagandasına tam bir faaliyetle devam edildiği bu

eserden çıkarılabilir. “İbn Battuta”nın “Kırım” da ve “Saray” şehrinde görüldüğünü bildirdiği Hristiyan Kıpçaklar bu propagandanın canlı delilleridir. Kısmen Cenevreli ve Venedikli, kısmen de Alman misyonerler tarafından tertip edilmiş olan bu eski mecmuanın vaktiyle Zannolunduğu gibi “Karadeniz İtalyan ticaret merkezlerindeki tacirlere münasebette bulundukları halkın lisanını öğretmek” maksadıyla değil sırf “dini propaganda” gayesiyle yazıldığı muhakkaktır. Mecmuanın büyük bir kısmını teşkil eden “Latince-Farsça-Kumanca” lûgatlar ticaret mevzularına ait olmaktan çok ziyade dini ve mücerret mevzulara ait bulunuyor...(Köprülü, 1981, s. 301).

“...Kumanlara Hristiyanlığı benimsetmek amacıyla yazılmıştır. Cenevizli-Venedikli Katolik din adamlarının din yayma çabası ile karşılaşılır. Dinsel yayılmayı kolaylaştırmak için alım-satım ve günlük yaşamda kullanılan 2500 sözü kapsayan bir sözlük düzenlerler.” (Bozkurt, 1999, s. 225).

“İkinci bölümü çoklukla Hristiyan dinine ait ilahileri içine alması, dolayısıyla bilginlere onun Alman Fransiskan tarikatına mensup rahipler tarafından Kumanları Hristiyanlaştırmak için tertip edilmiş bir eser olduğu kanaatini vermiştir. Bilhassa bu dini metinlerle en çok meşgul olmuş ve incelemelerinde en çok muvaffak olmuş olan W. Bang bu tezi ortaya almıştır... Eserin birinci bölümü Rasovskij’e göre ne İtalyan tüccarları tarafından ticaret ihracatı için meydana getirilmiştir ne de W. Bang’ın zannettiği gibi Fransiskan rahip misyonerleri tarafından Hristiyanlığı yaymak için manastırda vücuda getirilmiştir. Aksine üç dilin yürürlükte olduğu bir yerde ve yalnız dini maksatla değil günlük hayatın icab ettiği pratik bilgileri elde etmek için yazılmıştır.” (Çağatay, 1994a, s. 762-763).

“14. yüzyıl başlarında aşağı İdil bölgesinde Kuman (Kıpçak) Türkleri arasında Hristiyanlığı yaymaya çalışan Fransiskan rahipler vaazlarında kullanmak üzere Türkçe öğrenmişler ve birçok dini metni, Hristiyan dua ve ilahilerini Latin harfleriyle Kuman (Kıpçak) Türkçesine çevirmişlerdir...” (Gülensoy, 2005b, s. 300-301).

“Muhtemelen her bir bölümü değişik amaçlarla yazılan bu eseri bir bütün olarak düşünecek olursak hem ticari hem de dini amaçla yani

yazıldığı bölgede hayatın gerektirdiği pratik bilgileri elde etme gibi bir gayeyle yazıldığı kanaatine varırız.” (Gökbel, 2000, s. 322).

Eserin Yazıldığı Yer

“Yapıtın yazıldığı yer ve yazarı bilinmez. İçerdiği gereçlere bakarak İtalyan bölümü büyük olasılıkla İtalyan kolonilerinin yerleştikleri Karadeniz’in kuzeyinde bir yerde kaleme alınır. Alman bölümü Kıpçak bozkırlarına yakın bir yerde yazılır.” (Bozkurt, 1999, s. 226).

“Eserin yazıldığı yer ve tarihte kati olarak bilinmektedir. Karadeniz’in şimalinde Kıpçak bozkırına yakın bir yerde meydana getirdiği zannedilmektedir.” (Karamanlıoğlu, 1963, s. 179).

Bazı durumlara göre bu eser Rusya’da manastır’da 13-14. yüzyılda yazılmış olabilir (Malov, 1946, s. 132).

Eserin nerede yazıldığı konusunda değişik görüşler ortaya atılmıştır. Jirecek CC’ un Kırım yarım adasında yazıldığı ileri sürerek geniş bir sahayı göstermiştir. Salaveille, eserin Karadeniz’de görevli olan Fransiskan rahipleri tarafından yazıldığını belirtirken Rasovskiy eserin orijinalinin Kırım yarımadasında Solhat’ta oluştuğu kanaatindedir. W. Bang ise Latince-Farsça-Kıpçakca sözlüğün 17 Temmuz 1303’te Volga nehri boyundaki Saray şehri yakınlarında Saint Johannes manastırında fransiskan keşişleri tarafından yazıldığını ileri sürmektedir (Gökbel, 2000, s. 171-172).

Yazılış Tarihi

“Codex’in ilk satırları 1303 tarihini ihtiva ettiğine bakılırsa kitap bu tarihle 1362 yılları arasında meydana gelmiş demektir.” (Gabain, 1988b, s. 67).

“Ünlü Türkolog ve W. Bang’a göre yapıt 11 Temmuz 1303’te rahiplerce Saray’da fransiskan manastırlarda yazılmaya başlanır.” (Bozkurt, 1999, s. 226).

“Birinci defterde istimsah tarihi olması muhtemel 1303 tarihi vardır. Samoyloviç bazı mukayyeselerde 1294 yılında yazıldığı neticesine varmıştır.” (Karamanlıoğlu, 1963, s. 179).

“W. Bang katiyetle söylemese dahi 1303 tarihini aşağı-yukarı eserin başlangıç tarihi olarak kabul etmek ve 14. asrın devamında da yazılmış olduğu kanaatini belirtmek istiyor.” (Çağatay, 1944a, s. 762).

Rasovskiy'e göre Codex'in başında olan 11. 7. 1303 tarihi eserin yazıldığı tarih değil ancak kopya tarihidir (Çağatay, 1944a, s. 763).

Venedik'teki nüsha 11. 7. 1303 tarihini taşımasına rağmen bu tarihin, onun asıl nüshasına mı yoksa istinsahına mı ait olduğu belli değildir. Samoyloviç eserin orijinalinin 1294 yılına ait olduğunu savunurken, Malov bu tarihi 1295-1296 olarak tesbit etmiştir. Györffy'e göre ise eser 1330'dan sonra ortaya çıkmış ve bir de orijinal kopyasının olduğu belirtilmiştir (Gökbel, 2000, s. 171).

İtalyan Bölümü

İtalyan bölümü 55 yapaktır. (110 Sayfa) ve iki sözlük listesinden oluşur (Ercilasun, 2005, s. 386). Bu bölümün ilk sayfası 11 Temmuz 1303 tarihini taşımaktadır. Üç dilden oluşan bu bölüm Latince-Farsça Kumanca iki sözlük listesinden ibarettir (Ercilasun, 2005, s. 386; Çağatay, 1944a, s. 761).

“Codex'in bu bölümünde isim, sıfat, fiil, zarf gibi Kumancaya ait gramer kaideleri, muhtelif cinsten mücerret kelimeler mesela dini, ticari konular ile ev yapımına, zanaat ve esnaflara dair kelimeler grubunun mana nevilerine göre birer başlık altında yer aldığı görülmektedir. Bu kısımda Latineden ziyade İtalyanca şekiller hakim olduğundan bu bölüme genellikle İtalyanca Codex denilmesi uygun görülmüştür.” (Gökbel, 2000, s. 172, Çağatay, 1944a, s. 761).

Bu devirde Solhat'ta büyük bir İtalyan kolonisi oturmuştur. Böylelikle Codex Cumanicus'un 1. Bölümü Solhat'ta oturan İtalyanların ihtiyacı için yazılmış pratik bir eserdir (Çağatay, 1944a, s. 763).

Bu bölümde 1560 sözcük vardır. Sözcükler Latince abc sırasına göre yazılırken ardından sözcüklerin anlamlarına göre ayrıldığı ikinci bir sözcük gelir. Her öbeğin başında söz öbeğinin türüne göre bir başlık bulunur. Bu bölümde 1220 sözcük bulunur. Böylece İtalyan bölümü biri alfabetik biri anlam öbeklerine göre ayrılmış iki bölümden oluşur. İki bölümdeki 2680 sözcükten 200'ünün Farsça ve Kumanca karşılığı verilmez. Bu bölümde Latince yazım yanlışları İtalyan yazıcılarca yazıldığını gösterir (Bozkurt, 1999, s. 225).

Yalnız bir iki farkla Codex'in bu kısmına göre kelimeler daha fazla bu şivenin gramer hususiyetlerini tebarüz etmek gayesini gütmüş ve bu

yüzden aşağı yukarı gramerimsi bir mahiyet almıştır (Caferoğlu, 1974a, s. 172).

Codex'in İtalyan bölümünde ayrı ayrı konulara ait gelişi güzel toplanan ve aşağı yukarı 1120 kelimeyi içerine alan lugat serveti devrin sosyal hayatı ve yerli Türklerin kültür seviyesi hakkında bir fikir elde edilmesi bakımından önemi haiz olduğu halde Türk dilini yabancılara öğretmesi noktasından noksan ve intizamsız sayılabilir (Caferoğlu, 1974a, s. 172).

Alman Bölümü

Alman bölümü 27 yapraktır (54 Sayfa). İki karışık sözlük listesi ve bazı metinlerden oluşur. Birinci liste Kıpçakça, Almanca, ikinci liste Kıpçakça-Latince sözlüktür (Ercilasun, 2005, s. 386). Ancak bu bölümdeki sözlük kısmı birinci bölümde olduğu kadar sistematik olmayıp dağınık haldedir (Gökbel, 2000, s. 172).

Bu kısma Kıpçakça-Almanca tertip edilmiş bulunmasından Alman kısmı adı verilir (Karamanoğlu, 1963, s. 179). 2. Bölüm Hristiyanlığa dair Kumanca dua ve ilahileri, kırk yedi tane bilmeceyi içine alıyor... Bazı yerlerinde Kumancaya ait gramer (morfoloji) kaideleri de vardır. Bu bölümün karakteristik tarafı Farsçayı ihtiva etmemesi, lügat ve tercümelerinin noksan olmasına rağmen İtalyanca karşılığı olmayan saf Latince oluşudur (Çağatay, 1963b, s. 103-104) Ayrıca (Caferoğlu, 1974a, s. 174); (Çağatay, 1944a, s. 762); (Bozkurt, 1999, s. 225-226); (Gökbel, 2000, s. 172).

Alman bölümünde Fars diline katiyyen yer verilmemiştir. Büyük ihtimalle bu kısmı derleyenler Fars diline vakıf olamamışlar yahut da bu dile ihtiyaç görmemişlerdir (Caferoğlu, 1974, s. 174). "...bu bölümü en çok karakterize eden Hristiyan dini metinlerle iki dilli Latince tercüme yazılmış parçaların ve nihayet her satır üzerine Latince tercüme yazılmış Kıpçak metinlerinin bulunmasıdır. Bunlar haricinde ayrıca bu bölüme Kıpçak bilmecelerde alınmıştır ki Kıpçak Türkçesini karakterize edecek daha çok orjinal unsurları ihtiva etmektedir. Bu bakımdan Codex'in bu bölümü birinci (İtalyan) bölümünden daha kıymetlidir." (Caferoğlu, 1974a, s. 174); (Bozkurt, 1999, s. 225-226).

Bölümler Arasındaki Bazı Farklılıklar

“Birinci bölümle ikinci bölüm el yazması bakımından farklıdır; hatta bütün ikinci parça (bilginlerin fikrinde mesela Kuun’a göre) tek bir eser değil ayrı ayrı yazılmış olan müstakil yapraklardan mürekkeptir. Bunlar sonradan birbirine ilıştırılarak kitap halinde dikilmiştir.” (Çağatay, 1944a, s. 762). Aynı kelimenin türlü türlü yazılış tarzı konsonlarda vardır (Çağatay, 1944a, s. 768).

İkili yazışlara bazı örnekler:

ALM.	İTAL.	ALM.	İTAL.
kensi	kendi	today	totag
tizgi	tiz	yazık	yazuk
bitik	bitiv	tanık	tanuk

Bu gibi ayrılıklar bilhassa Alman bölümü ile İtalyan bölümü arasında çok barizdir (Çağatay, 1944a, s. 767).

Bazı Dil Özellikleri ve İmla-Alfabe Meselesi

Ercilasun Codex Cumanicus’un dili hakkında en önemli özelliğinin konuşma diline dayanması olduğunu belirtir: “...yazı dilini değil o zamanki Kıpçakların konuşma dilini, ağızlarını yansıtır.” (Ercilasun, 2005, s. 386).

Eserin bu özelliğini A. Bodrogligeti de dile getirir: “Codex’in ikinci cazip özelliği ihtiva ettiği dil malzemesinin konuşma dilinden gelmiş olması ve günlük konuşma dilini temsil etmesiydi. Latin harfleriyle verilen Kuman kelimeleri konuşma dilindeki şekiller olarak kabul edildi. Diğer dillerden yapılan ödünçlemeler çoğunlukla konuşma dilinden yapıldığı ve morfolojik değişmeler umumiyetle konuşma dilinde olduğu için eserin kelime hazinesi tarihi dil araştırmalarında kullanıldı ve hala da kullanılmaktadır.” (Bodrogligeti, 1995, s. 177).

“Sentaks bakımından cümleler Hristiyanlığa dair Latince’den tercüme olduğundan çoğu Türkçe kaidelere uymaz, fakat kelime hazinesinin zenginliği ve ifadenin temiz Türkçeye sadık kalması yüzünden bozuk cümlelerde de Kumancanın doğru cümlelerini görmek güç değildir.” (Çağatay, 1944a, s. 768).

“Codex’teki söz dizimsel yapılarda bir takım gramer, fonetik ve çeviri hataları vardır. Bunlardan bazıları sadece hatalı bilgi veya yazıcıdan kaynaklı sorunlardır.”(Golden, 1992a, s. 38-39).

Eserin Yazıldığı Alfabe

“...bu eserin Türkçe seslerin hakkını verebilen Latin ve Got harfleriyle yazılmış olması dil araştırmaları bakımından önemlidir. Belli olduğu üzere bugüne kadar gelmiş olan muhtelif yazılarla yazılan eski Türkçe eserler yeteri derecede ses işareti olmayan alfabelerle intikal etmiştir, bunların fonetik hususiyetlerini tespit etmek oldukça güçtür. Bu bakımdan CC’un lûgatının kullanışlı bir hale gelmesi dil araştırmaları için oldukça faydalıdır...” (Çağatay, 1944a, s. 765-766).

“Bugünkü bilgilerimize göre Latin Alfabesi Türkçenin yazımı için ilk kez 1303 yılında kullanılmıştır.” (Gülensoy, 2005, s. 300).

“Fransiskan misyonerleri Orta çağ’da Kumanlar içine İsa dini ile birlikte Got alfabesini de sokmaya uğraşmışlar idi (Gabain, 1959, s. 311).

Timur Kocaoğlu’nun “Tarihi Türk Lehçeleri Metinlerinin Transkripsiyonlanmasında Kapalı é/i Meselesi (2003)” başlıklı yazısında geçen 11. Dipnot ilgi çekicidir: “Osman. Nedim Tuna’nın İstanbul’daki Türkoloji konferanslarının birinde verdiği bildiride Codex Cumanicus’un belki daha önce Arap alfabesiyle yazılmış metni bulunduğu tezini ileri sürdüğünü duydum, ancak onun bildiri metni basılmadığı için bu tezin ayrıntısını bilmiyorum.” (Kocaoğlu, 2003, s. 5).

Codex Cumanicus’un Dilinin Türk Lehçeleriyle İlişkisi

Gabain eseri dilini bugünkü Tatar Türkçesiyle karşılaştırır ve önemli benzerlikler bulur:

ET- Ig ~ CC – UW Tat. – û

ET yI ~ CCcI - Tat. cI –

ET + ɲız ~ CC + ɲız / + ğız Tat. + ğız” (Ercilasun, 2005, s. 387).

“...eserin dili esas yani Türkçe metinde Tatarca ve Tatar til olarak gösterilmiştir. Gerçekten bu dil malzemesi bugünkü eski Kıpçak İmparatorluğu toprakları üzerinde konuşulan şivelerle, bil hasa bugünkü Kazan Tatarcası ile birçok benzerliklere sahiptir.” (Gabain 1988b, s. 68). “Karaimcede de CC’un diliyle önemli benzerlikler vardır...” (Gabain, 1988b, s. 69).

S.G. Clauson da Codex Cumanicus'un dili ile Karaimcenin ilişkisinin bir yazısında dolaylı olarak vurgu yapar: "Prof. Jean Deny'in Armeno-Coman olarak tanıttığı Ermeni Kıpçakcası Codex Cumanicus'taki dil ile yakından ilişkilidir. Bu dil ise Karaimlerin kullandıkları dile ufak tefek farklarla çok benzerdir." (Clauson, 1971a, s. 9).

"...Kırım Tatarları ve Nogayların dili, Kafkas lehçelerinden Karaçay ve Kumukların dili...Kumancaya (Karaim lehçesi kadar olmasa da) pek yakın lehçelerdir, aynı zümreden sayılırlar. Hatta CC'un içinde geçen bir iki "Tatarca" tabiri eserin içine o zamanın Tatarcası dahil girmiş olduğu şüphesini verebilir..."(Çağatay, 1944a, s. 771).

"Moşkow, Gagauz dilini eski Kumanca (Kıpçakça) metin olan Codex Cumanicus'un dili ile karşılaştırdıktan sonra aralarındaki farkın çok fazla olduğunu görerek Gagauz dilininin Kıpçakçaya değil, Oğuzcaya daha yakın olduğunu söyler" (Temir, 1991, s. 89).

"Kowalski, CC'un dilinin bugünkü Karayca ile karşılaştırdı (Ercilasun, 2005, s. 387).

"Nemeth'in araştırmalarına göre CC'un dil özellikleri macaristandaki Kuman dil yadigârlarına ezcümle Alföldi'de bilinen Kumanca pater noster (Atamız duasına) da aynen benzemektedir." (Rásonyi, 1996, s. 147).

Son olarak Ufuk Tavkul Codex Cumanicus'un dili ile Karaçay-Malkar Türkçesini karşılaştıran bir yazı yazmış, söz varlığı benzerlikleri üzerinde durmuştur.

İmla Özellikleri

Bu konuda Gabain'in yazısı açıklayıcı mahiyettedir: "Codex Gotik harflerle yazılmıştır ve çeşitli ellerden çıkmıştır. İlk 55 yaprak veya 110 sayfadaki Türkçenin imlası geriye kalan yapraklar (56-82) yahut sayfalardan (111-164) açıkça ayırt edilir. Biri, her biri kendi telaffuzlarına göre bir çeviri yazı sistemi denemiş olan İtalyanlar diğeri Almanlar tarafından kaleme alınmıştır. İmla, her iki kısımda, başka bir sebepten dolayı kendi içinde de tutarlı değildir. Yabancı dilin bazı sesleri misyonerlerce iyi tanınmıyordu, bu yüzden de çeşitli harflerin yaklaşık değerlerinde yer yer sapmalar görülür." (Gabain 1988b, s. 67).

Caferoğlu'nun görüşleri de Gabain'e yakındır: "Paleografi bakımından Codex bir elden çıkmış ve aynı kalemle yazılmış değildir. Birinci İtalyan bölümü düzgün bir hatla yazıldığı halde ikinci Alman bölümü tam tersine birkaç toplayıcının kaleminden çıktığını göstermektedir." (Caferoğlu, 1974a, s. 176).

S. Çağatay ise eserin imla ve ses özellikleri hakkında görüş bildirmiş ve Grönbech'ten alıntı yaparak görüşünü şöyle ifade etmiştir: "Türkçe'de Alman dilindeki seslerin mukabili olduğundan Alman rahipleri Kumanca metin tespitinde daha çok muvaffak olmuşlardır. Alman rahipleri tarafından ele alınmış olan Hristiyan metinler Türk dili araştırmaları için İtanyancasından daha çok değerlidir. K. Grönbech' in kanaatine göre bazı Alman rahiplerinin parçaları o kadar iyi tespit edilmiştir ki bugünkü en iyi transkripsiyon sistemleri dahi bundan mükemmeli yapamaz." (Çağatay, 1944a, s. 766).

Gabain de bu konudaki görüşünü şöyle bildirir: "Ayrıca Alman kısmında...başlangıçta misyonerlerin Türkçe bilgisi çok azdı. Buna karşılık şekilce tamamlanmış ilahiler sonradan dile hakimiyetin elde edildiğini gösterirler. Çünkü transkripsiyon gittikçe düzelmiştir." (Gabain, 1988b, s. 68). Yine Gabain imla çeşitliğinin sebebi hakkındaki dile dayanarak bir görüş sunmuştur: "İmla çeşitliliğinin son sebebi de Codex'in yeknesak bir şiveyi ihtiva etmeyişidir. S. 1-23'te eşitüm kelimesi eşitim şeklinde değiştirilmiştir. Bu, ilk yazıya geçenin şivesinin bağlantı ünlüsü olarak yuvarlak, tahsis edeninkinin ise düz ünlüyü tercih ettiğini gösterir." (Gabain, 1988b, s. 68).

Ünlüler

"İmla çeşitliliğine ve ıttıratsızlığına rağmen Kamancanın Türk dillerin dokuz ana ünlüsüne sahip olduğu görülebilir: a, ı, o, u, ä, e, i, ö, ü.

Dar e'nin varlığı eşit- ~ işit- "işitmek" ; ber - ~ bir- "vermek"; bey ~ biy "bey" gibi birkaç ikili yazılıştan çıkarılabilir.

Tabiatıyla yukarıda zikredilen 9 ünlünün arasında bulunan ünlüler de konuşulurdu. Yazıda bulunan bilhassa a ile ä/ e arasındaki bir á sesi göze çarpar." (Gabain, 1988b, s. 72).

"Tali uzunluklar, çift ünlüler ve diftonglar olduğu gibi, asli uzunluklar ve diftonglar da vardır. yer yer asli uzunluklar görülür. Toodoc "dudak"

yani tōdak; aai (ä.) ‘ay’ yani āy; kın ‘acı, ızdırıp’ aynı şekilde uzun telaffuz edilmiş olmalı, çünkü bu kelimeler yapılmış olan fiil kına- kıyna-(á) şeklinde yazılmıştır.

Tali uzunluklar şu kelimelerde görülür: igine ‘iğne’ ~ ine, yani ĩne...(Gabain, 1988b, s. 72-73).

Kapalı é Meselesi

“Bugüne kadar belli başlı bilginler arasında münakaşalı olan vokalların okunuşu meselesi mesela (e, i)’lerin kıymetinin verilmesi verilmemesi Codex’in dili üzerinde yanlış fikirler meydana çıkarmakta idi. K.Grönbech bütün bunların üstüne çizgi çiziyor. CC’ta olan e’lerin bazılarının I okunması, kalın kelimelerde rastlanan i’lerin de I okunması icab ettirdiğini ve ince i ile ı aynı harfle yazıldığı halde birbirinden ufak işaretlerle ayrıldığını, bunları Codex Cumanicus’un asıl nüshasından görebildiğini anlatmaktadır.” (Çağatay, 1944a, s. 766).

“Nemeth’e göre CC’ta olan a>ä, ancak ç, y sesleri vasıtasıyla incelmıştır.” (Çağatay, 1944a, s. 766-Dipnot 18).

“Codex Cumanicus üzerinde bugüne kadar çalışmış olan H. J Klaproth, G. Kuun, W. Radloff, W. Bang, V. Drimba, D. Monchi-Zadeh, A. Bodrogligeti, J. Nemeth, A. Tietze, M. Molova, A.von Gabain, A. Caferoğlu, S. Çağatay, A. N. Garkavets, L. Ligeti, L. Rásonyi, P. Golden ve başkaları Codex Cumanicus metninde kapalı é sesinin her zaman Latince ‘e’ sesiyle yazıldığını, buna karşılık geniş e ünlü sesinin ise çoğunlukla Latince Latince a harfiyle, bazen de e harfiyle yazıldığına dikkati çekmişlerdir. Codex Cumanicus metninin transliterasyon, transkripsiyon ve Türkçe çeviri olarak yeni yayımı hazırlanırken gerek Bulgar Latince (İtalyanca-Latince) Farsça, Kumanca ve Kumanca-Orta Almanca sözlük listelerinde, gerekse de bilmeceler ve Hristiyanlığa ait metinler bölümünde kapalı é ünlü sesinin Latince ve Orta Almanca e harfiyle düzenli olarak yazıya geçirildiğini görüyoruz...” (Kocaoğlu, 2003, s. 6).

“...Codex Cumanicus’taki kelimeler ve metinlerin İtalyan tüccarları ve Alman Fransızkan misyonerleri tarafından yazıya geçirildiğini düşünürsek, daha çok kulaktan duyurularak kağıda dökülen bu metinde é

ünlü sesinin ayrı bir fonem olarak varlığı daha da öne çıkmış oluyor.” (Kocaoğlu, 2003, s. 3-4).

Dil Uyumu Bozukluğu

“Genellikle Kumanca’da diğer Türk şivelerindeki kaideye uygun olarak dil uyumunun hüküm sürmüş olması, yani a, ı, o, u, k, g, ile ä, e, i, ö, ü, k, g’nin aynı kelimelerde bulunmaması gerekir. Codex’in bazı metinleri çeşitli derecelerde bu kaidelere uymazlar. Sebebi müstensihin Türk fonetiğinin iyi bilmemesinde yahut Türkçe sesleri kendi alfabesiyle vermekteki aczinde aranabilir.” (Gabain, 1988b, s. 74).

Ünsüzler

“Türkçe kelimelerde (alıntı kelimeler de dahil) aşağıdaki asli ve tali ünsüzler görülür: b, ç, d, ğ, g, h, k, l, m, n, ɳ, p, q, r, s, ş, t, v, w, y, z” (Gabain, 1988b, s. 76).

Ağız Özellikleri

“Grönbech farklılıklarını ağız olarak ayırmaz, ona göre göze çarpan ayrılıklar bir takım diyalektlerin hudutlarını göstermekten ziyade bir veya aynı diyalektin muhtelif zamanlardaki gelişme safhalarını aksettirir: Küyegü> küyöv, İgne > İne gibi ses ve kelimelerin ikili şekilleri bir ağız özelliği taşıyabilir.” (Caferoğlu, 1974a, s. 184).

“Umumiyetle bazen bir kelime Codex’in muhtelif metinlerinde türlü türlü ahenk ve seslerle de yazılmıştır. Bu gibi fonetik ayrılıklar belki Codex’in türlü türlü şiveleri içine aldığını gösteriyor.” (Çağatay, 1944a, s. 767).

Codex Cumanicus’un Sözvarlığı

Dini Tabirler

“CC’ta çok dikkate değer bugün bile aklımıza gelmeyecek Türkçe (Kumanca) tabir ve dini istilahlar mevcuttur: bey tengri < Lat. Dominus deus <bey tanrı>bitik< İncil, mukaddes kitap>Tamu¹ <cehennem> Uyg. Tamu.” (Çağatay, 1944a, s. 769).

“...Ermeni Kıpçakçasına ait terimleri E. Tryjarsky etraflıca ele almıştır. Trijarski’nin bu çalışmasında yeri gelince Ermeni Kıpçakçasına ait

¹Tamu için A.Caferoğlu Eski Uygur Türkçesi Sözlüğü’nde Soğdça demiştir (Caferoğlu, 1993: 146).

terimleri Codex Cumanicus'taki örneklerle karşılaştırması çok yararlı olmuştur.” (Ölmez, 2005, s. 215).

“CC'ta Hristiyanlıkla ilgili kelimelerin Kıpçakça şekilleri şöyledir: Hristiyan (kristian), Kilise (Klisia), Papa, rahip (pap), melek (Frişte) Vaftız leğeni (lahan), Havari (Apostol)...” (Gökbel, 2000, s. 324).

“Eserin en önemli özelliği Latin harfleriyle oldukça büyük sayıda Türkçe ve Farsça dil malzemesi ihtiva etmesiydi... Codex'te aynı türden kullanıma sahip eşya isimlerinin ve benzeri nesnelerin bir arada toplanarak verilmesi de belirli bir öneme sahiptir. Bu düzenleme en azından belirli bir grubun, o gruba ait en tipik kelimelerle temsil edildiğini göstermektedir. Bundan dolayı da eserdeki kelime hazinesi en önemli semantik sahalardaki temel kelimeleri ihtiva etmiştir.” (Bodrogligeti, 1995, s. 177).

“Kelimelerin anlam grupları üzerine tertibedilen ikinci diğer bölümü karakter itibarıyla birinci lügat bölümünden bir dereceye kadar farklı olup daha fazla o devir Kıpçak Türk dilinin içtimai, tarihi ve ekonomik hayatını aydınlatmaktadır.” (Caferoğlu, 1974a, s. 163).

“Tamam olmamasına rağmen CC'un kelime hazinesi dış dünyadaki en önemli sahaların gerçekten kullanılan eşya isimleriyle temsil edildiği şumüllü bir kaynaktır.” (Bodrogligeti, 1995, s. 178).

Codex'in sözvarlığını ve karşılaştırmalı bir sözlük olmasını Bodrogligeti şöyle yorumlar: “Bir dil belgesi olarak eserin Kuman kelimelerinin güvenilir açıklamalarını vermesi gibi bir avantajı da bulunmaktadır. Sözlük kısmındaki Latince ve Farsça kelimelerin manaları birbiriyle karşılaştırılarak kontrol edilebilir. Öte yandan Kumanca bölümler verilen madde başı kelimeler için metin oluşturmakta, Latince'den tercüme edilen kısımlar ise Latince orijinali ile karşılaştırma fırsatı vermektedir. Karşılaştırmalı dil araştırması için ideal bir durum.” (Bodrogligeti, 1995, s. 178).

“Codex'in son bölümü lügat tarzında tanzim edilmiş olup birbirinden farklı fakat Türkçe öğrenmek isteyenler için lazım gelen ve herkesin bilmesi icap eden malzemeyi içerisine almaktadır. Codex'in İtalyan bölümünde ayrı ayrı konulara ait geliş güzel toplanan ve aşağı yukarı 1120 kelimeyi içerisine alan lügat serveti devrin sosyal hayatı ve yerli

Türklerin kültür seviyesi hakkında oldukça ehemmiyeti haiz olduğu halde, Türk dilini yabancılara öğretmesi noktasında çok noksan ve imtiyazsız sayılabilir.” (Caferoğlu, 1974a, s. 172).

Codex Cumanicus Bilmeceleeri

Codex cumanicus’un Alman bölümünde 47 tane bilmece yer almaktadır. Eser bu yönüyle folklorik bir özellik taşır. Codex bilmeceleeri üzerinde yapılan bazı çalışmalar şöyle sıralarız:

1. K.Géza Kuun: Codex’teki Kıpçak Türklerine ait bilmeceleer ilk defa eserin naşiri bulunan K. Géza Kuun tarafından Codex Cumanicus’ta s. 143-149 transkribe edilmiş ve s. 149-157’de Latince tercümeleri verilmiştir. (Caferoğlu, 1974a, s. 174).

2. W. Radloff: Radloff’un Codex bilmeceleeri üzerine yaptığı çalışmalar A. Caferoğlu’na göre K.Géza Kuun’un bilmeceleerinin aynısıdır (Caferoğlu, 1974a, s. 174).

Z. Korkmaz ise Rodloff’un bilmeceleerle ilgili yayımı için şöyle demektedir: “Radloff, Codex Cumanicus’ta metni arasına bilmeceleeri almamıştır. O, Codex Cumanicus metninin Kumancaya pek aşına olmayan biri tarafından kopya edildiği için, aslına nazaran bozulduğu bununda bilmeceleerinin çözümünü zorlaştırdığı ileri sürmüş; bu bilmeceleerinin kendince çözümünde bir problem olmayanlarını önsözde tercümeleriyle birlikte vermiştir.” (Korkmaz, 2005, s. 349).

Radloff’un 1915’te hazırladığı ve neşretmediği bilmeceleeri “Die Rätsel des Codex Cumanicus”’un sadece adını biliyoruz (Caferoğlu, 1974a, s. 174).

3. Németh ve Malov Neşirleeri: 1913’te Die Rätsel des Codex Cumanicus adlı bir makale J.Németh tarafından ZDMG LXVII s. 577-608 neşredilmiştir, S. E. Malov’un “İzv akad. Nauk SSSR, 1930. ss. 366-368’deki araştırmaları Kıpçak bilmeceleerinin incelenmesine ve bazı filolojik izahlara tahsis edilmiştir (Caferoğlu, 1974a, s. 174).

4. W. Bang Neşri: A. Caferoğlu’na göre W. Bang’ın bilmece neşri mükemmel denecek şekildedir: Asıl bilmeceleeri mükemmel denecek bir şekilde W. Bang “Über die Rätsel des Codex Cumanicus”, sitzugsb der K. Preuss. akad. Der Wissenchaften, ZZI, 1921 yazısında meydana kaymaya muvaffak olmuştur (Caferoğlu, 1974a, s. 174).

“W. Bang’ın bu çalışmasında Radloff neşrine eleştiri de vardır.” (Korkmaz, 2005, s. 349).

5. A. İnan: “Prof. A. İnan’ın “Kopuz” mecmuasının 3. ve 4. Sayfalarında (1939) Codex Cumanicus’un birkaç bilmecesinin gayet güzel izahı vardır; buda maalesef devam edemediğinden yarı yolda kalmış, tamamlanamamıştır. Prof. A. İnan bu makalelerinde bu güne kadar neşredilmiş bir çok Avrupa bilgilerinin de izahlarını tahlil etmiş ve yaşayan Türk Lehçelerinin bilmeceleriyle güzelce mukayese etmiştir (Çağatay, 1944a, s. 765).

İnan, Abdulkadir, “Codex Cumanicus Bilmecelerine Dair”, Kopuz, 1939, No 3 ve 4 (Caferoğlu, 1974, s. 174).

6. Şükrü Kurgan: Türkiye’de Codex Cumanicus bilmecelerinin 16 tanesinin tercümesini ilk olarak Ş. Kurgan, W. Bang’ın “Über Die Ratsel des Codex Cumanicus” adlı makalesine dayanarak yapmıştır (Türkyılmaz, 2007, s. 26).

7. A. Tietze: Codex’in bilmeceleri hakkında yapılmış en önemli çalışma A. Tietze’ye aittir. Çalışmasının adı “The Koman Riddles and Turkic Folklore, California, 1966, XIV, 166s.” (Caferoğlu, 1974a, s. 174), (Eren, 1998, s. 51).

“Tietze’nin 1966’da yayınladığı “Kuman Bilmeceleri ve Türk Folkloru” adlı kitap, Codex’te bulunan bilmeceler üzerinde uzun süredir devam etmekte olan tartışmalara son verdi. Tietze, bu eserinde Codex’teki bilmeceleri açıklarken değişik Türk halklarının engin folklor malzemesinin de desteğini aradı.” (Bodrogligeti, 1995, s. 178).

Bu konuda Dilek Türkyılmaz şöyle der: Tietze yetersiz imla ile tespit edilmiş olan bu bilmeceleri batılı alimlerin sıkça başvurduğu bir yolla “metni tesis etme” yoluyla kurmaya çalışmıştır. Dağınık halde yaşayan Türk topluluklarından elde ettiği veriler, benzetme ve karşılaştırma yoluyla çalışma yapmaya fazlasıyla imkan verdiğinden Tietze Kuman-Kıpçak bilmecelerini bu yolla okumuştur. Tietze’nin bu araştırmasının esas değeri bundan kaynaklanmaktadır (Türkyılmaz, 2007, s. 26-27).

P. Golden ise Tietze’nin bilmece yayını şöyle değerlendirir: “Kuman bilmeceleri hakkında Tietze’nin mükemmel bir çalışması vardır. Tietze’ye göre bu bilmeceler erken Türk folkloru için çok önemli bir kaynaktır.

Tietze bunun için ortak mirasa sahip Türkçe konuşan ülkelerin bilmecelerinden erken örnekler teşkil ettiğini belirtir (Golden, 1996, s. 46-47).

8. V. Drimba: V. Drimba ise Syntaxe comane adlı eserinde bilmecelere örnek olarak yer vermiştir: Drimba, V., Syntaxe Comane, Leiden-Brill 1973. s. 201-219.

9. P. Naili Boratav ve İlhan Başgöz: P. N. Boratav ve İlhan Başgöz'ün Folklor Dergisinde yazdıkları yazıda (1974) Codex'in bilmecelerine yer verirler. Baratov ve Başgöz'e göre halen bilinen eserler içinde Türk bilmeceleri bulunan en eskisi Codex Cumanicus'tur. Codex Cumanicus'taki bilmecelerin bazılarının değişik Türk ağızlarında değişik Türk ağızlarında konu bakımından yada biçim veya yapı bakımından paralelleri vardır...“Yazda yawlı kayış yatır” bilmecesi Anadolu ve Rumeli halk edebiyatından rastlanan “yer altında yağlı kayış”, “yer üstünde yağlı kayış” bilmecesinin bir varyantıdır (Boratov ve Başgöz, 1974, s. 6). 10. Dilek Türkyılmaz: Dilek Türkyılmaz 2007 yılında Hacettepe Üniversitesinde (Sosyal Bilgiler Enstitüsü Türk Dili ve Edebiyatı Ana Bilim Dalı Halk Bilimi Kürsüsü) hazırladığı “Türk Dünyasında Bilmecce” başlıklı doktora tezinde Codex Cumanicus bilmeceleri hakkında yapılan çalışmaları değerlendirmiş ve 47 kuman bilmecesinin transkripsiyonu ile Türkiye Türkçesine çevirisini vermiştir (Türkyılmaz, 2007, s. 25-34). 11. A. Garkavets: Son yıllarda Codex Cumanicus ve Ermeni harfli Kıpçak metinleri üzerinde yaptığı çalışmalarla dikkat çeken Aleksandr Garkavets, “Kıpçakskoe Pismennoe Nasladye II (Kıpçak Yazılı Mirası)” adlı eserinin 74-78. sayfaları arasında yaygın görüşle Codex'in Alman bölümü diye bilinen bölümde yer alan 47 Kuman bilmecesinin transkripsiyonu ve Rusça tercümesi verilmiştir (Garkavets, 2007, s. 74-78).

SONUÇ

Codex Cumanicus, 13-14. Yüzyıllarda Karadeniz'in kuzeyinde, Kırım ve Kafkasya'da pek çok değişik dilde konuşan çeşitli milletler arasında ortak bir ticaret ve anlaşma dili özelliğini kazanan Kıpçak Türkçesinin geniş ifade gücünü ve sözvarlığını belgelemektedir. Codex Cumanicus'un kelime hazinesi günümüzde Karadeniz'in kuzeyinde yaşamakta olan

Kırım Tatarları, Kazan Tatarları, Karaimler Türkleri ve pek çok Kıpçek Türk lehçelerinde yaşamakta olduğu gibi, pek çok arkaik özelliklerini ve kelime hazinesini Kafkasların yüksek dağlarında ve sarp vadilerinde yaşamakta olan Karaçay-Malkarlıların dillerine de miras bırakmıştır. Dolayısıyla, Çağdaş Türk lehçeleri için tarihî kaynakları arasında Codex Cumanicus'un en az Orhun Abideleri, Divan-u Lugati't Türk ve Eski Uygur Türkçesi metinleri kadar değeri ve önemi bulunmaktadır. Diğer taraftan kimler tarafından nerede ve ne zaman yazıldığı hakkında kesin bir görüş bulunmayan ve araştırmacıların bu konularda farklı görüşler ileri sürdükleri bu eserin niçin yazıldığı hakkında kesin bir şey söylemek mümkün görünmüyor. Eserin tek bir elden çıkmayıp farklı şahıslar tarafından bölümler halinde yazılarak daha sonra bir araya getirildiği büyük ihtimaldir. Durum böyle olunca bu eserin yazılma sebebini yukarıda bahsi olunan görüşlerden herhangi birisine dayatmak doğru olmaz.

KAYNAKÇA

- Abduvaliyeva, E. (2007). "Tanıtmalar". *Ankara Üniversitesi Çağdaş Türk Lehçeleri Modern Türklük Araştırmaları Dergisi*. 4 (1).188-194.
- Arat, R. R. (1979). *Kutadgu Bilig Cilt 3-İndeks*. İstanbul: Türk Kültürünü Araştırma Enstitüsü.
- Arat, R. R. (1991). *Kutadgu Bilig 1: metin*. Ankara: Türk Dil Kurumu.
- Atalay, B. (2006). *Divanü Lûgat-it Türk (4.Cilt)*. Ankara: Türk Dil Kurumu.
- Bacanlı, E. (2009). "Yayın Değerlendirme-Türkoloji Tarihinde Samoyloviç ve Eserleri". *Bilig Dergisi*. (Sayı 49). 221-226.
- Bodrogligeti, A. (1995). "Eski Kıpçakça Sahasındaki Çalışmalar". *TDAY-B, TDK Dergisi*. 175-192.
- Boratav, P. N.-Başgöz İ. (1974). "Türk Halk Bilmeceleri". *Folklor Dergisi*. (sayı 37).
- Bozkurt, F. (1999). *Türklerin Dili*. Ankara: Kültür Bakanlığı.
- Caferoğlu, A. (1974). *Türk Dili Tarihi 2*. İstanbul: İstanbul Üni. Ed. Fak. Yayınları.
- Caferoğlu, A. (1993). *Eski Uygur Türkçesi Sözlüğü*. İstanbul: Enderun Kitabevi.
- Clauson, S. G. (1971). "Armeno-Qıpçaq". *Rocznick Orientalistyczny*. 34 (7-14).
- Clauson, S. G. (1972). *An Etymological Dictionary of Pre-Thirteenth Century Turkish*. Oxford: Oxford University Press.
- Çağatay, S. (1944). *Codex Cumanicus Sözlüğünün Basılışı Dolayısıyla*. Ankara: TTK Basımevi.
- Çağatay, S. (1963). *Türk Lehçeleri Örnekleri 1*. Ankara: Ank. Üni. Dil ve Tarih-Coğrafya Fak. Yayınları.

- Drimba, V. (1981). "Sur la Datation De La Première Du Codex Cumanicus". *Oriens* 27 (28). 388-404.
- Ercilasun, A.B. (2013). *Başlangıçtan Yirminci Yüzyıla Türk Dili Tarihi*. Ankara: Akçağ yayınları.
- Eren, H. (1998). *Türklük Bilimi Sözlüğü-1 Yabancı Türkologlar*. Ankara: TDK.
- Gabain, A.V. (1959). "Altürkisches Schrifttum" S. P.Paylı (çev.), "Eski Türkçenin Yazı Dili". *TDAY-B, TDK*. 311-329.
- Gabain, A.V. (1988). "Die Sprache des Codex Cumanicus" Mehmet Akalın (Çev.), "Codex Cumanicus'un Dili", *Tarihî Türk Şiveleri*, Ankara: TKAE.
- Garkavets, A. (2007). *Kıpçakscoe Pis'mennoe Nasledie 2*. Almatı: 64-120.
- Golden, P. (1988). "Kıpçak Kabilelerinin Menşesine Yeni Bir Bakış". *Uluslararası Türk Dili Kongresi, TDK, Ankara*.
- Golden, P. (Ed.). (1992). "Codex Cumanicus". *DS* 329, 4, C46.
- Gökbek, A. (2000). *Kıpçak Türkleri*. İstanbul: Ötüken Yayınları.
- Gülensoy, T. (1977). "ZDMG'de Türkoloji ve Mongolistikle İlgili Makaleler Bibliyografyası (1847-1968)". *DTCF Dergisi* 7 (157-170).
- Gülensoy, T. (2005). *Türkçe El Kitabı*. Ankara: Akçağ Yayınları.
- Güngör, H. (2006). *Türk Bodun Bilimi Araştırmaları*. İst.: Kum Saati Yayınları.
- Kafesoğlu, İ. (2003). *Türk Milli Kültürü*. İst.: Ötüken Yayınları.
- Karamanlioğlu, A. F. (1963). "Kıpçaklar ve Kıpçak Türkçesi". *TDED*. 12.
- Klyashtorny, S., Sultanov, T. İ. (20004). *Türkün Üç Bin Yılı*. Ahsen Batur (çev.). İst.: Selenge Yayınları.
- Kocaoğlu, T. (2003). "Tarihi Türk Lehçeleri Metinlerinin Transkripsiyonlanmasında Kapalı é/i Meselesi". *Türk Kültürü Dergisi*, (Sayı 483-484) 266-281.
- Korkmaz, Z. (2005). "F.Wilhelm Radloff'un Orta Türkçe Üzerindeki Çalışmaları". *Türk Dili Üzerine Araştırmalar I TDK*. 343-351.
- Köprülü, M. F. (1981). *Türk Edebiyatı Tarihi*. İst.: Ötüken Yayınları.
- Kurat, A. N. (1937). *Peçenek Tarihi*. İst.: Devlet Yayınevi.
- Kurat, A. N. (1972). *IV-XVIII. Yüzyıllarda Karadeniz'in Kuzeyindeki Türk Kavimleri ve Devletleri*. Ankara: TTK.
- Ligeti, L. (1998). *Bilinmeyen İç Asya Sadettin Karatay (çev.)*. Ankara: TDK.
- Malov, S. (1946). "Tyurkızmı ve Yazıke Slova O Polku İğoreve". *Bulletin De L'academie Des Scinces De L'uess*, (2). 129-139.
- Nişanyan, S. (2007). *Sözlerin Soyağacı-Çağdaş Türkçenin Etimolojik Sözlüğü*. İst.: Adam Yayınları.
- Ölmez, M. (2005). "Türkçede Dini Tabirler Üzerine". *Türk Dilleri Araştırmaları* 15. 213-218.
- Paçacıoğlu, B. (2006). *VIII ile XVIII. Yüzyıllar Arasında Türkçenin Sözcük Dağarcığı*. Ankara: Bizim Büro Basımevi.
- Pritsak, O. (1995). "Polovetsler ve Ruslar" E. Bengi Özbilen (Çev.). *TDA*, 94.
- Rásonyi, L. (1996). "Tarihte Türklük". *Türk Kültürünü Araştırma Enstitüsü*. (Baskı 4).

- Safran, M. (1993). "Yaşadıkları Sahalarda Yazılan Lügatlere Göre Kuman / Kıpçaklarda Siyasi, İktisadi, Sosyal ve Kültürel Yaşayış" *Türk Kültürünü Araştırma Enstitüsü*.
- Samoyloviç, A. N. (1935). "Cuci Ulusu ve Altın Ordu Edebi Dili" "2. Dil Kurultayı-Yabancı İllerden Gelmiş Dil Bilginlerinin Tezleri. 34-47.
- Tavkul, U. (2003). "Codex Cumanicus ve Karaçay-Malkar Türkçesi", *Türk Dünyası Dil ve Ed. Dergisi*. 45-83.
- Temir, A. (1991). Türkoloji Tarihinde W. Radloff-Devri-Hayatı- İlmî Kişiliği-Eserleri. Türk Dil Kurumu.
- Togan, A. Z.V. (1981). Umumi Türk Tarihine Giriş.İst.: İst.Üni. Ed. Fak.Yayınları.
- Türkyılmaz, D. (2007). *Türk Dünyasında Bilmece. Basılmamış Doktora Tezi*, Hacettepe Üni. Sos. Bil. Enstitüsü, Ankara.

مقالات بخش علوم
طبیعی

استفاده از هوش مصنوعی در تولید نباتات مزروعی: فرصت‌ها و چالش‌ها

پوهاند دکتر محمدصفر نوری^۱ و پوهنوال محمد اکبر انصاری^۲

۱ عضو کادر علمی دیپارتمنت آگرانومی، پوهنځی زراعت، پوهنتون تخار

۲ عضو کادر علمی دیپارتمنت خاک‌شناسی پوهنځی زراعت پوهنتون بلخ

چکیده

در عصر حاضر دهاقین و تولیدکننده‌گان محصولات زراعتی برای کشت، استعمال کود، مبارزه با امراض و آفات نباتی، دفعات آبیاری و جمع‌آوری محصول به اندوخته‌ها و تجارب گذشته‌گان متکی هستند. چون در گذشته وسایل و تجهیزات دقیق برای سنجش نیازهای نباتی و تخنیک‌های زراعتی وجود نداشت سطح حاصل‌دهی نباتات مزروعی پایین بود. تحقیق حاضر به هدف بررسی شیوه‌های استفاده از هوش مصنوعی در تولید محصولات زراعتی راه اندازی گردید. به این منظور، مقالات منتشرشده در مجلات معتبر علمی بین‌المللی و سایر منابع ارزشمند مرور گردید. نتایج مطالعه نشان داد که استفاده از ابزارهای پیشرفته‌ای مانند حسگرها یا سنسورها، سیستم هوشمند آبیاری، ربات‌ها و غیره برای افزایش مؤثریت عملیات زراعتی مانند کشت، پرورش، تشخیص امراض و آفات و جمع‌آوری محصول برای افزایش عمل‌کرد و تولید محصول به گونه مؤثر به‌کار گرفته شده می‌تواند. استفاده از هوش مصنوعی در زراعت نه تنها سبب بهبود سطح تولید می‌گردد، بلکه به تسهیل کارهای زراعتی و کاهش استفاده از نیروی انسانی، افزایش کیفیت و بهبود کمیت محصولات زراعتی کمک شایانی نموده می‌تواند.

واژه‌های کلیدی: انترنت اشیا، حسگر، ربات، زراعت هوشمند، هوش مصنوعی.

Application of Artificial Intelligence in Field crops production: Challenges and Opportunities

Professor Dr. M. Safar Noori ¹ and Associate Professor M. Akbar Ansari ²

1. Academic member of Department of Agronomy Faculty of Agriculture, Takhar University

2. Academic member of Department of soil science, Faculty of Agriculture, Balkh University

Abstract

In the present era, farmers and producers of agricultural products rely on the knowledge and experiences of their predecessors for planting, fertilizing, pest and disease control, irrigation, and harvesting. Since in the past, there were no precise tools and equipment to measure the needs of plants and agricultural techniques, the yield of crops was low. This study explored the methods of using artificial intelligence in crop production. For this purpose, articles published in reputable international scientific journals and other valuable sources were reviewed. The study results showed that using advanced tools such as sensors, smart irrigation systems and robots to enhance the efficiency of agricultural operations like planting, maintenance, disease and pest detection, and harvesting that can effectively increase crop yield and production. The application of artificial intelligence in agriculture not only improves the levels of output but also facilitates farming tasks, reduces the need for human labor, and significantly contributes to improving the quality and quantity of agricultural products.

Keywords: Internet of Things, Sensor, Robot, Smart Agriculture, Artificial Intelligence

مقدمه

زراعت یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین فعالیت‌های پرمفعت در جهان بوده و نقش مهمی در بخش اقتصادی دارد. پیش‌بینی می‌شود که جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰ به بیش از ۹ میلیارد نفر برسد. بنابراین، برای تأمین تقاضای غذایی این جمعیت به ۷۰ فیصد افزایش تولید محصولات زراعتی نیاز است. از آن‌جا که جمعیت جهان در حال افزایش است، به همین دلیل آب و منابع حیاتی زمین برای ادامه زنجیره تأمین تقاضا کافی نمی‌باشد (هوشیو، ۱۴۰۱، پاراگراف ۳). بنابراین، افزایش حاصل نباتات به عنوان منبع مهم غذایی از الویت‌های عصر ما می‌باشد. یکی از راهکارهای که می‌تواند به بهبود مدیریت منابع در زراعت و افزایش حاصل‌دهی نباتات کمک نماید استفاده از هوش مصنوعی برای تولید محصولات زراعتی می‌باشد. هوش مصنوعی از تکنولوژی‌های کلیدی در زراعت هوشمند است که با استفاده از پروسه‌ها و مدل‌های یادگیری ماشین، اطلاعات در زمینه زراعت را تحلیل نموده و در مورد آبیاری، کوددهی، مدیریت آفات و امراض و برنامه‌ریزی تولید محصولات تصمیم‌گیری‌های هوشمندانه انجام می‌دهد. با استفاده از هوش مصنوعی، میزان حاصل‌دهی نباتات افزایش یافته و مدیریت منابع و مؤثریت تولید در زراعت نیز بهبود می‌یابد (فریتز، ۲۰۲۳، پاراگراف ۱۰).

شرکت‌های متعددی با استفاده از هوش مصنوعی در زراعت موفق شده‌اند تا با توسعه و معرفی جدیدترین برنامه‌ها و ابزارها، روش‌های مؤثری را در اختیار ده‌ا‌قین قرار دهند و آن‌ها را در مورد نحوه چگونگی مدیریت آب، تناوب زراعی، برداشت به موقع، عملیات زراعتی مناسب، مقابله با آفات و امراض و به‌طور کلی مدیریت منابع راهنمایی کنند. هوش مصنوعی با استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین در ارتباط با تصاویر گرفته شده توسط ماهواره‌ها و هواپیماهای بدون سرنشین، پیش‌بینی شرایط آب و هوایی با تکنالوژی مجهز، تجزیه و تحلیل شرایط محصولات، ارزیابی میزان حرارت و بارش، نظارت بر مزارع و مقابله با آفات، شرایط منسجم و پایداری را در زراعت ایجاد می‌نماید (توحیدی، ۱۴۰۱، پاراگراف ۲۳).

تجهیزات که در زراعت مدرن و هوشمند مورد استفاده قرار می‌گیرند شامل حسگر رطوبت خاک^۱ (برای اندازه‌گیری رطوبت خاک و تعیین زمان مناسب آبیاری)، حسگر هوا (برای پیش‌بینی شرایط جوی)، حسگرهای الکتروکیمیای (برای اندازه‌گیری سطح مواد مغذی خاک) حسگر نور، حرارت و

^۱ Smart Agriculture

^۲Algorithm

^۳ Sensor

غیره می‌باشند. همچنان ماشین آلات هوشمند زراعت مانند تراکتورهای مجهز به 'GPS یا دروگرهای خودکار، نرم‌افزاری که دیتاها را از حسگر و تجهیزات مختلف دریافت می‌کند و پس از آنالیز در اختیار دهاقین قرار می‌دهد. همچنان، پهپادهای مورد استفاده برای نقشه‌برداری، دواپاشی، نظارت بر مزرعه، تجهیزات کنترل حرارت، رطوبت و تهویه در گلخانه‌ها وسایل و ابزاری اند که در زراعت هوشمند وسیعاً مورد استفاده قرار می‌گیرند (فریتز، ۲۰۲۳، پاراگراف ۵).

هدف از نگارش این مقاله ارائه معلومات پیرامون استفاده از هوش مصنوعی در زراعت و فرصت‌ها و چالش‌های موجود در تطبیق این تکنالوژی می‌باشد. همچنان درباره‌ی این که چگونه هوش مصنوعی انقلابی در زراعت ایجاد نموده می‌تواند، بحث خواهد شد.

مواد و روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام یافته و معلومات از منابع مختلف معتبر چون مجلات معتبر بین‌المللی، کتب، ویسایت‌های پوهنتون‌ها و نهادهای علمی و تحقیقی گردآوری گردیده است.

کاربردهای هوش مصنوعی در زراعت

تحلیل تقاضا و پیش‌بینی وضع بازار: هوش مصنوعی می‌تواند سبب بهبود پروسه‌های زنجیره‌ی تامین در زراعت شود. از تولید محصول تا توزیع و فروش، هوش مصنوعی با تحلیل دیتاها و پیش‌بینی تقاضای بازار می‌تواند به دهاقین و شرکت‌های زراعتی کمک نماید تا محصولات خود را در زمان مناسب و به قیمت مناسب به بازار عرضه کنند. به عنوان مثال، هوش مصنوعی با استفاده از تحلیل دیتاهای بازار و پیش‌بینی‌های فروش، دهاقین را قادر می‌سازد تولید خود را براساس تقاضای واقعی تنظیم نمایند و از هدر رفتن محصول جلوگیری کنند (عباسی، ۱۴۰۳، پاراگراف ۷).

مدیریت خطر در زراعت: تغییرات اقلیمی و پیامدهای ناشی از آن مانند افزایش درجه حرارت، بارندگی‌های غیر منظم و سایر چالش‌های مرتبط به آن اهمیت استفاده از هوش مصنوعی در زراعت را در سال‌های اخیر افزایش بخشیده است. هوش مصنوعی دهاقین را در مدیریت خطر و عدم قطعیت در زراعت حمایت نموده و دهاقین را برای مقابله با بحران ناشی از تغییرات اقلیمی آماده می‌سازد (سینها و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۱۰).

¹Global Positioning System (GPS)

² Supply

³ Uncertainty



شکل ۲- هوش مصنوعی و مراقبت از کشت (Jayakala, 2025)

آبیاری هوشمند: آبیاری مناسب برای تولید نباتات مزروعی بسیار ضروری است. محصولات در هر دو وضعیت آبیاری بیش از حد آب و یا کمبود آب آسیب خواهند دید. تأمین آب در زمان مناسب و به مقدار مناسب برای رشد نباتات حیاتی است. تکنالوژی اینترنت اشیا^۱ از طریق ادغام سرویس نقشه وب و سرویس نظارت حسگر گار می‌کند و راه حلی برای تأمین نیاز آبی و مؤثریت مصرف آب فراهم می‌نماید. زراعت مبتنی بر اینترنت اشیا، با استفاده از حسگرهای مستقر در خاک، آب مورد نیاز نبات مزروعی را تجزیه و تحلیل نموده و از منابع آب استفاده می‌کند تا میزان ضایعات آب را کاهش بخشیده و از نبات نیز محافظت کند. حسگر رطوبت به صورت هوشمند میزان رطوبت خاک را اندازه‌گیری می‌کند و بر اساس دیتاهای دریافتی، بدون هیچ مداخلات انسانی، به طور خودکار عمل می‌کند، همچنین ضایعات در لوله‌های آب نیز قابل تشخیص خواهد بود (وشمه، ۱۴۰۰، ص. ۶).

سیستم‌های آبیاری هوشمند با استفاده از حسگرهای رطوبت خاک و داده‌های هواشناسی، زمان دقیق آبیاری را مشخص می‌کنند. این سیستم‌ها تنها زمانی که نباتات واقعاً نیاز به آب دارند، به طور خودکار آبیاری را انجام می‌دهند. هوش مصنوعی با توجه به نوع نبات، کیفیت خاک، و شرایط اقلیمی، میزان دقیق آب مورد نیاز هر بخش از مزرعه را تعیین می‌کند و از ضایع شدن آب جلوگیری می‌کند. این سیستم به طور مداوم نیازهای آبی هر بخش از زمین را شناسایی و تنظیم می‌کند. الگوریتم‌های یادگیری ماشین با تحلیل دیتاهای تاریخی مانند بارندگی، رطوبت خاک و حرارت هوا،

¹ Internet of things (IoT)

² Web map service (WMS)

³ SOS

خطر خشک سالی یا کمبود آب را پیش بینی می کنند. این اطلاعات می تواند به دهاقین در برنامه ریزی بهتر کشت و آبیاری کمک نماید (اگرویار، ۱۴۰۳، پاراگراف ۱۳)



شکل ۱- هوش مصنوعی و زراعت (فریتز، ۲۰۲۳)

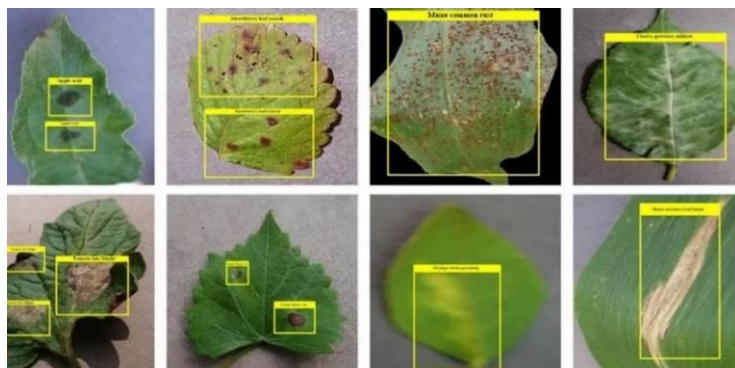
نظارت بر حاصل خیزی خاک و سلامت نباتات: استفاده از هوش مصنوعی روشی مؤثری برای کنترل و نظارت بر شناسایی نقایص و کمبودهای مواد مغذی موجود در خاک است. با کمک پردازش تصویر، هوش مصنوعی نواقص احتمالی را از طریق عکس های ضبط شده توسط کمره شناسایی می کند. هوش مصنوعی از یادگیری عمیق برای تجزیه و تحلیل الگوهای نباتی در زراعت کمک می گیرد. چنین برنامه های کاربردی با هوش مصنوعی به درک مشکلات خاک، آفات نباتی و کنترل امراض نباتی کمک می کنند (عامراندیش، ۲۰۲۰، پاراگراف ۹). دقت مشاهده انسانی محدود است، اما مدل های بینایی کامپیوتر می توانند در جمع آوری دیتاها برای بررسی شرایط خاک طور دقیق عمل نمایند. با تحلیل این دیتاها می توان به سلامت (عاری از مرض بودن) محصول نیز پی برد. برای مثال هوش مصنوعی توانسته مراحل رشد گندم و پخته بودن بادنجان رومی را با سرعت و دقتی که هیچ انسانی نمی تواند با آن برابری کند، تشخیص نماید (بهرامی، ۱۴۰۲، پاراگراف ۱۲).

پیش بینی آب و هوا: هوش مصنوعی با استفاده از روش های پیچیده و هم چنین با استفاده از دیتاهای آب و هوایی به دهقان کمک می کند تا در مورد شرایط آب و هوایی و محیطی اطلاعات لازم را داشته باشد. این امر به دهاقین کمک می کند تا منفعت بیشتر داشته باشند بدون این که ریسک و خطر محیطی نباتات مزروعی شان را تهدید کند. تجزیه و تحلیل دیتاهای تولید شده به دهقان کمک می کند تا با استفاده از توانایی درک و یادگیری هوش مصنوعی، احتیاط لازم را انجام دهد و با اجرای آن تصمیم گیری هوشمندانه و به موقع داشته باشد.

استفاده از هوش مصنوعی در تولید نباتات مزروعی: فرصت‌ها و چالش‌ها / ۱۵۵

کنترل گیاهان هرزه: در زراعت مدرن، کنترل گیاهان هرزه یک چالش مهم است که به طور مستقیم بر مقدار حاصل مزرعه تأثیر منفی می‌گذارد. روش‌های سنتی مانند خیشاوه دستی یا گیاه‌کش‌های کیمیاوی پرهزینه بوده و اکثراً برای محیط‌زیست نیز مضر می‌باشند. سیستم‌های کنترل خودکار گیاهان هرزه با استفاده از هوش مصنوعی، یک راه‌حل خوبی برای این چالش است. این سیستم‌ها از یادگیری ماشین و بینایی کامپیوتری برای تفکیک و تشخیص دقیق بین نبات اصلی زراعتی و گیاه هرزه استفاده می‌کنند. به عنوان مثال شرکت بلو ریور تکنالوژی^۲ یک شرکت پیشرو در حوزه تکنالوژی‌های زراعتی است که بر روی استفاده از هوش مصنوعی، رباتیک و بینایی کامپیوتری تمرکز دارد. این شرکت در سال ۲۰۱۷ به عنوان یک زیرمجموعه توسط شرکت معروف جان‌دیر خریداری شد و هدف آن کمک به دهاقین برای بهبود مؤثریت و کاهش تأثیرات زیست‌محیطی است (اگرویار، ۱۴۰۳، پاراگراف ۱۲).

تشخیص امراض و آفات نباتی: یکی از چالش‌های بزرگ در زراعت، تشخیص به‌موقع امراض و آفاتی است که می‌توانند خسارات بزرگی به نباتات مزروعی وارد کنند. سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی با استفاده از الگوریتم‌های یادگیری عمیق و پردازش تصاویر، قادر به تشخیص سریع و دقیق امراض و آفات در مراحل اولیه رشد نباتات هستند. به عنوان مثال، اپلیکیشن هوش مصنوعی به نام پلنتیکس^۳ تصاویر برگ‌های نباتات را آنالیز نموده و امراض نبات را تشخیص می‌دهد و با ارائه راهکارهای مناسب به دهقان، از گسترش آفت یا مرض جلوگیری می‌کند (عباسی، ۱۴۰۳، پاراگراف ۳).



شکل ۳- استفاده از هوش مصنوعی برای تشخیص امراض و آفات نباتی (اگرویار، ۱۴۰۳)

^۱ Blue River Technology

^۲ John Deere

^۳ Plantix

با کمک سیستم‌های هشدار دهاقین می‌توانند به سرعت عمل کرده تا آفات را از بین ببرند یا این‌که محصولات مریض را از محصولات سالم جدا کرده تا از گسترش بیش از حد مرض جلوگیری شود. هوش مصنوعی با استفاده از فناوری پردازش تصویر مبتنی بر یادگیری عمیق می‌تواند آفات و امراض نباتی را بصورت اتوماتیک در کمترین زمان ممکن شناسایی کند.

در ابتدا، مجموعه‌ای بزرگ از تصاویر سالم و آلوده به انواع آفات و امراض مربوط به یک نبات جمع‌آوری و پیش‌پردازش می‌شود. سپس، این تصاویر با استفاده از مدل‌های یادگیری عمیق مانند شبکه‌های عصبی، طبقه‌بندی شده و به سیستم آموزش داده می‌شوند. بعد از آموزش و ساخت مدل، سیستم می‌تواند الگوهای خاص و نشانه‌های خسارت در تصاویر جدید را شناسایی کند.

استفاده از هوش مصنوعی در زراعت عمودی: زراعت عمودی که یکی از سیستم‌های جدید و پایدار در زراعت مدرن به شمار می‌رود از هوش مصنوعی برای مطلوب‌سازی شرایط رشد نباتات استفاده می‌کند. سیستم‌های هوش مصنوعی با کنترل دقیق نور، حرارت و رطوبت در محیط‌های بسته، به دهاقین کمک می‌کنند تا محصولات خود را در فضاهای کوچکتر و با مصرف کمتر منابع تولید کنند. این تکنالوژی در مناطقی که منابع آب و خاک محدود هستند، تاثیر بسیار بالایی دارد و می‌تواند مؤثریت تولید را افزایش دهد. زراعت عمودی روش نوین کشت محصولات زراعتی است که در آن نباتات به جای اینکه به صورت افقی در زمین‌های زراعتی گسترده شوند، در ساختارهای چندطبقه و عمودی کشت می‌شوند. این روش به دهاقین امکان می‌دهد تا در فضاهای محدود مانند ساختمان‌ها، مقادیر زیادی محصولات زراعتی را تولید کنند. در زراعت عمودی، محیط کشت به طور دقیق کنترل می‌شود و عواملی مانند نور، حرارت، رطوبت و میزان مواد مغذی به صورت خودکار و هوشمند تنظیم می‌شوند (عباسی، ۱۴۰۳، پاراگراف ۸).

کاربرد هوشمند آفت‌کش‌ها: استعمال آفت‌کش‌ها به صورت دستی و خودکار با محدودیت‌های زیادی روبه‌رو است. در حالت دستی می‌توان ساحات موردنظر را با دقت خاص مورد هدف قرار داد، اما کار کند و دشوار پیش می‌رود. در سم‌پاشی خودکار، آفت‌کش‌ها در زمان کم‌تری کار را به اتمام می‌رسانند، اما اکثر اوقات بصورت دقیق صورت نمی‌گیرد که می‌تواند منجر به آلودگی محیط شود. با کمک پهپادهای مجهز به هوش مصنوعی می‌توان سمپاشی را با دقت و سرعت مناسب انجام داد و درعین حال از معایب آن‌ها جلوگیری کرد. پهپادها از بینایی کامپیوتر برای تعیین میزان آفت‌کشی که

¹ Vertical Farming

² Optimization

استفاده از هوش مصنوعی در تولید نباتات مزروعی: فرصت‌ها و چالش‌ها / ۱۵۷

باید روی هر منطقه اسپری شود، استفاده می‌کنند. البته این تکنالوژی روز به روز در حال پیشرفت و دقیق‌تر شدن است (بهرامی، ۱۴۰۲، پاراگراف ۱۵).

ربات‌های زراعتی و برداشت محصولات: ربات‌های زراعتی، یکی دیگر از ابزارهای پیشرفته هوش مصنوعی هستند که برای انجام کارهای مختلف در مزارع به کار گرفته می‌شوند. این ربات‌ها می‌توانند وظایفی همچون کشت، آبیاری و برداشت محصولات را با دقت و سرعت بالایی انجام دهند. در اینجا می‌توان به ربات‌های برداشت محصول اشاره کرد که با استفاده از تکنالوژی‌های هوش مصنوعی و بینایی ماشین، محصولات رسیده را شناسایی و با دقت برداشت می‌کنند. ربات آگروبات یکی از نمونه‌های موفق در این زمینه شناخته می‌شود که برای برداشت میوه‌ها و سبزیجات طراحی شده است (عباسی، ۱۴۰۳، پاراگراف ۶).

افزون بر برداشت محصول، ربات‌های زراعتی دارای هوش مصنوعی قادر به یافتن راه‌های مؤثرتر برای محافظت از نباتات زراعتی در برابر گیاهان هرزه هستند. علاوه بر آن این ربات‌ها به رفع مشکل کمبود کارگر زراعتی نیز کمک نموده می‌تواند. این ربات‌های دارای هوش مصنوعی می‌توانند نباتات مزروعی را با حجم بالاتر و سرعت بیشتری نسبت به کارگران انسانی برداشت کنند و به کمک بینایی کامپیوتری به نظارت بر گیاهان هرزه و سم‌پاشی آن‌ها کمک می‌کنند. در مجموع، استفاده از هوش مصنوعی به دهاقین کمک می‌کند تا روش‌های مؤثرتری را برای محافظت از نباتات مزروعی خود در برابر گیاهان هرزه داشته باشند (عامراندیش، ۲۰۲۰، پاراگراف ۱۲).



شکل ۴- رباتی که توانایی اجرای عملیات زراعتی را دارد (Jayakala, 2025)

شرکت های استفاده کننده از هوش مصنوعی در صنعت زراعت

شرکت جان دیر : این شرکت از هوش مصنوعی برای توسعه تکنالوژی های زراعت هوشمند مانند سیستم های کاوش خودکار و نظارت بر زراعت استفاده می کند.

شرکت آی بی ام : این شرکت از هوش مصنوعی برای توسعه سیستم های تصمیم گیری هوشمند و بهبود عملکرد زراعتی استفاده می کند.

شرکت آگریبوتیکس : این شرکت از هوش مصنوعی برای توسعه سیستم های تشخیص آفات و امراض نباتی و نظارت بر خطوط زراعتی استفاده می کند.

شرکت اینتلینایر : این شرکت از هوش مصنوعی برای تحلیل دیتاهای زمین و پیش بینی حاصل نباتات مزروعی استفاده می کند.

شرکت بلو ریور تکنالوژی : این شرکت از هوش مصنوعی برای توسعه ربات های کشت و تشخیص گیاهان هرزه در زراعت استفاده می کند (رحیم دل، ۱۴۰۳، پاراگراف ۲۱).

مزایای استفاده از هوش مصنوعی در زراعت

درحالی که از ظهور هوش مصنوعی تنها چندین دهه می گذرد، اما نمی توان از ایده های نوآورانه در هر صنعتی چشم پوشی کرد و صنعت زراعت نیز از این قاعده مستثنا نخواهد بود. در سال های اخیر شاهد پیشرفت هایی سریع در تکنالوژی زراعتی بوده ایم که تعدادی از آن ها تغییرات انقلابی را به همراه داشته اند. وجود این نوآوری ها در این صنعت ضروری است، زیرا چالش های جهانی مانند تغییرات آب و هوا، رشد جمعیت در کنار کمبود منابع و پایداری سیستم غذایی تهدیدکننده خواهند بود. با کمک تکنالوژی هوش مصنوعی می توان بسیاری از این چالش ها را برطرف کرد و معایب زراعت سنتی را کاهش داد (بهرامی، ۱۴۰۲، پاراگراف ۲). مهم ترین مزایای کاربرد هوش مصنوعی در زراعت قرار ذیل اند:

1) تجزیه و تحلیل تقاضای بازار: با کمک هوش مصنوعی، دهاقین قادر اند تا نیاز کوتاه مدت و بلند مدت بازار را بسنجند و پرسودترین محصول را انتخاب کنند.

¹John Deere

²IBM

³Agribotix

⁴Intelinair

⁵Blue River Technology

استفاده از هوش مصنوعی در تولید نباتات مزروعی: فرصت‌ها و چالش‌ها / ۱۵۹

- (2) پیش‌بینی و مدیریت: از طریق این تکنالوژی، پیش‌بینی میزان نیاز به کود، آب، آفت‌کش، نور، حرارت و... آسان‌تر و مدیریت آن‌ها به موقع‌تر است.
- (3) انتخاب تخم بذری مناسب: هوش مصنوعی می‌تواند بهترین نوع تخم را که مناسب استفاده در آن آب و خاک است، تشخیص داده و محصول بهتر و مقوی‌تری را ارائه دهد.
- (4) میزان سلامت خاک: میزان مواد مغذی موجود در خاک، به منظور دستیابی به محصول مفیدتر بسیار مهم است. تشخیص این مهم توسط هوش مصنوعی امکان‌پذیر است.
- (5) محافظت از محصول: هوش مصنوعی با کمک بینایی خود می‌تواند آفات و امراض را تشخیص دهد تا سم پاشی شوند.
- (6) نرخ تبخیر و تعریق: هوش مصنوعی قادر است تا میزان دقیق تبخیر و تعریق نباتات را بسنجد و متناسب با آن برنامه آبرسانی را تنظیم کند.
- (7) تغذیه محصولات: کوددهی و حتی بررسی نیاز محصولات مختلف به مواد مغذی متفاوت، چیزهایی هستند که به سادگی توسط هوش مصنوعی امکان‌پذیر است.
- (8) زمان برداشت: اینکه یک محصول در چه زمانی برداشت شود بسیار مهم است. هوش مصنوعی می‌تواند زمان مناسب برداشت محصول را پیش‌بینی نماید.
- (9) حفاظت از محیط زیست: در زراعت سنتی، گاهی به دلیل عدم تشخیص صحیح محل آلودگی، از میزان زیادی سم (آفت‌کش) استفاده می‌شود. اما هوش مصنوعی تنها مناطقی که نیاز به سم‌پاشی دارند را تشخیص می‌دهد. بنابراین از سم و آفت‌کش کمتری استفاده می‌شود و به همان ترتیب، محصول سالم‌تر و محیط پاک‌تر خواهد بود.
- (10) منفعت مالی بیشتر: اگرچه هزینه‌های اولیه برپایی هوش مصنوعی در مزارع به نظر زیاد می‌رسند، اما منفعتی که در بلند مدت نصیب دهقان می‌کند بسیار بیشتر است. از طریق این تکنالوژی، دهقان قادر است که با حداقل منابع آبی و خاکی، بیشترین منفعت را داشته باشد (رحیم دل، ۱۴۰۳، پاراگراف ۷).

فرصت‌های زراعت هوشمند

زراعت هوشمند اثرات منفی اکولوژیکی زراعت را کاهش می‌دهد. استفاده از کود و آفت‌کش‌ها را می‌توان در سیستم زراعت دقیق کاهش داد که مشکلات آب‌شویی عناصر و انتشار گازهای گلخانه‌ای را به حداقل می‌رساند. با استفاده از تکنالوژی‌های اطلاعات و ارتباطات می‌توان شبکه‌ای حسگر داشت که امکان نظارت دوام‌دار مزارع را فراهم می‌کند. به همین ترتیب، دانش نظری و عملی، در

مورد وضعیت گیاهان، خاک‌ها و حیوانات با عوامل تولیدی مطلوب مانند آب، کود و داروها با استفاده از آن تکنالوژی‌های اطلاعات و ارتباطات در سطح جهانی به دست می‌آید. زراعت هوشمند، می‌تواند با کاهش منابع مانند نیروی کار و پول و تولید دیتاهای قابل اعتماد و صریح، که خطرات در طول تولید را کاهش می‌دهند، زراعت را پرمفعت‌تر نماید.

پیش‌بینی‌های اقلیمی، پیش‌بینی‌های عمل‌کرد و نقشه‌های احتمال وقوع حوادث (بلایا) و GIS همه‌گیری امراض با توجه به شبکه‌ای عمیق از دیتاهای اقلیمی و آب و هوایی یا سنجش از دور، امکان کشت مناسب نباتات مزروعی و باغی را فراهم می‌کند. به گونه مشابه، حسگرهای خودکار می‌توانند تمام اطلاعات مربوط به زراعت را ضبط کنند و زمان مورد نیاز، برای اولویت‌بندی استفاده از منابع و نظارت اداری را به کمترین برسانند. حسگرها در ماشین‌آلات کشاورزی مانند تراکتور، ماشین کشت نهالی و کمباین، هم چنین اطلاعات را در طول عملیات آماده‌سازی مزرعه و برداشت مزرعه مانند رطوبت خاک یا هدایت الکتریکی خاک رطوبت و فیصدی پروتین محصول را به صورت آنی ثبت می‌کنند که به دهاقین کمک می‌شود تا به سرعت تصمیم بگیرند. در نهایت، زراعت هوشمند دارای ظرفیت بالقوه برای بهبود پذیرش مصرف‌کننده همراه با بهبود مدیریت کیفیت محصول است و اینگونه محصولات سالم‌تر می‌شوند و با قیمت‌های بالاتر به فروش می‌رسند.

علاوه بر این، شفافیت در مورد تولید و پروسس، زنجیره ارزش محصولات را بهبود خواهد بخشید زیرا تکنالوژی‌های اطلاعات و ارتباطات، امکان ثبت وقایع محصولات در مزرعه را تحت شرایطی تولید فراهم می‌کند. این موضوع، پتانسیل بیشتری برای تعامل مستقیم بین دهاقین و مصرف‌کنندگان فراهم می‌سازد (تدین، ۱۴۰۳، ص. ۲۰۱).

چالش‌ها فرا راه استفاده از هوش مصنوعی در زراعت

استفاده از تکنالوژی زراعت هوشمند به زیربنای خاصی نیاز دارد و پذیرش آن نیز به مراحل توسعه اقتصادی، از جمله سرانه تولید ناخالص داخلی، سهم اشتغال در بخش زراعت و زیرساخت‌های اساسی روستایی مورد نیاز وابسته است. افزون بر این، کوچک بودن و پراکندگی زمین‌های زراعتی، چالشی برای استفاده از این تکنالوژی‌ها است. نظام زراعت هوشمند و استفاده از تکنالوژی‌های آن می‌تواند برای دهاقین کم‌زمین مزایای زیادی داشته باشد ولی هم‌زمان چالش‌هایی را نیز به همراه دارد. بیش‌تر دهاقین کم‌زمین توان سرمایه‌گذاری برای استفاده از تکنالوژی‌های زراعت هوشمند یا دانش

¹Geographic Information System (GIS)

استفاده از هوش مصنوعی در تولید نباتات مزروعی: فرصت‌ها و چالش‌ها / ۱۶۱

کافی برای استفاده از تکنالوژی‌های با سطح پیچیدگی زیاد را ندارند یا هنوز نسبت به اثربخشی این تکنالوژی‌ها متقاعد نشده‌اند. بنابراین، پذیرش تکنالوژی‌های هوش مصنوعی از سوی دهاقین کم‌زمین یکی از چالش‌های توسعه این نظام مدیریتی در زراعت است (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۴۶).

تصور بسیاری از مردم از هوش مصنوعی این است که تنها در دنیای دیجیتال کاربرد دارد و در کارهای زراعتی فیزیکی نقشی ندارد. این فرضیه به دلیل عدم درک ابزارهای هوش مصنوعی است. بسیاری از مردم نمی‌دانند که هوش مصنوعی چگونه کار می‌کند و این مسئله باعث پذیرش کند این تکنالوژی در بخش زراعت شده است. از جانب دیگر، بسیاری از دهاقین با روش‌های سنتی آشنا هستند و تنها تعداد کمی از آن‌ها روی پروژه‌هایی که شامل تکنالوژی هوش مصنوعی هستند، کارکرده‌اند. همچنین اکثر افراد دارای علم در توضیح روشن مزایای تکنالوژی‌های جدید و نحوه پیاده‌سازی آن‌ها کمتر توجه می‌کنند. بر اساس مزایای هوش مصنوعی برای زراعت پایدار، پیاده‌سازی این تکنالوژی می‌تواند برای هر دهقان گامی منطقی به نظر برسد، اما هنوز هم چالش‌هایی در این رابطه وجود دارد که برای رسیدن به نتیجه قناعت‌بخش باید آن‌ها را برطرف کرد. تعدادی از این چالش‌ها عبارت‌اند از:

- ا. هزینه‌های اولیه بالا؛
- ب. بی‌میلی به پذیرش تکنالوژی‌ها و پروسه‌های جدید؛
- ج. عدم تجربه عملی با تکنالوژی‌های جدید؛
- د. پروسه طولانی پذیرش تکنالوژی؛
- ه. محدودیت‌های تکنالوژیکی؛
- و. مسائل مربوط به حریم خصوصی و امنیت (بهرامی، ۱۴۰۲، پاراگراف ۱۸).

نتیجه‌گیری

هوش مصنوعی یکی از تکنالوژی‌های عصر حاضر و جهان پیشرفته بوده که نقشی حیاتی را در آینده زراعت ایفا نموده می‌تواند. این تکنالوژی از تشخیص دقیق نیازهای تغذیوی نباتات از قبیل انتخاب و استعمال مقدار مناسب کودها، زمان‌بندی آبیاری، تشخیص امراض و آفات نباتی و کنترل آن‌ها، تا کاهش مصرف منابع و به‌کارگیری ربات‌ها در تولید محصولات زراعتی به دهاقین کمک می‌نماید. هوش مصنوعی دهاقین را قادر می‌سازد تا پروسه‌های خود را هوشمندتر و مؤثرتر نمایند. با ادامه پیشرفت این تکنالوژی، آینده زراعت به سوی شکوفایی، انکشاف و پیشرفت بیشتر گام برداشته و

دهاقین توانایی تغذیه جمعیت رو به رشد جهان را خواهند یافت. این تکنالوژی به دهاقین کمک می‌نماید تا حتی در مناطق خشک با استفاده مؤثر از منابع محصولات را کشت و پرورش کنند. با استفاده از هوش مصنوعی و یادگیری ماشین، ربات‌ها، حسگرهای حرارت و رطوبت، تصاویر هوایی و غیره عملیات‌های مختلف زراعتی را به طور مؤثر انجام دهند.

هوش مصنوعی می‌تواند زراعت را دچار تحول مثبت نماید و در صورتی‌که برای قانع کردن دهاقین برای پذیرش این تکنالوژی آگاهی‌دهی و کار صورت گیرد و از جانب دیگر نهادهای دولتی و ارگان‌های ذیربط در تهیه، تطبیق و کاربرد این تکنالوژی دهاقین را حمایت نمایند، قطعاً نتایج خوب و ملموسی در پی خواهد داشت که به افزایش سطح تولید محصولات زراعتی و در نهایت به خودکفایی کشور در امر تأمین نیازهای غذایی مردم خواهد انجامید.

فهرست مآخذ

آگرویار. (۱۴۰۳). چشم‌انداز هوش مصنوعی در کشاورزی: فرصت‌ها و چالش‌ها. شبکه جامع کارشناسان کشاورزی ایران. قابل دسترسی در ویسایت:

<https://blog.agroyaar.com/ai-in-agriculture>

بهرامی، کامل. (۱۴۰۲). بررسی کاربردهای هوش مصنوعی در کشاورزی. مجله علمی آموزشی مکتب‌خونه.

<https://wpadmin.maktabkhooneh.org/mag/application-of-artificial-intelligence-in-agriculture>

تدین، محمد رضا. (۱۴۰۳). کشاورزی کارآمد چالش‌ها و فرصت‌ها. دانشگاه شهرکرد. توحیدی، الهام. (۱۴۰۱). کاربرد هوش مصنوعی در کشاورزی. ویراسنس. قابل دسترسی در ویسایت:

<https://veerasense.com/blog/application-of-ai-in-agriculture>

جمشیدی، بهاره، حسین دهقانی سانیچ، وحید کاظم علیلو. (۱۴۰۲). فناوری‌های مقرون به صرفه کشاورزی هوشمند برای کشاورزان کوچک مقیاس. مجله ترویجی علوم و فناوری اطلاعات کشاورزی. دوره ششم، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

رحیم دل، شیرین. (۱۴۰۳). کاربرد هوش مصنوعی در صنعت کشاورزی. ابر فردوسی. قابل دسترسی در ویسایت

<https://ferdowsi.cloud/blog/artificial-intelligence-in-agriculture>

استفاده از هوش مصنوعی در تولید نباتات مزروعی: فرصت‌ها و چالش‌ها / ۱۶۳

عامراندیش هوشمند. (۲۰۲۰). *استفاده از هوش مصنوعی در کشاورزی چه کاربردهایی دارد؟*
شرکت عامراندیش هوشمند. قابل دسترس در ویسایت:

<https://amerandish.com/TZuLu>

عباسی، مهسا. (۱۴۰۳). کاربردهای هوش مصنوعی در صنعت کشاورزی. نشر اهورا.
فریتز. (۲۰۲۳). کشاورزی هوشمند چیست؟ امکانات و مزایای مزرعه هوشمند. قابل دسترس در
ویسایت:

<https://fritz.ir/smart-farming/>

وشمه، حامد. (۱۴۰۰). استفاده از اینترنت اشیا در کشاورزی هوشمند. هشتمین کنفرانس بین‌المللی
فناوری نوآورانه در زمینه علوم، مهندسی و تکنولوژی. آتن: یونان.
هوشیو (۱۴۰۱). هوش مصنوعی در کشاورزی: کامل‌ترین راهنمای کاربردهای هوش مصنوعی در
کشاورزی و دام‌پروری. نشریه هوشیو. قابل دسترس در ویسایت:

<https://hooshio.com/wp-content/plugins/rate-my-post/public/css/fonts/ratemypost.ttf>

Jayakala. (2025). Role of Artificial intelligence in agriculture and
successful garden stablishment. Retrived from:

<https://jayakala.ir/2025/03/>

Sinha, N. K., Jitendra K., Dihraj K., Rahul M., Thakur J. K., Shinogi K. C.,
Somasundram J. and Mohanty M. (2022). Application of Artificial Intelligence (AI) In
agriculture: An Indian Perepective. Soil Health Management: ICAR-Indian Institute
of Soil Science, Bhopal, Madhya Pradesh. Knowledge. *Harit Dhara*, 5(2).

بررسی مقاومت خمشی اتصالات ولدنگی در گادرهای فولادی

پوهنوال دکتړ عبدالرحمن پژواک

عضو کادر علمی دیپارتمنت سیول، پوهنځی انجنیرۍ، پوهنتون تخار

چکیده

در ساختمان‌های فولادی، اتصالات به‌عنوان گره‌های حیاتی در انتقال نیروها بین اعضای سازه، نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد کلی سیستم دارند. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های طراحی اتصالات، بررسی مقاومت خمشی به‌ویژه در ناحیه اتصال گادرها (بیم‌ها) است؛ چراکه گادرها بیشترین تأثیر را از نیروهای خمشی می‌پذیرند. پژوهش حاضر به‌صورت کیفی و محتوایی به تحلیل عمیق رفتار خمشی در اتصالات ولدنگی گادرهای فولادی می‌پردازد. هدف اصلی، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر ظرفیت خمشی، انواع حالت‌های شکست، و ارزیابی نوع عملکرد اتصالات در شرایط بارگذاری مختلف است. در این راستا، ابتدا به دسته‌بندی اتصالات از لحاظ صلیبیت و نوع انتقال لنگر پرداخته شده و سپس ویژگی‌های ولدنگ، خواص مواد، کیفیت اجرا، و شرایط بهره‌برداری به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی در رفتار خمشی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین، تحلیل عملکرد نواحی آسیب‌پذیر مانند منطقه تحت تأثیر حرارت جوش (HAZ) و نقش طراحی مناسب در جلوگیری از شکست زودهنگام مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مقاومت خمشی یک اتصال جوشی تنها به مقاومت مواد بستگی ندارد، بلکه عوامل متعددی از جمله نوع جوش، جزئیات اجرایی، و نحوه توزیع نیروها نیز نقش بسزایی دارند. نتیجه‌گیری این مطالعه می‌تواند راهنمایی مؤثر برای انجیران سازه در جهت بهبود طراحی و اجرای اتصالات جوشی مقاوم در برابر خمش باشد.

واژه‌های کلیدی: اتصالات ولدنگی، رفتار اتصال، سازه فولادی، شکست جوش، طراحی کیفی، گادر فولادی، مقاومت خمشی.

Investigation of the Flexural Strength of Welded Connections in Steel Beams

Associate professor Dr. Abdurahman Pazhwak

Academic member of Civil Department, Engineering Faculty Takhar University

Abstract

In steel structures, connections serve as critical nodes for transferring forces between structural members, playing a decisive role in the overall performance of the system. One of the most important aspects of connection design is the investigation of flexural strength, particularly in beam connections, as beams are most significantly affected by bending forces. This qualitative and content-based study provides an in-depth analysis of the flexural behavior of welded connections in steel beams. The main objective is to identify the influencing factors on flexural capacity, examine various failure modes, and evaluate the performance of connections under different loading conditions. To this end, the study first classifies connections based on rigidity and moment transfer characteristics, followed by an examination of weld properties, material characteristics, execution quality, and service conditions as key components affecting flexural behavior. Moreover, the performance of vulnerable areas such as the Heat-Affected Zone (HAZ) and the role of proper design in preventing premature failure are highlighted. The findings indicate that the flexural strength of a welded connection does not solely depend on the material strength, but is also significantly influenced by factors such as weld type, execution details, and the distribution of forces. The conclusions of this study can serve as a practical guide for structural engineers aiming to improve the design and execution of welded connections resistant to bending.

Keywords: Flexural strength, welded connections, steel structures, steel girders, connection behavior, qualitative design, weld failure.

مقدمه

ساختمان‌های فولادی به دلیل ویژگی‌هایی چون مقاومت بالا، شکل‌پذیری مناسب، و قابلیت اجرای سریع، در پروژه‌های ساختمانی گسترده‌ای از جمله ساختمان‌های بلند، پل‌ها، سوله‌های صنعتی و مراکز زیرساختی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این میان، اتصالات به عنوان عناصر کلیدی در انتقال نیروها و حفظ یکپارچگی سازه، نقشی تعیین‌کننده در عملکرد کلی سیستم سازه‌ای دارند. از میان انواع اتصالات، اتصالات جوشی به دلیل فراهم کردن پیوستگی کامل بین اعضای سازه و ظاهر یکنواخت، به ویژه در مناطق شهری، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند.

یکی از مهم‌ترین مسائل در طراحی و اجرای اتصالات جوشی، بررسی مقاومت خمشی در ناحیه اتصال تیرها (بیم‌ها) است. تیرهای فولادی معمولاً تحت اثر بارهای قائم ناشی از وزن مرده، بار زنده، باد و زلزله قرار می‌گیرند و در نتیجه دچار لنگر خمشی می‌شوند. انتقال این لنگر به صورت ایمن و مؤثر از طریق جوش، مستلزم رعایت اصول دقیق طراحی و اجرای صحیح اتصال است. شکست یا ضعف در این ناحیه می‌تواند منجر به خرابی موضعی و در نهایت فروپاشی کل سیستم سازه‌ای شود (احمدی، ۱۳۹۸، ص. ۴۵).

مطالعه کیفی و محتوایی مقاومت خمشی در این نوع اتصال‌ها، نه تنها درک عمیق‌تری از رفتار مکانیکی اتصال جوشی فراهم می‌آورد، بلکه به شناسایی عوامل مؤثر بر عملکرد آن، از جمله نوع جوش، هندسه اتصال، خواص ناحیه حرارت‌دیده (HAZ)، کیفیت اجرا و نوع بارگذاری کمک می‌کند. همچنین بررسی موارد شکست گذشته در سازه‌های فولادی حاکی از آن است که ضعف در اتصالات - به ویژه در ناحیه گادرها - یکی از دلایل اصلی آسیب‌های سازه‌ای در هنگام زلزله یا بارگذاری دینامیکی بوده است (جعفری، ۱۴۰۰، ص. ۲۲).

لذا شناخت دقیق این رفتار از منظر کیفی، می‌تواند ابزاری سودمند برای مهندسان طراح در جهت اتخاذ تصمیم‌های فنی بهتر، انتخاب جزئیات سازه‌ای مناسب، و تدوین دستورالعمل‌های اجرایی قابل اطمینان باشد. این تحقیق می‌کوشد با تمرکز بر تحلیل‌های توصیفی و کیفی، جنبه‌های مختلف مقاومت خمشی در اتصالات جوشی تیرهای فولادی را شناسایی، تحلیل و تبیین نماید تا بستر مناسبی برای پژوهش‌های تجربی و عددی بعدی فراهم شود (حسینی، ۱۳۹۷، ص. ۵۵).

هدف تحقیق: این تحقیق، تحلیل کیفی و محتوایی مقاومت خمشی در اتصالات جوشی تیرهای فولادی و شناسایی عوامل مؤثر بر عملکرد این نوع اتصالات تحت بارهای خمشی است. این پژوهش در پی آن است تا با بررسی ویژگی‌های سازه‌ای، متریالی و اجرایی اتصالات جوشی، درکی عمیق‌تر

از رفتار واقعی آن‌ها در برابر لنگرهای خمشی ارائه دهد. در همین راستا، اهداف فرعی تحقیق به شرح زیر تعریف می‌شوند:

✓ شناسایی انواع اتصالات جوشی مورد استفاده در تیرهای فولادی از نظر نوع عملکرد خمشی (صلب، نیمه‌صلب، مفصلی)؛

✓ بررسی عوامل مؤثر بر کاهش یا افزایش مقاومت خمشی از جمله نوع جوش، کیفیت اجرا، جنس فولاد، و جزئیات اتصال؛

✓ تحلیل مکانیزم‌های شکست در اتصالات جوشی تحت اثر خمش مانند شکست در ناحیه جوش یا ناحیه حرارت‌دیده (HAZ)؛

✓ ارائه پیشنهادهایی برای بهبود طراحی و اجرای اتصالات جوشی به منظور افزایش مقاومت خمشی و عملکرد سازه‌ای.

این تحقیق در تلاش است تا با تکیه بر مطالعات نظری، مستندات تجربی موجود و تحلیل‌های محتوایی، راهکارهایی کاربردی و علمی برای مهندسان سازه، ناظران فنی و طراحان فراهم آورد تا اتصالاتی ایمن‌تر، مقاوم‌تر و با طول عمر بالاتر طراحی و اجرا گردد.

سوالات تحقیق: در ادامه، دو سؤال اصلی تحقیق برای موضوع «بررسی مقاومت خمشی در اتصالات جوشی در بیم‌های فولادی» با رویکرد کیفی ارائه می‌شود:

✓ چه عواملی در مقاومت خمشی اتصالات جوشی در گادرهای فولادی تأثیرگذار هستند؟
✓ اتصالات ولدنگی چگونه تحت بار خمشی رفتار می‌کنند و چه نوع آسیب‌هایی در آن‌ها بروز می‌کند؟

پیشینه تحقیق

مطالعه رفتار خمشی در اتصالات ولدنگی یکی از مباحث مهم در حوزه طراحی و دیزاین ساختمان‌های فولادی است که از دهه‌های گذشته مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. بررسی‌های انجام‌شده در این زمینه، اغلب بر دو محور اصلی متمرکز بوده‌اند: تحلیل رفتار مکانیکی و شکست در ناحیه جوش، و بررسی عملکرد اتصالات در برابر بارهای جانبی به‌ویژه زلزله.

جوپرا (۲۰۱۲) در کتاب معروف خود پیرامون دینامیک سازه‌ها، به اهمیت رفتار خمشی در اتصالات سازه‌ای اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که در سازه‌های مقاوم در برابر زلزله، اتصالات باید توانایی تحمل لنگرهای شدید بدون شکست زودرس را داشته باشند.

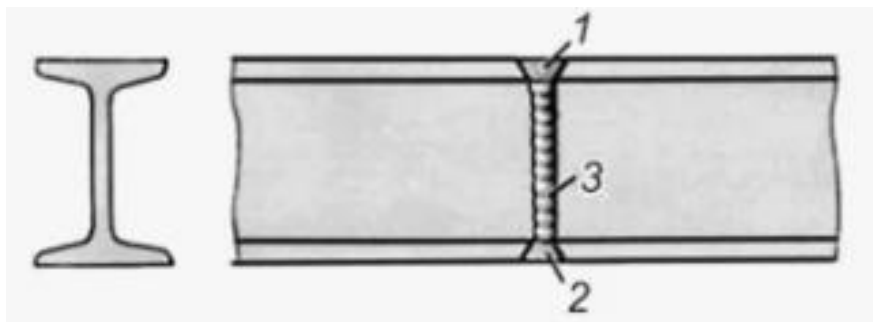
چین و آستانه- اصل (۲۰۰۲) در تحقیقی گسترده به بررسی عملکرد قاب‌های خمشی فولادی با اتصالات جوشی پرداختند و نشان دادند که ضعف در طراحی یا اجرای جوش می‌تواند منجر به شکست‌های ترد در ناحیه جوش یا ناحیه حرارت‌دیده (HAZ) شود. آن‌ها بر اهمیت طراحی انعطاف‌پذیر و پرهیز از تمرکز تنش تأکید کرده‌اند.

در سطح پژوهش‌های محلی، سلیمانی، فرید و محمدی، علی‌رضا (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل کیفی اتصالات جوشی در تیرهای فولادی تحت بار خمشی» بیان کرده‌اند که یکی از عوامل مهم در کاهش مقاومت خمشی، عدم نفوذ کامل جوش و وجود حفره‌های میکروسکوپی است که در کنترل کیفیت نادیده گرفته می‌شود. آن‌ها پیشنهاد داده‌اند که نظارت دقیق بر فرآیند جوشکاری و استفاده از آزمایش‌های غیرمخرب (NDT) می‌تواند نقش مؤثری در افزایش دوام و مقاومت اتصالات ایفا کند.

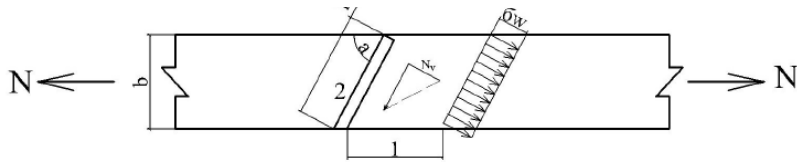
فیما (۲۰۰۰) نیز در گزارش معروف FEMA-350 به تجزیه و تحلیل خسارات وارده به قاب‌های خمشی فولادی در زلزله Northridge پرداخته است و تأکید کرده است که ناتوانی برخی از اتصالات در تحمل خمش، ناشی از طراحی ناکافی و جوشکاری ضعیف بوده است.

در پژوهشی دیگر، ریکلس سوسی و لیو (۲۰۰۴) به بررسی رفتار چرخه‌ای اتصالات جوشی در تیرها پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که استفاده از اتصالات با جزئیات تقویتی نظیر ورق‌های مضاعف (doubler plates) می‌تواند ظرفیت خمشی و جذب انرژی را به شکل محسوسی افزایش دهد.

صفری و مهدوی (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای کیفی، عوامل زمینه‌ساز شکست خمشی در سازه‌های فولادی را بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که عدم هماهنگی میان نوع اتصال و نوع بارگذاری از دلایل اصلی عملکرد ضعیف خمشی در برخی سازه‌ها بوده است.



شکل ۱- اتصال نوک به نوک گادرهای فولادی



شکل ۲- اتصال پیوندی نوک به نوک گادرهای فولادی به شکل مایل

مواد و روش کار

این تحقیق با رویکرد کیفی (محتوایی) انجام شده و هدف آن بررسی عمیق و تحلیلی رفتار خمشی در اتصالات ولدنگی گادرهای فولادی با تمرکز بر منابع علمی، تجربیات فنی، و گزارش‌های موردی است. در این روش، به جای تکیه بر داده‌های عددی یا لابراتواری، تحلیل مفهومی و استنتاجی بر مبنای مطالعات استند، اسناد فنی، و گزارش‌های ساخت و ساز مورد استفاده قرار گرفته است.

روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق شامل مطالعه اسناد، مقالات علمی، استانداردها، کدهای طراحی سازه‌های فولادی مانند: AISC، FEMA، و Eurocode همچنین تحلیل موردی خرابی‌های واقعی در پروژه‌های اجرا شده می‌باشد. این منابع از پایگاه‌های علمی معتبر مانند: Google Scholar، ResearchGate، Scopus و همچنین مقالات فارسی نمایه‌شده در SID و Magiran جمع‌آوری شده‌اند.

برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای کیفی (Qualitative Content Analysis) استفاده شده است. در این روش، داده‌های متنی استخراج‌شده به صورت نظام‌مند کدگذاری، طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند تا الگوها، مضامین و روابط مفهومی میان عناصر اثرگذار بر مقاومت خمشی استخراج شوند.

در کنار آن، از روش تحلیل مقایسه‌ای منابع نیز برای شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های دیدگاه‌های فنی و پژوهشی استفاده شده و یافته‌ها در قالب جدول‌ها و نمودارهای مفهومی خلاصه شده‌اند.

عواملی تأثیرگذار بر مقاومت خمشی اتصالات ولدنگی گادرهای فولادی

عوامل متعددی بر مقاومت خمشی اتصالات ولدنگی در گادرهای فولادی تأثیرگذارند. این عوامل را می‌توان در چند دسته اصلی طبقه‌بندی کرد:

عوامل مربوط به طراحی شکی اتصال

✓ نوع اتصال (صلب، نیمه‌صلب، مفصلی):

بررسی مقاومت خمشی اتصالات ولدنگی در گادرهای فولادی / ۱۷۱

✓ جزئیات اتصال مانند استفاده از ورق‌های تقویتی، ضخامت صفحات اتصال و محل جوشکاری؛

✓ نوع و ابعاد مقطع گادر و پایه؛

✓ نسبت سختی تیر به ستون (برای کنترل انتقال لنگر) (رحیمی، ۱۳۹۹، ص. ۷۵).

عوامل مربوط به نوع و کیفیت جوش

✓ نوع جوش مورد استفاده (گوشه‌ای، شیاری، نفوذی کامل یا ناقص)؛

✓ کیفیت اجرا و مهارت جوشکار؛

✓ وجود عیوب جوش مانند ترک، حفره، نفوذ ناقص، سرباره محبوس؛

✓ کنترل‌های کیفی (آزمایش‌های غیرمخرب (NDT)؛

✓ الکتروود مصرفی و شرایط حرارتی جوشکاری (سالاری، ۱۴۰۰، ص. ۳۵).

عوامل متریالی و مکانیکی

✓ نوع فولاد مصرفی (مقاومت تسلیم، شکل‌پذیری، تافنس)؛

✓ تغییر خواص مکانیکی در ناحیه حرارت‌دیده جوش (HAZ)؛

✓ شرایط پیرسازی یا خوردگی فولاد در طول زمان (فلاحی، ۱۳۹۶، ص. ۶۸).

عوامل مرتبط با بارگذاری

✓ نوع و مقدار بارهای وارد شده (ثقلی، جانبی، دینامیکی، زلزله)؛

✓ چرخه‌ای بودن بار (مانند بارهای زلزله یا باد)؛

✓ شدت و تکرار تغییر مکان خمشی؛

✓ جهت و نحوه توزیع بار (کریمی، ۱۴۰۱، ص. ۱۹۰).

عوامل اجرایی و نظارتی

✓ رعایت سندها و کودها (Eurocode, FEMA, AISC)؛

✓ میزان نظارت مهندسی در محل جوشکاری؛

✓ کنترل دمای پیش‌گرم و پس‌گرم حین جوشکاری؛

✓ شرایط محیطی حین جوش (رطوبت، دما، باد) (چین، ۲۰۰۲، ص. ۷۳۲).

رفتار اتصالات ولدنگی چگونه تحت بار خمشی ترکیبی

رفتار اتصالات جوشی (ولدنگی) تحت بار خمشی ترکیبی پیچیده از پاسخ‌های مکانیکی، متالورژیکی و ساختاری است. در ادامه، تحلیل این رفتار و آسیب‌های رایج آن به تفصیل آورده شده است:

رفتار اتصالات جوشی تحت بار خمشی

هنگامی که یک تیر فولادی تحت بار خمشی قرار می‌گیرد، مقدار لنگر در ناحیه اتصال تیر به ستون بیشینه می‌شود. در این حالت:

اتصال باید بتواند لنگر خمشی را از تیر به ستون منتقل کند بدون اینکه دچار تسلیم یا شکست شود.

در اتصال صلب، هیچ چرخشی در گره مجاز نیست و تمرکز تنش در ناحیه جوش و نزدیک آن (منطقه حرارت دیده یا HAZ) بسیار بالا می‌رود (ریکلس، ۲۰۰۴، ص. ۳۳۷).

اگر جوش به درستی اجرا نشده باشد یا طراحی مناسب نباشد، این ناحیه می‌تواند اولین محل شروع خرابی باشد.

انواع آسیب‌های رایج در اتصالات جوشی تحت خمش

✓ الف. ترک در ناحیه جوش: ممکن است به صورت ترک طولی، عرضی یا مورب ظاهر شود؛

✓ علت: تمرکز تنش بالا، خستگی، یا افت کیفیت متالورژیکی در اثر گرمای زیاد؛

✓ ب. گسیختگی در منطقه حرارت دیده (HAZ)؛

✓ این ناحیه بین فلز پایه و فلز جوش است؛

✓ در اثر تغییرات متالورژیکی، HAZ معمولاً ضعیف‌تر و تردتر از دیگر نواحی می‌شود؛

✓ ج. نفوذ ناقص یا جوش ناقص: در جوش‌های نفوذی کامل، اگر جوش از ریشه به خوبی پر

نشده باشد، ممکن است درز اتصال باز شود یا ترک بردارد (احمدی، ۱۳۹۸، ص. ۶۰).

✓ د. لهیدگی یا تغییر شکل ورق اتصال: وقتی اتصال توانایی تحمل تنش خمشی را نداشته

باشد، ممکن است ورق‌های اتصال تغییر شکل پلاستیک بدهند یا کمانه کنند؛

✓ ه. جدا شدن یا شکست ناگهانی: اگر جوش در ناحیه بحرانی به صورت ترد بشکند، ممکن

است اتصال به طور ناگهانی از کار بیفتد (سیلیمی، ۲۰۱۸، ص. ۴۵).

عوامل تشدیدکننده آسیب

- ✓ اجرای ضعیف جوش (دما، زمان، نوع الکتروود)؛
- ✓ نبود کنترل کیفیت مناسب؛
- ✓ بارهای چرخه‌ای (مانند زلزله یا بادهای متناوب)؛
- ✓ نبود جزئیات تقویتی مانند ورق پیوست یا ورق پوششی (صفری، ۲۰۲۱، ص. ۲۵).

نتایج تحقیق

در این بخش یافته‌ها و تحلیل نتایج برای تحقیق «بررسی مقاومت خمشی در اتصالات جوشی در بیم‌های فولادی» به صورت مفصل و با رویکرد کیفی و تحلیلی ارائه شده است:

یافته‌ها و تحلیل نتایج

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مقاومت خمشی در اتصالات جوشی تیرهای فولادی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل سازه‌ای، اجرایی و متریالی قرار دارد. تحلیل منابع و داده‌های کیفی گردآوری شده به کشف چند الگوی مهم در رفتار این نوع اتصالات منجر شده است که در ادامه تشریح می‌گردد:

تأثیر نوع جوش بر رفتار خمشی اتصال: بررسی منابع حاکی از آن است که نوع جوش (جوش گوشه، شیار، نفوذی کامل یا ناقص) نقش تعیین‌کننده‌ای در انتقال لنگر دارد. جوش‌های نفوذی کامل به‌ویژه در قاب‌های خمشی ویژه، بیشترین ظرفیت خمشی را دارا هستند؛ اما اجرای دقیق و کنترل کیفیت این نوع جوش از چالش‌های مهم پروژه‌های اجرایی است.

اهمیت منطقه حرارت‌دیده: (HAZ) مطالعات موردی نشان می‌دهد که ناحیه HAZ در اتصالات جوشی اغلب نقطه ضعف سازه در برابر خمش است. این ناحیه به دلیل تغییر خواص مکانیکی ناشی از حرارت جوشکاری، مستعد ترک خوردگی، تردی و کاهش شکل‌پذیری است. بنابراین انتخاب الکتروود مناسب، کنترل حرارت ورودی و استفاده از تمهیدات خنک‌سازی می‌تواند به بهبود عملکرد این ناحیه کمک کند.

نقش کیفیت اجرا در عملکرد نهایی اتصال: کیفیت جوش از جمله یکنواختی، عمق نفوذ، عدم وجود ترک و حفره، در تعیین مقاومت خمشی بسیار اثرگذار است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در بسیاری از شکست‌های گزارش شده در سازه‌های فولادی، ضعف در کنترل کیفیت جوش علت اصلی شکست بوده است، نه طراحی هندسی نامناسب.

اثرات جزئیات طراحی بر توزیع تنش: استفاده از جزئیات مناسب مانند ورق‌های تقویتی (doubler plate)، صفحه‌های صلب‌کننده، و افزایش سطح اتصال، تأثیر بسزایی در کاهش تمرکز تنش و توزیع یکنواخت‌تر تنش‌های خمشی دارد. طراحی‌های ساده و بدون تقویت، معمولاً در برابر بارهای چرخه‌ای و شدید عملکرد ضعیفی دارند.

رفتار خمشی تحت بارگذاری چرخه‌ای و زلزله: تحلیل گزارش‌های زلزله‌نگاری نظیر زلزله Northridge نشان داده که اتصالات جوشی صلب در تیرها بدون تمهیدات جذب انرژی، در برابر بارهای چرخه‌ای به سرعت دچار گسیختگی می‌شوند. افزودن نواحی تسلیم کنترل‌شده یا جزئیات جذب انرژی می‌تواند دوام خمشی اتصال را افزایش دهد.

تفاوت رفتار اتصال صلب و نیمه‌صلب: اتصال‌های صلب اگرچه ظرفیت خمشی بالاتری دارند، اما در صورت شکست، معمولاً به صورت ناگهانی و ترد رخ می‌دهند. در مقابل، اتصال‌های نیمه‌صلب رفتار نرم‌تری داشته و به سازه اجازه جذب انرژی بیشتری می‌دهند. این موضوع در طراحی لرزهای بسیار اهمیت دارد و باید متناسب با نوع سازه در نظر گرفته شود.

مقاومت خمشی در اتصالات ولدنگی گادرهای فولادی مفهومی چندبعدی است که به ترکیبی از پارامترهای طراحی، اجرا و متریال وابسته است. یافته‌ها حاکی از آن است که حتی طراحی دقیق بدون اجرای باکیفیت، نمی‌تواند عملکرد مطلوب را تضمین کند. از سوی دیگر، استفاده از راهکارهای تقویتی و کنترل کیفیت دقیق در فرآیند جوشکاری، کلید اصلی افزایش دوام و پایداری خمشی اتصالات است. بر اساس این تحلیل‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که تلفیق دانش طراحی سازه‌ای با الزامات اجرایی و نظارت فنی، مهم‌ترین گام در ارتقای عملکرد خمشی اتصالات جوشی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

بررسی کیفی و محتوایی مقاومت خمشی در اتصالات جوشی گادرهای فولادی نشان می‌دهد که عملکرد این نوع اتصال تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل متقابل طراحی، اجرایی و مواد قرار دارد. از تحلیل منابع علمی، مطالعات موردی و استانداردهای طراحی چنین برمی‌آید که اتصالات جوشی با طراحی مناسب اما اجرای ضعیف، همان‌قدر آسیب‌پذیر استند که اتصالاتی با اجرای دقیق اما جزئیات ناکارآمد.

یکی از یافته‌های مهم این تحقیق، حساسیت بالای ناحیه جوش و ناحیه حرارت‌دیده (HAZ) به تغییرات حرارتی و مکانیکی است که باعث کاهش شکل‌پذیری و افزایش احتمال گسیختگی در اثر خمش می‌شود. در همین راستا، مشخص شد که استفاده از جوش‌های نفوذی کامل، انتخاب صحیح

الکتروود، کنترل فرآیند جوشکاری و در نظر گرفتن جزئیات تقویتی نظیر ورق‌های مضاعف، نقش بسزایی در بهبود مقاومت خمشی اتصالاتها دارد.

علاوه بر این، مقایسه انواع اتصالات (صلب، نیمه‌صلب، مفصلی) نشان داد که اتصالات صلب گرچه ظرفیت خمشی بالایی دارند، اما در برابر بارهای چرخه‌ای مانند زلزله، مستعد شکست ترد هستند، در حالی که اتصالات نیمه‌صلب انعطاف‌پذیرتر بوده و می‌توانند عملکرد لرزه‌ای بهتری از خود نشان دهند.

در مجموع، تحلیل کیفی انجام‌شده بیانگر این است که مقاومت خمشی در اتصالات جوشی، یک مفهوم چندوجهی است که توجه هم‌زمان به طراحی، اجرا و نگهداری صحیح را می‌طلبد. این تحقیق تأکید می‌کند که نگاه صرفاً تحلیلی یا صرفاً تجربی، نمی‌تواند به‌تنهایی گویای عملکرد واقعی اتصال باشد، بلکه رویکردی تلفیقی و سیستمی ضروری است.

پیشنهادهات

بر پایه نتایج این تحقیق، پیشنهادهای زیر برای بهبود مقاومت خمشی در اتصالات جوشی سازه‌های فولادی ارائه می‌شود:

1. تدوین دستورالعمل‌های اجرایی دقیق‌تر برای جوشکاری در گادرها، شامل استانداردهای کنترل کیفیت جوش، نوع الکتروود، حداکثر حرارت ورودی و روش‌های سردسازی پس از جوش.
2. استفاده از روش‌های آزمایش غیرمخرب (NDT) برای اطمینان از کیفیت جوش در ناحیه بحرانی اتصال، به‌ویژه در پروژه‌هایی که تحت بارهای لرزه‌ای یا دینامیکی قرار می‌گیرند.
3. بازنگری در طراحی جزئیات اتصال، به‌ویژه برای پروژه‌هایی با احتمال بالای زلزله، با هدف افزایش انعطاف‌پذیری و شکل‌پذیری خمشی در ناحیه اتصال‌گادر به پایه.

فهرست مآخذ

- احمدی، عبدالرضا. (۱۳۹۸). بررسی اثر نوع جوش بر رفتار خمشی اتصالات تیر به ستون در سازه‌های فولادی. نشریه مهندسی عمران و سازه، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۰.
- جعفری، رضا. (۱۴۰۰). تحلیل عددی رفتار اتصالات جوشی در تیرهای فولادی تحت بارگذاری خمشی. فصلنامه تحقیقات سازه، ۱۸(۲)، ۲۲-۳۹.
- حسینی، سیدمهدی. (۱۳۹۷). ارزیابی عملکرد لرزه‌ای اتصالات صلب جوشی با استفاده از جزئیات تقویتی. مجله مهندسی زلزله و سازه، ۱۰(۱)، ۵۵-۷۳.

- رحیمی، داوود. (۱۳۹۹). شناسایی عوامل مؤثر بر کاهش مقاومت خمشی در اتصالات جوشی سازه‌های فولادی. *مجله علمی پژوهشی عمران*، ۲۴(۴)، ۷۵-۹۰.
- سالاری، مهدی. (۱۴۰۰). مطالعه رفتار ناحیه حرارت‌دیده در جوشکاری تیرهای فولادی تحت خمش. *نشریه علمی تحقیقات جوشکاری*، ۹(۲)، ۳۵-۴۸.
- فلاحی، غلامرضا. (۱۳۹۶). بررسی تجربی و تحلیلی آسیب‌پذیری اتصالات جوشی در قاب‌های خمشی فولادی. *مجله ساخت و ساز ایران*، ۸(۳)، ۶۸-۸۴.
- کریمی، علی‌اکبر. (۱۴۰۱). تحلیل محتوایی خرابی‌های رایج در اتصالات جوشی سازه‌های فولادی در زلزله. *مجله عمران کاربردی*، ۱۵(۱)، ۱۹-۳۲.
- Chen, C. (2002). Seismic performance of steel moment-frame buildings with reduced beam section connections. *Journal of Structural Engineering*, 128(6), 732-740.
- Ricles, J. M. (2004). *Seismic performance of steel moment connections with reinforced doubler plates*. *Engineering Structures*, 26(3), 337-348.
- Selyami, F. (2018). Analysis of welded connections in steel beams under bending loads. *Iranian Journal of Civil Engineering*, 12(2), 45-60.
- Safari, N. (2021). Evaluation of failure factors in steel beam welded connections. *Journal of Structural Engineering Research*, 18(1), 25-38.

بررسی نقش توسعه کشت گلخانه‌یی در افزایش عواید دهاقین: (مطالعه موردی قریه‌جات حومه

ولایت فراه)

پوهنیار نورمحمد کاکر^۱، نامزد پوهنیار صبور خیرمحمدزاده^۲، پوهندوی سیدیونس امینی^۳

^{۱،۲} اعضای کادر علمی دیپارتمنت آگرانومی، پوهنځی زراعت، پوهنتون فراه

^۳ عضو کادر علمی دیپارتمنت آگرانومی، پوهنځی زراعت، پوهنتون تخار

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی نقش توسعه کشت گلخانه‌یی در افزایش اقتصاد دهاقین قریه‌جات حومه ولایت فراه انجام شده است. تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه، داده‌ها از میان ۳۸۹ نفر دهاقین فعال در بخش کشت گلخانه‌یی گردآوری شده است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های آماری چون همبستگی اسپیرمن، رگرسیون چندگانه، تحلیل عاملی و آزمون T استفاده گردید. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین توسعه کشت گلخانه‌یی و بهبود وضعیت اقتصادی دهاقین رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. ضریب همبستگی اسپیرمن میان توسعه کشت گلخانه‌یی و مؤلفه‌هایی چون افزایش درآمد دهقانان (۰،۵۵۶)، افزایش اشتغال‌زایی (۰،۶۸۹)، بهبود کیفیت محصولات (۰،۷۶۸) و تقویت امنیت غذایی (۰،۷۴۳) با سطح معنی‌داری ۰،۰۰۰ به‌دست آمد. همچنین، تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که ضریب تعیین تعدیل‌شده ($R^2=0.67$) و آماره $F=467.342$ در سطح معنی‌داری ۰،۰۰۰، مدل را از نظر آماری معنادار ساخت. متغیرهایی چون عوامل زیرساختی، اقتصادی، حمایتی و آموزشی نقش مؤثری در توسعه کشت گلخانه‌یی داشته‌اند. نتایج کیفی تحقیق نیز نشان داد که دهاقین با ورود به کشت گلخانه‌یی توانسته‌اند درآمد خود را افزایش دهند، اشتغال ایجاد کنند، کیفیت محصولات را بالا ببرند و وابستگی به شرایط نامساعد اقلیمی را کاهش دهند. بر این اساس، توسعه کشت گلخانه‌یی در ولایت فراه به‌عنوان یک راهکار مؤثر در تقویت اقتصاد محلی و بهبود معیشت دهاقین شناخته می‌شود. در پایان، پیشنهاد می‌شود که نهادهای ذی‌ربط با تمرکز بر آموزش‌های فنی، ارائه تسهیلات مالی و توسعه زیرساخت‌ها، زمینه گسترش کشت گلخانه‌یی را در سطح وسیع‌تر فراهم سازند.

واژه‌های کلیدی: کشت گلخانه‌یی، اقتصاد دهاقین، توسعه زراعت، ولایت فراه، تحلیل آماری.

Examining the Role of Greenhouse Cultivation Development in Boosting Farmers' Economy

(A Case Study of Villages Surrounding Farah Province)

Teaching assistant **Noor** Mohammad Kakar¹, Candidate Lecturer Saboor Khair Mohammadzada², assistant Professor Sayed younus Amini³

^{۱،۲} Academic members of Department of Agronomy, Faculty of Agriculture, Farah University

³ Academic member Department of Agronomy, Faculty of Agriculture, Takhar University

Abstract

This study aims to investigate the role of greenhouse cultivation in boosting the economy of farmers in villages surrounding Farah Province. The research is descriptive-analytical and utilized survey methods and questionnaires to collect data from 389 farmers actively engaged in greenhouse cultivation. The data was analyzed using SPSS software and statistical tests such as Spearman's correlation, multiple regression, factor analysis, and T-tests. The findings revealed a positive and significant relationship between the development of greenhouse cultivation and the improvement of farmers' economic status. The Spearman correlation coefficient between greenhouse cultivation development and components such as increased farmer income (0.556), job creation (0.689), improved product quality (0.768), and strengthened food security (0.743) was found to be significant at the 0.000 level. Furthermore, the multiple regression analysis indicated that the adjusted determination coefficient ($R^2=0.67$) and F-statistic (467.342) at the significance level of 0.000 validated the statistical model. Variables such as infrastructural, economic, supportive, and educational factors played a significant role in the development of greenhouse cultivation. Qualitative findings of the study also showed that farmers involved in greenhouse cultivation have been able to increase their income, create jobs, improve product quality, and reduce dependency on unfavorable climatic conditions. Thus, the development of greenhouse cultivation in Farah Province is recognized as an effective strategy for strengthening the local economy and improving farmers' livelihoods. In conclusion, it is recommended that relevant institutions focus on technical training, providing financial facilities, and developing infrastructure to facilitate the expansion of greenhouse cultivation on a larger scale.

Keywords: Greenhouse cultivation, Farmers' economy, Agriculture development, Farah Province,

مقدمه

افغانستان به دلیل شرایط خاص اقلیمی و محدودیت‌های منابع آبی از جمله کشورهای است که به تجدید نظر اساسی در ساختار ایکالوژیکی نیازمند است و در این راستا توسعه کشت گلخانه‌یی می‌تواند به عنوان یک راه کار مناسب برای تغییر شرایط این کشور مخصوصاً در مناطق جنوب و غرب مطرح باشد که فعلاً مورد توجه مردمان این مناطق قرار گرفته است.

افغانستان محیط‌های جغرافیایی متفاوت را با ظرفیت‌ها و الگوهای متفاوتی در زمینه‌های مختلف کشت و پرورش محصولات زراعتی برای ساکنان این مرز و بوم ارائه می‌دهند که توجه به این امر مهم در برنامه‌ریزی‌های محلی و محیطی حائز اهمیت فراوان است. بنابراین، بررسی، شناخت، تحلیل قابلیت‌ها و افزایش اقتصاد دهاقین گامی اساسی و مهم در روند تدوین برنامه‌ریزی‌های توسعه پایدار روستایی تلقی می‌شود (توکلی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۶۳). با توجه به این که فعالیت‌های مختلف زراعتی تعیین‌کننده حیات اقتصادی بسیاری از دهاقین کشور است، لازم است، ضمن توسعه زراعت این منطقه، اقداماتی در زمینه استفاده درست از قابلیت‌های محلی و منطقوی این ناحیه صورت گیرد (حسینی نقوی، ۱۳۹۰، ص. ۴۴). هم‌چنین، در طی سالیان گذشته، کاهش و افزایش قیمت‌ها، چشم‌پوشی از ظرفیت‌های منطقه، چشم‌پوشی از دانش و اطلاعات و تجربه دست‌اندرکاران زراعت، بی‌توجهی به منابع آبی، توجه ناکافی به دهات و عدم بهره‌گیری از مشارکت دهاقین و روستانشینان چالش‌های بزرگی را به وجود آورده است (صدرموسوی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲۹۴). در این راستا یکی از شرایط نوین زراعتی که در پاسخ به افزایش بهره‌جوی و استفاده مطلوب از منابع آبی و کاهش فرسایش خاک مطرح شده، استفاده از گلخانه‌ها است. محصولات گلخانه‌یی از جمله محصولات محصولاتی که می‌باشد که در بیشتر نقاط افغانستان قابلیت گسترش‌دادن را داشته و حتی قابلیت رقابت در عرصه جهانی را دارد (جهانیان، ۱۳۸۲، ص. ۵۵).

از مهم‌ترین دلایل اقتصادی که برای کشت گلخانه‌یی می‌توان آورد، افزایش تعداد دفعات برداشت در سال، افزایش برداشت محصول نسبت به سطح زیر کشت، تعیین زمان حاصل‌دهی محصول، کاهش نرخ مصرف کاریگر و... اشاره کرد. از طرفی هم بازار محصولات زراعت هیچ‌گاه از رونق نمی‌افتد و همیشه رو به ترقی است. بنابراین، رشد نفوس و استقبال عموم مردم برای استفاده از محصولات زراعتی شاید از مهم‌ترین عوامل وجود همیشگی مفاد در بازار محصولات زراعتی باشد. با توجه به شرایط اقتصادی زارعین و نیاز به افزایش تولید و کسب عواید بالاتر، نیاز است در روش‌های

تولید محصولات زراعتی و باغی تغییراتی ایجاد شود. بنابراین، ایجاد گلخانه یکی از بهترین تغییراتی است که می‌توان در این عرصه انتخاب کرد.

در راستای افزایش محصولات زراعتی و ایجاد امنیت غذایی، افزایش و توسعه کشت گلخانه‌یی گزینه مطلوبی است که در مناطق حومه ولایت فراه نیز این نوع شیوه کشت به صورت گلخانه‌های کوچک و سنتی در حال انجام است. تغییرات آب و هوایی در فصول مختلف و محدودیت‌های برای رشد نباتات در اثر این تغییرات اصلی‌ترین دلیل برای این موضوع است که با فراهم کردن محیط مناسب و با کمترین ارتباط با محیط بیرون بتوان از شرایط نابسامان اقلیمی و محیطی رها شد و در تمام فصل‌ها به تولید محصولات زراعتی دلخواه پرداخت. بنابراین، یکی از ضرورت‌های توسعه و انکشاف کشت گلخانه‌یی پایداری تولید و عرضه محصول در فصول مختلف سال است، با توجه به ظرفیت‌های زراعتی مختلف منطقه، می‌توان به گسترش و ترویج کشت گلخانه‌یی تاکید بیشتری داشت و نسبت به توانمندسازی دهاقین اقدامات تازه‌تری انجام داد.

از این لحاظ، تحقیق حاضر در جستجوی یافتن پاسخ به سوالات زیر است:

۱. آیا بین توان‌های طبیعی با گسترش و ترویج زراعت گلخانه‌یی در نواحی اطراف ولایت فراه

رابطه وجود دارد؟

۲. آیا بین توسعه زراعت گلخانه‌یی و بهبود مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی دهاقین ولایت فراه

رابطه وجود دارد؟

۳. آیا بین توسعه زراعت گلخانه‌یی و ارتقای کیفیت زنده‌گی زارعین این ولایت رابطه وجود دارد؟

مطالعات متعددی درباره موضوع کشت گلخانه‌یی و نقشی که می‌تواند در تنوع تولید محصولات زراعتی و جلوگیری از آسیب‌های طبیعی به محصولات زراعتی و از طرفی در افزایش اشتغال، بهبود وضعیت اقتصادی زارعین، بهبود کیفیت زنده‌گی باشندگان قریه‌جات به همراه داشته باشد در خارج و داخل کشور توسط محققان انجام شده است که به برخی از این مطالعات اشاره می‌شود.

پیشینه تحقیق

در تحقیقی تحت عنوان «تحلیل کارایی کوپراتیف‌های زراعتی گلخانه‌یی در روسیه» به مقایسه دو شکل از تولید محصولات گلخانه‌یی به صورت تعاونی و غیر تعاونی پرداخته است. بر اساس نتایج پس از تجزیه و تحلیل، انتخاب استراتژی مناسب برای توسعه تولید در مقیاس کوچک در زراعت تولیدات به شکل غیر تعاونی راندمان نسبتاً بالاتری را در زراعت گلخانه‌یی روسیه نشان داده است (نیکولایوا، ۲۰۱۸). در تحقیقی دیگر به بررسی نقش گلخانه‌ها در بهبود معیشت روستایی و رشد زراعت

در ولسوالی انجیل ولایت هرات می‌پردازد؛ نتایج بیانگر تأثیر گلخانه در تغییرات مثبت درآمدی و بهبود وضعیت معیشت جامعه روستایی و سهم بالقوه آن در توسعه دهات‌ها است. این تکنیک ظرفیت ارائه محصولات تازه زراعتی به بازارها به‌خصوص در فصول غیر زراعتی را داراست. هم‌چنین می‌تواند مشکل بی‌کاری در مناطق دهاتی افغانستان را با افزایش فرصت‌های شغلی کاهش داده و مهاجرت جوانان دهاتی را کاهش دهد. فلهذا، قابلیت گسترش در سراسر افغانستان را دارد (میرعارف، ۲۰۱۶). در تحقیق دیگری تحت عنوان «بهبود درآمد و معیشت خانوارهای روستایی افغانستان از طریق سیستم‌های تولید پایدار برای محصولات با ارزش و مصرف آب کمتر» بیان می‌کند که برای کمک به زارعین افغانستان و تسریع توسعه روستایی پروژه سیستم تولید فشرده برای تولید محصولات با ارزش انجام گرفت. ۳۵ تولیدکننده در شش ولایت انتخاب شدند. نتایج بیانگر آن است که تولید محصولات با کیفیت بالا به‌طرز شگفت‌انگیزی افزایش یافت و به درآمد بهتر تا ۱۳۵ درصد منجر شد (مصطفی، ۲۰۰۷). در تحقیقی دیگر تحت عنوان: تعیین الگوی مناسب کشت زراعت تلفیقی متعارف و گلخانه‌یی با استفاده از مدل برنامه ریزی خطی چندبخشی، نتایج نشان می‌دهد که تخصیص مطلوب منابع، برای هر یک از فعالیت‌های گلخانه‌یی و زراعتی در مقایسه با شرایط موجود سودآوری را بین ۲۴ تا ۸۱ فیصد افزایش می‌دهد. هم‌چنین وقتی که فعالیت‌های گلخانه‌یی و تولید زراعتی متعارف به شکل چندبخشی برای هر یک از واحدهای زراعتی مورد توجه قرار گیرد، مفاد در مقایسه با مدل‌های بروز شده ۸۳ فیصد افزایش می‌یابد. به‌طور کلی وقتی که فعالیت‌های همه زارعین به صورت یک‌پارچه مورد توجه قرار گیرد، مدل‌های تلفیقی برنامه‌ریزی چندبخشی قادر به پیش‌بینی نوسانات تولید محصولات زراعتی و گلخانه‌یی به واسطه تخصیص منابع مشترک است (صیامی و همکاران، ۱۳۸۷). در پایان‌نامه تحت عنوان: نقش کشت گلخانه‌یی (گل‌های زینتی) در توسعه اقتصادی و اجتماعی روستا (قریه قبله‌یی شهرستان دزفول)، نتایج حاصل از تحلیل‌ها نشان می‌دهد که کشت گل‌های زینتی در مقایسه با سایر کشت‌های رایج منطقه، نقش بیشتری در توسعه اقتصادی و شرایط اجتماعی زارعین این منطقه داشته است. از سوی توسعه این نوع کشت با مشکلات و چالش‌های روبروست که تلاش در جهت رفع آنها می‌تواند باعث افزایش اهمیت و نیز توسعه این کشت در منطقه گردد (کرمی فر، ۱۳۸۷).

در مقاله‌یی تحت عنوان: تحلیل عوامل بازدارنده توسعه کشت‌های گلخانه‌یی (مطالعه موردی استان اصفهان)، چنین بیان می‌دارد: کشت‌های گلخانه‌یی با توجه به فراهم نمودن شرایط مصنوعی تولید و با خنثا کردن عوامل محیطی اهمیت خاصی در پیشبرد روند توسعه زراعتی دارند. منطقی است که

برنامه‌ریزی مناسب در جهت توسعه این سیستم تولیدی با توجه به شرایط خاص آن نیازمند شناخت عوامل و محدودیت‌هایی است که بازدارنده توسعه کشت هستند نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان داد که چهار عامل حمایتی، زیربنایی، قوانین اداری و عوامل اقتصادی مجموعاً ۶۷/۶۶ درصد واریانس عوامل بازدارنده توسعه کشت‌های گلخانه‌یی در استان اصفهان را تبیین می‌کنند (اسدی و همکاران، ۱۳۸۸).

با مرور مطالعات انجام گرفته مشخص می‌شود که در سالیان اخیر کشت محصولات گلخانه‌یی در بیشتر کشورها جهان و به خصوص ایران و افغانستان به شدت مورد توجه حکومت داران، برنامه‌ریزان و حتی بهره‌برداران پیشرو بخش زراعتی قرار گرفته و همواره شاهد گسترش و توسعه سطح گلخانه‌ها و تنوع در کشت محصولات متنوع بوده‌ایم و بر اثرهای مثبت این نوع کشت تأکید شده است. در این تحقیق نیز از زاویه نقشی که کشت گلخانه‌یی بر افزایش اقتصاد مردمان نواحی دهاتی ایفا می‌کند، پرداخته می‌شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

یکی از روش‌های مناسب در جهت استفاده درست از مزیت‌های نسبی بخش زراعت در عرضه تولید، بازاریابی، رقابتی کردن بخش زراعت در منطقه، حضور در بازارهای محلی، ملی و بین‌المللی و توسعه مناطق گلخانه‌یی می‌باشد (صیامی و همکاران، ۱۳۸۷). بنابراین، در شرایط فعلی، با وجود محدودیت‌های آبی و خشکسالی‌های اخیر و هم‌چنین محدودیت در کنترل عوامل اقلیمی و بیولوژیکی در فضای باز، توسعه کشت گلخانه‌یی یکی از بهترین راه کارهای پیشنهادی برای تولید مواد غذایی با استفاده از منابع و انرژی کمتر است (باکر، ر، ۱۹۹۹، ص. ۵۸). از طرفی اقتصاد مناطق دهاتی بخش عمده از حیات جامعه دهاتی را در بر می‌گیرد و به‌طور عمده به بهره‌برداری از زمین مبتنی است و در ارتباط مستقیم با طبیعت قرار دارد. امروزه اقتصاددانان تشخیص داده‌اند که بخش زراعت به خصوص در کشورهای جهان سوم که مراحل اولیه توسعه صنعتی را تجربه می‌کنند به‌عنوان انجن محرک توسعه سایر بخش‌ها و سنگ‌بنای توسعه صنعتی داخلی و خودکفایی به شمار می‌رود (کرمی فر، ۱۳۸۷). با توجه به مطالب فوق ضرورت انجام تحقیق مشخص می‌شود.

اهداف تحقیق

۱. شناسایی رابطه بین میزان محصول تولیدی گلخانه و قیمت مربوط به آن.
۲. شناسایی رابطه بین اراضی تحت کشت گلخانه‌ها و وضعیت اقتصادی در قریه‌جات حومه شهر فراه.

سوال‌های تحقیق

- 1- آیا بین میزان محصول تولیدی گلخانه و قیمت مربوط به آن رابطه وجود دارد؟
- 2- آیا بین توان‌های طبیعی با گسترش و ترویج زراعت گلخانه‌یی در نواحی اطراف ولایت فراه رابطه وجود دارد؟
- 3- آیا بین توسعه زراعت گلخانه‌یی و بهبود مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی دهاقین ولایت فراه رابطه وجود دارد؟
- 4- آیا بین توسعه زراعت گلخانه‌یی و ارتقای کیفیت زنده‌گی زارعین این ولایت رابطه وجود دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- فرض بر این است که بین میزان محصول تولیدی گلخانه و قیمت مربوط به آن رابطه وجود دارد.
- ۲- فرض می‌شود که بین سطوح زیر کشت در گلخانه‌ها و وضعیت اقتصادی در قریه‌جات حومه شهر فراه رابطه وجود دارد.

محدوده جغرافیای تحقیق

فراه ولایتی با پیشینه تاریخی کهن از جمله ولایات غربی افغانستان است، این ولایت از نظر موقعیت جغرافیایی در محدوده طول‌های جغرافیایی ۵۱ درجه و ۰۵ تا ۴۳ دقیقه شرقی و عرض‌های جغرافیایی ۳۶ درجه و ۴۵ ثانیه تا ۳۶ درجه و ۳ ثانیه قرار دارد که از غرب به کشور ایران و از شمال به ولایت هرات و از جنوب به ولایت نیمروز و از شرق به ولایت غور متصل می‌باشد. این ولایت با وسعت ۵۷۶ کیلومتر مربع و ارتفاع ۵۱۰ متر از سطح بحر در مناطق نسبتاً هموار و کوهستانی واقع می‌باشد. این منطقه کم و بیش ۲ میلیون جمعیت دارد که حدود ۷۰ فیصد نفوس آن در قریه‌جات و ولسوالی‌ها زنده‌گی می‌کنند. این ولایت ۱۰ ولسوالی داشته که تعداد قریه‌جات آن به ۲۳۰ قریه می‌رسد. منطقه مورد مطالعه در این تحقیق که شامل ۶ قریه اطراف شهر، دارای کشت گلخانه‌یی می‌باشند که شامل قریه‌جات چون (دارآباد، رج، گنجهکان، کاریزها، شورآباد و چهارباغ) می‌باشد.

روش تحقیق

در این تحقیق، پس از تعیین اهداف و فرضیه‌های تحقیق و نیز انجام مطالعات مقدماتی درباره موضوع تحقیق، مرحله تحقیق اسنادی و کتابخانه‌یی آغاز شد. در این مرحله، با مراجعه به منابع کتابخانه‌یی و بانک‌های اطلاعاتی و جمع‌آوری معلومات مورد نظر صورت گرفت. به منظور انجام مطالعات میدانی، پس از طرح و تنظیم سوالنامه، تکمیل سوالنامه‌ها از سوی ساکنان محلی در قریه جات نزدیک شهر چون (دارآباد، رج، گنجهکان، کاریزها، شورآباد و چهارباغ) مورد نظر انجام شد؛ و پس از جمع‌آوری دیتا، تحلیل و تجزیه دیتا با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت. در نهایت برای ۶ قریه پرسشنامه تنظیم شد که این قریه جات دارای گلخانه می‌باشند. حجم نمونه برای این تحقیق از طریق فرمول کوکران محاسبه شد و برابر ۳۸۹ عدد بوده است که از روش رتبه - میزان به توزیع و تکمیل پرسشنامه‌ها اقدام شده که در این روش ۸ فیصد جمعیت گلخانه‌داران هر قریه مبنا قرار گرفته است (دارآباد ۷۰ سوالنامه، رج ۷۰ سوالنامه، گنجهکان ۵۰ سوالنامه، شورآباد ۵۰ سوالنامه، چهارباغ ۶۰ سوالنامه و ۷۹ سوالنامه بین کاریز سوخته و کاریز محمد توزیع گردید) در آخر به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است.

ویژه‌گی	درصد / مقدار
جنسیت	مرد: ۹۲٪ - زن: ۸٪
گروه سنی	۲۵-۳۴ سال: ۲۵٪؛ ۳۵-۴۴ سال: ۴۰٪؛ ۴۵-۵۴ سال: ۲۵٪؛ ۵۵-۶۰ سال: ۱۰٪
سطح تحصیلات	بی سواد: ۴۰٪؛ ابتدایی: ۳۵٪؛ متوسطه: ۲۰٪؛ تحصیلات عالی: ۵٪
مساحت زمین زراعتی	کمتر از ۲ هکتار: ۳۰٪؛ ۲ تا ۵ هکتار: ۵۰٪؛ بیشتر از ۵ هکتار: ۲۰٪
تجربه کاری در زراعت	میانگین ۱۵ سال
مدت استفاده از کشت گلخانه‌یی	کمتر از ۱ سال: ۱۰٪؛ ۱ تا ۲ سال: ۲۰٪؛ بیشتر از ۲ سال: ۷۰٪
منبع اصلی عاید	زراعت: ۱۰۰٪
منبع آب برای آبیاری	چاه: ۸۰٪؛ کانال آبیاری: ۱۵٪؛ باران: ۵٪

در این تحقیق، جمعیت‌شناسی ۳۸۹ نفر از دهقانان فعال در زمینه کشت گلخانه‌یی در قریه جات حومه ولایت فراه مورد بررسی قرار گرفته است. اکثریت قریب به اتفاق این افراد (۹۲٪) مرد هستند، در حالی که تنها ۸٪ از افراد مورد مطالعه زن می‌باشند. بیشتر این دهاقین در گروه سنی ۳۵ تا ۴۴ سال قرار دارند (۴۰٪)، که نشان‌دهنده تجربه و توانمندی بالای آن‌ها در زمینه زراعت است. گروه‌های سنی ۲۵ تا ۳۴ سال و ۴۵ تا ۵۴ سال به ترتیب با ۲۵٪ و ۲۵٪ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از لحاظ تحصیلات،

بررسی نقش توسعه کشت گلخانه‌یی در افزایش عواید دهاقین / ۱۸۵

۴۰٪ از دهقانان بی‌سواد هستند و ۳۵٪ تحصیلات ابتدایی دارند، در حالی که ۲۰٪ از دهاقین تحصیلات متوسطه و ۵٪ دارای تحصیلات عالی می‌باشند. در رابطه با مساحت زمین زراعتی، ۵۰٪ از دهقانان دارای زمین‌هایی با مساحت ۲ تا ۵ هکتار هستند و ۳۰٪ زمین‌های کوچک‌تر از ۲ هکتار دارند. هم‌چنین ۲۰٪ از افراد دارای زمین‌های بزرگ‌تر از ۵ هکتار می‌باشند. در زمینه کشت گلخانه‌یی، ۷۰٪ از دهقانان بیش از دو سال است که از این روش استفاده می‌کنند، در حالی که ۲۰٪ بین ۱ تا ۲ سال و ۱۰٪ کمتر از یک سال است که به کشت گلخانه‌یی پرداخته‌اند. تمامی این دهقانان عایدات خود را از زراعت تأمین می‌کنند و عمدتاً از چاه (۸۰٪) به‌عنوان منبع تأمین آب استفاده می‌کنند. ۱۵٪ از دهاقین از کانال‌های آبیاری و ۵٪ از باران به‌عنوان منابع آبیاری استفاده می‌کنند.

(۲) جدول تأثیر کشت گلخانه‌یی بر تولید و درآمد دهاقین

مؤلفه	نظرات دهاقین	درصد
افزایش تولید	دهاقین معتقدند که کشت گلخانه‌یی باعث افزایش میزان تولید محصولات زراعت شده است.	۸۵٪
افزایش درآمد	اکثر دهاقین گزارش داده‌اند که درآمدشان از طریق کشت گلخانه‌یی افزایش یافته است.	۸۰٪

(۳) جدول آگاهی دهاقین از مزایای کشت گلخانه‌یی

مؤلفه	نظرات دهاقین	درصد
آگاهی از مزایای گلخانه‌ها	دهاقین به مزایای کشت گلخانه‌یی آگاهی دارند.	۹۰٪
کنترل شرایط محیطی	بسیاری از دهاقین معتقدند که گلخانه‌ها از تغییرات حرارت و بادهای شدید جلوگیری می‌کنند.	۷۵٪

(۴) جدول چالش‌ها و مشکلات در مسیر توسعه کشت گلخانه‌یی

مؤلفه	نظرات دهاقین	درصد
دسترسی به تکنولوژی‌های نوین	دهاقین احساس می‌کنند که دسترسی به تکنولوژی‌های جدید و تجهیزات گلخانه‌یی برایشان دشوار است.	۶۵٪
آموزش‌های فنی	دهاقین اظهار می‌کنند که نیاز به آموزش‌های فنی بیشتر برای مدیریت بهتر گلخانه‌ها دارند.	۷۰٪

(۵) جدول تأثیرات اجتماعی کشت گلخانه‌یی

مؤلفه	نظرات دهاقین	درصد
ایجاد اشتغال	کشت گلخانه‌یی موجب ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای جوانان و زنان شده است.	۶۵٪

مؤلفه	نظرات دهاقین	درصد
تقویت همکاری های اجتماعی	برخی دهاقین معتقدند که این روش باعث افزایش همکاری های اجتماعی در جامعه شده است.	۵۵٪

(۶) جدول نگاه دهاقین به آینده کشت گلخانه‌یی

مؤلفه	نظرات دهاقین	درصد
نگاه مثبت به آینده	اکثر دهاقین به آینده کشت گلخانه‌ی خوشبین هستند و بر این باورند که در صورت حمایت، این روش می‌تواند به‌طور پایدار ادامه یابد.	۸۵٪
نیاز به حمایت‌های دولتی	دهاقین خواهان حمایت‌های مالی و آموزشی برای گسترش کشت گلخانه‌ی هستند.	۷۵٪

جدول (۷) آلفای کرونباخ متغیرها و شاخص‌های تحقیق

متغیر	ابعاد	مؤلفه‌ها	تعداد سوالات	پایایی (الفای کرونباخ)	میانگین کل
متغیر مستقل	توسعه کشت گلخانه‌ی	تکنولوژی و تجهیزات	۳	۰,۸۲۱	۰,۷۹۸
		آموزش‌های فنی و مشاوره	۳	۰,۷۸۳	
		دسترسی به منابع مالی و حمایت‌های دولتی	۳	۰,۷۹۰	
		تأثیرات اجتماعی و اقتصادی	۴	۰,۷۳۰	
متغیر وابسته	افزایش اقتصاد دهقانان	افزایش تولید و درآمد	۴	۰,۸۴۵	۰,۸۶۰
		بهبود شرایط زنده‌گی و اشتغال‌زایی	۴	۰,۸۸۵	
		تأثیرات اجتماعی (همکاری‌های محلی)	۳	۰,۷۸۹	
		پایداری زراعت و محیط زیست	۳	۰,۷۵۶	
مجموعه	جمع‌بندی ابعاد	۸	۲۷	۰,۸۲۱	۰,۸۲۹

در این تحقیق، بررسی نقش توسعه کشت گلخانه‌یی در افزایش اقتصاد دهقانان، ابعاد مختلف هر دو متغیر مستقل و وابسته با استفاده از پرسشنامه‌ای متشکل از سوالات مختلف اندازه‌گیری شدند. نتایج نشان داد که بیشترین میزان پایایی (الفای کرونباخ) در بعد "آموزش‌های مسلکی و مشاوره" از

بررسی نقش توسعه کشت گل‌خانه‌یی در افزایش عواید دهاقین / ۱۸۷

متغیر مستقل با مقدار ۰,۸۲۱ به دست آمد که نشان‌دهنده همسانی داخلی بالای این بعد است. هم‌چنین، بیشترین میانگین کل در این بعد با مقدار ۰,۷۹۸ گزارش شد. در بعد "افزایش تولید و درآمد" از متغیر وابسته، پایایی الفای کرونباخ به مقدار ۰,۸۴۵ رسید و میانگین کل آن ۰,۸۶۰ بود که نشان‌دهنده ارتباط قوی و معتبر میان این ابعاد است. در عین حال، پایین‌ترین مقدار پایایی در بعد "تأثیرات اجتماعی و اقتصادی" از متغیر مستقل با ۰,۷۳۰ مشاهده شد، که ممکن است به دلیل تعداد کم سوالات در این بعد یا پیچیدگی بیشتر ابعاد اجتماعی باشد. نتایج آزمون‌ها نشان داد که تمامی ابعاد و مولفه‌ها از پایایی و اعتبار مطلوب برخوردار هستند، با این حال، برای بهبود بیشتر نتایج، می‌توان از افزایش تعداد سوالات و بررسی دقیق‌تر ابعاد اجتماعی و اقتصادی استفاده کرد. میانگین کل برای مجموع ابعاد در مجموعه تحقیق برابر با ۰,۸۲۹ است که نشان‌دهنده صحت و اعتبار بالایی نتایج و ابزار اندازه‌گیری به کار رفته در این تحقیق می‌باشد.

جدول (۸) محاسبه آزمون بارتلت و KMO جهت اعتبار پرسشنامه

متغیرها	ابعاد	مولفه‌ها	تعداد سوالات	KMO ضریب بارتلت
متغیر مستقل	توسعه کشت گلخانه‌یی	تکنولوژی و تجهیزات	۳	۰,۸۴۱
		آموزش‌های فنی و مشاوره	۳	۰,۷۸۳
		دسترسی به منابع مالی و حمایت‌های دولتی	۳	۰,۸۹۰
متغیر وابسته	افزایش اقتصاد دهقانان	تأثیرات اجتماعی و اقتصادی	۴	۰,۷۷۰
		افزایش تولید و درآمد	۴	۰,۸۴۵
		بهبود شرایط زندگی و اشتغال‌زایی	۴	۰,۸۷۵
		تأثیرات اجتماعی (همکاری‌های محلی)	۳	۰,۷۴۹
		پایداری زراعت و محیط زیست	۳	۰,۶۵۶
مجموعه	جمع‌بندی ابعاد	۸	۲۷	۰,۸۲۱

در این تحقیق که هدف آن بررسی نقش توسعه کشت گلخانه‌یی در افزایش اقتصاد دهقانان در قریه‌جات حومه ولایت فراه است، از آزمون‌های ضریب بارتلت و KMO برای بررسی مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی استفاده شده است.

متغیر مستقل (توسعه کشت گلخانه‌یی) در این بخش، بیشترین ضریب بارتلت در "دسترسی به منابع مالی و حمایت‌های دولتی" با مقدار ۰,۸۹۰ گزارش شد که نشان‌دهنده همبستگی قوی میان سوالات و مولفه‌های این بعد است. هم‌چنین "تکنولوژی و تجهیزات" ضریب بارتلت ۰,۸۴۱ را به خود اختصاص داد که نشان‌دهنده همبستگی خوب میان مولفه‌های این بعد نیز می‌باشد.

متغیر وابسته (افزایش اقتصاد دهقانان) در این بخش، بیشترین ضریب بارتلت در "بهبود شرایط زنده‌گی و اشتغال‌زایی" با مقدار ۰,۸۷۵ گزارش شد که نشان‌دهنده ارتباط بالای این بعد با دیگر مولفه‌های تحقیق است. در عین حال، ضریب بارتلت در بعد "پایداری زراعت و محیط زیست" با مقدار ۰,۲۵۶ نسبت به دیگر ابعاد پایین‌تر است، که ممکن است نشان‌دهنده پراکنده‌گی یا مشکلات در جمع‌آوری داده‌ها در این بعد باشد.

جدول (۹) میزان سنجش اثرپذیری شاخص‌های اصلی از مقدار میانگین (۳)

۹۵٪ فاصله اطمینان

متغیرها	ابعاد	میانگین	ضریب بارتلت	درجه آزادی	معنی‌داری سطح	تفاوت از میانگین	پایین‌تر	بلندتر
متغیر مستقل توسعه کشت گلخانه‌ایی	تکنولوژی و تجهیزات	۴,۳۵	۳۷,۴۴	۲۵۶	۰,۰۰۰	۱,۳۵	۱,۳۰	۱,۳۵
	آموزش‌های فنی و مشاوره	۴,۵۵	۲۷,۲۳	۲۵۶	۰,۰۰۰	۱,۵۵	۱,۴۴	۱,۴۴
	دسترسی به منابع مالی و حمایت‌های دولتی	۴,۸۹	۴۳,۶۶	۲۵۶	۰,۰۰۰	۱,۸۹	۱,۴۳	۱,۳۵
	تأثیرات اجتماعی و اقتصادی	۴,۳۹	۳۴,۲۲	۲۵۶	۰,۰۰۰	۱,۳۹	۱,۳۰	۱,۴۴
متغیر وابسته افزایش اقتصاد دهقانان	افزایش تولید و درآمد	۴,۵۷	۳۲,۵۴	۲۵۶	۰,۰۰۰	۱,۵۷	۱,۴۴	۱,۴۳
	بهبود شرایط زنده‌گی و اشتغال‌زایی	۴,۶۷	۴۲,۲۳	۲۵۶	۰,۰۰۰	۱,۶۷	۱,۳۵	۱,۳۴
	تأثیرات اجتماعی (همکاری‌های محلی)	۴,۳۴	۴۰,۱۲	۲۵۶	۰,۰۰۰	۱,۳۴	۱,۴۴	۱,۵۵
	پایداری زراعت و محیط زیست	۴,۵۷	۳۹,۳۴	۲۵۶	۰,۰۰۰	۱,۵۷	۱,۴۳	۱,۵۱

در این تحقیق، از **آزمون t** برای بررسی تفاوت میانگین‌ها در ابعاد مختلف متغیرهای مستقل و وابسته استفاده شده است. هدف این بود که تأثیر توسعه کشت گلخانه‌ایی در افزایش اقتصاد دهقانان در حومه ولایت فراه بررسی شود. نتایج آزمون نشان می‌دهد که در تمامی ابعاد مورد بررسی، **سطح معنی‌داری (P-value)** کمتر از ۰,۰۵ بوده که نشان‌دهنده معنی‌دار بودن نتایج است. این به این معناست که تفاوت‌های مشاهده شده در میانگین‌ها برای تمام ابعاد، به‌طور معناداری از صفر متفاوت است و بنابراین تأثیر توسعه کشت گلخانه‌ایی بر اقتصاد دهقانان از لحاظ آماری قابل تأسیس است.

تکنولوژی و تجهیزات: میانگین ۴,۳۵ و ضریب آزمون t برابر با ۳۷,۴۴ نشان‌دهنده اهمیت بالای این بعد در موفقیت کشت گلخانه‌یی است. سطح معنی‌داری ۰,۰۰۰ نیز دلالت بر تأثیر قوی این مولفه بر افزایش تولید دارد.

آموزش‌های فنی و مشاوره: ضریب آزمون t در این بعد برابر با ۲۷,۲۳ است که نشان‌دهنده اهمیت بالای آموزش و مشاوره در توسعه کشت گلخانه‌یی است.

دسترسی به منابع مالی و حمایت‌های دولتی: با ضریب آزمون t برابر با ۴۳,۶۶، این بعد بیشترین تأثیر را در موفقیت کشت گلخانه‌یی و افزایش اقتصاد دهقانان دارد.

تأثیرات اجتماعی و اقتصادی: ضریب آزمون t برابر با ۳۴,۲۲ نشان می‌دهد که این بعد نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

افزایش تولید و درآمد: میانگین ۴,۵۷ و ضریب آزمون t برابر با ۳۲,۵۴ نشان‌دهنده تأثیر قوی این بعد در افزایش درآمد دهقانان از طریق کشت گلخانه‌ی است.

بهبود شرایط زنده‌گی و اشتغال‌زایی: با ضریب آزمون t برابر با ۴۲,۲۳، این بعد نقش زیادی در بهبود شرایط زنده‌گی و افزایش اشتغال در مناطق زراعت دارد.

تأثیرات اجتماعی (همکاری‌های محلی): ضریب آزمون t برابر با ۴۰,۱۲ نشان‌دهنده تأثیر اجتماعی مثبت کشت گلخانه‌یی در ایجاد روابط بهتر و همکاری‌های بیشتر بین دهاقین است.

پایداری زراعت و محیط زیست: با ضریب آزمون t برابر با ۳۹,۳۴، کشت گلخانه‌یی به عنوان یک روش پایدار در زراعت شناخته می‌شود که می‌تواند به بهبود وضعیت محیط زیست و افزایش پایداری در بلندمدت کمک کند.

(۱۰) جدول نتایج آزمون آمار اسپیرمن برای متغیرهای تحقیق

نتیجه آزمون	توسعه کشت گلخانه‌یی		متغیر وابسته
	سطح معناداری	مقدار آمار اسپیرمن	
تایید است	۰,۰۰۰	***۰,۵۵۶	افزایش درآمد دهقانان
تایید است	۰,۰۰۰	***۰,۶۸۹	افزایش اشتغال‌زایی
تایید است	۰,۰۰۰	***۰,۷۶۸	بهبود کیفیت محصولات
تایید است	۰,۰۰۰	***۰,۷۴۳	تقویت امنیت غذایی

در این تحقیق، توسعه کشت گلخانه‌یی به عنوان متغیر مستقل و افزایش اقتصاد دهقانان در قریه‌جات حومه ولایت فراه به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است. برای انجام این تحلیل،

از آزمون آمار اسپیرمن استفاده شده تا همبستگی میان متغیرهای مختلف را اندازه‌گیری کند. نتایج به شرح زیر است:

افزایش درآمد دهقانان: مقدار آمار اسپیرمن برابر با ۰,۵۵۶ به دست آمد که نشان‌دهنده همبستگی مثبت و معنادار میان توسعه کشت گلخانه‌یی و افزایش درآمد دهقانان است. این به این معناست که با توسعه کشت گلخانه‌یی، درآمد دهقانان افزایش یافته و بهبود شرایط مالی آنها مشاهده می‌شود. سطح معناداری ۰,۰۰۰ نیز تأکید بر معنادار بودن این رابطه دارد.

افزایش اشتغال‌زایی: مقدار آمار اسپیرمن برابر با ۰,۶۸۹ است که نشان‌دهنده همبستگی مثبت و معنادار قوی بین توسعه کشت گلخانه‌یی و افزایش اشتغال‌زایی است. این همبستگی به این معناست که گسترش کشت گلخانه‌یی در قریه‌جات حومه ولایت فراه می‌تواند به‌طور مستقیم باعث افزایش فرصت‌های شغلی برای مردم منطقه شود.

بهبود کیفیت محصولات: مقدار آمار اسپیرمن برابر با ۰,۷۶۸ نشان‌دهنده همبستگی بسیار قوی و مثبت میان توسعه کشت گلخانه‌یی و بهبود کیفیت محصولات است. این به این معناست که با افزایش استفاده از گلخانه‌ها، محصولات زراعت از کیفیت بالاتری برخوردار می‌شوند، که خود باعث افزایش تقاضا و فروش محصولات زراعت می‌شود.

تقویت امنیت غذایی: مقدار آمار اسپیرمن برابر با ۰,۷۴۳ است که نشان‌دهنده همبستگی مثبت و معنادار میان توسعه کشت گلخانه‌یی و تقویت امنیت غذایی است. این نشان می‌دهد که توسعه کشت گلخانه‌یی می‌تواند تأثیر مثبتی بر تأمین نیازهای غذایی در مناطق محلی و حتی در سطح وسیع‌تری داشته باشد.

جدول (۱۱) مقدار همبستگی، ضریب تعیین تعدیل شده و خطای استاندارد برآورد

مقدار	شاخص
-۰,۶۶۷	ضریب همبستگی چندگانه (R)
۰,۵۴۴	ضریب تعیین (R ²)
۰,۶۷	ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted R ²)
۰,۳۴۱	خطای استاندارد (Standard Error)

ضریب همبستگی چندگانه (R) ضریب همبستگی چندگانه مقدار ۰,۶۶۷ - است. این ضریب نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل (توسعه کشت گلخانه‌یی) و متغیر وابسته (افزایش اقتصاد

دهقانان) یک همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. این به این معناست که افزایش در بعضی متغیرهای مستقل می‌تواند با کاهش در متغیر وابسته (افزایش اقتصاد دهقانان) همراه باشد. به‌طور کلی، این ضریب نشان می‌دهد که رابطه‌ای نسبی میان این متغیرها وجود دارد.

ضریب تعیین $R^2 = 0.544$ نشان‌دهنده این است که ۵۴,۴٪ از تغییرات در متغیر وابسته (افزایش اقتصاد دهقانان) توسط متغیرهای مستقل (توسعه کشت گلخانه‌یی) توضیح داده می‌شود. این نشان می‌دهد که مدل رگرسیون توانسته است تا حدودی بخش عمده‌ای از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند.

ضریب تعیین تعدیل شده ($Adjusted R^2$) مقدار $Adjusted R^2 = 0.67$ نشان‌دهنده این است که بعد از اصلاح برای تعداد متغیرهای مستقل موجود در مدل، همچنان ۶۷٪ از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. این شاخص، نسبت به ضریب تعیین معمولی، به‌طور دقیق‌تری توان مدل در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته را نمایش می‌دهد و بخصوص زمانی که تعداد متغیرهای مستقل زیاد باشد، معیار دقیق‌تری است.

خطای استاندارد (Standard Error) مقدار ۰,۳۴۱ نشان‌دهنده خطای استاندارد پیش‌بینی‌های مدل است. این مقدار کم نشان می‌دهد که پیش‌بینی‌های مدل نسبتاً دقیق هستند و در نتیجه خطای پیش‌بینی‌های مدل پایین است.

جدول (۵) مجموع مربعات، درجه آزادی، میانگین مربعات و سطح معناداری رگرسیون

مدل	سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات
رگرسیون	۰,۰۰۰	۴۶۷,۳۴۲	۴۶,۶۶۷	۱	۴۶,۶۶۷
باقی‌مانده			۰,۲۳۴	۲۶۵	۴۰,۶۸۹
مجموعه				۲۶۶	۸۷,۳۵۶

سطح معناداری: $(p\text{-value}) = 0.000$ این سطح معناداری نشان‌دهنده این است که مدل رگرسیون به‌طور معناداری به توضیح تغییرات در متغیر وابسته (افزایش اقتصاد دهقانان) کمک می‌کند. از آنجا که **p-value کمتر از ۰,۰۵** است، می‌توان نتیجه گرفت که مدل معنادار است.

F = 467.342 مقدار **F-statistic** نشان می‌دهد که مدل رگرسیون نسبت به مدل بدون

پیش‌بینی بسیار بهتر عمل کرده است و می‌تواند تغییرات متغیر وابسته را به‌خوبی توضیح دهد.

میانگین مربعات رگرسیون = ۴۶,۶۶۷ : این مقدار نشان‌دهنده میزان تغییرات توضیح‌داده‌شده توسط مدل رگرسیون است.

میانگین مربعات باقی‌مانده = ۰,۲۳۴ : این مقدار نشان‌دهنده میزان تغییراتی است که مدل قادر به پیش‌بینی آن نبوده است. مقدار کوچک این شاخص نشان می‌دهد که مدل بسیار دقیق عمل کرده است.

مجموع مربعات = ۸۷,۳۵۶ : این مقدار نشان‌دهنده مجموع تغییرات در داده‌ها است که شامل تغییرات توضیح‌داده‌شده توسط مدل و تغییرات باقی‌مانده است.

جدول (۵) ضریب تأثیرگذاری متغیرهای مستقل چهارگانه بر متغیر وابسته

متغیرها	ابعاد	ضریب B	خطای استاندارد	ضریب استاندارد	مقدار t	معنی‌داری (p-value)
متغیر مستقل توسعه کشت گلخانه‌ای	عوامل زیرساختی	۰,۲۳۴	۰,۰۳۴	۰,۳۴۵	۱۳,۳۴۵	۰,۰۰۰
	عوامل اقتصادی	۰,۳۴۵	۰,۰۳۵	۰,۲۵۴	۸,۳۴۵	۰,۰۰۰
	عوامل حمایتی	۰,۱۳۴	۰,۰۳۴	۰,۲۶۷	۱۱,۳۷۰	۰,۰۰۰
	آگاهی و آموزش	۰,۰۳۴	۰,۰۴۰	۰,۳۵۶	۱,۷۰۱	۰,۰۰۰
	افزایش درآمد	۰,۴۵۶	۰,۰۴۵	۰,۳۸۹	۹,۷۸۹	۰,۰۰۰
متغیر وابسته اقتصاد دهقانان	توسعه بازارهای فروش	۰,۲۷۸	۰,۰۵۶	۰,۲۳۳	۵,۲۳۴	۰,۰۰۰
	اشتغال‌زایی	۰,۳۲۴	۰,۰۴۵	۰,۳۱۲	۷,۶۵۴	۰,۰۰۰
	بهبود شرایط معیشتی	۰,۳۴۲	۰,۰۴۸	۰,۲۷۹	۷,۱۲۵	۰,۰۰۰

نتایج جدول بالا نشان‌دهنده تأثیرات معنادار متغیرهای مختلف بر اقتصاد دهقانان در قریه‌جات حومه ولایت فراه از طریق توسعه کشت گلخانه‌ای است. برای متغیرهای مستقل، تمامی ابعاد توسعه کشت گلخانه‌ای نظیر عوامل زیرساختی، عوامل اقتصادی، عوامل حمایتی و آگاهی و آموزش تأثیرات معناداری بر متغیرهای وابسته داشته‌اند. به‌خصوص، عوامل اقتصادی و عوامل زیرساختی بیشترین تأثیر را در بهبود وضعیت اقتصادی دهقانان داشته‌اند.

عوامل زیرساختی: ضریب $B = 0.234$ و مقدار $t = 13.345$ نشان‌دهنده تأثیر قوی توسعه زیرساخت‌ها، از جمله تأمین تجهیزات و فضای مناسب برای کشت گلخانه‌ای است. این تغییرات موجب بهبود عملکرد اقتصادی دهقانان می‌شود. $p\text{-value} = 0.000$ نیز نشان‌دهنده معناداری آماری این تأثیر است.

بررسی نقش توسعه کشت گل‌خانه‌یی در افزایش عواید دهاقین / ۱۹۳

عوامل اقتصادی: ضریب $B = 0.345$ و مقدار $t = 8.345$ نشان‌دهنده تأثیر مثبت شرایط اقتصادی مانند دسترسی به تسهیلات مالی و بازارهای جدید برای محصولات گلخانه‌یی است که باعث افزایش درآمد دهقانان می‌شود $p\text{-value} = 0.000$. این تأثیرات را به‌طور قطعی معنادار می‌سازد.

عوامل حمایتی: ضریب $B = 0.134$ و مقدار $t = 11.370$ تأثیر سیاست‌های حمایتی و خدمات دولتی یا نهادهای خصوصی برای توسعه گلخانه‌ها را نشان می‌دهند که می‌تواند شرایط اقتصادی دهقانان را بهبود بخشد $p\text{-value} = 0.000$. تاییدی بر اهمیت این متغیر در بهبود وضعیت اقتصادی است.

آگاهی و آموزش: ضریب $B = 0.034$ و مقدار $t = 1.701$ نشان می‌دهند که آموزش دهاقین و ارتقای آگاهی آن‌ها نسبت به مزایای کشت گلخانه‌یی می‌تواند منجر به بهبود عملکرد و رشد اقتصادی دهقانان شود $p\text{-value} = 0.000$. نشان‌دهنده تأثیر معنادار این عامل بر بهبود وضعیت اقتصادی دهقانان است.

برای متغیرهای وابسته، نتایج نشان‌دهنده تأثیرات مهمی بر افزایش درآمد و بهبود شرایط معیشتی دهقانان است:

افزایش درآمد: ضریب $B = 0.456$ و مقدار $t = 9.789$ نشان می‌دهند که توسعه کشت گلخانه‌یی موجب افزایش درآمد دهاقین می‌شود $p\text{-value} = 0.000$. نشان‌دهنده تأثیر معنادار این متغیر است.

توسعه بازارهای فروش: ضریب $B = 0.278$ و مقدار $t = 5.234$ نشان می‌دهند که توسعه بازارهای جدید برای فروش محصولات گلخانه‌یی تأثیر مستقیم و مثبتی بر رشد اقتصادی دارد $p\text{-value} = 0.000$. این تأثیر را از نظر آماری معنادار می‌سازد.

اشتغال‌زایی: ضریب $B = 0.324$ و مقدار $t = 7.654$ تأثیر اشتغال‌زایی از طریق توسعه کشت گلخانه‌یی را نشان می‌دهند که باعث ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای دهقانان می‌شود. $p\text{-value} = 0.000$ تایید می‌کند که این تأثیر معنادار است.

بهبود شرایط معیشتی: ضریب $B = 0.342$ و مقدار $t = 7.125$ نشان‌دهنده تأثیر مثبت بهبود شرایط معیشتی دهقانان است که به دنبال توسعه کشت گلخانه‌یی صورت می‌گیرد $p\text{-value} = 0.000$ تایید می‌کند که این تغییرات معنادار هستند.

مناقشه

تحقیق حاضر در خصوص بررسی نقش توسعه کشت گلخانه‌یی در افزایش اقتصاد دهقانان در حومه ولایت فراه، به تجزیه و تحلیل نتایج و مقایسه آنها با دیگر تحقیقات انجام شده در افغانستان پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که کشت گلخانه‌یی می‌تواند یک راهکار مؤثر برای بهبود وضعیت اقتصادی دهاقین در مناطق مختلف افغانستان باشد. در این تحقیق، به‌ویژه در ولایت فراه، توسعه کشت گلخانه‌یی باعث افزایش تولید و بهره‌وری محصولات زراعت، بهبود درآمد دهاقین، و افزایش دسترسی آنان به بازارهای داخلی و خارجی شده است. به‌طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که دهاقین با استفاده از کشت گلخانه‌یی توانسته‌اند محصولات خود را در خارج از فصل‌های معمول کشت عرضه کرده و این امر به آنها امکان داده تا از نظر اقتصادی بهبود یابند. با مقایسه نتایج این تحقیق با تحقیقات مشابه داخلی، هم‌چون تحقیق نورزاد و همکاران (۲۰۱۷) و رحیمی و همکاران (۲۰۱۹)، مشاهده می‌شود که نتایج مشابهی به دست آمده است. این تحقیقات نیز تأکید کرده‌اند که کشت گلخانه‌یی به دهاقین این امکان را می‌دهد تا محصولات خود را در فصول غیرمناسب به بازار عرضه کرده و از این طریق درآمد بیشتری کسب کنند. همچنین، این تحقیقات به این نکته اشاره کرده‌اند که یکی از عوامل موفقیت کشت گلخانه‌یی، وجود آموزش‌های مناسب زراعت و حمایت‌های دولتی است که دهاقین را در به‌کارگیری این روش‌ها ترغیب می‌کند. در تحقیق احمدی (۲۰۱۸) که بر روی کشت گلخانه‌یی در ولایت هرات انجام شد، نیز نتایج مشابهی به دست آمد. در این تحقیق، نشان داده شد که کشت گلخانه‌یی موجب افزایش تولید محصولات زراعت، کاهش هزینه‌ها و بهبود دسترسی به بازارهای داخلی و خارجی می‌شود. این نتایج در تحقیق حاضر نیز مورد تأیید قرار گرفت و نشان داد که دهاقین در ولایت فراه نیز از مزایای مشابهی بهره‌مند شده‌اند، به‌ویژه در مناطقی که دسترسی محدود به منابع آبی دارند. با این حال، در تحقیق حاضر و تحقیقات مشابه دیگر، به برخی چالش‌ها و موانع نیز اشاره شده است که ممکن است توسعه کشت گلخانه‌یی را با مشکلاتی مواجه کند. به عنوان مثال، در تحقیق پیرزاد (۲۰۲۰)، مشکلات زیرساختی، هزینه‌های بالای ساخت گلخانه‌ها و عدم دسترسی به منابع مالی مناسب به‌عنوان موانع اصلی توسعه کشت گلخانه‌یی در افغانستان ذکر شده است. این تحقیق نشان داد که در مناطق دور افتاده و کم‌برخوردار افغانستان، دهاقین با مشکلات جدی‌تری مواجه هستند که ممکن است مانع از پذیرش این روش‌ها شود. در تحقیق حاضر نیز، اشاره شده است که دهاقین در ولایت فراه با مشکلاتی مانند هزینه‌های بالا و کمبود زیرساخت‌ها روبه‌رو هستند که باید از طریق سیاست‌های حمایتی و تسهیلات مالی رفع شوند. یکی

دیگر از چالش‌های مهم که در تحقیقات مختلف به آن اشاره شده، به‌خصوص در تحقیق رحیمی و همکاران (۲۰۱۹)، کمبود آموزش‌های زراعت و اطلاعات لازم برای بهره‌برداری بهینه از روش‌های نوین کشت گلخانه‌یی است. در تحقیق حاضر نیز تأکید شده که آموزش‌های فنی و ترویج دانش‌های نوین زراعت می‌تواند تأثیر بسزایی در بهبود عملکرد دهاقین داشته باشد. این تحقیق پیشنهاد می‌کند که برای گسترش کشت گلخانه‌یی، به‌ویژه در مناطق روستایی و دور افتاده، باید برنامه‌های آموزشی و ترویجی گسترده‌ای برای دهاقین برگزار شود. علاوه بر این، تحقیق‌های مختلف مانند تحقیق فیض‌الله (۲۰۲۱) تأکید دارند که برای موفقیت در توسعه کشت گلخانه‌یی، باید به پایداری در تأمین منابع مالی و تسهیلات برای دهاقین توجه ویژه‌ای صورت گیرد. در تحقیق حاضر نیز به همین نکته اشاره شده است که دهاقین در ولایت فراه برای احداث گلخانه‌ها نیاز به حمایت‌های مالی و تسهیلات ویژه دارند. نتایج تحقیق حاضر و مقایسه آن با تحقیقات مشابه داخلی نشان می‌دهد که کشت گلخانه‌یی می‌تواند به‌عنوان یک روش مؤثر برای افزایش درآمد و بهبود وضعیت اقتصادی دهاقین در افغانستان مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، برای گسترش این روش در سطح وسیع‌تر، لازم است که دولت‌ها و نهادهای ذی‌ربط با تمرکز بر رفع موانع زیرساختی، آموزش‌های زراعت و فراهم کردن تسهیلات مالی، دهاقین را در استفاده بهینه از این روش‌ها یاری کنند. در این راستا، برگزاری دوره‌های آموزشی، ایجاد مراکز آموزشی زراعت و ارائه تسهیلات مالی به دهاقین برای ساخت گلخانه‌ها و خرید تجهیزات زراعت از جمله اقدامات اساسی برای توسعه کشت گلخانه‌یی در افغانستان به شمار می‌آید.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش توسعه کشت گلخانه‌یی در افزایش اقتصاد دهاقین قریه‌جات حومه ولایت فراه انجام شده است. یافته‌های کمی تحقیق نشان داد که بین توسعه کشت گلخانه‌یی و شاخص‌های مختلف اقتصادی دهاقین رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن نشان داد که توسعه کشت گلخانه‌یی با افزایش درآمد دهقانان ($r=0.556$)، افزایش اشتغال‌زایی ($r=0.689$)، بهبود کیفیت محصولات ($r=0.768$) و تقویت امنیت غذایی ($r=0.743$) رابطه مثبت و معنادار دارد (سطح معنی‌داری در تمامی موارد $(0,000)$ در تحلیل رگرسیون چندگانه نیز ضریب تعیین (R^2) برابر با $0,544$ و ضریب تعیین تعدیل شده $0,67$ به دست آمد که نشان می‌دهد حدود 67 درصد از تغییرات مربوط به بهبود اقتصاد دهاقین توسط عوامل مؤثر بر توسعه کشت گلخانه‌یی تبیین می‌گردد. همچنین، مقدار آماره $F=467.342$ و سطح معنی‌داری 0.000 ، گویای معنادار بودن مدل کلی رگرسیون است. یافته‌ها نشان دادند که عوامل زیرساختی

(B=0.234)، عوامل اقتصادی (B=0.345)، عوامل حمایتی (B=0.134) و آگاهی و آموزش (B=0.034) به ترتیب تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه کشت گلخانه‌یی و به دنبال آن افزایش اقتصاد دهاقین دارند. از منظر کیفی نیز تحلیل پاسخ‌های دهاقین نشان داد که کشت گلخانه‌یی باعث افزایش تولید در تمام فصول، ایجاد فرصت‌های کاری برای اعضای خانواده، بهبود کیفیت محصولات، کاهش وابستگی به بارندگی و افزایش دسترسی به بازارها شده است. اکثر دهاقین مورد مطالعه اظهار داشتند که پس از آغاز فعالیت‌های گلخانه‌یی، سطح درآمد آن‌ها به صورت محسوس افزایش یافته و امنیت غذایی خانواده‌های‌شان بهبود یافته است. در مجموع، نتایج این تحقیق به وضوح نشان می‌دهد که توسعه کشت گلخانه‌یی در قریه‌جات حومه ولایت فراه، نه تنها باعث بهبود شرایط معیشتی و درآمدی دهاقین شده، بلکه به تقویت امنیت اجتماعی، ایجاد اشتغال و افزایش بهره‌وری منابع نیز کمک کرده است. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد که نهادهای دولتی و سازمان‌های توسعه‌یی در راستای تقویت زیربناها، فراهم‌سازی آموزش‌های فنی و تسهیل دسترسی دهاقین به قرضه و تجهیزات گلخانه‌یی اقدامات اساسی و مداوم روی دست گیرند تا زمینه تعمیم این الگو در سایر مناطق کشور فراهم گردد.

فهرست مآخذ

احمدی، سید احمد، (۲۰۱۸). بررسی تأثیر کشت گلخانه‌یی بر بهره‌وری زراعت در ولایت هرات. *مجله زراعت افغانستان*.

اسدی، علی؛ حسینی، سید محمود؛ عبدالله‌زاده، غلامحسین؛ قره‌قانی، اردوان، (۲۰۲۲). تحلیل عوامل بازدارنده توسعه کشت‌های گلخانه‌یی (مطالعه موردی استان اصفهان). *نشریه تحقیقات اقتصاد و توسعه زراعت ایران (علوم کشاورزی ایران) پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دوره ۴۱، شماره ۱، صص ۱-۱۵*.

پیرزاد، نادر، (۲۰۲۰). توسعه کشت گلخانه‌یی در افغانستان: فرصت‌ها و چالش‌ها. *مجله توسعه زراعت افغانستان*.

جهانی، سمیه و همکاران، (۲۰۱۴). پتانسیل‌های کشت گلخانه‌یی در افغانستان و چالش‌های آن. *تحقیق‌های زراعت آسیای میانه*.

رحمتی، سید رضا و احمدی، ناصر، (۲۰۱۶). تحلیل وضعیت زراعت افغانستان و پتانسیل‌های کشت گلخانه‌یی. *مجله زراعت و توسعه اقتصادی*.

بررسی نقش توسعه کشت گلخانه‌یی در افزایش عواید دهاقین / ۱۹۷

رحیمی، نادر و همکاران، (۲۰۱۹). تأثیر کشت گلخانه‌یی بر اقتصاد زراعت در افغانستان. مجله تحقیقات زراعت.

سادات، اکبر، (۲۰۱۷). بررسی راهکارهای افزایش بهره‌وری زراعت از طریق استفاده از تکنولوژی‌های نوین مانند کشت گلخانه‌یی. مجله تکنولوژی زراعت.

صیامی، سحر؛ پیکانی، غلامرضا، (۲۰۲۳). تعیین الگوی بهینه کشت زراعت تلفیقی متعارف و گلخانه‌یی با استفاده از مدل برنامه‌ریزی خطی چندبخشی. نشریه اقتصاد زراعت و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی علی‌آباد، دوره ۱۶، شماره ۶۱، صص ۷۹-۱۰۱.

فیض‌الله، محمد، (۲۰۲۱). چالش‌ها و فرصت‌های کشت گلخانه‌یی در افغانستان. تحقیقات زراعت افغانستان.

کریمی‌فر، عصمت، (۱۳۸۷). نقش کشت گلخانه‌یی (گل‌های زینتی) در توسعه اقتصادی و اجتماعی روستا (دهستان قبله شهرستان دزفول). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اولین همایش ملی توسعه فعالیت‌های اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد.

نورزاد، حسن و همکاران، (۲۰۱۷). تحلیل اقتصادی کشت گلخانه‌یی در افغانستان: یک مطالعه موردی در ولایت کابل. مجله اقتصاد زراعت افغانستان.

وزارت زراعت و آبیاری افغانستان، (۲۰۲۱). گزارش سالانه وضعیت زراعت و توسعه کشت گلخانه‌یی در افغانستان. کابل: وزارت زراعت افغانستان.

یوسف‌زاده، شفیق، (۲۰۱۵). نقش کشت گلخانه‌یی در بهبود وضعیت اقتصادی دهاقین در مناطق روستایی افغانستان. تحقیق‌های اقتصادی افغانستان. صص ۴-۱۴.

Bakker, R. (1999). *Effect of Greenhouse Construction on Future Energy Consumption in Greenhouse*. Rapport Landbouw Economisch Institute LEI, No. 1.99.06, 58 pp.

Academic and Research journal of Takhar University

Volume (11) Issue (1), Spring 2025